

**گلچین ترجمه  
فارسی دری  
صحیح البخاری**

[شامل بیشتر از ۱۹۰۰ حدیث]

مؤلف:

محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۴ - ۲۵۶) ق

مترجم:

عبدالعلی نورا حراری

انتخاب و تقدیم:

احمد شفیق شبنم

مجانی توزیع شود.

# شاسامه

نام کتاب: گلچین ترجمه فارسی دری صمیع البفاری  
مؤلف: محمد بن اسماعیل بفاری (۱۹۴ - ۲۵۶) ق  
مترجم: عبدالعلی نور امراری  
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱ هجری قورشیدی  
به کوشش: احمد شفیق شبنم



با حمد فدای یکتا و بی همتا و درود بی پایان بر بهترین عالم آنحضرت ﷺ  
این مجموعه گرانبها را با نهایت امانتداری، بدون تغییر از اصل متن ترجمه و  
با ذکر شماره حدیث مطابق اصل به همزبانان گرانقدرم دور از هرگونه تعصب  
مذهبی، زبانی و امثال آن تقدیم داشته، استدعای دعای خیر دارم.

احمد شفیق شبینم

اکت ۱۴۰۱هـ



## فهرست مطالب

- پیشگفتار.....۷
- مقابله‌ی متون: .....۷
- اصلوب ترجمه .....۸
- مقدمه مترجم .....۹
- معرفی صحیح البخاری: .....۱۱
- سیر و تدوین حدیث .....۱۲
- اهمیت صحیح بخاری: .....۱۴
- شرایط «شیخین» در اخذ و قبول حدیث: .....۱۴
- معرفی امام بخاری: .....۱۵
- عزیمت حج: .....۱۶
- روش تحقیقی امام بخاری: .....۱۶
- مناقب امام بخاری: .....۱۶
- ستایش امام بخاری از زبان استادانش: .....۱۹
- توصیف امام بخاری از قول یاران و اتباع او: .....۲۰

قوت حافظه و روانی ذهن امام بخاری:	۲۰
دوران رنج و محنت:	۲۳
بازگشت امام بخاری به بخارا و وفات وی:	۲۳
جلد اول	۲۷
جلد دوم	۶۵
جلد سوم	۱۱۹
جلد چهارم	۱۸۳
جلد پنجم	۲۰۷
جلد ششم	۲۳۹
جلد هفتم	۳۲۱

برای فهرست مفصل لطفا به اخیر کتاب مراجعه کنید.

## پیشگفتار

صحیح البخاری صحیح‌ترین کتاب بعد از قرآن می‌باشد. دسترسی به نسخه‌ی معتبر صحیح البخاری که به اهتمام آقای صهیب الکریمی در یک جلد در عربستان سعودی در سال ۱۹۹۸ انتشار یافته، نسخه‌ی چاپ سعودی که توسط مؤسسه‌ی «بیت الأفكار الدولیه» به چاپ رسیده، از نظر من بر سایر نسخه‌های بخاری که در دسترس دارم، از جهات گوناگون رجحان و برتری دارد.

### مقابله‌ی متون:

متن موجود را با متون نسخه‌های ذیل مقابله و مقایسه کرده‌ام:

- (۱) ترجمه انگلیسی صحیح البخاری در نُه جلد، اثر دکتر محمد محسن خان چاپ عربستان سعودی.
- (۲) تیسیر القاری، شرح فارسی صحیح بخاری، اثر شیخ نورالحق محدث دهلوی چاپ هند.
- (۳) شرح شیخ الاسلام چاپ هند.
- (۴) صحیح البخاری شرح و تحقیق شیخ قاسم الشماعی الرفاعی چاپ بیروت.
- (۵) صحیح البخاری، مراجعه، ضبط و فهرست، اثر شیخ محمد علی قطب و شیخ هشام بخاری چاپ بیروت ۲۰۰۲.

اسلوب ترجمه: در امر ترجمه کاملاً خودم را به متن مقید دانسته و کوشیده‌ام تا هیچ کلمه از ترجمه باز نماند، و حتی المقدور سعی کرده‌ام که ترجمه با زبان ساده به گونه‌ای که حق مطلب را به درستی ادا کند، صورت پذیرد و از استعمال الفاظ و عبارات تشریفاتی چون «کردند» و «گفتند» و «فرمودند» که روح و اصالت ترجمه را جریحه‌دار می‌سازد، دوری جسته‌ام. گهگاه فقط در جهت توضیح مطلب، عبارتی را در میان پرانتز ( ) جا داده‌ام تا خواننده آنرا از متن اصلی تفکیک کند. و در حالاتی که فهم مطلب دشوار می‌نمود با استفاده از شروح صحیح البخاری در پاورقی به توضیح آن پرداخته‌ام.

عبدالعلی نورا حراری  
فریمونت، کالیفورنیا، امریکا  
دسمبر ۲۰۰۳



## مقدمه مترجم

ثنا و سپاس بیکران بر پروردگار جهانیان و سلام و درود بی پایان بر سرور و سالار پیامبران حضرت محمد و آل و اصحابش باد. خداوند در کتاب حکیمش می فرماید: «و ما نفرستادیم تورا مگر رحمت برای جهانیان».

اما بعد: مصدر اولی و اصلی شریعت اسلامی، قرآن کریم است که به وسیله وحی به رسول اکرم (ص) فرود آمده و شامل رهنمونی ها و احکام الهی برای بشریت است.

احکام قرآنی در بسا موارد به طور کلی و مجمل و موجز نازل شده و تفسیر و شرح و بیان آن جز از طریق سنت نبوی و حدیث میسر و ممکن نیست. مراد از حدیث و سنت، سخنان گهربار و رفتار و کردار و تأییدات حضرت رسول اکرم (ص) است که به موجب دستور خدای عزوجل پیروی از آن بر همه مسلمانان واجب است.

خداوند می فرماید: [الحشر: ۷]. «هرآنچه پیامبر به شما دستور دهد از آن فرمان

برید و آنچه شما را از آن منع کند خود را از آن باز دارید».

بیان خصایل پسندیده و صفات حمیده آن منجی عالم بشریت نیز در زمره حدیث و سنت به شمار می‌رود: همان اخلاقی که خداوند خود آنرا ستوده.

آنجا که می‌فرماید: [القلم: ۴]. «به راستی که تو دارای اخلاق بزرگ هستی».

ارشادات و رهنمودهای پیامبر اکرم (ص) از منبع وحی الهام گرفته و خواسته وی نبوده است:

[النجم: ۳ - ۴]. «پیامبر از هوای نفس خویش سخن نمی‌گوید، نیست آن جز

وحی که بر وی وحی کرده می‌شود».

همچنان می‌فرماید: [آل عمران: ۳۱]. «ای محمد! بگو اگر دوست می‌دارید خدا

را، پس پیروی من کنید تا دوست دارد شما را خدا و پیامرزد گناهان شما را و خدا آمرزنده‌ی مهربان است».

همچنان می‌فرماید: [النحل: ۴۴]. «و فرود آوردیم به سوی تو کتاب را تا بیان

کنی برای مردمان آنچه (شریعتی) را که فرود آورده شده به سوی ایشان و تا بود که ایشان تفکر کنند».

آیات مبارکه‌ی فوق، مسلمانان را به پیروی و تبعیت از رسول (ص) امر می‌کند،

و دستورات پیامبر (ص) را برگرفته از وحی می‌داند و دوستی خدا را در پیروی پیامبرش منوط کرده و او را بیان‌کننده‌ی شریعت می‌خواند.

به تاسی از احکام و دساتیر الهی است که حدیث و سنت رسول (ص) مصدر

دوم شریعت پس از قرآن شناخته شده که پیروی از آن، بر همه مسلمانان لازم است.

## معرفی صحیح البخاری:

صحیح بخاری اثر معروف و جاودانه‌ی امام ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، مهم‌ترین کتاب حدیثی است که مؤلف آن، احادیث صحیح پیامبر (ص) را تحت شرایط خاصی که خود در اخذ و قبول حدیث وضع کرده، جمع و دسته‌بندی نموده و با ارتباط موضوع در قید کتب و ابواب آورده است. وی این مجموعه را «الجامع الصحیح» نامیده که به «صحیح البخاری» شهرت پیدا کرده و نام بخارا شهرزادگاه مؤلف، از برکت وجود وی جاودانگی یافته است.

روش خاص تحقیقی‌ای که امام بخاری غرض تشخیص حدیث صحیح وضع نموده و شرایط دشوار و مشکلی را که جهت اخذ و پذیرش حدیث بر رویان گذاشته، به اندازه‌ای دقیق و سنجیده است که دقت نظر و احتیاط وی در هر عصر و زمان مایه شگفتی، تعجب و تحسین همگان بوده است. این کتاب بی‌همتا از جهت کمال و ثوق، صحت اسناد، حسن اسلوب، متانت کلام و دقت وام، بر همه کتب حدیث که قبل از آن و یا بعد از آن تألیف گردیده، برتری و رجحان دارد.

علمای حدیث، در صحت مطالب آن به حدی تأکید کرده‌اند که آنرا «أصح الکتب بعد کتاب الله» یا صحیح‌ترین کتاب بعد از قرآن دانسته‌اند.

صحیح بخاری، از حدود سیزده قرن بدینسو، طرف توجه، مطالعه، استفاده و استفاضه محدثین، فقها، مفسرین، محققین و سیره‌نویسان بوده و در تمام حوزه‌های

علمی جهان اسلام تدریس می‌گردد. افزون بر آن، این کتاب در جهان غرب نیز شهرت بسزایی داشته، پژوهشگران و محققان غیر مسلمان در عرصه اسلام‌شناسی و دین‌پژوهی، من حیث یک منبع موثق و مأخذ معتبر و قابل اطمینان، از آن بهره‌ وافر برده و حتی برخی از دانشگاه‌های غرب، آنرا در برنامه‌های درسی خود گنجانیده‌اند. امام بخاری را در جهان غرب، از والا مقام‌ترین محققان جهان شناخته‌اند.

این کتاب که در واقع گنجینه بزرگی از علوم و معارف اسلامی را در خود جمع آورده است، از جزئیات زندگی فردی و اجتماعی پیامبر(ص) معلومات دقیق و اطلاعات کاملی ارایه کرده و تصویر روشن از جامعه صدر اسلام عرضه می‌دارد.

### سیر و تدوین حدیث

حدیث یا سنت در اصطلاح محدثین، قول و فعل و صفت و تقریر پیامبر(ص) را شامل می‌گردد. اصحاب کرام که از شرف دیدار و صحبت آنحضرت بهره‌مند گشته بودند، سخنان معجز بیان وی را با دقت تمام به خاطر سپرده، اعمال حسنه، آداب پسندیده و اطوار و اخلاق ستوده‌اش را در همه بخش‌های زندگی، اعم از عبادی، فردی و اجتماعی خویش به کار می‌بردند.

نویسندگان حدیث بسیار اندک و حتی انگشت‌شمار بوده‌اند.

در زمان حیات نبی کریم(ص) به نوشتن حدیث نیازی نبود، زیرا صحابه به آن منبع فیض الهی در تماس مستقیم بوده و اگر با مشکلی مواجه می‌شدند، از ایشان حل مطلب می‌کردند.

آورده‌اند که پس از وفات آنحضرت(ص) صحابه از نوشتن حدیث منع شده بودند، زیرا بیم آن می‌رفت که با قرآن اختلاط پیدا کند، چنانکه اگر کسی در

زمان ابوبکر و عمر ب حدیثی روایت می کرد از وی شهود می طلبیدند و تا آنگاه که دو شاهد نمی آورد، حدیثش را نمی پذیرفتند.

عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی (۱۰۱ - ۹۹ هـ) نخستین کسی بود که به ابوبکر بن حزم والی خود در مدینه دستور داد که به احادیث پیامبر (ص) نظر کند و آنرا بنویسد و به جز از احادیث پیامبر (ص) چیزی دیگر ننویسد. زیرا از آن بیم داشت که با مرگ علما، علم از بین می رود<sup>(۱)</sup>. از آن زمان به بعد است که نوشتن احادیث جمع و ترتیب و تدوین آن آغاز گشت.

در اوایل قرن سوم هجری، محمد بن اسماعیل مشهور به بخاری ظهور کرد. وی که این تصانیف و روایات آنرا به دقت نگریست، تشخیص داد که بخش از این احادیث صحیح و بخش بیشتر آن احادیث ضعیف می باشند و بر آن همت گمارد که احادیث صحیحی را جمع کند که در آن کسی شک نیاورد و عزم او را در این مورد آنچه از استاد خود امیرالمؤمنین در حدیث و فقه، اسحاق بن راهویه شنیده بود جزم کرد. زیرا وی قبل بر این، به بخاری گفته بود: «کاش کسی کتاب مختصری از سنت صحیح پیامبر (ص) جمع می کرد». این سخن در دل وی اثر گذارده بود، تا آنکه کتاب: «الجامع الصحیح» مشهور به «صحیح البخاری» را تألیف کرد و چنانکه خود گفته است در این کتاب، به جز حدیث صحیح نیاورده و بسیاری از احادیث صحیح را که جمع کرده بود، در این کتاب نیاورده و آنرا ترک کرده است. زیرا نمی خواسته که بیش از این بر حجم کتاب خود بیفزاید.

---

۱- حدیث ۱۰۶ کتاب علم، صحیح البخاری.

\* صحابی کسی است که در حال ایمان پیامبر (ص) را ملاقات کرده و بر دین اسلام مرده باشد. تابعی کسی است که صحابی را ملاقات کرده باشد و تبع تابعی کسی است که تابعی را ملاقات کرده باشد.

بخاری پس از آنکه کتاب خود را تألیف کرد، آنرا بر احمد بن حنبل، یحیی بن معین، علی بن المدینی و کسانی دیگر عرضه کرد، آنها او را تحسین کردند و بر صحت احادیث آن، به جز چهار حدیث شهادت دادند که در آن چهار حدیث نیز، قول بخاری صحیح تشخیص داده شده است.

### اهمیت صحیح بخاری:

در میان همه‌ای کتب حدیث، هیچ کتابی در صحت و قوت به پایه‌ی «صحیح بخاری» نمی‌رسد. نسائی که خود از ائمه حدیث و نقد رجال است می‌گوید: در میان کتب حدیث، کتابی جیدتر از «صحیح بخاری» نیست. و مسلم خود به امامت امام بخاری در فن حدیث و تقدم و تفرد به معرفت وی شهادت می‌داد.

### شرایط «شیخین» در اخذ و قبول حدیث:

امام بخاری و امام مسلم از شرایط خویش در اخذ و قبول حدیث در کتب خویش ذکری نکرده‌اند.

از ابومعمر مبارک بن احمد نقل شده که گفته است: شرط بخاری آنست که حدیثی را که استخراج می‌کند، راویان حدیث تا آنکه به صحابی مشهور می‌رسد ثقه باشند، بدون آنکه در اثبات ثقه بودن ایشان اختلافی باشد و اسناد آن متصل و غیر مقطوع باشد و اگر از آن صحابی دو راوی و یا بیشتر از آن روایت کرده باشد بهتر. و اگر یک راوی روایت کرده باشد بسنده است.

شرط حدیث صحیح آنست که اسناد آن متصل و راوی آن مسلمان صادق غیر

مُدَّلس<sup>(۱)</sup> بوده، به اختلال حواس گرفتار نباشد، متصف به صفات عدالت و دارای قوه ضبط و حافظه بوده و ذهن سلیم داشته باشد و توهم وی اندک و اعتقادش سالم باشد.

به ثبوت پیوسته که بخاری گفته است: «من صحیح جامع خود را از میان ششصد هزار حدیث استخراج کرده‌ام و آنرا میان خود و خداوند حجت گردانیده‌ام» و گفته است که به جز احادیث صحیح در این کتاب نیآورده‌ام. و گفته است که هیچ حدیثی را در این کتاب شامل نکردم مگر آنکه از خداوند تبارک و تعالی استخاره کردم و دو رکعت نماز گذاردم و به صحت آن یقین حاصل کردم.

### معرفی امام بخاری:

«الإمام الحافظ أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري، أمير المؤمنين في الحديث»

نام وی محمد و کنیتش ابو عبدالله، و نام پدرش اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بَرْدَزَبَه است. امام بخاری پس از نماز جمعه‌ی سیزدهم شوال ۱۹۴ هجری ولادت یافت که تاریخ تولد او را پدرش قید کرده است.

پدر او، اسماعیل بن ابراهیم از اهل علم و تقوی بوده و شغل تجارت داشته و به علوم سنت و حدیث اشتغال می‌ورزیده است.

امام بخاری پس از مرگ پدرش در دامان پرعطوفت مادر تربیت یافته و مادرش نیز زنی با تقوی و مستجاب الدعوات بوده است.

---

۱- مُدَّلس همان راوی را می‌گویند که در روایت حدیث، نام شیخ خود یعنی کسی را که از وی روایت می‌کند، ذکر نمی‌نماید.

## عزیمت حج:

وی بار اول در سال ۲۱۰ مسافرت کرد و با مادر و برادر کوچک خود احمد راهی حج بیت الله شد. توشه این سفر محفوظات وافر وی از سنت و حدیث بود. در هر شهری که وارد می شد از حافظان حدیث، استماع حدیث می کرد. و از امام بخاری روایت است که گفته است: محدث، کامل نمی شود تا آنکه از مافوق خود و مانند خود و فروتر از خود حدیث نویسد.

## روش تحقیقی امام بخاری:

امام بخاری پس از غور و دقت و تأمل زیاد در مورد احادیث و تفکیک حدیث صحیح از حدیث ضعیف، در جهت اخذ و قبول حدیث از راویان حدیث، شرایطی خاص وضع کرد که هرگاه حدیثی با شرایط وی موافق و برابر بود آنرا می پذیرفت، در غیر آن حدیث مذکور را قبول نمی کرد.

ائمه حدیث شرایط او را چنین تشخیص داده اند:

(۱) اتصال سند (۲) تزکیه ی راویان.

## مناقب امام بخاری:

احید بن حفص گفته است: من نزد اسماعیل پدر ابو عبدالله (بخاری) رفتم که در حال مرگ بود، وی گفت:

نمی دانم که در مال من درهمی از حرام و نه درهمی از شبهه داخل شده باشد. وراقه حکایت کرده است که امام بخاری از پدر خود مال زیادی میراث گرفت، و آنرا به مضاربت داده بود. مقروضین وی بیست و پنج هزار از آنرا ندادند. به او گفته شد که از والی با نوشته ای استمداد بخواه.



وی گفت: اگر من از ایشان نوشته‌ای بگیرم، در طمع می‌افتند و من دین خود را به دنیا نمی‌فروشم. سپس مقروضین وی مصالحه کردند که در هر ماه ده درهم به وی بدهند و بدین طریق تمام آن مال از میان رفت.

و گفته است که من هرگز خودم خرید و فروخت نکرده‌ام، بلکه کسی را می‌گفتم که برای من خریداری کند، به او گفتند که چرا؟ وی گفت: به خاطری که در آن زیادتی و کمی و آمیختگی رخ ندهد.

ابوسعید بن بکر بن منیر گفته است: ابوحفص برای محمد بن اسماعیل مالی فرستاده بود، برخی از تاجران در شب نزد وی آمدند و آن مال را به مفاد پنج هزار درهم خریدار شدند. وی به ایشان گفت که بگذارید شب بگذرد. صبح فردا تاجران دیگری آمده و آن مال را به مفاد پانزده هزار درهم می‌خریدند. وی تقاضایشان را رد کرد و گفت: دیشب نیت کردم که این مال را به کسانی که اول آمده بودند بفروشم. وی آن مال را به ایشان داد و گفت: نمی‌خواهم که نیت خود را نقض نمایم.

عبدالله بن محمد الصیاری گفته است:

در منزل محمد بن اسماعیل بودم، کنیزک او آمد و خواست تا به خانه درآید. ناگاه لغزید و بر روی دواتی افتاد که پیش روی امام بخاری نهاده بود. امام بخاری به او گفت: این چگونه راه رفتن است؟ وی گفت: اگر راهی نباشد، چگونه می‌توان راه رفت؟ امام بخاری دستان خویش را دراز کرد و گفت: برو که آزادت کردم. کنیزک گفت: ای ابوعبدالله! آیا تورا خشمگین ساختم؟ وی گفت: بدانچه کرده‌ام فقط نفس خود را خشنود کرده‌ام.

وراقه گفته است: از بخاری شنیدم که به ابومعشر ضریر گفت: ای ابومعشر! مرا حلال کن. وی گفت: تورا از چه چیز حلال کنم. بخاری گفت: تورا دیده بودم که

روزی حدیث روایت می کردی و من تعجب کردم و از اینکه سر و دست تکان دادی، برایت خندیدم.

وی گفت: تو را حلال کردم، رحمت خداوند بر تو ای ابو عبدالله. بخاری می گفت: از آن روزی که دانستم غیبت حرام است، هرگز غیبت نکرده‌ام.

بخاری می گفت: آرزو مندم آنگاه که خدای را ملاقات کنم با من محاسبه نکند که غیبت کسی را کرده‌ام.

محمد بن اسماعیل (بخاری) روزی نماز می گذارد و زنبوری هفده بار او را نیش زد. آنگاه که نماز را تمام کرد گفت: بنگرید که چه چیز به هنگام نماز، مرا اذیت می کرد؟

چون نگریستند، زنبوری را دیدند در حالی که هفده موضع از بدن وی ورم کرده بود، ولی او نماز خویش را قطع نکرده بود.

محمد بن ابی حاتم وراق گفته است: من با ابو عبدالله در سفری همراه بودم و در یک خانه به سر می بردیم. من دیدم که وی در یک شب پانزده تا بیست بار برخاست و در هر بار سنگ چقماق را می گرفت و آنرا با دست خویش روشن می کرد، و همان احادیث را که می دانست تخریج می کرد، و سپس سر به خواب می نهاد.

او را گفتم: تو همه این زحمات را بر نفس خود تحمیل می کنی و مرا از خواب بیدار نمی کنی.

وی گفت: تو جوانی و من نمی خواهم که خواب تو را به هم زنم.

### ستایش امام بخاری از زبان استادانش:

سلیمان بن حرب روزی به سوی وی نگریست و گفت: او بسیار بلندآوازه خواهد شد.

بخاری گفته است: ابن ابی اولیس به من گفت: در کتاب‌های من نظر کن و همه دارایی من از آن تو باشد و من تا آنگاه که زنده هستم شکرگزار تو هستم.

حاشه بن اسماعیل گفته است: ابو مصعب احمد بن ابی بکر زهری به من گفت: محمد بن اسماعیل نزد ما فقیه‌ترین و بصیرتش از احمد بن حنبل بیشتر است.

قتیبه بن سعید گفته است: من با فقیهان و عابدان و زاهدان نشست‌ام، و از آن زمان که عاقلانه اندیشیده‌ام، کسی را مانند محمد بن اسماعیل ندیده‌ام و او در زمان خود بسان عمر در میان صحابه بود.

علی بن محمد ابن منصور می‌گفت: از پدرم شنیده‌ام که می‌گفت: در مجلس ابو عبدالله بخاری بودیم. مردی از ریش خود خاشاکی را چید و بر زمین افکند. محمد بن اسماعیل را دیدم که به سوی مردم و آن خاشاک می‌نگریست و آنگاه که توجه مردم به سوی دیگر شد، دست دراز کرد و خاشاک را از زمین برداشت و در آستین خویش درآورد. و چون از مسجد بیرون آمد، من دیدم که خاشاک را بیرون آورد و بر زمین افکند، گویی نظافت مسجد را چون نظافت ریش خویش رعایت می‌کرد.

(خراسان کسی را چون محمد بن اسماعیل نزاده است) و آنرا خطیب به اسناد صحیح از عبدالله بن احمد بن حنبل روایت کرده است.

---

\* اخوالعشیره، یعنی او فرد زشت خاندان خود است. استاد به قول آنحضرت (ص) است که کسی را در غیاب وی زشت خوانند، یعنی این عمل غیبت به شمار نمی‌رود.

بندار گفته است: او فقیه‌ترین خلق خدای در زمان ماست.  
حسین بن حریث: نمی‌دانم که کسی را چون محمد بن اسماعیل دیده باشم.  
گویی او را فقط به خاطر حدیث آفریده‌اند.

## توصیف امام بخاری از قول یاران و اتباع او:

عجلی: من کسی را بسان محمد بن اسماعیل و مسلم حافظ ندیده‌ام ولی مسلم،  
به مقام او نرسیده است.  
ابوالطیب حاتم بن منصور: محمد بن اسماعیل در بصیرت و نفوذ در علم،  
نشانه‌ای از نشانه‌های خداوند بود.  
ابوسهل: از سی و چند عالم از علمای مصر شنیدم که می‌گفتند: آرزوی ما در  
دنیا آنست که به سوی محمد بن اسماعیل بنگریم.  
مسلم به بخاری گفته است: شهادت می‌دهم که در جهان تورا همتایی نیست.  
امام الائمہ ابوبکر محمد بن اسحاق: در زیر آسمان کبود از محمد بن اسماعیل  
داناتری به حدیث نیست.

## قوت حافظه و روانی ذهن امام بخاری:

امام بخاری دارای حافظه بس قوی و نیرومند بوده و چون یکبار در کتاب نظر  
می‌کرد، هر آنچه را از نظر گذرانده بود حفظ می‌کرد و توانایی وی در حفظ  
حدیث، مایه شگفتی، تحسین و اعجاب همگان شده بود.  
یکی از وقایعی که بسیار شهرت یافته و عده‌ی زیادی از آن خبر داده‌اند  
واقعه‌ای بغداد است که ابواحمد بن عدی الحافظ از آن به تفصیل یاد کرده است.  
چنانکه می‌گوید:

شنیده‌ام از جمعی از مشایخ بغداد که می‌گفتند: آنگاه که محمد بن اسماعیل بخاری وارد بغداد شد، اصحاب حدیث بر وی گرد آمدند و در صدد آن شدند که نیروی حافظه وی را بیازمایند. آنها صد حدیث انتخاب کردند، و متون و اسناد آنرا تغییر دادند، متن یک سند را در سند دیگر آوردند و سند یک متن را سند متن دیگر ساختند. سپس احادیث منقلب شده را به ده نفر سپردند و به هریک از ایشان وظیفه دادند تا در مجلسی که به این مقصد دائر می‌گردد، ده حدیث را بر امام بخاری بخواند و در باره هریک از این احادیث از وی سوال کند.

در این گرد همایی علمی بزرگ که گروهی از مردم خراسان و بغداد جمع شده بودند، نفر اول ایستاد و یکی از آن ده حدیث را بر امام بخاری خواند، و از وی سوال کرد، امام بخاری گفت که من این حدیث را نمی‌شناسم.

وی سپس حدیث دوم را بر امام بخاری خواند و امام بخاری گفت که من این حدیث را نمی‌شناسم. تا آنکه ده حدیث خویش را یکایک بر امام بخاری خواند و امام بخاری در برابر هریک می‌گفت که من این حدیث را نمی‌شناسم.

علمایی که در آن مجلس حضور داشتند، به سوی یکدیگر نگریستند و با خود می‌گفتند که وی می‌شناسد، ولی کسان دیگر که موضوع را درک نکرده بودند عجز و قصور و ضعف حافظه را به وی نسبت می‌دادند.

پس نفر دوم برخاست و حدیث اول خود را خواند و امام بخاری گفت که من آنرا نمی‌شناسم، تا آنکه هرده حدیث را خواند و از وی همان جواب را شنید که من آنرا نمی‌شناسم. بعد نفر سوم و چهارم تا نفر دهم احادیث خویش را به ترتیب بر امام بخاری خواندند و او در برابر هریک می‌گفت که من آنرا نمی‌شناسم. آنگاه که همه از خواندن احادیث مقلوب فارغ شدند، امام بخاری روی به نفر اول کرد و گفت:

تو حدیث اول را چنین خواندی، یعنی صورت غلط حدیث را، همچنانکه خوانده بود بر وی خواند و سپس صورت درست حدیث مذکور را خواند و به همین ترتیب صورت غلط و درست هرده حدیث را بر وی خواند. یعنی متن هریک از احادیث را با اسناد مربوطه آن آورد و اسناد هریک را به متن مربوطه آن برد و سپس متوجه نفر دوم شد و با وی نیز به همین منوال عمل کرد، تا آنکه همه احادیث هرده نفر را که جمعاً صد حدیث می شد، هم صورت مقلوب آنرا خواند و هم صورت درست آنرا.

این حالت همه حاضرین مجلس را به اعجاب و تحسین واداشت و ایشان به قوت حافظه و کمال فضل وی اقرار و اذعان کردند.

حافظ ابوالقاسم ابن عساکر گفته است: از محمد بن اسماعیل شنیده ام که می گفت: در نیشاپور مریض شدم، و بیماری من اندک و مصادف با ماه رمضان بود. اسحاق بن راهویه با تنی چند از یاران خویش به عیادت آمد و مرا گفت: ای ابو عبدالله، آیا روزه را خوردی؟ گفتم: آری.

گفت: پس در خوردن روزه شتاب کردی، او را گفتم: بدان از ابن مبارک مرا خبر داده است که ابن جریج گفته است: به عطاء گفتم: از کدام نوع مریضی روزه خورده می شود؟ وی گفت: از هر نوع مریضی که باشد، چنانکه خداوند عزوجل گفته است:

[البقره: ۱۸۵].

بخاری گفت: این حدیث نزد اسحاق نبود.

... بخاری گفت: پیوشان آنچه خدا پوشانیده است. این حدیثی جلیل است که

مردم آنرا از حجاج بن محمد، از ابن جریج روایت کرده است.

### دوران رنج و محنت:

... امام بخاری گفت: اعمال ما مخلوق است و گفتار ما اعمال ماست. روزی امیر بخارا که امیر خالد بن محمد ذهلی نامیده می‌شد، برای امام بخاری توسط قاصد خود پیامی فرستاد که وی کتاب صحیح و (تاریخ) خود را نزد او بیاورد و او را بشنواند. امام بخاری برای وی پیغام فرستاد که بگوید: «من علم را خوار نمی‌کنم، و به در سرای امیران نمی‌برم، اگر او می‌خواهد چیزی از من بشنود، به خانه‌ی من و یا به مسجد من بیاید، اگر نمی‌خواهد اینرا بکند، مرا از درس دادن منع کند که در روز قیامت به خاطر ترک علم معذرتی داشته باشم».

### بازگشت امام بخاری به بخارا و وفات وی:

آنگاه که ابو عبدالله بخاری به وطن مألوف خود بخارا برگشت، مردم شهر به مسافت یک فرسنگ از وی استقبال کردند و در جهت بزرگداشت وی خیمه‌ها برپا کرده بودند و بر وی دینار و درهم نثار کردند. پس از مدت زمانی میان او و امیر بخارا چیزی واقع شد و او به بیکند رفت.

سبب برآمدن ابو عبدالله از شهر بخارا آن بود که خالد بن احمد، خلیفه‌ی بن طاهر از وی خواسته بود که به منزل وی برود و کتاب (جامع) و (تاریخ) را بر او بیاورد و بخواند. وی از قبول این کار ابا ورزید و گفت: من نمی‌توانم که در شنیدن حدیث، گروهی را خاص بسازم و آنرا بر گروه دیگر ترجیح دهم.

خالد امیر بخارا از حریث ابن ابی الوراق و کسانی دیگر از اهل بخارا استمداد جست، آنها در مخالفت با امام بخاری حتی در باره‌ی مذهب وی گفتگو کردند، و او را از بخارا اخراج نمودند.

امام بخاری بر ایشان دعای بد کرد و گفت: بار الها! بنمای ایشان را جزای قصد بدی که با من کرده‌اند در حق خودشان و اهلشان و اولادشان.

یک ماه از این واقعه نگذشته بود که خالد از امارت بخارا عزل گردید، چنانکه او را بر ماده خری سوار کردند و گرد شهر گردانیدند، و بانگ می‌زدند که این است سزای اعمال بد که عاقبت کارش به ذلت و حبس انجامید.

حریث بن ابی ورقاء به مصیبتی گرفتار شد که در وصف نیاید و کسان دیگری که با وی هم‌آواز شده بودند، هریک از ایشان به بلائی گرفتار گشتند.

امام بخاری به قریه‌ای خرتنگ یکی از قریه‌های بخارا رفت. وی در آنجا اقاربی داشت و در منزل ایشان فرود آمد، یکی از شب‌ها پس از فراغ از نماز شب شنیده‌ام که می‌گفت:

«بار الها! زمین تو با آنهمه فراخی، بر من تنگ آمده است، پس مرا بردار و به سوی خود بازگردان!».

ماه به آخر نرسید که خداوند او را برداشت و به سوی خود کشید.

محمد بن ابی حاتم وراق گفته است: شنیدم از غالب بن جبریل، همان کسی که بخاری در قریه خرتنگ نزد وی فرود آمده بود که می‌گفت:

وی چند روزی نزد ما ایستاد و سپس بیمار شد و سپس قاصدی از اهل سمرقند آمد و از وی التماس کرده بودند که نزد ایشان به سمرقند برود و وی پذیرفت.

برایش سواری آمده شد، کفش پوشید و دستار بر سر نهاد، و چون بیست گام یا به همین حدود سواره رفت و من بازوی او را گرفته بودم، مرا گفت: پیاده‌ام کنید. او را پیاده کردیم، پس دعا کرد و دراز کشید و وفات کرد. سپس عرق زیادی از وی جاری شد. و او قبل بر آن به ما گفته بود:

«مرا در سه جامه کفن کنید که در آن نه پیراهن باشد و نه دستار».



ما نیز چنان کردیم و چون او را در کفن درآوردیم و بر وی نماز گذاردیم و او را در قبر گذاشتیم، از خاک قبر وی بویی برآمده بسان بوی مشک بود و این حالت ادامه یافت و مردم که به زیارت قبر وی می آمدند از خاک وی تبرک می بردند تا آنکه مردم گرداگرد قبر او را با پنجره ای چوبی احاطه کردند.

خطیب گفته است: علی بن ابی حامد در کتاب خود آورده است که محمد بن محمد مکی به روایت از عبدالواحد بن آدم طواویس گفته است:

پیامبر(ص) را در خواب دیدم که با جمعی از اصحاب ایستاده بودند. من بر آنحضرت سلام کردم و ایشان سلام مرا پاسخ دادند. سپس گفتم: یا رسول الله! سبب توقف شما در این جای چیست؟ فرمودند:

منتظر محمد بن اسماعیل می باشم. پس از چند روز که خبر وفات امام بخاری رسید، چون تفحص کردم زمان وفات وی همان ساعتی بود که من پیامبر(ص) را در خواب دیده بودم.

مهیب بن سلیم گفته بود: وفات وی در شب شنبه، شب عید فطر در سال ۲۵۶ هجری بوده است.

مدت عمر او را سیزده روز کم، شصت و دو سال قید کرده اند.



# جلد اول



- اعمال به نیت‌ها بستگی دارد و هر کسی را همان حاصل آید که نیت کرده است.

۹- ایمان دارای شصت و چند شعبه (شاخه) است و حیا شعبه‌ای از ایمان است.

۱۰- مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او ایمن باشند و مهاجر کسی است که آنچه را خداوند منع کرده است، ترک نماید.

۱۲- کدام خصلت اسلام نیکوتر است؟

آنحضرت فرمود: اینکه طعام بدهی و بر هر کسی که می‌شناسی یا نمی‌شناسی سلام نمایی.

۱۳- هیچیک از شما (بر وجه کمال) ایمان نمی‌آورد تا آنکه دوست بدارد برای برادر مسلمان خود، آنچه را دوست می‌دارد برای خود.

۱۴- سوگند به ذاتی که نفس من در ید قدرت اوست که هیچیک از شما ایمان (کامل) نمی‌آورد تا آنکه در نزد او از پدر و فرزندش و همه مردم محبوبتر باشم.

۱۶- کسی که دارای این سه خصلت باشد شیرینی ایمان را درمی‌یابد: اینکه خدا و رسول او را از هر آنچه جز خدا و رسول اوست بیشتر دوست داشته باشد. و اینکه شخصی را که دوست می‌دارد محض به خاطر خدا دوست داشته باشد، و اینکه زشت بدارد که به کفر برگردد، همانگونه که ناپسند می‌دارد که به آتش افکنده شود.

جامی:

مسلّم آنکس بود به قول رسول	گرچه عامی بود و گر عالم
که به هر جا بود مسلمانی	بود از قول و فعل او سالم

جامی:

هریکی را لقب مکن مؤمن      گرچه از سعی جان و تن کااهد  
تا نخواهد برادر خود را      آنچه از بهر خویشتن خواهد

۱۸- با من بیعت کنید بر اینکه به خداوند چیزی را شریک نیاورید و دزدی نکنید و زنا نکنید و فرزندان خویش را نکشید و از پیش خود بر کس بهتان نبندید و در کار پسندیده از احکام شریعت نافرمانی نکنید، و کسی از شما که به عهد خود وفا کرد، پاداشی وی با خداست و کسی که مرتکب یکی از گناهان مذکور (به جز از شرک) گردد و در دنیا به مجازات (حد یا تعزیر) برسد، همان مجازات کفاره گناهان وی است (در آخرت جزا نمی بیند) و کسی مرتکب یکی از آن گناهان شود و سپس خداوند آن گناهش را پوشانید، سروکارش با خداست که اگر بخواهد او را عفو می کند و اگر بخواهد او را عذاب می کند.

۱۹- نزدیک است زمانی فرا رسد که بهترین مال مسلمان گوسفندانی باشد که با آن به دنبال قله های کوه ها و جای های «نزول» باران می رود و برای در امان نگهداشتن دین خود از زیان فتنه ها، فرار می کند.

۲۶- بهترین عمل کدام است؟

آنحضرت فرمود: ایمان به خدا و رسول او. گفته شد: پس از آن چیست؟ فرمود: جهاد در راه خدا. گفته شد: پس از آن چیست؟ فرمود: حج مبرور (حجی که محض جهت رضای خدا باشد).

۲۷- کسی که این سه خصلت را فراهم آورد، همانا که ایمان را فراهم آورده است: طلب عدالت از خود کردن (حقوق خدا و مردم را ادا کردن). و گفتن سلام هر کسی که او را می شناسی یا نمی شناسی و خرج کردن (در راه خدا) در حالت تنگدستی.

- ۲۸- کدام خصلت اسلام بهتر است؟ اینکه طعام دهی.
- ۲۹- اغلب ایشان (زن‌ها) ناسپاسی شوهر می‌کنند و کفران احسان می‌نمایند و اگر به یکی از ایشان همیشه نیکویی کنی و بعد از تو چیزی (خلاف میل خود) ببیند می‌گوید: من از تو هرگز نیکویی و خیری ندیده‌ام.
- ۳۰- کسی که برادرش (خدمتگار) در زیر دستش باشد، باید او را طعامی بدهد که خود می‌خورد و از لباس بپوشاند که خود می‌پوشد و آنها را به کاری مکلف نکنید که توان آنها نداشته باشند و چون آنان را به این کار فرمان دادید با آنها کمک کنید.
- ۳۳- منافق سه خصلت دارد: چون سخن زند، دروغ گوید و چون پیمان بندد، آنها بشکند و چون امین شمرده شود خیانت کند.
- ۳۴- و منافق چون دعوا و درگیری نماید، دشنام دهد.
- ۴۷- کسی که از روی ایمان و به خاطر ثواب، جنازهٔ مسلمانی را همراهی کند و تا آنگاه با جنازه باشد که بر آن نماز گذارده شود و از دفن وی فراغت یابد، همانا وی با دو پیمانۀ بزرگ از ثواب بازمی‌گردد که هر کدام آن به اندازهٔ کوه احد است.
- ۴۸- دشنام دادن مسلمان فسق (خروج از فرمان خداوند) و کشتن وی کفر است.
- ۴۹- شب قدر را در شب‌های ۲۷، ۲۹ و ۲۵ (ماه رمضان) جستجو کنید.
- ۵۰- احسان آنست که خداوند را به گونه‌ای عبادت کنی که گویا او را می‌بینی، زیرا اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند.
- ۵۳- نفقه دادن مرد برای خانواده‌اش صدقه به شمار می‌رود. (اگر جهت کسب ثواب انجام دهد).
- ۵۹- وقتی که امانت ضایع شد و کار به ناهلان سپرده شود، منتظر قیامت باش.

۶۲- بگوی پروردگارا، بر علم من بیفزای.

۶۷- همانا خون‌ها، مال‌ها و آبروهای شما بر یکدیگر شما حرام است.

کسی که در راهی می‌رود که بدان علمی می‌جوید، خداوند راهی را برای او به سوی بهشت آسان می‌سازد. از خداوند همان بنده‌های وی می‌ترسند که عالم اند.

کسی که خداوند بخواهد به وی نیکویی و خیر ارزانی دارد، او را در علم دین دانایی می‌بخشد و همانا علم از آموختن حاصل می‌گردد.

۶۹- بر مردم (امور دین را) آسان گیرید و سخت نگیرید و آنان را (به رحمت الهی) بشارت دهید و موجب فرار ایشان نشوید.

۷۲- عمر رض گفته است: علم پیاموزید قبل از آنکه بزرگ قوم شوید.

۷۳- «غبطه‌ای نیست مگر در مورد دو کس، کسی که خدا به او دارایی‌ای داده و او آنرا در راه حق خرج می‌کند و کسی که خدا به او دانشی داده و او بدان حکم می‌کند. و آنرا به دیگران تعلیم می‌دهد».

۷۵- ابن عباس رض: رسول الله (ص) مرا در بغل گرفت و گفت: «بار الها! به او قرآن پیاموز».

۹۰- ای مردم! به تحقیق که شما نمازگزاران را می‌گیرانید. کسی که بر مردم نماز می‌گذارد باید تخفیف آورد، زیرا در میان آنها مریض و ضعیف و نیازمند وجود دارد.

۹۳- هان، آگاه باشید و از گفتن سخن دروغ برحذر باشید.

۹۴- هنگامی که رسول (ص) (جهت اجازه ورود) سلام می‌گفت، سه بار سلام می‌گفت و هرگاه سخن می‌زد (کلمه مفید را) سه بار تکرار می‌کرد.

۹۹- نیک‌بخت ترین مردم به شفاعت من در روز قیامت کسی است که از روی



اخلاص و از ته دل یا نفس خود بگوید: «لا إله إلا الله».

۱۲۸- هیچکسی نیست که از صدق دل گواهی دهد که معبود به حقی جز الله نیست، و اینکه محمد(ص) فرستاده خداست، مگر آنکه خداوند او را بر آتش دوزخ حرام می گرداند.

۱۲۹- مجاهد گفته است: شخص کم روی و متکبر علم نمی آموزد.

۱۳۶- امت من از آثار وضو در قیامت دست و صورت و پا سفید، خوانده می شوند، پس اگر کسی از شما بتواند موضع شستن اندامهای وضو را دراز کند (از حد مفروضه) این کار را بکند.

۱۴۱- هرگاه یکی از شما «به قصد جماع» بر زن خود درآید، بگوید که «بار الها! شیطان را از ما دور بدار و شیطان را از آنچه نصیب ما می کنی دور بدار». پس اگر برای آنها فرزندی مقدر بوده باشد، شیطان نمی تواند به آن فرزند آسیبی برساند.

۱۴۴- هرگاه کسی قضای حاجت می کند، نه روی به سوی قبله کند و نه پشت به قبله بگرداند، بلکه به جانب شرق و یا غرب روی بگرداند (خطاب به اهل مدینه است که قبله آنها به طرف جنوب است).

۱۵۳- «هرگاه کسی از شما آب می نوشد در ظرف آب پُف نکند، و کسی که به مستراح می رود آلت خود را با دست راست مساس نکند و با دست راست استنجا ننماید».

۱۵۵- آنحضرت(ص) با استخوان و سرگین استنجا فرموده اند.

۱۵۹- «آنکه وضو کند، و بعد دو رکعت نماز بگذارد (آنرا با اخلاص بگذارد و در اندیشه دنیا غره نشود) گناهان گذشته اش بخشیده می شود».

۱۶۰- «مردی وضو نمی کند که وضوی خود را نیکو نموده و نماز می گذارد مگر

آنکه گناہانی که میان وی و میان نماز متصل به وی است، بخشیده می‌شود، تا آنرا ادا کند».

۱۶۷- «غسل (میت) را از طرف راست و جاهای وضوی وی آغاز کنید».

۱۶۸- رسول(ص) دوست می‌داشت که در پوشیدن کفش و شانه کردن موی و طهارت (وضو و غسل) و در همه امور از طرف راست آغاز کند.

۱۷۳- «مردی سگی را دید که از فرط تشنگی گیل می‌خورد، وی موزه خود را گرفت و به وسیله آن برای سگ آب ریخت تا آنرا سیراب کرد، خداوند از عمل وی خشنود گشت و او را به بهشت درآورد».

۱۷۵- اگر کسی در نماز بخندد، نماز خود را از سر بگیرد و وضو را تجدید نکند<sup>(۱)</sup>.

کسی که موی و ناخون‌های خود را می‌گیرد یا موزه‌ها را (مسحی) بعد از مسح پای‌ها از پای می‌کشد، بر وی وضو لازم نمی‌گردد<sup>(۲)</sup>. و ابوهریره گفته است: وضو لازم نمی‌گردد به جز از حدث (برآمدن چیزی از آلت یا مقعد).

۱۷۶- «بنده پیوسته در ثواب نماز شامل است تا آنگاه که در مسجد در انتظار نماز

---

۱- اصحاب ابوحنیفه می‌گویند: با تبسم (دندان سفید کردن بدون صدا) وضو باطل نمی‌شود، ولی با آوازی که خود بشنود نماز فاسد می‌شود، و قهقه یا خنده که آواز آنرا دیگری بشنود نماز و وضو فاسد می‌گردد.

۲- با کشیدن موزه مسحی واجب همین است که پای‌ها را بشوید، وضوی کامل واجب نیست (تیسیرالقاری).

مسح بر موزه‌ها برای مسافر سه شبانه‌روز و برای مقیم یک شبانه‌روز است، در صورتی که پس از شستن پای‌ها در وضو پای‌ها را داخل موزه‌ها کند و موزه، پاپوش و یا جراب چرمی است که شتالنگ (قوزک)‌های پای را بپوشاند و باید به قدری سخت و محکم باشد که آب در آن نفوذ نکند.

باشد و تا لحظه‌ای که بی‌وضو نشود».

۱۷۷- «نماز را رها نکن تا آنکه آوازی بشنوی یا بویی دریابی».

۲۱۳- «کسی از شما که در نماز پینکی می‌رود، باید بخواهد تا آنکه بداند که چه می‌خواند».

۲۱۶- «آنها عذاب می‌شوند: یکی از آنها خودش را از آلودگی پیشاب خود باز نمی‌داشت و دیگری سخن چینی می‌کرد».

۲۲۰- بادیه‌نشین ایستاد و در مسجد ادرار کرد، مردم بر وی اعتراض کردند.

رسول (ص) آنها را گفت: «او را بگذارید و بر جای ادرار وی سطلی آب (یا سطل بزرگ آب) بریزید. و همانا شما آسان‌گیرنده برانگیخته شده‌اید و سخت‌گیرنده برانگیخته نشده‌اید».

۲۲۴- رسول (ص) به خاکرو بگاه (زباله‌دان) قومی رفت و در آنجا ایستاده پیشاب کرد. سپس آبی طلید و من برای او آب بردم و او وضو کرد.

۲۳۹- هیچیک از شما در آب ایستاده که جاری نباشد، پیشاب نکند تا بعداً در آن غسل کند. \* -ابن مسیب و شعبی گفته‌اند: اگر کسی نماز بگذارد و در جامه‌اش خون و یا منی باشد یا به سوی غیر قبله نماز گذارد (که بعداً حالات برایش معلوم گردد) و یا با تیمم نماز گذارده باشد و سپس در وقت همان نماز به آب دسترسی پیدا کند، همچو نمازها را دوباره نگذارد.

۲۴۲- «هر نوشیدنی که مستی آورد، حرام است».

۲۴۵- شب هنگام که رسول (ص) به نماز تهجد برمی‌خواست، دهان خود را با مسواک پاکیزه می‌کرد، (روایت از حدیقه (رض)).

- ۲۵۰- عایشه رض: من و پیامبر(ص) از یک ظرف آب غسل می کردیم<sup>(۱)</sup>.
- ۲۵۲- جابر رض: یک صاع آب (معادل تقریباً سه لیتر) برای غسل کافی است.
- ۲۵۵- پیامبر(ص) بر سر خویش سه بار آب ریخت. (در غسل)
- ۲۶۹- در مذی (آبی که در وقت بازی با همسر از آلت مرد می آید) غسل واجب نیست، آنحضرت(ص) فرمودند: وضو کن و آلت خود را بشوی.
- ۲۷۱- خلال موی (در اثنای غسل) تا آنگاه که گمان کند که پوست زیر موی را تر کرده است.
- ۲۷۶- از میمونه رض روایت است: برای آنحضرت(ص) جامه‌ای پیش کردم (تا بدنش را خشک کند) آنرا نگرفت و روانه شد در حالی که با دست‌ها آب بدنش را می‌افشاند.
- ۲۷۷- کسی که عورت را در وقت غسل بپوشد بهتر است. آنحضرت(ص) فرموده است: «خداوند بیشتر سزاوار است که از وی حیا شود نسبت به مردم».
- ۲۸۳- عطاء گفته است: جنب حجامت می‌کند و ناخون‌هایش را می‌گیرد و سرش را می‌تراشد، هر چند وضو نکرده باشد. آنحضرت(ص) فرموده است: «مسلمان نجس نمی‌شود».
- ۲۸۶- آنحضرت(ص) در حال جنابت می‌خوابید ولی قبل از خواب وضو می‌کرد.
- ۲۹۱- هنگامی که مرد میان چهار شعبه (چهار دست و پای) زن بنشیند و سپس تلاش کند (که سر آلت راه یابد) همانا (بر زن و مرد) غسل واجب می‌گردد.
- ۲۹۳- اگر مرد با زن جماع کند و منی بیرون نشود؟ آنحضرت(ص) فرمود: «موضع آلت را که با شرمگاه زن تماس کرده است بشوید، سپس وضو کند و نماز

---

۱- وضو پیش از غسل نزد حنفی‌ها سنت است و نیت غسل کفایت می‌کند.

بگذارد».

- ابوعبدالله (امام بخاری) می گوید: بنا بر احتیاط غسل کردن بهتر است.
- ۲۹۴- عایشه رض در حالی که در حالت حیض<sup>(۱)</sup> بودند آنحضرت(ص) برایشان فرمودند: «اعمال حاجیان به جای آور جز آنکه به کعبه طواف نکنی». و عایشه رض گفت که آنحضرت(ص) از جانب زنان خویش گاوی قربانی کرد.
- ۲۹۵- عایشه رض: من سر رسول(ص) را شانه می کردم در حالی که حیض بودم.
- ۲۹۷- عایشه رض: پیامبر(ص) در آغوش من تکیه می کرد، در حالی که من حیض بودم و سپس قرآن می خواند.
- ۳۰۰- عایشه رض: آنحضرت(ص) مرا می فرمود که ازار بپوشم و با من هم آغوشی می کرد، در حالی که من حیض بودم.
- ۳۰۴- عطاء از جابر روایت کرده است که عایشه رض حیض شد و تمام مناسک حج را به جای آورد به جز اینکه طواف کعبه نکرد و نماز نگذارد<sup>(۲)</sup>. حکم گفته است: من حیوان را ذبح می کنم و جنب می باشم<sup>(۳)</sup>. و خدای عزوجل گفته است: «از آنچه نام خدا بر آن یاد نشده باشد، نخورید» [الأنعام: ۱۲۲].
- ۳۰۶- استحاضه: جاری شدن خون در غیر ایام حیض است. آنحضرت(ص) فرمودند: «این خون از رگ است و خون حیض نیست. آنگاه که دوران
- 
- ۱- حیض در لغت به معنی سیلان است و در شرع خونی است که بعد از بلوغ و در ایام معتاد از رحم زن بیرون می آید. و آنچه از رحم زن بی هنگام آید، استحاضه اش گویند و آنچه بعد از ولادت بیرون آید نفاس گفته می شود.
- ۲- چون عایشه رض مناسک حج را که شامل اذکار و ادعیه است به جای آورد، امام بخاری خواندن قرآن توسط حیض را جایز دانسته است. (تیسیر القاری)
- ۳- امام بخاری بدان استناد کرده و یاد کردن نام خدا را توسط جنب جایز دانسته است.

قاعدگی فرا رسد، نماز را ترک کن و چون به اندازه زمان حیض بگذرد، خون را از تن بشوی (غسل کن) و نماز بگذار». (البته به فاطمه بنت ابی جیش فرمودند).

۳۱۱- عایشه رض: یکی از امهات المؤمنین (زنان آنحضرت(ص)) اعتکاف<sup>(۱)</sup> کرد، در حالی که مستحاضه بود.

۳۲۱- معاذه: آیا یکی از ما پس از پاک شدن از حیض نمازهای قضایی را بگذارد؟

عایشه رض: آنحضرت(ص) ما را بدین کار نمی فرمود.

۳۲۲- زینب از ام سلمه روایت می کند: همانا پیامبر(ص) در حالی که روزه داشته او را می بوسیده است.

۳۲۸- زنی که پس از طواف افاضه حیض می شود، طواف وداع که سنت است به دلیل حیض از ذمه اش ساقط می شود.

۳۳۵- رسول(ص) فرمود: «پنج چیز به من داده شده است که قبل از من به کس داده نشده بود: خداوند بر ترس (دشمنان از من) به مسافت سفر یک ماهه مرا نصرت بخشیده است. و زمین برای من (و امت من) مسجد و پاک گردانیده شده است. پس هر مردی از امت مرا که وقت نماز فرا رسد و (آب نیابد تیمم<sup>(۲)</sup> کند). باید نماز بخواند. و غنایم جنگ (اموالیست که از جنگ با کفار

---

۱- ایام معین را در مسجد به عبادت گزاردن اعتکاف است. در ایام اعتکاف نباید جماع کند و به استثنای امور ضروری چون شرکت در نماز جنازه و رفتن به قضای حاجت، نباید مسجد را ترک کند.

۲- در مذهب حنفی تیمم مختص به خاک نیست، و همه اجزای زمین را شامل می گردد. لیکن شافعی تیمم را به خاک مختص ساخته است.

به دست می آید) بر من حلال گردانیده شد و قبل از من بر کسی حلال نبوده است. و به من (در روز رستاخیز) حق شفاعت خواهی داده شده است. و هر پیامبری برای قوم خویش مبعوث می شده است، و من برای همه مردم مبعوث شده‌ام».

۳۳۶- حسن: در بارهٔ مریض که نزدش آب باشد و کسی را نیابد که آب را به او پیش کند وی تیمم کند.

۳۳۸- تیمم<sup>(۱)</sup>: «کف دستهایش را بر زمین زد و خاک آنها را پف کرد و با آن روی و دست‌هایی خویش را مسح کرد».

۳۴۳- حسن گفته است: تیمم کافی است تا آنکه بی وضو نشود. و ابن عباس امامت داد در حالی که تیمم کرده بود. (اهل وضو را امامت نماز داد).

۳۴۴- آنحضرت(ص) فرمود: «ای فلان! چه چیز تو را مانع از آن شد که با مردم نماز بخوانی) وی گفت: من جنب شده‌ام و آب میسر نیست. فرمود: از خاک استفاده کن (تیمم کن) زیرا آن تو را بسنده است. و از عمرو بن عاص یاد می شود که وی در شب سرد<sup>(۲)</sup> جنب شد، و تیمم کرد (با موجودیت آب) و این آیت را خواند: [النساء: ۲۹] «و مکشید خویشتن را، هر آینه خدا هست بر شما مهربان». و موضوع را نزد پیامبر(ص) یاد آور شد، آنحضرت(ص) (عمرو را) سرزنش نفرمود.

۳۴۸- پیامبر(ص) ما را دستور می دهد: به نماز و راستگویی و پرهیز از حرام. (ابن

---

۱- امام بخاری تیمم را یک ضربه و مسح کفین گفته. مشهور در تیمم واجب دو ضربه است یکی برای روی و دیگری برای دست‌ها تا آرنج‌ها.

۲- اگر جنب از آن بترسد که غسل موجب مریضی یا مرگ او می گردد یا اینکه از تشنگی بترسد، تیمم کند.

عباس از ابوسفیان).

۳۵۵- عمرو بن ابی سلمه پیامبر(ص) را دیده است که در خانه ام سلمه در یک جامه نماز می گذارد و دو طرف جامه را به دو دوش خود افکنده بود و در حالی که آنرا بر خود پیچیده.

۳۵۸- کسی از رسول(ص) در مورد پوشیدن یک جامه در نماز سوال کرد. آنحضرت(ص) فرمود: «آیا همه شما دو جامه دارید؟».

۳۶۰- «کسی که در یک جامه نماز بگذارد، باید دو طرفش را گره بزند».

۳۶۲- معمر: زهری را دیدم که جامه یمنی می پوشید که با پیشاب رنگ شده بود<sup>(۱)</sup>.  
و علی رض در جامه ناشسته نماز گذارد.

۳۶۸- پیامبر(ص) از دو نوع معامله یعنی لباس (انعقاد معامله با لمس جنس) و نباد (افگندن جنس به سوی خریدار و افگندن قیمت به سوی فروشنده). و از اشتغال الصماء اینکه شخص خود را طوری در لباسی پیچاند که دست هایش داخل آن بمانند و بیرون آوردن آنها مشکل باشد، و احتیاء که مرد پشت و ساق های پا را به جامه بسته بنشیند، منع کرده است.

۳۷۳- پیامبر(ص) فرمود: «من به سوی نقش های (لباس نماز یا جای نماز) آن در هنگام نماز نظر می کردم و از آن ترسیدم که مرا در فتنه افکنند». (چادر مذکور توجه مرا از نماز به خود معطوف داشت).

۳۷۴- عایشه رض پرده منقش رنگین داشت که با آن بخشی از خانه خود را پوشانده بود. پیامبر(ص) فرمود: «این پردهات را از مقابل دور کن، زیرا که تصاویر آن

---

۱- هدف: ادرار حیوان حلال گوشت است.



پیوسته در نماز<sup>(۱)</sup> من بر چشم می خورد».

۳۷۵- برای پیامبر(ص) قبای ابریشمین هدیه آورده شد و آنحضرت آنرا پوشیده و در آن نماز گذارد. سپس برگشت و آنرا به شدت از تن درآورد مانند کسی که آنرا زشت می دارد و فرمود: «این جامه، شایسته پرهیزکاران نیست».

۳۷۶- بلال را دیدم که نیزه کوچک را (به طور ستره) بر زمین فرو برد و سپس پیامبر(ص) در حله سرخ گون که شلوار را از ساق بر زده بود بیرون آمد و برای مردم به سوی نیزه کوچک دو رکعت نماز گذارد. و مردم و حیوانات را دیدم که از جلو نیزه کوچک می گذشتند.

حسن بصری در نماز بر روی یخ و پلها باکی نمی بیند. هر چند در زیر پل و یا در جلوی آن پیشاب جاری باشد هرگاه در پیشروی او ستره باشد. ابوهریره با اقتداء به نماز امام بر بام مسجد نماز گذارد. و ابن عمر بر برف نماز گذارد.

۳۷۹- میمونه رض: پیامبر(ص) نماز می گذارد و من حیض بودم و در کنار وی نشسته بودم و چون سجده می کرد، گهگاه جامه او با من تماس می کرد. آنحضرت(ص) بر روی جای نماز بوریایی کوچک، نماز می گذارد. و حسن گفته است: ایستاده نماز بگزار اگر به همراهان تو زحمتی نباشد و تو به هر جهت که کشتی می گردد، می گردی (قبله یا غیر قبله) و اگر به همراهان تو زحمت باشد، نشسته نماز بگذار.

۳۸۲- عایشه رض: من در پیش روی پیامبر(ص) می خوابیدم و پاهایم در قبله وی قرار داشت و چون به سجده می رفت پایم را می فشرد و من پایم را جمع می کردم، و چون می ایستاد، پایم را دراز می کردم. در آن زمان در خانه ها چراغ

---

۱- دلیل به کراهیت نماز دارد نه قطع آن، زیرا آنحضرت(ص) نماز را تمام کرد و قطع نکرد.

وجود نداشت.

۳۸۳- همانا پیامبر(ص) نماز می گذارد و عایشه رض چون جنازه ای میان او و قبله بر بستر وی آرمیده بود.

۳۸۵- انس رض: ما با پیامبر(ص) نماز می گذاردیم و هریک از ما به دلیل شدت گرما، گوشه جامه خویش را در جای سجده می نهاد.

۳۸۶- آیا پیامبر(ص) با کفش نماز می گذارد؟ وی (انس رض) گفت: آری.

۳۸۸- مغیره: پیامبر(ص) را در وضو کمک کردم. آنحضرت(ص) بر موزه ها مسح کرد و نماز گذارد.

۳۸۹- حذیفه: مردی را دیدم که رکوع و سجده خود را کامل نمی کرد، و چون نمازش را تمام کرد به او گفتم: (گمان می رود که گفته است) اگر (بر این حال) بمیری به غیر سنت محمد(ص) مرده ای!

۳۹۰- عبدالله: پیامبر(ص) که نماز می گذارد، بازوها را از پهلوها دور نگه می داشت تا آنکه سفیدی زیر بغل های وی نمودار می شد.

۳۹۴- «چون به قضای حاجت (و ادرار) می روید، روی به قبله و پشت به قبله نکنید، بلکه به سوی شرق و غرب روی بگردانید».

۳۹۵- ابن عمر رض: پیامبر(ص) به مکه آمد و کعبه را هفت بار طواف کرد و دو رکعت نماز در عقب مقام ابراهیم گذارد و میان صفا و مروه طواف کرد.

۳۹۶- جابر رض: کسی در عمره بعد از طواف کعبه به زن خود نزدیک نشود<sup>(۱)</sup> تا آنکه میان صفا و مروه طواف نماید.

۴۰۰- جابر رض: پیامبر(ص) به مرکب خویش سوار بود و نماز می گذارد و به

---

۱- به قصد جماع.

هر سو که مرکب وی روی می آورد، روی می نمود و چون می خواست نماز فرض بخواند، از مرکب فرود می آمد و به جانب قبله نماز می گذارد.

۴۰۱- «اگر یکی از شما در نماز خویش شک کند گمانی را که آنرا درست می پندارد (ظن غالب) دریابد و بر همان گمان نمازش را تمام کند. پس سلام بگوید و بعد دو سجده (سهو) کند».

۴۰۵- پیامبر (ص) آب دهانی را بر دیوار قبله مسجد دید. این امر بر وی گران آمد، چنانکه اثر آن در سیمایش ظاهر شد. پس برخاست و آنرا با دست سترد و فرمود: «هریک از شما که به نماز می ایستد همانا با پروردگار خود راز و نیاز می کند یا آنکه پروردگارش در میان او و قبله است. پس هیچیک از شما به سوی قبله تف نیفکند، بلکه به جانب چپ یا زیر پای خود تف افکند». سپس آنحضرت (ص) گوشه ردای خویش را گرفت و آب دهان در آن افکند و به هم مالید و بعد گفت: «یا اینچنین کند».

۴۰۸- «اگر کسی از شما آب دهان می افکند بر جلوی روی خود (رو به قبله) نیفکند و به جانب راست نیفکند بلکه باید به سمت چپ خود یا زیر پای چپ خود آب دهان افکند».

۴۱۵- «تف افکندن در مسجد گناه است و کفاره اش پوشانیدن آن با خاک است».

۴۲۱- برای پیامبر (ص) از بحرین مالی آورده شد. آنحضرت (ص) فرمود: آنرا در مسجد بریزید... و پیامبر (ص) از جای خویش برنخواست تا آنکه آخرین درهم آن توزیع شد. (بیشترین مالی بود که برای پیامبر (ص) آورده شده بود).

۴۲۴- عتبان: پیامبر (ص) به منزل وی آمد و فرمود: «در کدام جای خانه خویش دوست می داری که برایت نماز بگذارم» من برایشان به جایی اشاره کردم. پیامبر (ص) تکبیر گفت و ما در عقب وی صف بستیم و آنحضرت (ص) دو

رکعت نماز گذارد.

۴۲۵- «به تحقیق که خداوند آتش دوزخ را بر کسی که لا إله إلا الله گفته باشد و با گفتن آن (رضای) ذات خدا را می‌خواهد، حرام گردانیده است»<sup>(۱)</sup>.

ابن عمر دخول به مسجد را با پای راست و خروج از مسجد را با پای چپ آغاز می‌کرد.

۴۲۶- پیامبر(ص) آغاز کردن از طرف راست را دوست می‌داشت و به اندازه‌توان، در همه‌امور: در شستن، شانه کردن، و کفش پوشیدن از طرف راست شروع می‌کرد.

و عمررض، انس بن مالک را دید که نزدیک قبری نماز می‌گذارد، بر وی بانگ زد که: قبر قبر. و لیکن او را به اعاده نماز امر نکرد. (پس معلوم شد که این عمل موجب کراهت نماز است نه فساد آن.

۴۲۸- «بارها! نیکویی جز نیکویی آخرت نیست...».

۴۲۹- انس رض: آنحضرت قبل از بنای مسجد در آغل گوسفندان نماز می‌گذارد.

۴۳۲- «بخشی از نماز خویش را در خانه‌های خویش بگذارید (نماز نافله)، و آنرا گورستان نسازید».

۴۳۳- ابن عباس در کلیسا نماز می‌گذارد به جز کلیسای که در آن عکس‌ها و مجسمه‌ها بود.

۴۴۰- عبدالله: وی در آن هنگام که جوان و مجرد بوده و زن نداشته در مسجد پیامبر(ص) می‌خوابیده است.

۴۴۲- چون پیامبر(ص) از سفری برمی‌گشت، ابتدا به مسجد می‌رفت و نماز

---

۱- مراد از حرام شدن آتش، حرام شدن آتش دایمی است یا آتش که برای کفار و منافقین است.

می گذارد.

۴۴۴- «هرگاه کسی از شما به مسجد وارد شد باید قبل از نشستن دو رکعت نماز بگزارد».

۴۴۵- فرشتگان تا زمانی به هریک از شما دعا می کنند که در همان جایی که نماز گذارده نشسته باشد و بی وضو نشود و چنین دعا می کنند: «بارها! اورا بیامرز و بر او رحمت کن».

۴۵۰- «کسی که مسجدی آباد کند و قصدش رضای خداوند باشد، خداوند برایش در بهشت مانند آنرا می سازد».

۴۵۶- «کسی که شرطی می گذارد که آن شرط در کتاب خدا نیست، اورا از آن شرط نفعی نیست ولو که صد شرط کرده باشد».

۴۶۰- ابوهریره رض: همانا زن (یا مردی) مسجد را جارو می کرد، و آنحضرت (ص) بر سر قبر وی نماز گذارد.

۴۷۵- عباد: او پیامبر (ص) را در مسجد دیده است که بر پشت دراز کشیده و پای را بر پای دیگر نهاده است.

۴۷۷- «ثواب نماز جماعت بیست و پنج مرتبه بیشتر است - زیرا هریکی از شما که وضو کند و وضو را کامل نماید و به مسجد برود و تنها به قصد نماز برود. در هرگامی که برمی دارد، خداوند در برابر آن درجه ای از اورا بلند و از یکی از خطاهایش درمی گذرد، تا آنجا که به مسجد درآید. و چون به مسجد درآید تا زمانی که در انتظار نماز است، ثواب نماز را درمی یابد، و تا وقتی که در جای نماز نشسته باشد ملایکه اورا دعا کرده می گویند: بارها! اورا بیامرز، بارها! بر او رحمت کن، تا آنگاه که در آن بی وضو نشود.

۴۸۱- «مسلمان برای مسلمان چون خشت های دیوار (یا ساختمان) است که برخی،

برخی دیگر را محکم می‌کند، و (با گفتن آن) انگشتان خود را در همدیگر درآورد».

۴۹۴- هنگامی که پیامبر (ص) در روز عید بیرون می‌آمد می‌فرمود که حربه (چوب دستی دارای سرنیزه) را بردارند. و آن در جلو روی آنحضرت (ص) نهاده می‌شد و به سوی آن نماز می‌گذازد. و مردم در عقب آنحضرت (ص) (در نماز) بودند و آنحضرت (ص) در سفر نیز چنین می‌کرد. (یعنی اگر دیواری نبود که آنرا ستره گیرد، نیزه را در جلو روی خود قرار می‌داد و به سوی آن نماز می‌گذازد).

۴۹۶- میان جایگاه نماز پیامبر (ص) و دیوار، به اندازه راه عبور گوسفند فاصله وجود داشت.

۵۰۱- عمر رض: نماز گذاران (غرض ستره گرفتن) به سوی ستون‌ها سزاوارترند نظر به کسانی که در عقب ستون‌ها صحبت می‌کنند.

۵۰۸- عایشه رض: همانا من بر بسترم دراز کشیده بودم و پیامبر (ص) در برابر وسط بستر به نماز می‌ایستاد و زشت می‌دانستم که در جلوی نماز وی بایستم و خودم را به سوی پایه‌های بستر می‌کشیدم تا آنکه از لحاف خود بیرون می‌آمدم.

۵۰۹- «اگر کسی از شما به سوی چیزی نماز می‌گذارد که او را از مردم پوشیده می‌دارد و کسی دیگر می‌خواهد از جلو او بگذرد، باید او را برگرداند و اگر نپذیرد با وی جنگ نماید (بجنگد) زیرا که او شیطان است».

۵۱۰- «اگر کسی که از جلو نماز می‌گذرد بداند که مرتکب چه گناهی شده است، چهل (روز، ماه، سال) را انتظار می‌کشید برای وی بهتر بود نسبت به آنکه از جلو نماز گذار بگذرد».

۵۱۲- عایشه رض: پیامبر (ص) نماز می‌گذارد و من جلوی آنحضرت (ص) بر بستر

او خوابیده بودم، و چون می‌خواست که نماز وتر بگذارد مرا بیدار می‌کرد و من وتر می‌گذاردم.

۵۱۶- پیامبر(ص) نماز می‌گذارد و امامه (نوه پیامبر(ص)) بنت زینب بنت رسول(ص) را بر دوش گرفته بود و آن کودک دختر ابوالعاص... بود و هنگامی که آنحضرت سجده می‌کرد، او را بر زمین می‌نهاد و چون می‌ایستاد او را بر دوش می‌گرفت.

۵۲۴- جریر: با پیامبر(ص) بیعت کردم بر اینکه نماز برپا دارم و زکات بدهم و هر مسلمانی را نصیحت کنم.

۵۲۷- عبدالله: من از پیامبر(ص) سوال کردم که کدام عمل نزد خداوند پسندیده‌تر است؟ فرمود: نماز در وقت آن. پس کدام عمل؟ آنحضرت فرمود: نیکویی با پدر و مادر. پس کدام عمل؟ فرمود: جهاد در راه خدا.

۵۲۸- اگر به در خانه یکی از شما جویی آبی باشد که هر روز پنج بار در آن غسل نماید، آیا اثری از چرک در او باقی می‌ماند؟ گفتند: نه، هیچ اثری از چرک در او باقی نمی‌ماند. آنحضرت(ص) فرمود: این مثال، مانند نمازهای پنج وقت است که گناهان (صغیره) را محو می‌کند.

۵۳۲- «در سجده اعتدال کنید و مانند سگ آرنج‌ها را بر زمین نگسترانید<sup>(۱)</sup> و هرگاه کسی تف می‌کند (در نماز)، به پیش روی و به جانب راست خویش تف نکند، زیرا وی با خدای خویش راز و نیاز می‌کند».

---

۱- یعنی در وقت سجده، آرنج‌ها را از زمین و پهلوها دور نگهدارید.

۵۳۹- «... اگر گرمی هوا شدت یافت نماز پیشین را در سردی هوا بگذارید».

۵۴۱- ابومنهال: آنحضرت (ص) در تأخیر نماز خفتن تا یک سوم حصه شب باکی نمی‌دید و بعد گفت تا نیمه شب. بار دیگر ابومنهال گفت: تا یک سوم حصه از شب.

۵۴۳- ابن عباس رض: پیامبر (ص) نمازهای پیشین و عصر و شام و خفتن را هفت رکعت و هشت رکعت در مدینه می‌گذارد. (نماز پیشین و عصر را یکبارگی هشت رکعت می‌گذارد و شام و خفتن را یکبارگی هفت رکعت می‌گذارد). ایوب (جابر را) گفت: شاید این حالت در شب بارانی بوده باشد؟ جابر گفت: شاید.

۵۵۲- «کسی که نماز عصر را (عمداً) ترک کند چنانست که خانواده و مال خود را از دست داده باشد».

۵۵۳- «کسی که نماز عصر را ترک کند، همانا عملش تباه شده است».

۵۵۴- «به پاکی یاد کن همراه ستایش پروردگار خود را، پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب». یعنی نماز صبح و نماز عصر.

۵۵۶- «اگر کسی از شما رکعتی از نماز عصر را پیش از غروب دریابد، نمازش را کامل ادا کند و اگر رکعتی از نماز صبح را قبل از طلوع آفتاب دریابد، نمازش را کامل کند»<sup>(۱)</sup>.

---

\* نماز پیشین را وقتی بگذار که سایه مانند تو باشد و نماز عصر را زمانی بگذار که سایه دو مانند تو باشد (شرح شیخ الاسلام).

۱- حنیفیه نماز فجر را به طلوع آفتاب باطل می‌داند، یعنی در عصر جایز می‌دانند و در صبح جایز ندانند (تیسیر القاری).



- ۵۵۸- و عطاء گفته است: مریض نماز شام و خفتن را جمع کند (یکجا بگذارد)<sup>(۱)</sup>.
- ۵۷۴- «آنکه دو نمازی را که با خنکی هوا مصادف است (یعنی صبح و عصر) ادا کرد، داخل بهشت می شود».
- ۵۷۹- «کسی که یک رکعت از نماز صبح را قبل از طلوع آفتاب دریابد، به تحقیق که تمام نماز صبح را دریافته است. و کسی که یک رکعت از نماز عصر را قبل از غروب آفتاب دریابد، همانا که تمام نماز عصر را دریافته است».
- ۵۸۱- پیامبر(ص) از نمازی بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب، و از نمازی بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب منع کرده است.
- ۵۹۸- آنحضرت(ص) پس از غروب آفتاب، نماز عصر را گذارد و سپس نماز شام را گذارد.
- ۶۰۰- انس رض: شبی ما منتظر پیامبر(ص) بودیم تا آنکه نیمه شب فرا رسید پس آمد و بر ما نماز گذارد و سپس به ما موعظه نمود و گفت: «آگاه باشید که مردم نماز گذاردند و خفتند، و همانا شما پیوسته در نماز بودید تا آنگاه که در انتظار نماز به سر بردید». حسن گفت: همانا مردم همیشه در نیکی می باشند تا آنگاه که در انتظار نیکی باشند.
- ۶۱۱- «هنگامی که اذان را شنیدید شما مانند آنچه مؤذن می گوید بگویید».
- ۶۱۳- آنگاه که مؤذن گفت: «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» معاویه گفت: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» و بعد گفت: از پیامبر شما شنیده ایم که چنین می گفت.
- ۶۱۵- «اگر مردم بدانند که چه ثوابی در گفتن اذان و صف اول نماز وجود دارد سپس آنرا نیابند به جز آنکه بر آن قرعه افکنند، همانا قرعه می افکنند و اگر

---

۱- در مذهب حنفی در هیچ صورتی جمع کردن نماز شام و خفتن جایز نیست.

می دانستند که چه ثوابی در نماز (در اول وقت آن) است در آن بر همدیگر سبقت می جستند و اگر ثواب نماز خفتن و صبح را می دانستند، اگر به خریدن هم می شد، به آن می آمدند».

۶۱۶- ابن عباس رض: ... در چنین حالتی (روز بارانی و گل آلود) نماز در خانه حتمی می باشد<sup>(۱)</sup> (یعنی آنحضرت (ص) این کار را کرده اند).

۶۳۰- «چون برآمدید (در جریان سفر) اذان بگوئید، و سپس اقامت بگوئید و سپس بزرگتر شما، شما را امامت بدهد».

۶۳۳- ابراهیم: در مؤذن باکی نیست که بی وضو اذان بگوید.

عطا: وضو (در اذان) مستحب و سنت است.

۶۳۵- پدر عبدالله: با پیامبر (ص) نماز می گذاردیم، صدای پای مردانی را شنید (که با شتاب می آمدند). چون آنحضرت نماز را تمام کرد، گفت: شما را چه حالت بود؟ گفتند: به خاطر نماز شتاب کردیم. آنحضرت فرمود: «چنین کاری نکنید، و چون به نماز می آید متانت و آرامش خویش را حفظ کنید و آنچه از نماز (با امام) دریافتید آنرا ادا کنید و آنچه از نماز دریافتید، آنرا بعد از امام ادا کنید».

۶۴۰- ابوهریره رض: اقامت نماز گفته شد و مردم صفوف خویش را برابر کردند. پیامبر (ص) برآمد (به جایگاه نماز) پیش رفت در حالی که جنب بود. سپس فرمود: «در جای خویش باشید» آنحضرت باز گشت و غسل کرد پس بیرون آمد در حالی که از سرش آب می چکید و بر مردم نماز گذارد.

---

۱- بعضی شارحان آنرا به نماز جمعه راجع داشته اند، چنانچه از سیاق آن فهمیده می شود خطبه جمعه بوده.

۶۴۳- حسن: اگر کسی را مادرش از روی شفقت از نماز خفتن در جماعت منع کند، از مادر خود اطاعت نکند.<sup>(۱)</sup>

۶۴۷- ابوهریره رض: ثواب نماز مرد در جماعت بیست و پنج مرتبه بیشتر می‌گردد بر نمازی که در خانه یا بازار (به تنهایی) می‌گذارد.

۶۵۰- ابودرداء: به خدا سوگند که نمی‌شناسم چیزی (نیکو) از امت محمد(ص) باقی مانده باشد به جز اینکه نماز را در جماعت می‌گذارند.

۶۵۱- «بزرگترین مردم از نظر ثواب نماز، دورترین و دورترین از جهت راه اند و کسی که در انتظار نماز است که با امام نماز بگذارد، اجر وی بس بزرگ است نسبت به کسی که نماز می‌گذارد و سپس می‌خوابد».

۶۵۲- «در حالی که مردی در راه می‌رفت شاخه‌خاری را دید که در راه افتاده بود (اسباب زحمت مردم شده بود) و او آنرا از سر راه برداشت. و خداوند (نیز) از وی راضی گشت و وی را آمرزید».

۶۵۴- «اگر از ثواب نماز پیشین در اول وقت خبر شوند، در رفتن نماز بر یکدیگر سبقت جویند...».

۶۶۰- «هفت کسی اند که خداوند آنان را در سایه خود جای می‌دهد، در آن روزی که هیچ سایه نیست به جز سایه او: امام (حاکم) عادل، و جوانی که به عبادت پروردگار خود از اوان کودکی پرورش یافته است، و مردی که دل او به مسجد وابسته است، و دو مردی که به خاطر خدا باهم یکجا می‌شوند و از هم جدا می‌شوند، و مردی که زن اصیل و صاحب جمال او را به زنا دعوت کند و او نپذیرد، و بگوید که همانا من از خدا می‌ترسم و مردی که پنهانی

۱- جماعت نزد حنفیه مؤکده است.

صدقه دهد تا آنکه دست چپ او نداند که دست راست او چه داده است، و

مردی که در خلوت خدا را یاد می‌کند و اشک از چشمانش جاری شود».

۶۶۶- ابن عمر: پیامبر (ص) در شبی که سرد و بارانی بود، به مؤذن فرمود که بگوید:

«هان! در خانه‌ها نماز بگذارید».

۶۷۱- «هرگاه طعام شب نهاده شد و اقامت نماز گفته شد، به طعام (غذای) شب

آغاز کنید».

۶۷۲- «اگر طعام شب نهاده شد، به خوردن طعام آغاز کنید، قبل از آنکه نماز شام

را بگذارید و طعام خویش را رها کرده، در ادای نماز شتاب نکنید».

۶۸۶- ابن مسعود: کسی که (در رکوع یا سجود) قبل از امام سر بلند کند واپس

عود کند و به همان اندازه که پیشتر سر بلند کرده بود (رکوع یا سجده کند)

در آن درنگ کند و سپس از امام تبعیت کند.

حسن: کسی که با امام دو رکعت نماز می‌گذارد (و نسبت ازدحام) قادر

نمی‌گردد که سجده کند (پس از فراغت امام از نماز) برای رکعت اخیر دو

سجده کند و رکعت اولی را با دو سجده قضا کند و کسی که یک سجده را

فراموش می‌کند و می‌ایستد واپس سجده کند (و بعد بایستد).

۶۸۹- «چون امام نشسته نماز گذارد، شما نیز نشسته نماز بگذارید». به هنگام مریضی

پیشین آنحضرت (ص) بوده و پس از آن پیامبر (ص) نشسته نماز گذارد و مردم

به عقب وی ایستاده بودند و آنها را نفرمود که بنشینند، و همانا حکم از آخر

گرفته می‌شود، یعنی آخر این عمل پیامبر (ص).

۶۹۰- براء: آنگاه که پیامبر (ص) می‌گفت: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» هیچکس از ما

پشت خویش را برای سجده خم نمی‌کرد، تا آنکه پیامبر (ص) خود به سجده

می‌افتاد و ما بعد از وی به سجده می‌افتادیم.

- ۶۹۱- «امامت دهد مردم را کسی که خواننده تر است کتاب خدا را»<sup>(۱)</sup>.
- ۶۹۳- «بشنوید و اطاعت کنید (آنچه موافق شرع باشد) هر چند غلامی حبشی بر شما گمارده شود که سر وی گویا به اندازه دانه کشمش باشد».
- ۶۹۴- «بر شما (امامان) نماز خواهند گذارد اگر به صواب (به رعایت احکام و ارکان) گذاردند ثواب آن برای شما و برای آنها است و اگر خطا کردند ثوابش برای شما و عقابش بر آنها است».
- ۶۹۵- عثمان: نماز نیکوترین عملی است که مردم انجام می دهند. آنگاه که مردم نیکویی می کنند با آنها نیکویی کن و چون بدی کنند از ایشان دوری گزین. زهری: من نمی پسندم که در عقب مُخنث (مرد شبیه به زن)<sup>(۲)</sup> نماز گذارده شود مگر به هنگام ضرورت که از آن چاره‌ای نباشد.
- ۶۹۸- آنحضرت وضو کرد و سپس برخاست و به نماز آغاز کرد. من به جانب چپ وی ایستادم و آنحضرت مرا به جانب راست خویش آورد و سیزده رکعت نماز گذارد و سپس خوابید تا آنکه صدای نفس‌شان شنیده شد و چون آنحضرت می خوابید خُر خُر می کرد. سپس مؤذن نزد وی آمد و بیرون رفت و نماز گذارد و وضو نکرد.
- ۷۰۰- عمررض: یک نماز در روز دو بار خوانده نشود.
- ۷۰۲- «کسانی از شما مردم را از جماعت می گریزانند. هریکی از شما که بر مردم نماز می گذارد باید نماز را تخفیف کند، زیرا در میان آنها کسانی است که

---

۱- نزد علمای حنفیه امامت پسر نابالغ جایز نیست.

۲- مخنث کسی است که تشبه به زنان دارد و آن دو حالت دارد، یکی آنکه در خلقت وی چنان است که آنرا منع نیست و دیگری اینکه خودش را به زنان مشابه بسازد در تحریک انگیزی مردان که همین نکوهیده است.

ضعیف و پیر و نیازمندند».

۷۰۳- «اگر کسی برای خود نماز می گذارد، هرچه می خواهد نماز را دراز کند».

۷۰۶- انس رض: پیامبر(ص) نماز را کوتاه می کرد و کامل می کرد<sup>(۱)</sup> و به گونه تمام و کمال ادایش می نمود.

۷۰۷- «آنگاه که به نماز می ایستم می خواهم که نماز را دراز کنم و چون گریه کودکی را می شنوم، نمازم را کوتاه می کنم، زیرا زشت می دارم که مادرش را (که به عقب من در جماعت است) به مشقت افکنم».

۷۱۲- «شما از من تبعیت کنید و کسانی که در عقب شما هستند، از شما تبعیت کنند».

۷۱۵- عبدالله: من آواز گریه عمر را شنیدم، در حالی که در صف های آخر نماز بودم و وی می خواند: [یوسف: ۸۶] «جز این نیست که بیان می کنم غم سخت و اندوه خود را به خداوند».

۷۱۷- «صف های خویش را راست کنید و یا خداوند در میان روی های شما اختلاف پدید می آورد».

۷۲۰- «شهداء عبارتند از غریق در آب و مرده در مرض طاعون، در مریضی اسهال و هلاک شدگان در زیر دیوار (در زلزله ها و حوادث همسان آن)».

۷۲۱- «... اگر ثواب صف اول را بدانند در آن قرعه خواهند افکند».

۷۲۵- انس رض: هریکی از ما شانه را به شانه و قدم را به قدم همکنارش می پیوست (در نماز).

---

۱- یعنی نماز را طوری کوتاه می کرد که در ارکان و اجزای آن نقصان نمی یافت. و بعضی گفته اند: تخفیف می کرد در قرائت و تمام می کرد در رکوع و سجود. بعضی گویند: نماز آنحضرت با وجود طول در غایت قلت و خفت می نمود.

۷۲۷- انس رض: شبی در خانه ما، من و یتیمی در عقب پیامبر(ص) نماز گذاردیم و مادر من ام سلیم در پشت سر ما ایستاده بود.

۷۲۸- به امام اقتدا کند هر چند میان آنها راه یا دیواری باشد، هرگاه تکبیر امام را شنیده بتواند. (ابومجلز)

۷۳۱- «بهترین نماز مرد، نمازی است که در خانه خود می گذارد به غیر نماز فرض».

۷۴۴- ابوهریره رض: به آنحضرت(ص) گفتم: پدر و مادرم فدای تو باد! در وقفه سکوت بین تکبیر و قرائت چه می خوانی؟ آنحضرت(ص) فرمود که «می گویم: بار الها! دور گردان میان من و گناهان من، چنانکه دور گردانیدی میان مشرق و مغرب. بار الها! از آلودگی گناه چنان پاکم کن که جامه سفید از چرک و آلودگی پاک می شود. بار الها! خطاهای مرا با آب و برف و ژاله بشوی».

۷۵۰- «چه شده مردمی را که در نماز چشمانشان را به سوی آسمان می دوزند؟ البته خود را از این کار بازخواهند داشت یا آنکه چشمانشان ربوده خواهد شد».

۷۵۱- «این حالت (چپ و راست نگریستن در نماز) ربودنی است که شیطان از نماز بنده می رباید».

۷۵۲- عایشه رض: پیامبر(ص) در چادر سیاه مربعی شکلی که دارای نقش بود نماز گذارد و سپس گفت: «نقش های آن مرا به خود مشغول کرد، آنرا به ابوجهم بربید و برای من چادری انبجانی (ساده و بی نقش، منسوب به انبجان) بیاورید».

---

\* آنحضرت وقتی تکبیر می گفت دست ها را تا برابر گوش ها می رسانید.

۷۵۶- «برای کسی که سوره فاتحه را نخواند، نمازی نیست»<sup>(۱)</sup>.

۷۵۷- «آنگاه که به نماز می ایستی تکبیر بگویی، سپس از آنچه از قرآن به یاد داری بخوان بعد رکوع کن تا در رکوع آرام گیری، پس بلند شو تا آنکه خوب بایستی پس از آن سجده کن تا در سجده آرام گیری پس بلند شو تا در نشستن آرام گیری و در همه نمازهایت چنین کن».

۷۷۴- قتاده: کسی ای که یک سوره را در دو رکعت و یا یک سوره را مکرر در دو رکعت می خواند، همه آن کتاب خداست. انس: مردی انصاری در مسجد قباء مردم خویش را امامت می داد. قبل از آغاز هر سوره ای در نماز نخست سوره اخلاص را می خواند. پیامبر (ص) فرمود: «ای فلان! چه چیز تورا وامی دارد که ... این سوره را در هر رکعت لازم بگیری؟» آن مرد گفت: من این سوره را دوست می دارم. آنحضرت فرمود: «دوستی این سوره، تورا به بهشت در آورده است».

۷۷۷- حباب: آیا پیامبر (ص) در نماز پیشین و عصر قرائت می کرد؟ گفت: آری، گفتیم: از کجا دانستی؟ گفت: از حرکت ریش آنحضرت (ص).

۷۸۱- «هرگاه یکی از شما آمین گفت و فرشتگان در آسمان آمین گفتند و یکی از این آمین ها با دیگری موافق افتاد، گناهان گذشته اش بخشیده می شود».

۷۸۳- ابوبکره: وی زمانی به پیامبر (ص) رسید که وی در حال رکوع بود و ابوبکره قبل از آنکه خود را به صف برساند رکوع کرد. وی چون از این موضوع به پیامبر (ص) یاد کرد، آنحضرت (ص) فرمود: «خداوند (در کار خیر) حرص

---

۱- خواندن سوره فاتحه در نماز، نزد حنفیه واجب است نه فرض.

\* نزد حنفیه قرائت امام، قرائت ماموم یعنی مقتدی است و در حکم آنست و ماموم را قرائت جداگانه از امام نباید.



تورا زیاد گرداند. لیکن این کار را بار دیگر نکنی. (در غیر صف رکوع نکنی).

۷۹۱- پیامبر(ص) رکوع کرد و سپس پشت خود را خم نمود و راست نگهداشت. (ابوحمید).

۷۹۲- براء: رکوع پیامبر(ص) و سجده‌شان و نشستن میان دو سجده و ایستادن پس از رکوع به جز قیام (ایستادن به قرائت) و قعود (نشستن به تشهد) تقریباً (از نظر زمانی) باهم برابر بوده است.

۷۹۳- «چون به نماز ایستادی تکبیر بگویی و سپس از قرآن آنچه را آسان است بر تو و به یاد داری بخوان. بعد رکوع کن تا در رکوع قرار و آرام گیری و سپس از رکوع بلند شو تا راست بایستی. بعد سجده کن تا در نشستن آرام گیری، باز سجده کن تا در سجده آرام گیری و پس از آن در همه نمازهای خویش بدینگونه عمل کن».

۷۹۹- ابوحمید: پیامبر(ص) سر از رکوع بلند کرد و راست ایستاد تا آنکه استخوان‌های پشت وی بر جای خود قرار گرفت.

۸۰۰- ثابت: انس رض نماز پیامبر(ص) را برای ما توصیف می‌کرد و نماز می‌گذازد. و چون سر از رکوع بلند می‌کرد می‌ایستاد تا آنکه می‌گفتیم که به تحقیق (سجده را) فراموش کرده است.

۸۰۱- براء: زمان رکوع و سجود پیامبر(ص) و زمانی که سر از رکوع بلند می‌کرد و وقفه میان دو سجده تقریباً باهم برابر بوده است.

---

\* ابراهیم نخعی: چهار چیز اند که اخفا کند آنرا امام: تعوذ و بسم الله الرحمن الرحیم و سبحانک اللهم و آمین. (شیخ الاسلام)

۸۰۷- عبدالله: پیامبر (ص) آنگاه که نماز می گذارد میان دست‌ها را گشاده می‌داشت (دست‌ها را از پهلوها دور می‌داشت) تا آنکه سفیدی بغل‌های وی ظاهر می‌گشت.

۸۱۲- «مأمور شدم که بر هفت استخوان سجده کنم: بر پیشانی - و با دو دست به بینی خویش اشارت کرد تا حد پیشانی را بنماید - و بر دو دست و بر دو زانو و کرانه‌های انگشتان دو پای. و اینکه (در حال نماز) جامه و موی را جمع نکنیم، (زیرا جمع کردن جامه و موی از رسیدن به زمین، نشانه کبر است).

۸۲۹- همانا پیامبر (ص) نماز پیشین را به اصحاب گذارد و پس از دو رکعت اول بلند شد و (به تشهد) نشست، مردم هم با وی ایستادند تا آنکه نماز را تمام کرد و مردم در انتظار آن بودند که وی نماز را سلام بدهد. آنحضرت در حالی که نشسته بود تکبیر گفت و دو سجده کرد، قبل از آنکه سلام بدهد و سپس سلام داد.

۸۳۲- «بار الها! به تو پناه می‌جویم از عذاب قبر، و به تو پناه می‌جویم از فتنه مسیح دجال و به تو پناه می‌جویم از فتنه زندگی و فتنه مرگ. بار الها! به تو پناه می‌جویم از گناه و قرض».

«مردی که قرضدار شد، چون سخن زند دروغ گوید و چون وعده کند خلاف ورزد».

۸۳۴- «بار الها! بر نفس خود ستم کردم، ستمی زیاد و نمی‌آمرزد گناهان را مگر تو، پس بیامرز، امرزش از درگاه خود و بر من رحم کن، به تحقیق که تویی

---

\* وائل: پیامبر (ص) را دیدم که هنگام سجده زانوهای او را قبل از دست‌ها بر زمین می‌نهاد و برخی از ضعف این حدیث صحبت کرده‌اند.

بخشایندۀ مهربان».

۸۴۳- ابوهریره رض: پیامبر(ص) فرمودند: «پس در پی هر نماز تسبیح و تحمید و تکبیر بگوئید تا اینکه از همه آنها سی و سه بار شود، بگوئید: سبحان الله، و الحمد لله و الله اکبر تا آنکه مجموع آن سی و سه گردد».

۸۵۲- «کسی که سیر و پیاز (گندنه) خورده باشد به مسجد ما نزدیک نشود».

۸۷۳- «هرگاه زن یکی از شما اجازه بخواهد (که به مسجد برود) او را منع نکنید».

۸۷۵- فرمودۀ خدای تعالی: «چون اذان داده شود برای نماز در جمعه، پس سعی کنید به سوی یادکردن خدا و ترک کنید خرید و فروش را. این بهتر است برای شما اگر می دانید» [الجمعه: ۹].

۸۷۷- «هریک از شما که به نماز جمعه می آید باید غسل کند»<sup>(۱)</sup>.

۸۸۰- «غسل روز جمعه بر هر شخص بالغ واجب است و اینکه مسواک کند و اینکه اگر بیابد، خوشبویی ای را استعمال نماید».

۸۹۷- «بر هر مسلمانی لازم است که در هر هفت روز، روزی سر و بدن خویش را بشوید».

۹۰۸- «آنگاه که اقامت نماز گفته شود به حالت دویدن به نماز نیاید، بلکه به رفتار عادی به نماز بیایید، پس آنچه از نماز دریافتید ادا کنید و آنچه از شما بگذشت آنرا تمام کنید».

۹۳۱- مردی روز جمعه آمد در حالی ای که پیامبر(ص) خطبه می خواند، آنحضرت(ص) فرمود: آیا نماز گذاردی؟ آن مرد گفت: نه. آنحضرت فرمود: برخیز و دو رکعت نماز بگذار.

---

۱- امام ابوحنیفه غسل جمعه را مستحب گفته است.

۹۳۳- «شنونده خاموش باشد، آنگاه که امام خطبه می خواند».

۹۳۴- «اگر به یار (هم‌زانی) خود در روز جمعه گفتی که خاموش باش، همانا سخن لغو گفته‌ای».

۹۳۵- پیامبر(ص) از روز جمعه یاد کرد و فرمود: «در آن ساعتی است که بنده مسلمانانی که ایستاده است و نماز می‌گذارد، آنرا در نمی‌یابد مگر آنکه هر آنچه از خدای تعالی بخواهد به وی ارزانی می‌دارد».

۹۳۹- سهل: ما نه قیلوله (خواب نیم روز) می‌کردیم و نه طعام روزانه می‌خوردیم، مگر بعد از نماز جمعه.

۹۵۱- «نخستین کاری که ما در این روز خود (عید اضحی) بدان آغاز می‌کنیم آنست که نماز بگذاریم و سپس به خانه خود برگردیم و قربانی کنیم»<sup>(۱)</sup>.  
۹۵۳- پیامبر(ص) در روز عید فطر تا چند دانه خرما (به عدد طاق) نمی‌خورد، به نماز نمی‌رفت.

۹۵۴- «کسی که قبل از نماز عید ذبح کند، باید بار دیگر قربانی کند»<sup>(۲)</sup>.

۹۶۸- ابن عباس رض در تفسیر آیه: «یاد کنید خدا را در چند روز شمرده‌شده (ایام منی)<sup>(۳)</sup>» [البقره: ۲۰۳]. گفت: هدف از آن ده روز اول ذی حجه است و ایام معدودات، ایام تشریق (روز عید و سه روز دیگر) است.

۹۶۹- «هیچ عملی در ایام دیگر بهتر از عملی نیست که در این ایام انجام می‌شود. (یعنی از اول تا دهم ذی الحجه).

۹۸۰- آیا اگر یکی از ما چادری نداشته باشد و به نماز عید بیرون نیاید آیا گنهکار

---

۱- نماز عید نزد امام ابوحنیفه واجب است و دلیل آن مواظبت آنحضرت است به آن.

۲- بز کمتر از دو سال برای قربانی روا نیست.

۳- ایام منی روز عید و سه روز بعد عید است. (عید قربان)

می شود؟ آنحضرت (ص) فرمود: «زن همراه وی از چادر خود او را بپوشاند. و زنان باید در مجالس خیر و اجتماعات دینی مسلمانان شرکت کنند». (و همین حدیث دلیل است بر وجوب نماز عید «تیسیر القاری»).

۹۸۶- پیامبر (ص) چون روز عید می بود در بازگشت از عیدگاه راه خود را تغییر می داد و از راهی که آمده بود بر نمی گشت. و عطا گفته است: کسی که نماز عیدش فوت شود، دو رکعت بگذارد.

۹۸۹- پیامبر (ص) روز عید فطر بیرون آمد و دو رکعت نماز گذارد که پیش از آن و پس از آن نماز نگذارد، در حالی که بلال رض همراه ایشان بود.

۹۹۰- «نماز شب (وتر) دو رکعت است و اگر کسی از شما از طلوع صبح بترسد یک رکعت دیگر بگذارد تا نمازی را که گذارده است، طاق گرداند»<sup>(۱)</sup>.

۱۰۳۱- پیامبر (ص) در هیچ دعا دست خود را بلند نمی کرد مگر در دعای استسقاء و دست ها را به اندازه ای بلند می کرد که سفیدی بغل های وی دیده می شد<sup>(۲)</sup>.

۱۰۳۲- آنگاه که پیامبر (ص) باریدن باران را می دید می گفت: بار الها! بارانی سودمند.

۱۰۳۶- «قیامت برپا نمی شود تا آنکه علم برگرفته شود و زلزله زیاد گردد و زمان نزدیک گردد (عمر، زود زود بگذرد یعنی سال همچو ماه و ماه همچو هفته....) و فتنه پدید آید و هرج فزونی یابد. و هرج کشتن است، کشتن تا

---

۱- به مذهب حنفیه وتر سه رکعت است و واجب می باشد.

۲- بلند کردن دست ها بدان حد که بغل ها نمایان شود فقط در استسقاء بود، در غیر آن بلند کردن دست ها نظر به احادیثی که در صحیحین، ابوداود و نسائی آمده در دعاها به ثبوت پیوسته است.

آنکه در میان شما ثروت زیاد شود و لبریز و مالا مال گردد».

۱۰۳۸- آنحضرت (ص) گفت که خداوند فرموده است: ... آنکه گفت: بارانی که برای ما داده شده است از فضل و مرحمت خداوند بوده است، وی ایمان آورنده است به من و انکارکننده به تأثیر ستاره، و برعکس.

۱۰۳۹- «کلید غیب پنج چیز است که آنرا به جز خدا کسی نمی‌داند: کسی نمی‌داند که فردا چه واقع می‌شود. و کسی نمی‌داند که در رحم‌ها چیست؟ (بدبخت است یا نیکبخت). و کسی نمی‌داند که فردا چه کاری انجام می‌دهد (خوب یا بد). و کسی نمی‌داند که به چه سرزمین می‌میرد. و کسی نمی‌داند که باران چه زمانی می‌آید».

۱۰۴۰- «همانا آفتاب و مهتاب به مرگ هیچکس نمی‌گیرند و چون حالت گرفتگی آنها را ببینید نماز بگذارید و دعا کنید تا آنکه حالت برطرف گردد»<sup>(۱)</sup>.

۱۰۴۱- «آنها (آفتاب و مهتاب گرفتگی) دو نشانه از نشانه‌های (قدرت) خداوند است».

---

\* جمعی از ایشان که ابوبکر، عثمان و ابوهیره از آن جمله‌اند در اول شب وتر می‌گذارند و جمعی دیگر که عمر، علی و ابن مسعود از آن جمله‌اند در آخر شب وتر می‌کردند.

\* این مسئله سبب مهم است که بدانیم که کسی می‌تواند شخصیت دینی را وسیله سازد که از جانب او از خداوند التجا کند. لیکن اجازه نیست که کسی را که مرده است به خدا وسیله سازیم. (ترجمه انگلیسی بخاری).

\* نزد امام ابوحنیفه جایز است که مردم تنها تنها نماز استسقاء یا دعای طلب باران بگذارند و در دعای خود تضرع و زاری کنند و استغفار نمایند.

۱- نماز کسوف نزد جمهور سنت مؤکده است و به روایتی از ابوحنیفه و مالک واجب است. و صورت نماز نزد ابوحنیفه دو رکعت است به صفت نفل و در هر رکعت یک رکوع.

- ۱۰۵۵- آیا مردم در قبرهای خویش عذاب می‌شوند؟ پیامبر(ص) (پاسخ مثبت) گفت و از عذاب قبر به خدا پناه جست.
- ۱۰۶۳- «... چون خسوف شود نماز بگذارید و دعا کنید تا بر شما روشن گردند».





# جلد دوم



۱۰۸۸- «بر آن زنی که به خدا و روز آخرت ایمان می آورد، روا نیست که مسیر یک شبانه روز را سفر کند و با وی محرمی نباشد».

۱۰۹۱- رسول الله (ص) را دیده ام که چون در رفتن به سفر شتاب می کرد، نماز شام را تأخیر می نمود تا آنکه میان نماز شام و خفتن، جمع می کرد «یکی را بعد دیگری می گذارد»<sup>(۱)</sup>. (روایت بود از عبدالله بن عمر).

۱۰۹۶- عبدالله بن عمر رض به هنگام سفر بر پشت مرکب خود نماز می گذارد و به هر سو که مرکب روی می گردانید، وی به اشاره (رکوع و سجده) می کرد، وی گفته است که پیامبر (ص) هم چنان می کرده است.

۱۰۹۷- عامر بن ربیع: پیامبر (ص) را دیده ام که بر پشت مرکب خود نماز نفل می گذارد و به هر سویی که مرکب شان رو می کرد با سر اشاره می نمود. و پیامبر (ص) در نماز فرض این کار را نمی کرد.

۱۱۰۱- ندیده ام که آنحضرت (ص) در سفر نماز نفل بگذارد، و خداوند فرموده:

---

۱- درین جمع، احناف نیز قایل اند و می گویند که آنحضرت در مزدلفه نماز شام و خفتن را جمع کرد و نماز شام را به وقت خفتن گذارد و اینرا نیز می گویند که غیر از همین جمع دو نماز، دیگر از آنحضرت دیده نشده است.

\* نزد امام ابوحنیفه جمع «صلاتین» به طور مطلق جایز نیست، زیرا تعیین اوقات قطعی است و به تواتر ثابت است که در آن شبهه راه ندارد و تأخیر و تقدیم نماز از وقت آن، گناه کبیره خوانده شده است.

\* ابن عمر به اقامت پانزده روز عزم می کرد، نماز را تمام می گذارد. علمای حنفی که بدان عمل می کنند، می گویند: اگر بدون نیت اقامت مدت ها به ایستد، نماز را کوتاه کند.

\* سجده تلاوت، نزد حنفیه واجب است بر هر کس که خوانده یا شنیده باشد، چه قصدی باشد و چه بدون قصد. (تیسیر القاری).

«به تحقیق که هست شما را در رسول الله اقتدای نیک» [الأحزاب]. یعنی از آنحضرت تبعیت کنید.

۱۱۰۲- و پیامبر(ص) در سفر دو رکعت (سنت) صبح را گذارد.

۱۱۰۶- آنگاه که پیامبر(ص) (در سفر) با شتاب سیر می کرد، میان نماز شام و خفتن جمع می کرد.

۱۱۰۷- پیامبر(ص) (در سفر) بین نماز پیشین و عصر جمع می نمود هرگاه با شتاب سیر می کرد.

۱۱۱۱- هرگاه پیامبر(ص) قبل از میلان آفتاب (یعنی قبل از ظهر) به سفر آغاز می کرد، نماز پیشین را تا به وقت عصر تأخیر می نمود، و سپس هر دو نماز را جمع می کرد.

۱۱۱۲- و اگر آفتاب میلان کرده بود، پیش از آنکه به سفر آغاز کند، نماز پیشین را می گذارد و بعد سوار می شد.

۱۱۴۵- «پروردگار ما تبارک و تعالی هر شب به آسمان دنیا نزول می کند»<sup>(۱)</sup> و آنگاه که ثلث آخر شب باقی می ماند، می فرماید: کیست که مرا دعا کند تا دعای او را مستجاب کنم؟ کیست که از من بخواهد تا خواسته اش را برآورده سازم؟ کیست که از من آمرزش بخواهد تا او را بیمارزم».

۱۱۵۴- «کسی که شب بیدار شود و این کلمات را بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» و سپس بگوید:

---

۱- مراد از آن، نزول رحمت و مزید لطف و اجابت دعاها است، نه نزول حرکت و انتقال، یعنی رحمت و کرم او در این وقت بیشتر می باشد و دعاها را اجابت می نماید. (تیسیر القاری).

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي»<sup>(۱)</sup> و یا دعایی بکند قبول می‌گردد، و اگر وضو کند و نماز بگذارد، نمازش قبول می‌شود».

۱۱۵۷- «عبدالله مرد نیکی است، اگر نماز شب می‌گذارد».

۱۱۷۸- ابوهریره رض: پیامبر(ص) مرا به سه چیز وصیت کرد که تا دم مرگ آنرا ترک نمی‌کنم: سه روز روزه در هر ماه، نماز ضحی (چاشت)، و خوابیدن بعد از نماز وتر<sup>(۲)</sup>.

۱۱۸۶- «به تحقیق که خداوند بر آتش حرام کرده است، کسی را که - لا إله إلا الله - گفته و بدان رضایت خدای را می‌طلبد».

۱۱۹۰- «نماز در همین مسجد من، بهتر است از هزار نماز در مساجد دیگر، به جز مسجد الحرام در مکه»<sup>(۳)</sup>.

۱۱۹۷- «زن مسافت راه دوروزه را سفر نکند مگر آنکه شوهرش با وی باشد و یا دو محرمی (که نکاحش به گونه‌ی دائمی بر وی حرام باشد) و دو روز است که در آن روزه نیست: روز عید فطر و عید اضحی.

- نیست نمازی پس از دو نماز، پس از نماز صبح تا آنکه آفتاب طلوع کند و پس از نماز عصر تا آنکه آفتاب غروب کند. و بسته نشود پالان‌های شتر (به قصد سفر) مگر به سوی سه مسجد: مسجد الحرام (در مکه)، مسجد اقصی (در بیت المقدس) و مسجد من (در مدینه).

۱۲۰۰- فرموده خداوند: «تقید کنید بر همه نمازها و بر آن مواظبت نمایید» [البقره:

---

۱- خداوند! مرا ببامرز.

۲- روزهٔ آیام بیض که سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه می‌باشد، اختیار کرده شده است، و حد اقل نماز ضحی دو رکعت است.

۳- یک نماز در مسجدالحرام برابر صد نماز در مسجد مدینه است.

۲۳۸]. پس از آن در حال نماز به سکوت مأمور گشتیم. روایت از زید.

۱۲۰۳- «تسبیح (سبحان الله) در حال نماز برای مردان و کفزدن برای زنان است»<sup>(۱)</sup>.

۱۲۱۰- قتاده: اگر دزد جامه کسی را بگیرد، نماز را رها کند و دزد را تعقیب نماید.

۱۲۱۴- «اگر کسی از شما در نماز است، همانا با پروردگار خود راز و نیاز می کند پس به پیش روی خود یا جانب راست خویش تف نیفکند، بلکه به جانب چپ خویش و زیر پای چپ خود تف افکند».

۱۲۱۶- عبدالله بن مسعود رض: من بر پیامبر (ص) که در نماز بود سلام کردم، لیکن سلام مرا جواب نگفت، و فرمود: «در نماز مشغولیتی نیست».

۱۲۲۴- پیامبر (ص) در یکی از نمازها برای ما دو رکعت گذارد، سپس (به رکعت سوم) ایستاد و (به تشهد) نشست. مردم نیز با آنحضرت ایستادند و چون نماز را به آخر رسانید و ما منتظر بودیم که سلام بدهد، پیش از اینکه سلام بدهد، تکبیر گفت و در حالی که نشسته بود دو سجده کرد و سپس سلام داد.

۱۲۳۱- «... نمازگذار فراموش می کند که چند رکعت گذارده است، سه رکعت یا چهار رکعت، در همچو حالتی، باید در حالی که نشسته است دو سجده کند»<sup>(۲)</sup>.

۱۲۳۹- پیامبر (ص) ما را به هفت چیز امر و از هفت چیز منع کرد: آنحضرت ما را امر کرد که جنازه را همراهی کنیم و مریض را عیادت نماییم و دعوت را قبول

---

۱- یعنی برای کسی که در نمازش چیزی واقع می شود.

\* بعد از سجده سهو تشهد نخوانید.

۲- در مذهب جمهور علما سجده سهو در نماز نفل نیز واجب است چنانکه در فرض مقرر است. چنانکه نماز بعد از شروع آن واجب می شود، پس تدارک آن به سجده سهو لازم است.

کنیم، و مظلوم را یاری رسانیم و سوگند خویش را به جا کنیم و سلام کسی را جواب بگوییم و عطسه کننده را - یرحمک الله - بگوییم. و ما را منع کرده است از: استعمال ظروف نقره‌ای و انگشتر طلا و پوشیدن (لباس‌های ابریشمی چون: حریر، دیباچ، قسی و استبرق)<sup>(۱)</sup>.

۱۲۴۳- «... و به خدا سوگند من که خود فرستاده خدا هستم، نمی‌دانم که با من چه معامله خواهد شد».

۱۲۵۴- پیامبر(ص) در حالی نزد ما آمد که ما جسد دختر وی را غسل می‌دادیم، آنحضرت فرمود: «او را به عدد طاق بشوید».

۱۲۵۵- پیامبر(ص) در مورد غسل دختر خود گفت: «از جانب راست و از جای‌های وضوی وی آغاز کنید».

۱۲۵۸- یکی از دختران پیامبر(ص) وفات یافت. آنحضرت برآمد و فرمود: «او را سه بار یا پنج بار یا بیشتر از آن اگر لازم دانید با آب و صدر غسل دهید، و در مرحله آخر کافور به کار گیرید - و یا چیزی از کافور... (او را در این کفن کنید)<sup>(۲)</sup>».

۱۲۶۴- عایشه رض: پیامبر(ص) در سه جامهٔ یمنی سفید سحولیهٔ پنبه‌ای کفن کرده شد. در آن جامه‌ها، نه پیراهنی بود و نه دستاری<sup>(۳)</sup>.

۱۲۷۳- ابراهیم: (دارایی مرده) ابتدا مصرف کفن می‌شود سپس قرض او داده

---

۱- هفتم میثرهٔ حمرا است مانند قطیفه‌های زنان. (تیسیر القاری).

۲- ازار خویش را افکنند.

۳- واجب در کفن، جامهٔ است که همه بدن را بپوشد، جمعی گویند که واجب همانقدر است که عورت را بپوشد. زیاده از آن سنت و مستحب است. (تیسیر القاری).

\* هرگاه کفن نیابد به جز پارچهٔ که سر و پای مرده را بپوشاند، سر وی پوشیده شود.

می‌شود و سپس وصیت وی اجرا می‌گردد. سفیان: اجرت کندن قبر و شستن مرده، در زمره (مصارف) کفن است.

۱۲۷۴- پدر سعد رض: روزی غذای عبدالرحمن بن عوف را آوردند و او روزه داشت. وی گفت: مصعب بن عمیر کشته شد و او از من بهتر بود. برای او چیزی نیافتند که او را کفن کنند، به جز یک چادر، و حمزه بن عبدالمطلب و یا مردی دیگر کشته شد که از من بهتر بود، برای وی نیز چیزی نیافتند که او را کفن کنند به جز یک چادر. همانا از آن می‌ترسم که پاداش اعمال ما در این دنیا پیشتر داده شده باشد و سپس به گریه آغاز کرد.

۱۲۸۰- «روا نیست بر آن زنی که به خدا و روز آخرت ایمان می‌آورد که بیش از سه روز بر مرده سوگواری کند، مگر بر شوهر که میعاد آن چهار ماه و ده روز است».

۱۲۸۳- پیامبر (ص) بر زنی گذشت که بر سر قبری می‌گریست. آنحضرت فرمود: «از خدا بترس و صبر کن».. (به تحقیق که صبر واقعی و حقیقی در آغاز مصیبت است).

۱۲۸۴- دختر پیامبر (ص) قاصدی نزد آنحضرت فرستاد که بگوید: همانا پسر وی در حال مرگ است، آنحضرت کسی را نزد وی فرستاد، و سلام رسانید و چنین فرمود: «همانا برای خداوند است هر آنچه می‌گیرد و هر آنچه می‌دهد، و نزد او هر چیز مدتی معین دارد. بنابراین، باید شکبیا باشد و به پاداش او امیدوار». دختر آنحضرت بار دیگر قاصدی فرستاد و آنحضرت را سوگند داد که نزدش بیاید، آنحضرت برخاست... و مردان دیگر آنحضرت را همراهی کردند. آن پسرک را به سوی پیامبر (ص) بلند کردند، در حالی که نفس وی در سینه بند می‌شد. اشک از چشمان آنحضرت جاری شد، سعد گفت: یا



رسول الله! «این اشک» برای چیست؟ آنحضرت فرمود: «این شفقت و مهربانی است که خداوند در دل‌های بندگان خویش نهاده است، و خداوند از میان بندگانش بر همان بندگان رحم می‌کند که آنها بر دیگران شفقت و مهربانی کند».

۱۲۹۲- «مرده در قبر به سبب نوحه که بر وی می‌شود، عذاب می‌گردد».

۱۲۹۴- «از ما نیست کسی که بر صورت خود سیلی بزند و گریبان چاک کند و مرده را به نام‌های بخواند که در دوران جاهلیت می‌خواندند»<sup>(۱)</sup>.

۱۲۹۵- «یک سوم (برای صدقه وصیت شود)، و یک سوم هم زیاد است. همانا اگر وارثان خویش را ثروتمند بگذاری، بهتر از آنست که نیازمند باشند و دست به سوی مردم دراز کنند، به تحقیق هر نفقه که می‌دهی و با آن، رضای خدا را می‌جویی، بدان پاداش داده می‌شوی حتی آنچه را بر دهان زن خود می‌نهی».

۱۳۰۱- و فرموده خداوند ج: «آنانکه چون برسد بدیشان سختی گویند هر آینه ما از آن خداییم و هر آینه ما به سوی او باز خواهیم گشت. این گروه برایشان است درووها از جانب پروردگار ایشان و بخشایش و ایشانند راه‌یافتگان» [البقره: ۱۵۶-۱۵۷]. و فرموده خداوند ج: «و مدد طلبید به شکیبایی و نماز و هر آینه نماز دشوار است مگر بر فروتنان» [البقره: ۴۵].

۱۳۰۷- «هرگاه جنازه را ببینید به پا ایستید (به احترام مرده و تعظیم ایمانش یا دشواری و بیم از مرگ) تا آنکه جنازه از شما بگذرد. تا آنکه جنازه، شما را

۱- «ای کوه من، ای بازوی من، ای تکیه‌گاه من» (تیسیر القاری).

عقب گذارد یا بر زمین نهاده شود»<sup>(۱)</sup>.

۱۳۱۲- از برابر پیامبر(ص) جنازه‌ای گذشت و آنحضرت ایستاد. به آنحضرت گفته شد که آن جنازه یهودی است. آنحضرت فرمود: «آیا او نفسی (انسانی) نیست».

۱۳۱۵- «در محل جنازه شتاب کنید، اگر مرده نیک اعمال است، او را به سوی نیکویی پیش می‌برید و اگر غیر از آن است، بدی‌ای را از شانه‌های خویش بر زمین می‌نهد».

۱۳۵۸- ابن شهاب: بر هر نوزادی که به هنگام ولادت می‌میرد، نماز جنازه گذارده شود، هرچند آن کودک زنازاده باشد، زیرا بر فطرت اسلام زاده شده، یا اینکه خاص پدرش مسلمان باشد، هرچند مادرش غیر مسلمان باشد، هرگاه نوزاد در وقت زایمان آواز برآورد، بر وی نماز گذارده شود، و بر کودکی که آواز برنیاورده است، نماز گذارده نشود. زیرا خلقتش ناتمام مانده است.

۱۳۶۱- پیامبر(ص) بر دو قبری گذشت که مرده‌های آن عذاب می‌شدند. آنحضرت فرمود: «یکی از آنها از آلوده شدن به ادرار خودش را حفظ نمی‌کرد، و دیگری سخن چینی می‌کرد».

۱۳۶۲- مردی گفت: یا رسول الله! آیا اعتماد نکنیم بر آنچه سر ما نوشته شده است و ترک عمل کنیم، پس کسی از ما که از اهل نیکبختی است به سوی نیکبختی روی می‌آورد و کسی از ما که از اهل بدبختی است به سوی بدبختی روی می‌آورد؟ آنحضرت فرمود: «اما اهل نیکبختی، برای وی عمل نیک

---

۱- ترجمه انگلیسی بخاری: حکم ایستادن برای جنازه با آخرین فعل پیامبر(ص) که توسط علی رض روایت شده و در صحیح مسلم آمده است منسوخ گردیده است.

آسان می شود، و اما اهل بدبختی، برای وی عملی بد آسان می شود». و سپس

آنحضرت خواند: «و اما هر که عطا کرد و پرهیزگاری نمود» [اللیل: ۵].

۱۳۶۷- «آن مرده را که به نیکی یاد کردید، بر او بهشت واجب گشت، و این مرده

را که به بدی یاد کردید، دوزخ بر او واجب گشت، شما شاهدان خدا بر روی

زمین هستید».

۱۳۶۸- «بر هر مسلمانی که چهار نفر به نیکی گواهی دهند، خداوند او را به بهشت

داخل می گرداند». ما گفتیم: اگر سه نفر گواهی دهند؟ فرمود: «همچنان است

سه نفر». گفتیم: اگر دو نفر گواهی دهند؟ فرمود: «همچنان است دو نفر».

۱۳۷۲- پیامبر (ص) پس از هر نمازی که می گذارد، از عذاب قبر پناه می جست.

۱۳۷۳- «عذاب قبر حق است».

۱۳۹۳- «مرده‌ها را دشنام ندهید، آنها بدانچه پیش فرستاده‌اند، رسیده‌اند»<sup>(۱)</sup>.

۱۳۹۶- مرا از عملی آگاه کن که مرا به بهشت درآورد. آنحضرت (ص) فرمود: «او

را حاجت بزرگ است و فرمود: اینکه خدای را پرستی و به او چیزی را

شریک نیاوری، و نماز به پا داری و زکات<sup>(۲)</sup> بدهی و صلۀ رحم به جا کنی».

---

\* ابی هریره: اگر بنشینم بر اخگر که بسوزد مرا، دوست تر دارم که بر قبر بنشینم.

\* بول و غایط قبیح تر است از آنکه آنرا مکروه گویند، (تیسیر القاری).

۱- مراد اعمال نیک یا بد است.

۲- زکات به معنی پاک شدن و افزون شدن است و معنی شرعی آن برآوردن پاره‌ای از اموال و

دادن به فقراء است. زکات فرض است بر کسی که عاقل، بالغ و مسلمان بوده و مالک نصاب

باشد، یعنی آن مقدار مال داشته باشد که بر طبق شرع زکات بر آن واجب باشد، و شرط

دیگر آنست که یک سال تمام از آن گذشته باشد. زکات یکی از ارکان اسلام است که

۱۴۰۸- «دوست ندارم که به اندازه کوه احد طلا داشته باشم، مگر آنکه تمام آنرا (در راه خدا) به مصرف برسانم، به جز از سه دینار».

۱۴۰۹- «نیست رشکی مگر در مورد دو کس، مردی که خداوند به او مالی داده است و او در راه حق آنرا به مصرف می‌رساند و مردی که خداوند به او دانش داده است و او بدان عمل می‌کند و به دیگران تعلیم می‌دهد».

فرموده او تعالی: «گفتار خوب و آموزش، بهتر از صدقه‌ای است که در پی آن آزاری باشد و خدا بی‌نیاز و بردبار است» [البقره: ۲۶۳].

۱۴۱۱- «صدقه بدهید، همانا بر شما زمانی فرا می‌رسد که مرد با صدقه‌اش می‌رود و کسی را نمی‌یابد که صدقه‌اش را بپذیرد. و کسی او را می‌گوید که اگر دیروز می‌آوردی، می‌پذیرفتم، لیکن امروز مرا بدان نیازی نیست».

۱۴۲۰- گفته خدا تعالی: «آنانی که انفاق می‌کنند مال‌های خود را به شب و روز، پنهان و آشکار، پس مر آنها راست مزدشان نزد خدای شان و نیست بیمی برایشان و نه ایشان اندوهناک شوند» [البقره: ۲۷۴].

«مردی که صدقه می‌دهد و آنرا پنهان می‌کند به گونه‌ای که دست چپش نمی‌داند که دست راستش چه داده است (در روز رستاخیز در سایه رحمت خدا قرار می‌گیرد)». و گفته او تعالی: «اگر ظاهر کنید صدقه‌ها را پس نیکو چیزی است آن، و اگر پنهان دارید آنرا و بدهید آنرا به درویشان، پس آن بهتر است مر شما را» [البقره: ۲۷۱].

---

منکر آن کافر می‌گردد و هر کس از ادای آن امتناع ورزد، کشتنی است. چنانکه ابوبکر صدیق ع با کسانی که از ادای زکات سر باز زده بودند، قتال کرد.

\* ای مؤمنان! صدقه‌هایتان را با منت نهدان و آزاررساندن از بین ببرید، همچون کسی که مالش را برای نمایاندن صدقه به مردم انفاق می‌کند.

۱۴۲۱- «مردی از بنی اسرائیل خواست که صدقه بدهد... وی گفت: بار الها! سزاوار حمد تویی، من صدقه‌ام را به دزدی داده‌ام و به زنی زناکار داده‌ام و به توانگری داده‌ام، اورا (در خواب یا رؤیا) نموده شد و به او گفته شد: اما، صدقه‌ای به دزد، شاید اورا از دزدی پاک سازد، و اما برای زنی زناکار شاید اورا از زناکاری پاک سازد، و اما برای توانگر، شاید اورا پند و عبرتی گردد و از آنچه خداوند بدو بخشیده است، انفاق نماید».

۱۴۲۳- «هفت کس اند که خداوند تعالی از سایه خود بر ایشان سایه می‌افکند، در آن روز که هیچ سایه‌ای نیست به جز سایه خدا. امام عادل، جوانی که در عبادت خدا پرورده شده است و مردی که دل او در مساجد آویخته است، و دو مردی که محض برای خدا یکدیگر را دوست می‌دارند: باهم یکجا می‌شوند و از هم جدا می‌گردند. و مردی که زنی زیبا و عالی نسب اورا به زنا دعوت کند و نپذیرد و بگوید که همانا من از خداوند می‌ترسم، و مردی که صدقه بدهد و آنرا چنان پنهان دهد که دست چپش نداند دست راستش چه داده است، و مردی که در خلوت خدای را یاد می‌کند و چشمانش اشک می‌ریزد».

۱۴۲۵- «کسی که اموال مردم را می‌گیرد و قصد دارد که آنرا تلف نماید خداوند اورا تلف می‌کند».

۱۴۲۶- «بهترین صدقه آن است که از وی توانگری باشد و از خانواده‌ات آغاز کن».

۱۴۲۷- «دست بالا بهتر است از دست پایین و صدقه را از خانواده‌ات آغاز کن و بهترین صدقه آنست که زاده توانگری باشد، و کسی که بخواهد خداوند اورا از خواستن صدقه بازدارد، خداوند اورا بازمی‌دارد و کسی که بی‌نیازی کند،

خداوند بی‌نیازش می‌کند».

۱۴۲۹- فرمودهٔ او تعالی: «کسانی که مال‌هایشان را در راه خدا انفاق می‌کنند و

سپس در پی آنچه انفاق کرده‌اند منت و آزاری در میان نمی‌آرند، آنان

اجرشان را در نزد پروردگارشان دارند» [البقره: ۲۶۲].

۱۴۳۳- «سر کیسه را میند [بخل مکن] تا بر تو [در رزق] بسته نشود». (مشار «صدقه

را» که خداوند بر تو می‌شمارد).

جامی:

هیچ دانی کف دهنده چرا برتر است از کف ستاننده

آن غنار از پیش راننده است وین غنار را به پیش خواننده

۱۴۳۴- «مال را نگاه مدار که خداوند (برکتش را) از تو نگاه می‌دارد و صدقه کن

آنقدر که در توان تو است».

۱۴۳۵- «فتنه (عمل ناشایست) مرد که بر زن و فرزند و همسایهٔ او اثر می‌گذارد،

آنها نماز و صدقه و امر به معروف جبران می‌کند».

۱۴۴۱- «اگر زن از مواد خوراکی خانهٔ خود صدقه کند که قصد ضایع کردن [مال

شوهر را] نداشته باشد، او را ثواب است و برای شوهرش ثواب است، زیرا آنها

به دست آورده است و برای نگاه‌دارندهٔ آن مثل آن ثواب است».

۱۴۴۲- «روزی نیست که بندگان در آن صبح می‌کنند مگر آنکه دو فرشته فرود

می‌آیند که یکی از آنها می‌گوید: بار اله! برای کسی که صدقه داده، عوض

آنها بده و فرشتهٔ دیگری می‌گوید: بار اله! مال ممسک (و بخیل) را تباه

گردان».

۱۴۴۵- «بر هر مسلمانی صدقه است» .. «با دست خویش کار کند و از آن بهره

گیرد و صدقه بدهد»، .. «نیازمند، ستم رسیده‌ای را کمک کند».. و بعد فرمود: «عمل به معروف کند [و بدان فرمان دهد] و خود را از شر نگهدارد، زیرا این کار برایش صدقه به شمار می‌رود».

۱۴۴۷- پیامبر (ص) برای زنان گفت: «صدقه بدهید، هر چند از زیورات شما باشد».

۱۴۵۰- «میان متفرق [مال دو شریک که جدا جداست] جمع نشود و میان مجتمع [مال دو شریک باهم یکجا باشد] تفریق نشود به سبب ترس. (از کمی و زیادتی) در صدقه».

عطا و طاوس: هرگاه دو شریک مقدار مال متعلق به خود را بدانند (در گرفتن زکات) مال ایشان جمع نشود، (از هر یک جدا زکات گرفته شود).

سفیان: زکات واجب نمی‌شود تا هر یک از آن دو شریک، چهل چهل گوسفند نداشته باشد<sup>(۱)</sup>.

۱۴۵۵- خداوند به رسولش: «حیوان پیر و ناقص و بز نر، به زکات گرفته نشود، مگر آنکه زکات گیرنده خواسته باشد».

۱۴۶۰- «برای چنان کسی (آنکه زکات را به وابستگان نزدیک خویش می‌دهد) دو ثواب است: ثواب رعایت اقارب و ثواب زکات».

۱۴۶۱- فرموده خداوند ج: «هرگز به نیکوئی و نیکوکاری نمی‌رسید تا آنگاه که از آنچه دوست می‌دارید، خرج کنید».

۱۴۶۲- «شوهر تو و پسر تو مستحق‌تر اند که بدیشان صدقه کنی»<sup>(۲)</sup>.

۱۴۶۵- «همانا از آنچه پس از خود در باره شما بیم دارم، گشایش خوشی‌های دنیا و

---

۱- از چهل گوسفند یک گوسفند زکات است.

۲- امام ابوحنیفه زکات واجب را به شوهر فقیر منع کرده است.

زرق و برق آنست».

«کسی که مال را به ناحق از آن خود می‌سازد، مانند کسی است که می‌خورد و سیر نمی‌شود و همان مال در روز قیامت بر وی شهادت می‌دهد».

۱۴۶۷- و فرموده او تعالی: «جز این نیست که صدقه‌ها برای فقیران است» [التوبه: ۶۰].

۱۴۶۹- کسانی از انصار از رسول الله (ص) چیزی طلبیدند. آنحضرت به آنان بخشید و باز طلبیدند و باز بخشید و باز طلبیدند و باز بخشید تا آنچه نزد آنحضرت بود تمام شد، و سپس فرمود: «اگر نزد من بیشتر از این می‌بود، از شما دریغ نمی‌کردم، و هر کسی که عفت پیشه کند (سؤال نکند) خداوند به او عفت می‌بخشد و هر کس استغنا ورزد، خداوند او را بی‌نیاز می‌کند، و هر کس که شکیبایی کند، خداوند به او شکیبایی می‌دهد، و خداوند هیچکس را عطایی بهتر و نیکوتر از شکیبایی ارزانی نکرده است».

۱۴۷۰- «سوگند به ذاتی که نفس من در ید قدرت اوست که اگر کسی از شما ریسمان خود را بگیرد و بر پشت خود همیزم بکشد و آنرا بفروشد، بهتر از آنست که نزد کسی برود و از او سؤال کند که به او چیزی بدهد یا ندهد».

۱۴۷۳- عمر رض: رسول الله (ص) به من چیزی می‌داد، من گفتم: به کسی بده که از من فقیرتر است، آنحضرت فرمود: «این را بگیر، و چون از این مال چیزی برایت داده شود و تورا در آن طمعی نباشد و نه هم سؤال کرده باشی، آنرا بگیر، در غیر آن دنبال آن مرو».

۱۴۷۴- «کسی که پیوسته از مردم سؤال می‌کند، چون روز قیامت فرا رسد، در روی وی پاره‌ای گوشت نیست».

۱۴۷۵- فرموده خدای تعالی: «با اصرار از مردم چیزی سؤال نمی‌کنند» [البقره:



[۲۷۳]

۱۴۷۷- «خداوند این سه خصلت را بر شما ناخوش می‌دارد: گفتار بیهوده، ضایع کردن مال و بسیار سؤال کردن را».

۱۴۸۸- و باکی نیست بر کسی که مالی را بخرد که دیگری صدقه داده باشد، زیرا پیامبر(ص) صدقه‌دهنده را به طور خاص از خریداری صدقه‌اش منع کرده است، نه دیگری را.

۱۴۸۹- ابن عمر رض آنچه را صدقه داده بود، نمی‌خرید مگر آنرا در صورتی می‌خرید که باز صدقه بدهد.

۱۴۹۶- «... از دعای مظلوم بترس، زیرا میان او و خداوند حجابی وجود ندارد».

۱۵۰۰- پیامبر(ص) مردی را .. مأمور جمع آوری زکات مردم بنی سلیم گردانید و آنگاه که وی باز آمد، آنحضرت با وی محاسبه کرد.

۱۵۰۳- پیامبر(ص) زکات فطر را بر هر برده و آزاد و مرد و زن و خورد و بزرگ مسلمان به مقدار یک صاع خرما، یا یک صاع جو فرض گردانید و دستور داده که قبل از برآمدن به نماز عید داده شود<sup>(۱)</sup>.

---

۱- صدقه فطر به مذهب حنفی واجب است نه فرض.

امام ابوحنیفه تعیین صدقه فطر را به مقدار نیم صاع گندم جایز دانسته، (قول معاویه را حجت گرفته در ۱۵۰۸ ح.ث)

\* فرق میان صدقه و هدیه آنست که صدقه عطایی است برای ثواب آخرت که برای گیرنده آن نوعی خواری به شمار می‌رود. اما هدیه تملیک به غیر است، به واسطه اکرام و تقرب به وی و مکافات آن در دنیا نیز میسر است و منت آن نمی‌ماند در حال‌ای که منت صدقه تا آخرت باقی است. بنابراین، سزاوار نیست که جز خدا کسی را بر رسول الله(ص) متنی باشد. بنابراین، صدقه به آنحضرت حرام گردیده است.

۱۵۰۵- ما صدقه فطر را در زمان پیامبر(ص) یک صاع جو می دادیم<sup>(۱)</sup>.

۱۵۱۳- زنی از قبیله خَشَعَم: یا رسول الله! حج<sup>(۲)</sup> این فریضه خداوند پدرم را که مردی کهنسال است دریافته و او نمی تواند خودش را بر مرکب نگهدارد، آیا من از جانب او حج بگذارم؟ آنحضرت فرمود: «آری، و این واقعه در حجه الوداع بود».

۱۵۱۹- از پیامبر(ص) سوال شد که بهترین اعمال کدام است؟ فرمود: «ایمان به خدا و رسول او» گفته شد. بعد از آن؟ فرمود: «جهاد در راه خدا». گفته شد: بعد از آن؟ فرمود: «حج مبرور»<sup>(۳)</sup>.

۱۵۲۱- «هر که خاص برای خدا حج بگذارد (و در ایام حج) مجامعت نکند و فسق نوزد، از حج بازمی گردد مانند روزی که از مادر زاده شده است».

۱۵۲۲- فرموده خدای تعالی: «با خود (در سفر حج) توشه بردارید، همانا بهترین توشه آخرت تقوی است» [البقره: ۱۹۷].

۱۵۴۲- مُحْرَم چه نوع جامه هایی بپوشد؟ آنحضرت(ص) فرمود: «پیراهن و دستار و ازار و کلاه دراز و موزه نپوشد، مگر کسی که نعلین (کفش بی رویه) نیابد، وی باید موزه ای را که می پوشد قسمت بالای آنرا قطع کند تا پایین تر از

---

۱- یک صاع معادل تقریبی سه کیلوگرام است.

۲- فرضیت حج بر کسی است که آزاد و عاقل و بالغ و تندرست باشد و از عهده مصارف سفر حج و نفقه وابستگان خود تا زمان برگشت، برآمده بتواند.

۳- حج مبرور، آنست که خاص برای رضای خدا و بر وفق سنت نبوی بدون ارتکاب گناه ادا شود.

\* در مذهب حنفی هر کس که به عزم حج یا تجارت و غیره می خواهد وارد مکه شود باید از یکی از این میقاتها، احرام بگیرد. (ذُو الحلیفه، مَهِیَعَه و قَرْن).

شتالنگ (قوزک پای) قرار گیرد. و جامه‌هایی را نپوشد که بدان چیزی از زعفران و ورس رسیده است».

۱۵۴۳ و ۱۵۴۴- عایشه رض جامه زردگون پوشیده بود در حالی که مُحَرَّم بود و گفت: مُحَرَّم صورت خود را نپوشد و برقع بر روی نیفکند و جامه‌ای نپوشد که با ورس و زعفران رنگ شده باشد. جابر رض: من جامه مُعَصَفَر (زرد و سرخ) را خوشبو نمی‌شمارم. و عایشه رض در پوشیدن زیور و جامه سیاه و سرخ و کفش چرمی برای زن محرم باکی نمی‌دید. و ابراهیم نخعی گفته است: در عوض کردن جامه (احرام) باکی نیست.

۱۵۵۹- فرموده او تعالی: «زمان حج<sup>(۱)</sup> ماه‌های معلوم‌اند، پس هر کس که در این ماه‌ها حج را بر خود فرض گرداند، باید که از اجماع و ملاعبت با زنان بپرهیزد و سخن بیهوده نگوید و جنگ (جدال و مناقشه) نکند» [البقره: ۱۹۷].  
ابن عمر رض: ماه‌های حج شوال و ذی قعدة و ده روز از ذی حجه است.  
ابن عباس رض: در زمره سنت است که کسی به غیر از ماه‌های حج احرام نگیرد.

و عثمان رض: احرام گرفتن از خراسان یا کرمان (یعنی مناطق دور دست) را

---

۱- حج تمتع: کسی که با خود قربانی ندارد از میقات، احرام عمره می‌گیرد و پس از ادای عمره از احرام بیرون می‌آید و در روز هشتم ذی حجه از خود مکه احرام حج می‌بندد و اعمال حج به جا می‌کند و در روز نحر بر وی گوسفندی واجب می‌گردد که باید ذبح کند.  
حج قران: برای کسی است که با خود قربانی همراه دارد، ولی حج و عمره را درهم می‌پیوندد و در یک احرام انجام می‌دهد و بر اعمال حج بسنده می‌کند که عمره در آن داخل می‌شود.  
حج افراد: برای کسی است که حج را در موقع آن ادا کند و بعد از احرام بیرون آید و سپس به میقات رود و از آنجا احرام عمره گیرد و عمره کند.

مکروه می دانست.

۱۵۹۳- «پس از خروج یا جوج و مأجوج، حج و عمره گذارده می شود»<sup>(۱)</sup>.

روایت از شعبه: قیامت برپا نمی شود تا آنکه حج خانه کعبه گذارده نشود.  
(یعنی حج متروک گردد).

۱۶۰۳- پدر سالم: پیامبر(ص) را زمانی که به مکه آمد، دیدم که در نخستین طوافی که کرد، حجر الاسود را بوسید و در سه طواف از جمله هفت طواف، رمل کرد.

۱۶۰۹- ابن عمر رض: من ندیده‌ام که پیامبر(ص) از کعبه استلام<sup>(۲)</sup> کند، به جز همان دو رکن یمانی<sup>(۳)</sup> را.

۱۶۱۱- ابن عمر رض: رسول الله(ص) را دیدم که آنرا (حجر الاسود را) استلام می کرد و می بوسید.

۱۶۱۲- ابن عباس رض: پیامبر(ص) کعبه را به سواری شتر طواف کرد و هریار که

---

۱- یا جوج و مأجوج نام قومی است، از اسماء عجمی و آنها نزدیک به قیامت خروج می کنند.  
(تیسیر القاری).

\* رمل، به معنی شتافتن و دویدن متوسط و جنبانیدن هردو دوش است و خاص برای مردان است نه برای زنان و هدف از آن قدرت‌نمایی بوده است و در سه دور اول طواف اجرا می شود، نزد حنفیه جنبانیدن دست‌ها است، و نزد شافعیه شتاب رفتن و یا نزدیک به هم زدن گام‌ها است.

۲- استلام، با کف دست مسح کردن و بوسیدن است.

۳- کعبه دارای چهار ستون است که هر یک را رکن گویند، دو رکن یمانی همان است که حجر الاسود در آن است و رکن محاذی آن، دو رکن دیگر به نام رکن عراقی و شامی، یا هردو را شامی خوانند.

به سوی رکن (حجر الاسود) می آمد، به سوی آن اشاره می کرد<sup>(۱)</sup>.

۱۶۱۳- ابن عباس رض: پیامبر(ص) کعبه را به سواری شتر طواف کرد و هربار که به رکن می آمد، با چیزی که نزد وی بود بدان اشاره می کرد و تکبیر می گفت.  
۱۶۱۶- عبدالله بن عمر رض: همانا پیامبر(ص) هنگامی که طواف حج و عمره کرد، در اول زمان قدوم خود، در سه دور طواف سعی کرد (تند رفت) و در چهار دور دیگر مشی کرد (به حالت عادی رفت) و سپس دو رکعت نماز گذارد و بعد میان صفا و مروه طواف کرد.

۱۶۲۰- ابن عباس رض: پیامبر(ص) در وقت طواف کعبه بر کسی گذشت که دست خود را به وسیله بند چرمی یا ریسمان یا چیزی دیگر به کسی دیگری بسته بود. پیامبر(ص) آنرا با دست خویش قطع نمود و گفت «در اثنای طواف»: (با دست خویش او را به دنبال خود بکشان).

۱۶۲۲- عطاء: اگر به هنگام طواف اقامت نماز گفته شود یا کسی از موضع طواف خویش دور کرده شود، آنگاه که نماز را سلام می دهد، به همان جایی باز گردد که طواف را قطع کرده بود، (بقیه طواف را کامل کند). پیامبر(ص) در هفت دور طواف، دو رکعت نماز گذارد<sup>(۲)</sup>.

۱۶۲۷- پیامبر(ص) وارد مکه شد و هفت بار بر کعبه طواف کرد، و در عقب مقام ابراهیم دو رکعت نماز گذارد و سپس به سوی صفا برآمد و همانا خدای تعالی

---

۱- حنفیه گفته اند که اگر بوسه بر لب میسر نشود، هردو دست را به حجر الاسود نهد و بوسه دهد و اگر آن هم میسر نشود، عصا بر آن نهد و بوسه دهد و اگر آن هم میسر نشود، هردو دست را تا بناگوشی بردارد و باطن دست ها را به جانب حجر کرده و اشارتی بر آن بکند. (تیسیر القاری)

۲- دو رکعت نماز بعد از طواف حنفیه و مالکیه واجب است.

گفته است: «همانا رسول الله (در اعمال و اقوال) برای شما مقتدای نیک است» [الأحزاب: ۲۱].

۱۶۲۸- گروهی از مردم پس از نماز صبح بر کعبه طواف کردند و سپس پای صحبت واعظ نشستند و آنگاه که آفتاب طلوع کرد، به نماز (طواف) ایستادند. عایشه رض گفت: آنها تا زمانی نشستند که وقت کراهیت نماز گذشت و در آن وقت به نماز ایستادند.

۱۶۲۹- از پیامبر (ص) شنیدم که از نماز در وقت طلوع آفتاب و غروب آن منع می کرد.

۱۶۳۰- عبدالعزیز: عبدالله بن زبیر رض را دیدم که پس از نماز صبح طواف می کرد و دو رکعت نماز طواف را (پیش از طلوع آفتاب) می گذارد.

۱۶۳۱- عبدالعزیز: عبدالله بن زبیر رض را دیدم که بعد از عصر، دو رکعت نماز می گذارد.

۱۶۳۵- ابن عباس رض: رسول الله (ص) به سقایه و جای نوشیدن آب زمزم، آمد و آب خواست. عباس گفت: یا رسول الله! مردم دست‌های خویش را در آن درآورده‌اند. آنحضرت فرمود: «از همین آب برایم بده». آنحضرت از آن آب نوشید و سپس به سوی چاه زمزم رفت که در آنجا آل عباس به مردم آب می دادند و مشغول آبکشی بودند. آنحضرت فرمود: «کار کنید، زیرا همانا عمل نیک انجام می دهید» سپس فرمود: «هرگاه مغلوب (رقابت) دیگران نمی شدید، فرود می آمدم و حتی ریسمان را بر این می نهادم» یعنی شانه خود و به شانه خود اشارت کرد.

۱۶۵۲- «دختران نوجوان پرده‌نشین - یا - دختران نوجوان، و پرده‌نشین‌ها، و زنان حایض باید در مراسم خیر و دعای مسلمان حضور یابند و زنان حایض از

مصلاى (عید) گوشه بگیرند». من (ام عطیه ل) به او گفتم: آیا زنان حایض (هم حاضر گردند)؟ گفت: «آیا در عرفات حاضر نمی شوند؟ و در فلان جای فلان جای حاضر نمی شوند؟».

۱۶۷۳- ابن عمر رض: پیامبر (ص) نماز شام و خفتن را در مزدلفه جمع کرد و به هریک از این دو نماز اقامت جداگانه گفته شد و در میان این دو نماز، نمازی نگذارد و نه هم پس از این دو نماز، نفل گذارد.

۱۶۷۵- عبدالله: نماز شام پس از رسیدن مردم به مزدلفه (به وقت نماز خفتن) و نماز صبح به مجرد دمیدن صبح.

۱۶۸۲- عبدالله: من هرگز ندیده‌ام که پیامبر (ص) نمازی را در غیر وقت آن گذارده باشد، به جز دو نمازی که میان شام و خفتن جمع کرد و نماز بامداد را که قبل از وقت آن (در مزدلفه) گذاشت.

۱۶۸۴- عمرو بن میمون: عمر رض را دیدم که نماز صبح را در مزدلفه گذارد و سپس ایستاد و گفت: همانا مشرکان تا زمانی که آفتاب طلوع نمی کرد، از مزدلفه روانه نمی شدند و می گفتند: تابان شو ای کوه ثبیر! و همانا پیامبر (ص) با ایشان مخالفت کرد و پیش از طلوع آفتاب از مزدلفه روانه شد.

۱۶۸۶ و ۱۶۸۷- اسامه بن زید از عرفات تا مزدلفه بر پشت سر پیامبر (ص) بر مرکب سوار بود. سپس آن حضرت، فضل را از مزدلفه تا منی بر مرکب بر پشت سر

---

\* حایض تمام مناسک حج را به جای آورد به غیر طواف خانه کعبه، و اگر بی وضو میان صفا و مروه سعی کند، (بر او باکی نیست).

\* سعی میان صفا و مروه، نزد ابوحنیفه از واجبات حج است که ترک آن با قربانی جبران می شود.

\* مشرکان در ایام جاهلیت تا زمانی که آفتاب طلوع نمی کرد بر کوه ثبیر نمی رفتند.

خود سوار کرد، و هر دوی آنها می گفتند: پیامبر (ص) (در مسیر راه) پیوسته تلبیه می گفت تا آنکه حجره عقبه را رمی کرد.

پس هر که بهره ور شد به ادای عمره سپس به ادای حج (یعنی تمتع کرد یا قران) پس لازم است آنچه سهل باشد از قربانی. پس هر که نیابد پس لازم است روزه داشتن سه روز در وقت حج و هفت روز وقتی که بازگردید از سفر، این یک ده روز تمام است. این حکم آن راست که نباشد خانواده وی باشند مسجد الحرام، [البقره: ۱۹۶].

۱۶۸۸- در باره حج تمتع از ابن عباس ب سوال کردم، وی مرا بدان امر کرد<sup>(۱)</sup>. و از وی در باره قربانی سؤال کردم. وی گفت: در قربانی، شتر یا گاو یا گوسفند است و یا شریک شدن در خون (شتر و یا گاو) است. این سنت ابوالقاسم است. عمره مقبول و حجی میور.

۱۶۹۱- هر کس از شما که با خود هدی (حیوان برای قربانی) نیاورده است، باید بر کعبه طواف نماید و میان صفا و مروه طواف نماید و موی خویش کوتاه کند و حلال شود و سپس برای حج احرام بگیرد.

۱۷۱۶- علی رض گفت: پیامبر (ص) مرا امر کرد که از قربانی شتران سرپرستی کنم و به ذبح کننده شتران چیزی از قربانی، مزد ندهم. پوست قربانی صدقه داده شود.

۱۷۱۸-<sup>(۲)</sup> عطاء گفته است: از قربانی حج تمتع (و قران) خورده شود و بخوراند.

۱۷۲۲- مردی به پیامبر (ص) گفت: طواف زیارت کردم پیش از آنکه رمی (سنگ

---

۱- یعنی در ایام حج، قبل از حج، عمره را انجام دهد.

۲- کسی که در احرام بر وی قربانی جزای شکار و نذر لازم آمده، خود از آن گوشت نخورد.



زدن) کنم، پیامبر(ص) فرمود: «باکی نیست».

کسی گفت: ذبح کردم پیش از آنکه رمی کنم؟ فرمود: «باکی نیست»<sup>(۱)</sup>.

۱۷۲۳- کسی گفت: پس از آنکه شام فرا رسید، رمی کردم؟ آنحضرت فرمود: «باکی نیست».

۱۷۲۶- رسول الله(ص) در حج خود (پس از اتمام حج) موی سر خود را تراشید.

۱۷۲۸- رسول(ص) گفت: «بار الها! تراش کنندگان موی را پیامرز» گفتند: برای کوتاه کردن نیز دعا کن. آنحضرت برای تراش کنندگان موی سه بار دعا کرد و سپس گفت: «برای کوتاه کنندگان موی».

۱۷۲۹- پیامبر(ص) و گروهی از یاران وی سرهای خویش را تراشیدند و برخی دیگر موی خویش را کوتاه کردند<sup>(۲)</sup>.

۱۷۳۱- آنگاه که پیامبر(ص) وارد مکه شد به یاران خویش امر کرد که طواف کعبه و صفا و مروه را انجام دهند و سپس از احرام بیرون آیند و سر خویش را بتراشند و یا موی را کوتاه کنند.

۱۷۳۴- همانا در باره ذبح و تراشیدن سر و رمی<sup>(۳)</sup> و تقدیم و تأخیر آنها به

---

۱- لیکن امام ابوحنیفه به اسناد حدیث دیگری که از ابن عباس روایت شده تقدیم و تأخیر در اعمال مذکور را تابع دم یعنی قربانی می داند.

۲- از حدیث ۱۷۲۸ معلوم شد که تراشیدن موی، افضل است از کوتاه کردن آن و گفته اند، متمتع بعد از فراغ از عمره، موی را کوتاه کند و بعد از اتمام حج، موی را بتراشد تا هردو حکم را عملی کرده باشد، اما برای زنان به طور مطلق کوتاه کردن موی است.

۳- رمی کردم: یعنی (سنگریزه انداختم).

پیامبر (ص) گفته شد. آنحضرت (ص) فرمود: «باکی نیست».

۱۷۳۹- پیامبر (ص) در روز نحر (دهم ذی الحجه) برای مردم خطبه خواند:

«به تحقیق خون‌های شما و مال‌های شما و آبروهای شما بر (یکدیگر) شما حرام است. مانند حرمت همین روز شما، در همین شهر شما، در همین ماه شما».

«باید حاضرین مجلس (سخن مرا) به کسی که غایب است برساند، بعد از من به کفر برنگردید که بعضی از شما گردن‌های بعضی دیگر را بزنند».

۱۷۴۵- پیامبر (ص) در روز نحر به وقت چاشت رمی کرد. و سپس (در ایام تشریق) پس از میلان آفتاب (یعنی بعد از ظهر) رمی کرد.

۱۷۵۲- عبدالله بن عمر رض با هفت سنگریزه - جمره الدنيا - را رمی کرد و سپس در پی هر سنگریزه تکبیر می گفت و سپس پیش می رفت تا به زمین هموار می رسید و روی به قبله دیر می ایستاد و دعا می کرد و دست‌ها را بلند می نمود و سپس همچنان - جمره الوسطی - را رمی می کرد، و بعد جانب چپ را می گرفت و به زمین هموار می رفت و روی به قبله می ایستاد و دیر می ایستاد و دعا می کرد، و دست‌ها را بلند می نمود و سپس از میان وادی - جمره ذات العقبه - را رمی می کرد و نزدیک آن توقف نمی نمود و می گفت: رسول الله (ص) را دیده‌ام که چنین می کرد.

۱۷۵۴- عایشه رض: من با هر دو دست خود بر رسول الله (ص) آنگاه که اراده احرام کرد، و زمانی که از احرام بیرون آمد، خوشبویی مالیدم، پیش از آنکه طواف

---

\* اینکه می گویند: اگر حج به روز جمعه تصادف کند حج اکبر است با زبان علم و شریعت متعارف نیست.

(افاضه) کند.

۱۷۵۵- مردم امر شدند که در آخر (اجرای مراسم حج) کعبه را طواف کنند به جز آنکه این طواف (وداع) از حیض، ساقط گردیده است.

۱۷۵۷- صفیه بنت حُیی، همسر پیامبر (ص) حیض شد، من (عایشه رض) از این واقعه به رسول (ص) یاد کردم، آنحضرت فرمود: «وی ما را ماندگار خواهد ساخت؟» گفتند: همانا وی طواف افاضه کرده است، آنحضرت فرمود: «پس ماندگار نمی‌سازد».

۱۷۶۰- برای زن حیض که طواف افاضه کرده است، اجازه داده شده که (بدون طواف وداع) برگردد.

۱۷۶۷- ابن عمر رض هفت طواف می‌کرد، سه دور آنرا سعی می‌کرد (تند می‌رفت) و چهار دور دیگر را مشی می‌کرد (به حال عادی می‌رفت).

۱۷۷۰- «نیست شما را گناهی در آنکه از پروردگار خویش روزی طلب کنید» یعنی در موسم حج. (تجارت نیز نمائید) [البقره: ۱۹۸].

۱۷۷۳- «از عمره تا عمره دیگر، کفاره گناهیانی است که میان دو عمره واقع می‌شود، و حج مقبول را پاداش به جز بهشت نیست».

۱۷۷۴- پیامبر (ص) قبل از آنکه حج کند، عمره کرد.

۱۷۷۵- برخی از مردم در مسجد نماز ضحی (چاشت) را می‌گزاردند. ما از او (عبدالله بن عمر) از نماز آنان پرسیدیم. گفت: این کار بدعت است. باز برایش

---

\* شب در منی گذراندن، نزد جمهور علما واجب است و نزد امام ابوحنیفه سنت است.

\* در مذهب امام ابوحنیفه و امام مالک عمره سنت است و دلیل ایشان حدیث ابوهریره است که آنحضرت فرمود: «الحج فريضة والعمره تطوع».

گفت: رسول خدا(ص) چند عمره نمود؟ گفت: چهار که یکی در ماه رجب بود.

۱۷۷۶- ام المؤمنین رض گفت: خداوند رحمت کند بر ابو عبد الرحمن (ابن عمر رض). آنحضرت عمره‌ای نکرده که وی (ابن عمر رض) در آن حاضر نبوده باشد، لیکن آنحضرت در ماه رجب هرگز عمره نکرده است.

۱۷۷۸- از انس رض سوال کردم: آنحضرت چند حج کرد؟ گفت: یک حج (با عمره).

۱۷۸۲- «آنگاه که رمضان فرا رسید، در آن ماه عمره کن، همانا عمره رمضان برابر حج است».

۱۷۸۵- آیا این (عمره قبل از حج) خاص برای شماست یا رسول الله(ص)? آنحضرت فرمود: «نی، این برای همه است و برای همیشه».

۱۷۸۶- ما با رسول(ص) شبی چند قبل از رؤیت هلال ذی الحجّه برآمدیم. رسول(ص) فرمود: «کسی که می‌خواهد برای عمره احرام بگیرد، باید احرام بگیرد، و کسی که می‌خواهد برای حج احرام بگیرد، باید برای حج احرام بگیرد و اگر من با خود هدیه نمی‌آوردم، برای عمره احرام می‌بستم».

۱۷۸۷- عایشه رض گفت: یا رسول الله! مردم با ادای دو نُسُک (حج و عمره) برمی‌گردند و من با ادای یک نُسُک (حج) برمی‌گردم. به وی گفته شد: «منتظر باش و چون پاک شدی به تنعیم برو و از آنجا احرام بگیر و سپس به فلان جای نزد ما بیا، و ثواب آن به اندازه نفقه تو است یا به اندازه رنج و زحمت تو».

۱۷۸۹- آنحضرت(ص) فرمود: «چون آنحالت یعنی اخذ وحی از وی دور شد» (کجاست کسی که از عمره پرسید؟ جبه را از تن خود بیرون آور، و اثر

خوشبویی را از بدن خود بشوی، و رنگ زرد را از خود دور کن و در عمرهات چنان کن که در حج خود می کنی).

۱۸۰۰- پیامبر(ص) (در بازگشت از سفر)، شب هنگام به خانه خویش داخل نمی شد، بلکه در آغاز روز یا آخر روز به خانه خود می آمد.

۱۸۰۱- پیامبر(ص) (در مراجعت از سفر) شب آمدن بر اهل خانه خود را (به گونه ناگهانی) منع کرده است.

۱۸۰۴- عمررض: من پیامبر(ص) را دیده ام که هرگاه در سفر شتاب می کرد، نماز شام را تأخیر می کرد و میان نماز شام و خفتن جمع می کرد (یعنی یکی را پس از دیگری می گذارد).

۱۸۱۹- فرموده خدای عزوجل: «و نه بدکاری و نه باهم مشاجره کردن در حج» [البقره: ۱۹۷].

۱۸۲۰- «کسی که این خانه را حج کند و (در حال احرام) آمیزش نکند و مرتکب گناهی نشود، (از حج چنان) بازمی گردد مانند روزی که از مادر زاده شده است».

۱۸۲۳- گوره خری دیدم. حضرت فرمود: «از آن بخورید حلال است».

۱۸۳۱- پیامبر(ص) در مورد مارمولک (چلیپاسه) فرمود: «حیوان بدی است» و من نشنیدم که به کشتن آن امر کرده باشد.

۱۸۳۱- «خار آن (حرم) قطع نمی شود».

۱۸۳۲- «به تحقیق که مکه را خداوند حرام گردانیده و مردم آنرا حرام نگردانیده اند. بر هیچکسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، حلال نیست که در آن خونی بریزد و درختی را قطع کنند...».

۱۸۳۳- «همانا خداوند مکه را حرام گردانیده است و پیش از من بر هیچکس حلال

نبوده است و نه بعد از من بر کسی حلال خواهد بود و برای من فقط ساعتی از روز حلال بوده است. پس گیاه تر آن بریده نشود و گم شده کسی در آن برداشته نشود، مگر کسی که آنرا بشناساند». (به جز گیاه اذخر «که قطع آن جایز است»).

مراد از آن چیست که شکار آن رمانیده نشود؟ یعنی اینکه شکار را از سایه دور نموده و خود به جای آن بنشیند<sup>(۱)</sup>.

۱۸۳۶- پیامبر (ص) حجامت شد در حالی که در موضع لَجی جمل مُحرم بود. و در وسط سر حجامت شد.

۱۸۳۷- پیامبر (ص) با میمونه ازدواج کرد، در حالی که مُحرم بود<sup>(۲)</sup>.

۱۸۳۸- مُحرمه نقاب بر رخ نزنند و دستکش بر دست نکنند.

۱۸۴۰- مُحرم سر خویش را می شوید.

۱۸۴۱- «کسی که کفش رویه باز نیابد، موزه بپوشد و کسی که ازار (چادر، لُنگ) نیابد، سراویل (نوعی شلوار) بپوشد، برای مُحرم».

۱۸۴۲- «(محرم) پیراهن و تنبان و کلاه دراز نپوشد و جامه‌ای که بدان زعفران و یا وَرَس رسیده باشد نپوشد، و اگر کفش نیابد، موزه بپوشد و بلندی آنرا قطع کند تا پایین تر از استخوان پای (قوزک پا) قرار گیرد».

۱۸۴۳- اگر مُحرم از دشمن بترسد، سلاح بپوشد و فدیة بدهد. قول عکرمة در مورد فدیة، تأیید نشده است.

---

۱- یعنی همیقتدر هم روا نیست که شکار را بی جا کنی و خود در جای آن قرار بگیری، زیرا این عمل در زمره رمانیدن حیوان به شمار می‌رود، عطاء و مجاهد درین مورد با عکرمة موافق نیستند، تا آنگاه که عمل کسی به مرگ حیوان نینجامد.

۲- روایت میمونه آنست که آنحضرت در وقت نکاح غیر مُحرم بوده است.

۱۸۴۴- پیامبر(ص) احرام را به کسی امر کرده است که قصد حج و عمره داشته باشد و از آن برای هیزم کشان و غیره ذکری نکرده است<sup>(۱)</sup>.

۱۸۴۵- همانا پیامبر(ص) برای مردم مدینه، دُو الحُلَيْفَه و برای مردم نجد، قرن المنازل، و برای مردم یمن، یَلْمَلَم، را میقات تعیین کرد. این میقات‌ها برای مردم همان مناطق است و برای مردمی غیر از آنها است که از آن میقات‌ها می‌گذرند و قصد حج و عمره کرده‌اند. و کسی که از این میقات‌ها نزدیکتر به مکه باشد، از همان جایی که قصد می‌کند، احرام بگیرد چنانکه اهل مکه از مکه احرام می‌گیرند.

۱۸۴۶- عطاء: کسی که (در حالت احرام) از روی نادانی یا فراموشی، خوشبویی بمالد و یا لباسی بپوشد، بر او کفاره نیست.

۱۸۵۲- زنی نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: مادرم نذر کرده بود که حج کند ولی حج نکرد تا آنکه مرد، آیا من از جانب او حج کنم؟ آنحضرت فرمود: «آری، از جانب وی حج کن، چه می‌گویی، اگر بر ذمه مادرت قرضی باشد، آیا قرض او را ادا می‌کنی؟ پس قرض خدای را ادا کنید، زیرا خداوند سزاوارتر است که به حق او وفا شود».

۱۸۵۴- زنی گفت: یا رسول الله(ص)، همانا فریضه خداوند بر بندگانش که حج است، پدر مرا که مردی کهنسالی است دریافته، ولی او خودش را بر شتر، استوار گرفته نمی‌تواند. آیا اگر از جانب او حج کنم، حج وی ادا می‌شود؟

---

۱- نزد حنفیه و ائمه دیگر، بر هر کسی که وارد مکه می‌شود احرام واجب می‌گردد، هرچند حج و عمره نداشته باشد، لیکن حنفیه کسانی را که داخل میقات‌اند، مستثنی ساخته است. به محرم(مرد) روا نیست که سر خود را بپوشاند و اینکه پیامبر(ص) حین ورود به مکه سر خود را بپوشانیده، نشانه آنست که حین ورود به مکه غیر محرم بوده است.

آنحضرت فرمود: «آری».

۱۸۶۲- مردی گفت: یا رسول الله! من قصد کرده‌ام که با لشکر چین و چنان به جهاد روم در حالی که زن من قصد حج کرده است، آنحضرت فرمود: «با زن خود به حج برو».

۱۸۶۳- آنحضرت فرمود: «عمره در ماه رمضان حجی را ادا می‌کند، یا فرمود: برابر است با حجی که همراه من گذارده شود».

۱۸۶۶- خواهر من نذر کرده بود که پیاده به بیت الله برود و از من خواست که (در رابطه به نذر وی) از پیامبر (ص) فتوا بخواهم و من فتوا خواستم. آنحضرت (ص) فرمود: «پیاده رود و سوار شود».

۱۸۷۰- «عهد و امان مسلمانان یکی است، کسی که عهد مسلمانی را نقض کند، لعنت خدا و ملائکه و همگی مردم به او باد<sup>(۱)</sup> و هرکسی که ولاء<sup>(۲)</sup> را بدون اجازه آزاد کنندگان، به کسی دیگر انتقال دهد، لعنت خدا و ملائکه و همگی مردم بر او باد. عبادات فرض و نفل وی پذیرفته نمی‌شود»<sup>(۳)</sup>.

۱۸۷۶- «همانا ایمان به مدینه بازمی‌گردد، چنانکه مار به سوراخ خویش درمی‌آید».

۱۸۷۷- «کسی که مردم مدینه را بفریبد، خود چنان متلاشی می‌شود که نمک در آب متلاشی می‌گردد».

---

۱- یعنی، اگر مسلمانی به کافری پناه می‌دهد، باید به عهد وی اعتبار داده شود و کسی دیگر آنرا نشکند.

۲- ولاء: حق ارث غلام آزاد شده است که اگر وارثی نداشته باشد، کسی که او را آزاد کرده، وارث وی می‌شود.

۳- امام بخاری گفته است: کلمه - عدل - که در حدیث آمده است به معنی فدیة است، یعنی آنچه برای رهایی نفس و مانند آن داده شود.



۱۸۷۸- پیامبر(ص) بر فراز یکی از قلعه‌های مدینه برآمد و فرمود: «آیا آنچه را من می‌بینم شما می‌بینید؟ همانا من جای‌های ظهور فتنه را در میان خانه‌های شما بسان جای‌های ریزش دانه باران می‌بینم»<sup>(۱)</sup>.

۱۸۸۸- «میان خانه من و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است و منبر من برفراز حوض من (کوثر) است».

۱۸۹۰- عمر رض: بار الها! در راه خود به من شهادت ارزانی کن و مرگ مرا در شهر رسول خود(ص) قرار ده.

۱۸۹۳- «کسی که می‌خواهد، روز عاشورا را روزه بگیرد، و کسی که می‌خواهد، نگیرد».

۱۸۹۴- «روزه سپری است (آتش دوزخ را) و روزه‌دار نباید مجامعت کند یا فحش بگوید و اعمال ناشایست را انجام دهد. و اگر کسی با روزه‌دار، جنگ و جدال کند یا دشنامش دهد، روزه‌دار باید بگوید که من روزه دارم - و دو بار تکرار کند. سوگند به ذاتی که نفس من در ید قدرت اوست که بوی دهان روزه‌دار در نزد خداوند از بوی مشک خوشبوی‌تر است. (خداوند می‌فرماید): روزه‌دار، خوردن و نوشیدن و شهوتش را به خاطر من ترک می‌کند، و روزه، خاص برای من است و من در برابر آن پاداش می‌دهم و عمل نیک ده برابر آن».

۱۸۹۵- «فتنه مرد (یعنی تقصیر وی) در مورد خانواده، مال و همسایه اوست که آنرا نماز و روزه و صدقه می‌پوشاند».

---

۱- این پیشینی پیامبر(ص) تحقق یافت و این فتنه‌ها پس از شهادت حضرت عثمان ؓ آغاز شد و ادامه یافت.

۱۹۰۰- «مردم به حسب نیت‌های خویش برانگیخته می‌شوند».

۱۹۰۱- «کسی که شب قدر را از روی ایمان و برای پاداش اخروی به نماز بایستد، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود. و کسی که رمضان را از روی ایمان و برای پاداش اخروی روزه بگیرد، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود».

۱۹۰۳- «کسی که سخن دروغ و اعمال ناشایسته را ترک نکند، خداوند را به ترک خورد و نوش وی نیازی نیست».

۱۹۰۴- «خداوند گفته است: هر عمل آدمی برای خود اوست به جز از روزه که برای من است و پاداش آن با من است. و روزه در برابر آتش دوزخ سپر است و چون کسی از شما روزه داشته باشد، دشنام ندهد، و سروصدا راه نیندازد و اگر کسی او را دشنام دهد یا با وی جنگ و جدال کند باید بگوید که من روزه دارم... برای روزه‌دار دو نوع خوشی است که بدان خوش می‌شود: آنگاه که افطار می‌کند خوش می‌شود، و آنگاه که پروردگارش را ملاقات می‌کند به پاداش روزه خود خوشحال می‌شود».

۱۹۰۵- «کسی که توانمندی ازدواج را دارد، باید ازدواج کند، و همانا ازدواج چشم را (از نظر بر نامحرم) مانع می‌گردد و شرمگاه (از ارتکاب نامشروع) حفظ می‌کند و کسی که توانایی ازدواج نداشته باشد، بر اوست که روزه بگیرد که آن برای او مهارکننده شهوت است».

«و چون هلال (رمضان) را ببیند، روزه بگیرد، و آنگاه که هلال (شوال) را ببیند، بخورید». عمار: کسی که روزی را که در آن شک است روزه بگیرد، همانا ابوالقاسم (ص) را نافرمانی کرده است.

۱۹۰۶- «روزه نگیرید تا زمانی که هلال را ببینید و روزه را نخورید تا آنکه هلال را ببینید. و اگر هلال بر شما پوشیده شد، ماه (شعبان) را اندازه گیری (تخمین)

کنید.

۱۹۰۷- «ماه بیست و نه شب است و روزه نگیرید تا ماه را ببینید و اگر هلال بر شما پوشیده شود (ماه شعبان) را سی روز، تکمیل کنید».

۱۹۰۸- «ماه اینچنین است و اینچنین است». آنحضرت انگشتان خویش را برای سه بار نمودار کرد و بار سوم شست خویش را خم نمود.

۱۹۱۰- پیامبر (ص) سوگند یاد کرد که برای یک ماه نزد زنان خویش نرود، و چون بیست و نه روز گذشت، اول روز یا آخر روز - نزد زنان خود رفت. به آنحضرت گفته شد: برای یک ماه سوگند یاد کرده بودی که نروی. آنحضرت فرمود: «ماه بیست و نه روز است».

۱۹۱۱- اگر ماه (در شمار روز) ناقص باشد (در ثواب خود) کامل است.

۱۹۱۲- «دو ماه اند که ناتمام نمی شوند: ماه عید رمضان و ذو الحجه (ماه عید قربان)».

۱۹۱۳- «ما گروهی اُمّی هستیم، نه می نویسیم و نه حساب می کنیم و ماه اینچنین است، و اینچنین است». یعنی؛ گاه بیست و نه روز و گاه سی روز است.

۱۹۲۳- اُمّ درداء: ابودرداء می گفت: آیا نزد شما غذایی هست؟ اگر می گفتیم که نی. او می گفت که من امروز روزه دارم. و ابوطلحه و ابوهریره و ابن عباس و حذیفه نیز چنین می کردند.

۱۹۲۴- پیامبر (ص) در روز عاشورا مردی را فرستاد تا به مردم اعلام کند اینکه (کسی که امروز چیزی خورده است، باید روز را تمام کند و دیگر چیزی نخورد) - یا گفت - باید روزه بگیرد، و کسی که نخورده است نخورد.

۱۹۲۵ و ۱۹۲۶- پیامبر (ص) صبح می کرد در حالی که جنب می بود، زیرا با زنان خویش مجامعت کرده بود. سپس غسل می کرد و روزه می گرفت.

روزه بر وی (روزه‌دار) جماع را حرام می‌کند.

۱۹۲۷- پیامبر(ص) در حالی که روزه داشت، می‌بوسید و هم آغوشی می‌کرد، و او بیش از همه شما بر حاجت خود مسلط بود.

اگر کسی که روزه دارد به زن خود نظر کند و منی وی بریزد، روزه‌اش را کامل کند، (روزه فاسد نمی‌شود).

۱۹۲۸- عایشه رض: پیامبر(ص) بعضی از زنان خود را می‌بوسید در حالی که روزه داشت، و سپس عایشه ل خنیدید.

۱۹۲۹- بر روزه‌دار باکی نیست که طعام دیگ یا چیزی دیگر را بچشد..

بر روزه‌دار باکی نیست که مضمضه کند (یعنی آب را در دهان بگرداند) و بدن خود را در آب سرد نماید. اگر روز روزه یکی از شما باشد باید در حالتی صبح کنید که موی شما چرب و شانه کشیده باشد. پیامبر(ص) مسواک می‌کرد در حالی که روزه داشت.

کسی که روزه دارد، اول و آخر روز مسواک کند و آب دهان فرو نبرد. و عطاء گفته است: اگر آب دهان خود فرو برد، نمی‌گویم که روزه او می‌شکند. انس و حسن و ابراهیم در سرمه کردن (برای روزه‌دار) باکی نمی‌بینند.

۱۹۳۲- اگر کسی آب در بینی کند و به گلوی او درآید بر وی باکی نیست اگر آنرا نتواند بیرون آورد. و حسن گفته است: اگر به حلق وی مگس درآید بر وی چیزی (از کفاره) لازم نمی‌شود. و حسن و مجاهد گفته‌اند: اگر به فراموشی جماع کند، بر وی چیزی لازم نمی‌شود.

۱۹۳۳- «اگر به فراموشی بخورد و بنوشد، باید روزه خود را تمام کند، زیرا خداوند او را خورانیده و نوشانیده است.» «اگر بر امتم دشوار نمی‌بود، آنها را امر می‌کردم که در هر وضو مسواک کنند.» (مسواک پاک‌کننده دهان و موجب

خشنودی پروردگار است).

۱۹۳۴- «و چون وضو کند، آب در سوراخ بینی درآورد». آنحضرت (درین حکم) بین روزه‌دار و غیر آن فرق نگذاشت. و حسن گفته است: بر روزه‌دار باکی نیست که دارو در بینی بچکاند، در صورتی که به حلقش نرسد. و روزه‌دار ساجق نچورد و اگر آب سقز (ساجق) را فرو برد. نمی‌گوییم که روزه‌اش می‌شکند و لیکن از آن منع شده است. و اگر آب در بینی کند و به حلق او درآید باکی نیست، زیرا نمی‌تواند آنرا بیرون آورد. «کسی که یک روز از رمضان را بدون عذر و مریضی بخورد، اگر تمام سال را روزه بگیرد، آنرا ادا نتواند».

شعبی و... گفته‌اند: در عوض آن، یک روز روزه بگیرد.

۱۹۳۷- اگر کسی قی کند، روزه‌اش را نخورد، زیرا چیزی بیرون می‌آید و درون نمی‌رود.

«حجامت کننده و حجامت شونده روزه را بخورند» (یعنی روزه هردوی آنها می‌شکند).

۱۹۳۸- پیامبر (ص) حجامت شد و مُحرم بود و حجامت شد و روزه‌دار بود<sup>(۱)</sup>.

۱۹۴۱- ما با پیامبر (ص) در سفری یکجا بودیم. آنحضرت به مردی گفت: «فرود آی و برایم سویق را با آب بیامیز». وی گفت: یا رسول الله! آفتاب (یعنی نور آن ناپدید نشده) آنحضرت فرمود: «فرود آی و سویق را با آب برایم بیامیز». آنحضرت آنرا نوشید و سپس با دست خود به اینجا (به مشرق) اشارت کرد و

---

۱- حدیث حسن (۱۹۳۷) توسط حدیثی که از ابوسعید روایت شده منسوخ گردیده است که می‌گوید: «پیامبر (ص) حجامت را برای روزه‌دار اجازه داده است».

سپس گفت: «وقتی که شما دیدید که شب از این طرف پیش می‌آید، آن وقت زمان افطار روزه‌دار است»<sup>(۱)</sup>.

۱۹۴۳- آیا در سفر روزه بگیرم؟ آنحضرت فرمود: «اگر می‌خواهی روزه بگیر، اگر می‌خواهی روزه را بخور».

۱۹۴۵- با پیامبر(ص) در یکی از سفرهای وی در روز بسیار گرم برآمدیم و شدت گرمی به حدی بود که هر کس دست بر سر می‌نهاد، در میان ما به جز پیامبر(ص)، و ابن رواحه کسی دیگر روزه نداشت.

۱۹۴۶- پیامبر(ص) که در سفر بود دید که مردم هجوم آورده و بر مردی سایه کرده‌اند. آنحضرت فرمود: «چه واقع شده؟» گفتند: وی روزه‌دار است. آنحضرت فرمود: «روزه گرفتن در سفر از نیکوکاری نیست».

۱۹۴۷- ما با پیامبر(ص) سفر می‌کردیم، روزه‌دار به روزه‌خوار و روزه‌خوار بر روزه‌دار، اعتراض نمی‌کرد.

۱۹۴۸- پیامبر(ص) (در سال فتح مکه) از مدینه رهسپار مکه شد و تا زمانی که به عسفان رسید روزه داشت، سپس آب طلید و ظرف آب را با دست خویش بلند کرد تا مردم ببینند و روزه را خورد تا آنکه به مکه رسید. و این واقعه در رمضان بود. همانا رسول(ص) (در سفر) گاه روزه گرفته و گاه روزه را خورده است. پس کسی که می‌خواهد، روزه بگیرد و کسی که می‌خواهد روزه را بخورد.

۱۹۴۹- اگر کسی قضایی روزه را تا رمضان دیگر تأخیر کند هر دو را روزه بگیرد

---

۱- امام بخاری از این حدیث حکم روزه گرفتن را در سفر استنباط کرده است. در مذهب امام ابوحنیفه روزه گرفتن در سفر افضل خوانده شده است.

(اول رمضان کنونی را و سپس قضایای رمضان قبل را)، مسکینی را در تأخیر هر روز (روزه قضایی) طعام بدهد. امام بخاری می گوید: خداوند، طعام دادن را ذکر نکرده و گفته است: «شمار روزه قضایی از ایام دیگر است»<sup>(۱)</sup>.

۱۹۵۰- عایشه رض: روزی چند از رمضان بر ذمه‌ام بود و توان آن نبود که روزه قضایی بگیرم، به جز در ماه شعبان<sup>(۲)</sup>.

۱۹۵۳- یا رسول الله! مادرم مُرد، و بر ذمه‌اش یک ماه روزه است، آیا من از جانب او روزه بگیرم؟ آنحضرت فرمود: «آری، دین خداوند سزاوارتر است که ادا گردد».

۱۹۵۴- «زمانی که شب از این جهت روی آورد و روز از آن جهت پشت گرداند و آفتاب غروب کند، همانا زمان افطار روزه‌دار است».

۱۹۵۵- «زمانی که دیدید، شب از این جهت روی آورده است، همانا وقت افطار روزه‌دار است».

۱۹۵۷- «مردم پیوسته در نیکویی اند تا هنگامی که در افطار شتاب نمایند».

۱۹۷۵- «... بسنده است که در هر ماه سه روز روزه بگیریم، زیرا در برابر هر عمل نیک، برای تو ده چند ثواب است، و این (سه روز)، روزه تمام سال تورا دربر می‌گیرد».

۱۹۸۵- «هیچیک از شما روز جمعه را (در غیر رمضان) روزه نگیرد، مگر آنکه روز قبل آنرا روزه گرفته باشد یا روز بعد آنرا روزه بگیرد».

---

۱- یعنی همان روزهایی را که روزه نگرفته، روزه بگیرد.

۲- آنحضرت (ص) در ماه شعبان بیشتر روزه‌دار می‌بود.

\* کسی که نتواند روزه بگیرد چون کهنسالان و غیره، باید فدیة بدهند.

۱۹۸۶- پیامبر(ص) در روز جمعه نزد وی (جُوَیریه بنت حارث) رفت و وی روزه دار بود، آنحضرت فرمود: «آیا دیروز روزه گرفته بودی؟» گفت: نی. فرمود: آیا فردا می خواهی که روزه بگیری؟ گفت: نی. آنحضرت فرمود: «روزهات را بخور». او روزه را خورد.

۲۰۱۳- آنحضرت(ص) در رمضان و در غیر رمضان بر یازده رکعت نیفزوده است. چهار رکعت می گذارد، از خوبی و درازی آن سؤال مکن، و سپس چهار رکعت می گذارد، از خوبی و درازی آن سؤال مکن، و سپس سه رکعت می گذارد، من گفتم: یا رسول الله! آیا قبل از آنکه وتر بگذاری، می خوابی؟ فرمود: «ای عایشه! همانا چشمانم می خوابد و دلم نمی خوابد».

۲۰۱۵- «کسی که جوایب شب قدر است، آنرا در هفت شب آخر جستجو کند».

۲۰۱۷- «شب قدر را در شب های طاق دهه آخر رمضان جستجو کنید».

۲۰۱۸- رسول(ص) در رمضان، در همان دهه که میان ماه بود به اعتکاف می نشست و چون شب بیستم می گذشت و بیست و یکم فرا می رسید به خانه خویش برمی گشت.

۲۰۲۰- رسول(ص) در دهه آخر رمضان اعتکاف می کرد و می گفت: «شب قدر را در دهه آخر رمضان جستجو کنید».

۲۰۲۴- چون دهه آخر رمضان فرا می رسید، پیامبر(ص) ازارش را محکم می بست (کنایه از ترک مجامعت است یا آمادگی برای تلاش و کوشش افزودن بر آنچه عادت شان بود)، و شب خویش را (با عبادت) زنده می داشت و

---

\* نمازی که در آخر شب ادا کنند بهتر است از نمازی که در اول شب ادا کنند.



خانواده‌اش را (برای عبادت کردن) بیدار می‌نمود.

فرموده‌ی خدای تعالی: «مباشرت نکنید با زنان در حالی که شما معتکف باشید در مسجدها، اینها حدود (منهیات) خدا است، پس نزدیک نشوید به آنها».

۲۰۲۶- پیامبر(ص) ده روز آخر رمضان را اعتکاف می‌کرد، تا آنکه خداوند او را به سوی خود فرا خواند. سپس همسران وی بعد از وی اعتکاف می‌کردند.

۲۰۳۴- پیامبر(ص) قصد اعتکاف کرد و چون از نماز برگشت به همان جایی رفت که می‌خواست اعتکاف کند، ناگاه خیمه‌هایی دید: خیمه‌ی عایشه و خیمه‌ی حفصه و خیمه‌ی زینب. سپس فرمود: «آیا این عمل زنان را نیکویی می‌گویید» آنحضرت از همانجا برگشت و اعتکاف نکرد، تا آنکه در ماه شوال ده روز اعتکاف نمود. یا فرمود: «خیمه‌ها را برکنید که دیگر آنرا نینم».

۲۰۳۵- وی (صفیه همسر پیامبر(ص)) نزد پیامبر(ص) آمد تا از آنحضرت که در مسجد اعتکاف می‌کرد، دیدار کند، و این در دهه‌ی آخر رمضان بود. وی مدتی

---

\* روزه‌ی روز عرفه گناهان دوساله را کفاره است و روزه‌ی روز عاشوراء گناهان یک ساله را.

\* اعتکاف از عکف گرفته شده که به معنی انزوا و گوشه‌گیری است و در اصطلاح شرع آنست که اعتکاف کننده مدت معینی را در مسجد می‌گذراند و به نماز و روزه مشغول می‌گردد، با در نظر داشت شرایط لازمه‌ی آن، اعتکاف نزد جمهور علما سنت مؤکده است و پیامبر(ص) تا زمان وفات بدان مواظبت کرده است، به استثنای یکبار که آنرا ترک کرد و در عوض در ماه شوال به اعتکاف نشست. و همچنان در تعریف اعتکاف گفته‌اند که مکث کردن است در مسجد با گرفتن روزه به نیت اعتکاف.

\* زن و مرد در اعتکاف برابر اند (مطابق حدیث ۲۰۲۶) و آنحضرت بعضی زنان را در مسجد برای اعتکاف اجازه داده بود. چون تعداد زنان در مسجد زیاد شد و مسجد گنجایش آنرا نداشت، آنرا منع کرد. امام ابوحنیفه گفته است که زن در مسجد خانگی اعتکاف کند.

با آنحضرت صحبت کرد و سپس از آنجا برخاست که باز گردد. پیامبر(ص) نیز با وی برخاست و او را همراهی کرد، تا آنکه به دروازه مسجد رسیدند که نزدیک دروازه ام سلمه است. در این وقت دو مرد انصاری گذشتند و بر رسول(ص) سلام کردند، پیامبر(ص) به آنان گفت: «بایستید، همانا این زن، صفیه بنت حبی است».

آن دو مرد گفتند: سبحان الله، یا رسول الله! و سخن آنحضرت برایشان گران آمد. سپس پیامبر(ص) فرمود: «به تحقیق که شیطان در سراسر بدن انسان همچنان که در آن خون جریان دارد، نفوذ می کند و من از آن ترسیدم که مبادا شیطان در دل های شما وسوسه ای ایجاد کند».

۲۰۴۰- ابوسعید رضی: با پیامبر(ص) در دهه وسط (رمضان) اعتکاف کردیم و چون صبح بیستم فرا رسید، لوازم و اثاث خویش را نقل دادیم.

۲۰۴۸- «ضیافتی (مجلس عروسی) ترتیب کن، هر چند با گوسفندی باشد».

۲۰۵۱- «حلال پیدا و آشکار است و حرام پیدا و آشکار است و میان آنها چیزهای مبهم و مشکوک اند. پس کسی که دوری جوید از آنچه اشتباه گناه بدان

---

\* بیع به معنی خرید و فروش است و بیشتر بر فروش اطلاق می شود، و در اصطلاح شرع عبارت است از معامله مال به مال با رضایت جانبین (فروشنده و خریدار) که آنرا بایع و مشتری گویند. جنس فروخته شده را مبیع و بهای آنرا ثمن گویند. در بیع یا معامله، ایجاب و قبول شرط است. ایجاب یعنی پیشنهاد فروش یا خرید مال که می تواند از جانب فروشنده یا خریدار صورت گیرد، و قبول پذیرفتن ایجاب است. البته ایجاب و قبول باید به لفظ ماضی یا زمان حال صورت گیرد و قبول، پذیرفتن پیشنهاد. جانب مقابل حق خیار یا گزینش و انتخاب را دارد که در آن جلسه آنرا رد می کند یا قبول می نماید. و قبول کردن آنرا خیار قبول می گویند.

می رود، از گناه آشکار بیشتر دوری می جوید، و کسی که جرأت کند بر آنچه اشتباه گناه بدان می رود، نزدیک است که خودش را در گناه آشکار بیفکند. گناهان، چراگاه ممنوعه خداوند، و کسی که در اطراف چراگاه ممنوع بچراند، زود است که (گوسفندان وی) وارد آن شوند»<sup>(۱)</sup>.

هیچ چیزی را آسان تر از وَرَع<sup>(۲)</sup> ندیده‌ام، یعنی بگذر از آنچه تورا در شک می اندازد و مایل شو بدانچه تورا در شک نمی اندازد.

۲۰۵۵- پیامبر(ص) از کنار خرمایی که افتاده بود گذشت و فرمود: «اگر شبهه آن نمی بود که این خرمای صدقه است، آنرا می خوردم».

۲۰۵۷- کسانی گفتند: یا رسول الله(ص)! مردم برای ما گوشت می آورند و ما نمی دانیم که نام خداوند را (به هنگام ذبح) یاد کرده اند یا نه؟ پیامبر(ص) فرمود: «شما نام خدا را بر آن یاد کنید و آنرا بخورید»<sup>(۳)</sup>.

۲۰۵۹- «بر مردم زمانی فرا می رسد که کسی پروای آنرا ندارد که آنچه را به دست آورده از طریق حلال است یا حرام».

و فرموده خدای تعالی: «مردانی که باز ندارد ایشان را تجارت و نه خرید و فروش از یاد خدای» [النور: ۳۷].

۲۰۶۰ و ۲۰۶۱- ما در روزگار پیامبر(ص) تاجر بودیم و در مورد مبادله طلا و نقره

---

۱- درین حدیث (۲۰۵۱) مبارک انسان به چوپان تشبیه شده و خواهشات وی به رمه گوسفند و گناه یا امر حرام به چراگاه ممنوعه. بنابراین، چرانیدن در اطراف چراگاه ممنوعه از شبهات است. یعنی کسی که پیرامون معاصی می گردد، نزدیک است که در معاصی بیفتد.

۲- وَرَع، تقوی و پرهیزگاری و دوری جستن از معاصی است.

۳- یعنی نظر به اینکه آنرا مسلمانان آورده اند، وسوسه نکنید که شاید نام خدا را بر آن نبرده باشند.

از پیامبر (ص) سؤال کردیم، آنحضرت فرمود: «اگر معامله دست به دست باشد، در آن باکی نیست و اگر نسیه باشد، صلاح نیست».

و فرموده‌ی خدای تعالی: «در زمین متفرق شوید و از فضل خدا طلب کنید».

۲۰۶۳- مردم تجارت می‌کردند و لیکن اگر حقی از حقوق خدا به ذمه‌ی ایشان می‌بود، تجارت و خرید و فروش، ایشان را از ذکر خدا باز نمی‌داشت تا آنکه حق خدا را ادا می‌کردند.

۲۰۶۵- «اگر زنی از طعام خانه‌ی خویش بدون آنکه قصد ضایع کردن آنرا داشته باشد نفقه کند، او را بدانچه نفقه کرده است ثواب حاصل می‌شود و شوهر وی را به خاطر کسب آن مال ثواب حاصل می‌شود و برای نگاهدارنده‌ی آن مال نیز ثواب حاصل می‌شود و ثواب یکی از ثواب دیگری چیزی کم نمی‌کند».

۲۰۶۷- «کسی که دوست دارد روزیش فراخ گردد یا عمرش دراز گردد (یا نام نیک از او بماند) باید صله‌ی رحم را به جای آورد». (یعنی با اقوام و خویشاوندان به نیکویی عمل کند و پیوند خود را با آنها استوار بدارد).

۲۰۶۹- «صاعی از گندم و نه صاعی از غله، نزد خانواده‌ی محمد (ص) شب نکرده است. در حالی که آنحضرت نه زن داشت»<sup>(۱)</sup>.

۲۰۷۶- «خداوند رحمت کند کسی را که چون می‌فروشد و چون می‌خرد و چون حق خویش را می‌طلبد، با نرمش بر جوانمردی عمل می‌کند».

۲۰۷۷- «فرشتگان با روح مردی ملاقی شدند که قبل از شما می‌زیسته است و به او

---

۱- آنحضرت فقر را بدین حد اختیار کرده بود که یک صاع غله در خانه‌اش شب را نمی‌گذرانده است.

گفتند: آیا کار خیری هم انجام داده‌ای؟ گفت: به خدمتکاران خود امر کرده بودم که به قرضدار من که ثروتمند باشد، مهلت دهند و از وی درگذرند. گفت: و فرشتگان از عذاب وی درگذشتند.

«بر ثروتمند آسان می‌گرفتم و به نیازمند مهلت می‌دادم».

«به ثروتمند مهلت می‌دادم و از نیازمند درمی‌گذشتم». (از ثروتمند می‌پذیرفتم و از تنگدست درمی‌گذشتم).

۲۰۷۸- «تاجری به مردم قرض می‌داد و چون قرضدار وی تنگدست می‌بود، به خدمتکاران خود می‌گفت که از وی درگذرید تا باشد که خداوند از ما درگذرد. پس خداوند از وی درگذشت».

به هیچ مردی حلال نیست که متاعی را بفروشد که عیب آنرا می‌داند، مگر آنکه خریدار را از آن آگاه کند.

۲۰۷۹- «خریدار و فروشنده (در قبول و رد معامله) اختیار دارند، تا آنکه از هم جدا نشوند - یا چنین فرمود - تا آنکه از هم جدا شوند - اگر ایشان راست باشند و حقیقت را بیان کنند، در معامله ایشان به آنها برکت داده می‌شود، و اگر حقیقت را پنهان کنند و دروغ بگویند، برکت معامله ایشان نابود می‌شود».

۲۰۸۶- فرموده‌ی خدای تعالی: «نابود می‌سازد خدا برکت سود را و افزون می‌سازد برکت صدقات را و خدا دوست نمی‌دارد هر ناسپاس گنهکار را» [البقره: ۲۷۶].

۲۰۸۷- «سوگند خوردن، معامله را رونق می‌دهد و از برکت آن می‌برد».

۲۰۹۲- من با پیامبر (ص) به این دعوت (دعوت خیاطی) رفتم. میزبان، نان و شوربا را به پیامبر (ص) نزدیک کرد که در آن کدو و گوشت خشکیده بود. من دیدم که پیامبر (ص) ریزه‌های کدو را از میان کاسه می‌جُست. از آن روز به بعد است که من کدو را دوست می‌دارم.

۲۱۰۱- «مثال همنشین نیک و همنشین بد، همچون مثال عطر فروش و دمه کوره آهنگر است. عطر فروش تورا محروم نمی کند: یا از وی می خری یا بوی خوش از وی درمی یابی، و لیکن دمه آهنگر: خانه ات، یا جامه ات را می سوزاند، یا بوی بدی از آن درمیابی».

۲۱۰۷- «خریدار و فروشنده (در قبول و فسخ) معامله تا زمانی که از هم جدا نشوند اختیار دارند، یا اینکه بیع به شرط خیار باشد».

چون ابن عمر چیزی می خرید که از آن خوشش می آمد، از صاحب مال جدا می شد.

۲۱۱۷- «وقتی چیزی خریداری می کنی، بگویی: فریبی نباشد».

۲۱۲۴- پیامبر (ص) از فروش غله ای که خریده شده تا زمانی که آنرا در تصرف نیاورده و پیمانہ نکرده است، منع کرده است.

۲۱۲۵- در قرآن است: «ای پیامبر! همانا تورا فرستادیم شاهد و بشارت دهنده و ترسانده».

و پناهگاه ناخوانان. تویی بنده من و فرستاده من، تورا متوکل نامیدم. تو نیستی درشتخوی و سخت دل، و سروصداکننده در بازارها، و بدی را با بدی پاسخ نمی گویی، بلکه عفو می کنی و از آن درمی گذری.

پیامبر (ص): «پیمانہ کرده بگیری تا تمام بگیری». (وقتی می فروشی پیمانہ کن و وقتی می خری پیمانہ کن).

۲۱۲۸- «غله خویش را پیمانہ کنید برای شما برکت داده می شود».

۲۱۳۳- «کسی که غله می‌خرد تا زمانی که آنرا تسلیم و تصرف نمی‌شود، نفروشد».

۲۱۳۴- «بیع طلا به طلا ربا (سود) است، مگر آنکه معامله دست به دست باشد. بیع گندم به گندم ربا است، مگر آنکه معامله دست به دست باشد»<sup>(۱)</sup>.

۲۱۳۵- آنچه پیامبر (ص) از آن منع کرده است، آن غله‌ای است که تا آنرا تحویل نمی‌گیرد، نفروشد.

ابن عباس رض گفت: من هر چیز را مانند غله می‌پندارم.

۲۱۳۷- کسی که متاع و یا حیوانی می‌خرد و آنرا نزد فروشنده می‌گذارد، یا حیوان قبل از تسلیمی بمیرد.

ابن عمر رض گفته است: اگر در وقت معامله، حیوان زنده و حاضر بوده باشد، ضرر آن بر خریدار است.

۲۱۳۸- ابوبکر رض گفت: یا رسول الله (ص)! من دو شتر دارم که برای سفر آماده کرده‌ام، یکی را تو بگیر. آنحضرت فرمود: «در برابر بهای آن گرفتم»<sup>(۲)</sup>.

---

\* خیار قبول آنست که چون یکی از عاقدین بیع را ایجاب کند، جانب مقابل در قبول یا رد آن اختیار دارد. خیار مجلس آنست که بعد از حصول ایجاب و قبول، هریک از عاقدین تا آخر مجلس اختیار دارد که آنرا قبول می‌کند یا رد می‌کند (شافعی و احمد). لیکن به مذهب حنیفه و جمهور مالکیه پس از اتمام ایجاب و قبول، بیع لازم می‌گردد، و خیار مجلس باقی نمی‌ماند. خیار شرط آنست که یکی از عاقدین به هنگام عقد، خیار را شرط گذارد و نزد ابوحنیفه و شافعی مدت آن سه روز است، لیکن نزد ابویوسف و... زیاده از آن تا هر زمانی که شرط بگذارد جواز دارد. (از شرح شیخ الاسلام)

۱- اگر کسی مقداری غله را به یک پوند می‌خرد و قبل از آنکه مال را تحویل گیرد، آنرا به دو پوند می‌فروشد این معامله ربا است و حرام است، زیرا این مانند معامله یک پوند طلا در برابر دو پوند طلا است و بسان معامله‌ایست که مال ناموجود را به فروش برساند که حرام است.

۲- آنحضرت ص شتری خرید و آنرا نزد ابوبکر رض گذاشت که فروشنده شتر بود.

بر بیع برادر مسلمان خود، بیع نکند<sup>(۱)</sup> و بر بیع برادر مسلمان خود نیافزاید<sup>(۲)</sup>. تا آنکه خریدار به وی اجازه دهد و یا از خرید آن منصرف گردد.

۲۱۴۰- پیامبر(ص) منع کرده است که شهرنشین مال بادیه‌نشین را بفروشد<sup>(۳)</sup>.

نجش (یعنی توصیف بیجا و قیمت افزایشی بدون قصد خرید) نکنید و کسی بر بیع برادر مسلمان خود بیع نکند. و مرد، زنی را خواستگار نشود که برادر مسلمانش وی را خواستگار شده است. و زن از مرد نخواهد که خواهر مسلمان او را طلاق دهد تا خود جای او را بگیرد (و سهم او را از آن خود سازد).

۲۱۴۳- پیامبر(ص) از بیع حَبَلِ الْحَبْلَةِ منع کرده است و آن بیعی است (بود) که در روزگار جاهلیت مردم بدان عمل می‌کردند، و آن چنین بود که شخصی شتر ماده‌ای را می‌خرد و شرط می‌گذاشت که هرگاه شتر، بچه‌ای بزاید و بعد، آن بچه شتر بزرگ شود و بچه‌ای بزاید، آنگاه قیمت آنرا پردازد.

۲۱۴۴- پیامبر(ص) از بیع منابذه منع کرده است و آن چنان بود که مرد جامه‌اش را برای فروش به سوی مردی می‌افکند قبل از آنکه به وی فرصت دهد که آنرا زیر و رو کند و یا به سوی آن بنگرد - و آنحضرت از بیع ملامسه نیز منع

---

۱- کسی را که متاعی خریده، تشویق به فسخ معامله نکند تا متاع خود را بر او بفروشد.

۲- به فروشنده نگوید که این مال را به او نفروش و بر من بفروش، من بهای بیشتری می‌دهم.

۳- مراد آنست که فروشنده شهری به بادیه‌نشین یا شخص دهاتی که مال خود را برای فروش به شهر آورده، نگوید که مال خود را نفروش و نزد من بگذار تا به بهای بیشتری بفروشم.

\* بیع غرر (جنس ناموجود)، بیعی است که میباید یا متاع مورد معامله در وقت بیع موجود نباشد، مانند: فروش ماهی در آب، پشم بر پشت گوسفند، فروش غلامی که گریخته باشد، فروش مُشک در آب و پرنده در هوا. که از این بیع (غرر) منع شده است.



- کرده است، بیع ملامسه لمس کردن جامه است، بدون آنکه بدان نظر کند.
- ۲۱۴۵- پیامبر(ص) از احتباً منع کرده است: اینکه مرد یک جامه را بر خودش بیچد و سپس آنرا بر شانه خود بلند کند.
- ۲۱۴۸- «شیر شتر و گوسفند را بند نکنید (که پستان آن بزرگ معلوم شود). اگر کسی همچو حیوانی را بخرد، پس از خریدن و دوشیدن آن، حق دو انتخاب را دارد: اگر می خواهد آنرا نگهدارد و اگر می خواهد مسترد کند (اگر مسترد می کند) یک صاع خرما بدهد»<sup>(۱)</sup>.
- ۲۱۴۹- پیامبر(ص) خریداران را منع کرده است که به پیشواز فروشندگان بروند (تا اموال آنها را قبل از رسیدن به شهر، ارزان بخرند و...
- ۲۱۵۰- بر بیع برادر مسلمان خود بیع نکنید (قیمت افزایی بدون قصد خرید و برای فریفتن دیگری).
- ۲۱۵۸- «شهرنشین مال بادیه‌نشین را نفروشد». اینکه شهرنشین دلال بادیه‌نشین نشود.
- ۲۱۵۹- پیامبر(ص) از فروش مال بادیه‌نشین توسط شهرنشین منع کرده است.
- ۲۱۷۱- پیامبر(ص) از بیع مُزَابَنَه، منع کرده است. و مزابنه فروش خرمای تر به

---

۱- یک صاع خرما به صاحب حیوان در عوض شیری که دوشیده است، بدهد.

\* بیع منابذه، و آن افکندن جامه به سوی مشتری است که با چنین حالتی بیع لازم می‌گردد و بیشتر شباهت به قمار دارد، چنانکه دو نفر اموال خود را بدون اینکه مال طرف مقابل را دیده باشند تبادل می‌کنند و یا اینکه یکی به دیگری می‌گوید که هرچه تو داری به من بده و هرچه من دارم به تو می‌دهم، بدون اینکه بدانند که هریک از ایشان چه دارند و به چه پیمانہ دارند.

\* بیع ملامسه، آنست که اگر مشتری جنس را لمس کند، بیع لازم می‌گردد که آن، اشکال مختلف دارد. یکی آنست که به مجردی که مشتری جنس را لمس کند، بدون آنکه آنرا ببیند و یا معاینه کند بیع قطعیت پیدا می‌کند و مشتری حق فسخ بیع را ندارد.

خرمای خشک و فروش کشمش به انگور به پیمانانه است.

۲۱۷۳- پیامبر(ص) فروش میوه را بر درخت به طور تخمین اجازه داده است.

۲۱۷۵- «طلا را به طلا بفروشید مگر به وزن برابر به برابر و نقره را به نقره بفروشید مگر به وزن برابر به برابر، و طلا را به نقره و نقره را به طلا، هرگونه که می خواهید بفروشید».

۲۱۷۸ و ۲۱۷۹- «سود نیست، مگر در معامله نسبه».

۲۱۹۶- پیامبر(ص) از فروش میوه قبل از تشقیح منع کرده است.

تشقیح: یعنی سرخ و زرد گردد و قابل خوردن شود.

۲۲۰۰- پیامبر(ص) از یهودی غله خرید و زره خویش را نزد وی به گرو گذاشت.

۲۲۰۱ و ۲۲۰۲- «خرمای مخلوط را به پول بفروشید و خرمای خوب را به پول

بخرید».

۲۲۰۳- اگر درخت خرمای بارور شده، فروخته شود و از میوه آن یادی نشود، میوه

از آن کسی است که درخت را بارور کرده است (یعنی فروشنده) و همچنان

است در مورد برده و زمین کشت شده<sup>(۱)</sup>.

---

\* مبادله خرمای تر به خرمای خشک به پیمانانه است (نه به طور تخمین).

\* هبه: یعنی کسی خرمای یکی از درختان باغ خود را به کسی می بخشد و آنکس تا زمان پخته شدن میوه درخت به آن باغ آمدوشد می کند. صاحب باغ برای رفع مزاحمت وی، میوه درختی را که به وی بخشیده در بدل میوه خشک می خرد. این بیع استثناء اجازه داده شده است.

\* «اگر برادر (مسلمان) شما از شما مشوره بخواهد، به وی مشوره بدهید».

۱- یعنی این حکم در مورد برده ای است که فروخته شود و او را دارایی باشد که دارایی وی

متعلق به فروشنده است و حاصل زمین کشت شده هم متعلق به فروشنده است.

۲۲۰۴- «کسی که درخت خرمایی را بارور کرده و آنرا (از ریشه) می فروشد، میوه آن مربوط به فروشنده است، مگر آنکه خریدار آنرا برای خود شرط بگذارد».

۲۲۰۵- پیامبر(ص) از بیع مُزانبه منع کرده است، یعنی اینکه میوه باغ خویش را که بر درخت است، با خرمای خشک به پیمانانه تبادل کند، و انگور را با کشمش به پیمانانه مبادله کند و غله در خوشه را با غله پاک شده مبادله کند و آنحضرت همه موارد فوق را منع کرده است.

۲۲۱۲- فرموده خداوند تعالی: «و هر که توانگر باشد باید پرهیزگاری کند و هر که فقیر باشد باید به شیوه پسندیده بخورد» [النساء: ۶]. این آیه در باره کسی نازل شده که از یتیم مراقبت می کند و به صلاح مال او می کوشد و اگر وی محتاج باشد، به مقداری که عرف است از مال یتیم بخورد.

۲۲۱۴- پیامبر(ص) شفعه را در هر مالی که تقسیم نشده حکم کرده است، پس اگر حدود تعیین شد و راه‌ها مشخص گردید، شفعه نمی ماند.

۲۲۱۵- ... من کسی را در بدل یک پیمانانه جواری (دُرّت) به مزدوری گرفتم، و چون مزدش را دادم، نپذیرفت. من آن پیمانانه جوار را نگاه داشتم و بذر کردم تا آنکه از محصول آن، گله گاوی و چوپان آنرا خریدم. پس وی آمد و گفت: ای بنده خدا، حق مرا به من بسپار. به او گفتم: برو، آن گاوها و چوپان را بگیر، همان حق تو است. وی گفت: مرا ریشخند می کنی؟ گفتم: تورا

---

\* باکی نیست (بنابر عرف) مالی را که به ده خریده است، به یازده بفروشد و از آنچه بر آن خرج کرده است، نفع بگیرد. و پیامبر(ص) به زن ابوسفیان فرمود: «آنچه تو و فرزند تورا بنابر عرف، کفایت می کند (از مال شوهرت) بگیر». و خداوند ج می فرماید: «و هر که فقیر باشد (یعنی وصی یتیم) باید که به وجه معروف (آنچه متعارف است) بخورد» [النساء: ۶].

ریشخند نمی‌کنم، آنها از آن تو است.

۲۲۲۰- یا رسول الله! از کارهای خیری که در روزگار جاهلیت کرده‌ام، چون ادای صلۀ رحم و آزاد کردن برده و دادن صدقه، مرا آگاه گردان که در آن پاداشی برایم وجود دارد؟ آنحضرت (ص) فرمود: «تو اسلام آوردی با همه اعمال نیکی که در گذشته انجام داده‌ای».

۲۲۲۱- پیامبر (ص) از کنار گوسفند مرده گذشت و فرمود: «چرا از پوست آن استفاده نکردید؟» گفتند: خود مُرده است. آنحضرت فرمود: «خوردن آن حرام شده است».

۲۲۲۲- «سوگند به ذاتی که جان من در ید قدرت اوست که نزدیک است که فرزند مریم در میان شما به عنوان زمامداری عادل فرود آید که صلیب را می‌شکند و خوک را می‌کشد و جزیه را لغو می‌کند و ثروت به حدی فزونی می‌یابد که کسی (صدقه) را قبول نمی‌کند»<sup>(۱)</sup>.

۲۲۲۳- به عمر رض خبر رسید که فلان کس شراب فروخته است. عمر گفت:

---

\* خداوند تعالی می‌فرماید: «و خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر در روزی برتری داده است. پس کسانی که برتری و فزونی (در روزی و مال) یافته‌اند، دارایی خود را به بردگان‌شان نمی‌دهند تا باهم در روزی برابر باشند. آیا آنان به نعمت خداوند (و کتاب او) کافر می‌شوند؟» [النحل: ۷۱].

\* در شریعت، نفقه زن و اطفال بر نفقه پدر و مادر مقدم است.

۱- یعنی عیسی ع فرود می‌آید و رهبر مسلمانان می‌باشد و این هشدار سختی است به مسیحیان که خویششان را پیرو عیسی می‌شمارند، و او صلیب را می‌شکند و خوک را می‌کشد.

\* خوردن آنچه حرام است، فروختن آن موجب لعنت است.

\* پیامبر (ص) خرید و فروش خوک را حرام کرده است.

خداوند او را لعنت کند.

۲۲۲۵- «کسی که صورت می کشد، همانا خداوند او را عذاب می کند تا آنکه در

آن صورت‌ها جان بدمد و هرگز نمی تواند که در آن جان بدمد».

- صورت این درخت را بکش و هر چیزی که بیجان باشد.

۲۲۲۷- «خداوند گفته است که سه کس اند که من در روز قیامت دشمن ایشانم:

مردی که به نام من عهد بندد و سپس خیانت کند. و مردی که شخص آزادی

را بفروشد و بهای آنرا بخورد. و مردی که کسی را مزدور بگیرد و از کارش

بهره گیرد و مزدش را ندهد».

در خرید و فروش حیوان مسأله سود (ربا) در میان نمی آید، چون یک شتر در

بدل دو شتر و یک گوسفند در بدل دو گوسفند تا مدتی، (مانعی ندارد).

در فروش یک شتر در بدل دو شتر باکی نیست.

۲۲۲۹- یا رسول الله! کنیزانی (از مال غنیمت) نصیب ما می گردد و پول فروش آنرا

دوست داریم. در افکندن منی در بیرون فرج چه حکم می کنی؟ آنحضرت

فرمود: «آیا شما چنین کاری می کنید؟ و اگر این کار را نکنید بر شما باکی

نیست، زیرا هیچ نفسی نیست که خداوند (بر لوح قضا) بیرون آمدنش را نوشته

باشد. مگر آنکه وی بیرون شونده است.

۲۲۳۶- «همانا خداوند و پیامبرش فروش شراب و حیوان مرده و خوک و بت‌ها را

حرام گردانیده است». یا رسول الله! در باره پیه حیوان مرده چه حکم می کنی

که بدان کشتی‌ها چرب می شوند و بر پوست‌ها مالیده می شود و چراغ روشن

می گردد؟ آنحضرت فرمود: «نه، آن حرام است».

---

\* پیامبر(ص) فروش شراب را حرام گردانید.

۲۲۳۷- پیامبر(ص) از بهای سگ و از اجرت زناى زن، و مزد کاهن (فالبین و غیره) منع کرده است<sup>(۱)</sup>.

۲۲۳۸- پدرم غلامی خرید که حجامتگر بود و امر کرد که آلات حجامت وی شکسته شود. من دلیل آنرا از وی پرسیدم. او گفت: پیامبر(ص) از بهای خون (حجامت) و بهای سگ و مزد کنیز (از راه زنا) منع کرده و سودخورنده و سوددهنده و صورتگر را لعنت کرده است.

---

۱- امام ابوحنیفه و یاران وی خرید و فروش سگ‌هایی را که از آن منافی متصور باشد، مانند: سگ‌های شکاری یا سگ‌هایی که برای حفاظت و نگهبانی از آن استفاده می‌شود، مجاز دانسته است.

# جلد سوم





- ۲۲۴۱- «به پیمانۀ معین و وزنی معین و میعادى معین» (بیع سلم کنید)<sup>(۱)</sup>.
- ۲۲۵۲- پیامبر(ص) به مدتی معین از یهودی غله خرید و زره آهنین خویش را نزد وی به گرو گذاشت.
- ۲۲۵۷- حکم: اگر کسی که حق شفعه دارد از فروش (ملکیت مشترک) قبل از فروش آگاه ساخته شود (و نخرد) شفعه‌ای باقی نمی‌ماند<sup>(۲)</sup>. شعبی: کسی که حق شفعه وی به فروش رسد و او حاضر باشد و در آن تغییری نیابد (بی تفاوت بماند) برای وی حق شفعه نمی‌ماند.
- ۲۲۵۸- «همسایه سزاوارتر است به خاطر نزدیکی خود».
- ۲۲۵۹- گفتم: یا رسول(ص)! من دو همسایه دارم، به کدامیک از آنها هدیه بدهم؟ آنحضرت(ص): «همان که دروازه خانه‌اش به تو نزدیکتر است».
- ۲۲۶۰- «خزانه‌دار امانتکاری که آنچه به وی امر شده با خلق خوش ادا می‌کند، یکی از دو صدقه‌دهنده است».
- ۲۲۶۱- «هرگز، کسی را که خود تقاضای کار کند، به کار نمی‌گیرم».
- ۲۲۶۲- «خداوند پیامبری را بریانگیخته، مگر آنکه گوسفند چرانیده است». اصحاب گفتند: و تو هم؟ آنحضرت(ص) فرمود: «آری، در بدل چند قیراط گوسفندان مردم مکه را می‌چرانیدم».
- اگر مسلمانی یافت نشود، و پیامبر(ص) مردم یهود خیبر را به کار (کشاورزی)
- 
- ۱- سلم: یعنی تسلیم دادن، و آن تسلیم دادن قیمت جنس به فروشنده است، به نوع پیش پرداخت که جنس را در آینده معین و به وزن و جنس معین به مشتری تسلیم نماید.
- ۲- شفعه: خواهش و چیزی بر ملکیت خود افزودن است. نزد فقها تملک یکی از شریکین است سهم دیگری را با دادن قیمت آن به شریک دیگر. (نزد امام ابوحنیفه، شفعه به هنگام بیع واجب می‌گردد نه قبل از بیع).

گمارد.

۲۲۶۳- اگر کسی مزدوری را به اجرت گیرد که پس از سه روز، یا سه ماه یا یک سال برای وی خدمتی انجام دهد، جواز دارد و جانین به شرطی که کرده‌اند متعهد باشند تا موعد آن فرارسد.

۲۲۶۵- یعلی: من کسی را مزدور گرفته بودم و او با کسی گفتگو و درگیری کرد و یکی از آنان انگشت دیگری را دندان گزید و چون انگشت خود را به شدت، از دهان وی، بیرون کشید، دندان جلو دهان او را آورد و دندان وی افتاد. وی نزد پیامبر (ص) به (دادخواهی) رفت. آنحضرت ادعای وی را باطل گردانید و فرمود: «می خواهی که انگشت خود را در دهان تو در آورد تا آنرا دندان گیری و فرو بری - می پندارم که چنین فرمود - بسان شترند که دندان می گیرد».

۲۲۷۰- «خداوند تعالی گفته است: سه کس اند که من در روز قیامت دشمن ایشانم: مردی که به من عهد می کند و سپس عهدش را می شکند. و مردی که شخص آزاد را می فروشد و بهای آنرا می خورد و مردی که کسی را به مزدوری می گیرد و به نحو کامل از وی کار می گیرد و مزدش را نمی دهد».

۲۲۷۳- چون پیامبر (ص) ما را به صدقه امر می کرد، هریک از ما به بازار می رفت و بارکشی می کرد و یک مُد مزد می گرفت (و صدقه می کرد) و همانا (امروز) برخی کسان هزار (دینار یا درهم) دارند.

باکی نیست که به (دلال) بگویند که این جامه را بفروشی و اگر بهای آن از چنین و چنان زیاد شود زیادتی از تو باشد و یا از هر دویمان باشد. پیامبر (ص)

فرموده است: «مسلمانان پایبند شرط‌های خویش اند».

۲۲۷۵- «سزاوارترین آنچه بدان مزد می‌گیرید قرآن است». و شعبی گفته است: آموزگار مزدش را شرط نگذارد، هر آنچه به وی داده می‌شود بپذیرد. و حکم گفته است: از هیچکس نشنیدم که مزد معلم را ناخوش دانسته باشد و حسن بصری ده درهم به معلم داد. و ابن سیرین در مزد کسی که تقسیم‌کننده (اموال است) باکی نمی‌بیند.

۲۲۷۶- «.. آن سوره (فاتحه) دعای (شفا) است».

۲۲۷۸- پیامبر (ص) حجامت شد و مزد حجامتگر را داد.

۲۲۸۲- ابومسعود رض: پیامبر (ص) از بهای فروش سگ و مزد زنای زن زناکار، و مزد کاهن (غیگویی و فالبین) منع کرده است.

۲۲۸۴- ابن عمر رض: پیامبر (ص) از مزد کشیدن حیوان نر بر ماده منع کرده است. وارثان اجاره‌دهنده حق ندارند که تا زمان تکمیل میعاد، اجاره‌گیرنده را از آن (مثلا خانه) خارج نمایند.

۲۲۸۶- اگر در روزی که حواله به کس راجع شود و آنکس دارایی داشته باشد، حواله قطعیت می‌یابد.

۲۲۸۷- «تأخیر دین از سوی توانگر ظلم است، پس اگر طلب شما بر توانگری حواله شود باید بپذیرد».

۲۲۸۹- سلمه رض: ما نزد پیامبر (ص) نشسته بودیم که جنازه آورده شد، به آنحضرت گفتند: بر وی نماز بگذار. آنحضرت فرمود: «چیزی از خود باقی

---

\* یهود به حضرت عیسی ایمان نیاوردند و نصارا به حضرت محمد (ص) ایمان نیاوردند و کار را تمام نکردند و مسلمانان به این سعادت دست یافتند و کار را تمام کردند.

گذاشته است» گفتند: نی. فرمود: «آیا قرضدار است» گفتند: سه دینار. فرمود: شما بر دوست خویش نماز بگذارید. ابوقتاده گفت: یا پیامبر(ص)! (رسول الله) من قرض او را ادا می‌کنم<sup>(۱)</sup>. آنحضرت بر وی نماز گذارد.

۲۲۹۴- کسی که ضمانت ادای دین مرده را به عهده می‌گیرد، روا نیست که از ضمانت آن سر باز زند.

۲۲۹۸- «من در ادای قرض مسلمانان نسبت به خود ایشان سزاوارترم، و چون کسی از مسلمانان وفات کند و از خود قرض بگذارد، ادای قرض وی بر من است و اگر از خود مال بگذارد از آن ورثه اوست».

۲۳۰۱- عبدالرحمن بن عوف رض: نامه‌ای به امیه بن خلف نوشتم بدین عهد که وی از دارایی من در مکه محافظت کند و من از دارایی وی در مدینه محافظت کنم<sup>(۲)</sup>.

۲۳۰۴- گوسفندان ما بر کوه سلح می‌چریدند، کنیز ما که همراه گوسفندان بود گوسفندی را در حال مردن دید. وی سنگی را شکست و با آن گوسفند را ذبح کرد. عبدالله بن عمرو به سرپرست اموال خود که غایب بود نوشت که از جانب خود و بزرگ خانواده او صدقه بدهد. پس و کالت از حاضر و غایب، رواست.

۲۳۰۵- «بهترین شما کسی است که به نیکوترین وجه حق را ادا گرداند (یعنی سخاوتمندانه)».

(... صاحب حق را حق سخن گفتن است).

---

۱- من قرض او را ادا می‌کنم، اگرچه لفظ ضمان است نه حواله لیکن ضمان از میت مفلس به خود گرفتن است و حواله بر همین معنی است.

۲- اگر مسلمان از جانب خود کافری را در دار اسلام یا دار حرب وکیل کند رواست.

۲۳۱۰- زنی نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: یا رسول الله! همانا من نفس خود را به تو بخشیدم. مردی گفت: او را به ازدواج من در آور. آنحضرت فرمود: «همانا او را به ازدواج تو در آوردم بدانچه از قرآن حفظ داری».

۲۳۱۱- آنگاه در بستر خواب می‌روی، آیه الکرسی را بخوان و از برکت آن همیشه از جانب خداوند بر تو نگرهبانی مقرر می‌باشد و صبحگاه شیطان به تو نزدیک نمی‌شود.

۲۳۱۲- بلال رض: نزد ما خرما می‌نامرغوب بود، دو صاع از آنرا در بدل یک صاع فروختم تا پیامبر(ص) از آن بخورد. پیامبر(ص) درین وقت فرمود: «آه، آه، این بیع ربا است، این کار را مکن، اگر می‌خواهی که خرما بخری، خرما می‌نامرغوب را بفروش و از پول آن خرما می‌خوب بخر».

۲۳۱۸- آل عمران، ۹۲: «هرگز نیاید (نیکوکاری را) تا آنکه خرج کنید از آنچه دوست می‌دارید».

۲۳۱۹- «خزانه‌دار مورد اعتماد، کسی که می‌دهد آنچه را به او امر شده به طور کامل و وافر و با خوشی خاطر به کسی که به او امر شده، وی یکی از صدقه‌دهندگان است».

۲۳۲۰- «هیچ مسلمانی نیست که درختی بنشانند و یا بذری بیفشانند که از آن پرنده، یا انسان، یا حیوانی بخورد. مگر آنکه او را در آن کار صدقه است».

۲۳۲۲- «کسی که سگ نگه می‌دارد، یک قیراط روزانه از عمل نیک خود

---

\* مزارعت، عقدی است میان مالک زمین و کسی که بر آن کار می‌کند، بدین معنی که مالک زمین، زمین‌اش را در اختیار کسی قرار می‌دهد و حاصلش را طبق توافق قبلی به سهم مناصفه و غیره میان خود تقسیم کنند. عقد مزارعت نزد امام ابوحنیفه صحیح نیست.

می‌کاهد، به جز سگی که برای پاسداری زراعت و حیوانات نگهداری می‌شود». (به جز سگی که از گوسفندان یا زراعت نگهداری می‌کند، یا برای شکار است).

۲۳۲۵- انصار به مهاجرین گفتند: شما در کار کشاورزی ما را کمک کنید و ما در محصول آن شما را شریک می‌گردانیم. مهاجرین گفتند: شنیدیم و قبول کردیم.

انس رض: پیامبر(ص) دستور داد که درختان خرما قطع شود و قطع شد (جهت ساختمان مسجد نبوی).

۲۳۳۰- «اگر کسی از شما زمین خویش را طور رایگان به برادر مسلمان خود بدهد، بهتر از آن است که مقدار معین محصول از وی بگیرد»<sup>(۱)</sup>.

۲۳۳۴- عمر رض: کسی که زمین مرده را زنده کند، مالک آن می‌شود. و پیامبر(ص) فرمود: «که مسلمانی در آن حق نداشته باشد و هیچ ستمگری در آن حق ندارد».

۲۳۳۵- «کسی که زمینی را آباد کند که مالک نداشته باشد وی به ملکیت آن سزاوارتر است».

۲۳۴۰- «هر که زمینی دارد باید آنرا کشت کند، یا برای برادر مسلمان خود بدهد (که وی کشت کند) و اگر این کار را نمی‌کند زمین خویش را (بدون کشت)

---

۱- مزارعت منع نشده، بلکه توصیه شده که مالک زمین، زمین خویش را برای زراعت طور رایگان در اختیار برادر مسلمان خود بگذارد، (ترجمه انگلیسی بخاری).

نگهدارد».

۲۳۴۴- پیامبر(ص) از اجاره دادن زمین (مزارع) منع کرده است<sup>(۱)</sup>.

۲۳۵۰- ابوهیره رض: به خدا سوگند که اگر این دو آیه در کتاب خدا نمی‌بود، هرگز حدیثی به شما نمی‌گفتم: «هرآینه آنان که می‌پوشند، آنچه فرود آورده‌ایم از سخنان روشن و هدایت، بعد از آنکه بیان کردیم آنرا برای مردمان در کتاب، آن گروه، لعنت می‌کند ایشان را خدا و لعنت می‌کند ایشان را لعنت کنندگان، مگر کسانی که توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند و بیان کردند، پس این گروه (به مهربانی) توبه می‌پذیریم از ایشان، و منم توبه‌پذیر مهربان» [البقره: ۱۵۹ - ۱۶۰].

۲۳۵۲- «جانب راست اولویت دارد».

۲۳۵۶ و ۲۳۵۷- «کسی که سوگند دروغ یاد می‌کند تا بدان وسیله مسلمانی را از مالی محروم گرداند، خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که بر وی خشمگین است». و خداوند این آیت را نازل کرده است:

«کسانی که می‌ستانند عوض پیمانی که با خدا بسته‌اند و عوض سوگندان خویش بهای اندک را [این گروه هیچ نصیب نیست ایشان را در آخرت و سخن نگوید با ایشان خدا و نگاه نکند خدا به سوی ایشان در روز قیامت و

---

\* در کشتن سگ دیوانه اتفاق نظر است ولی در ایماث (کشتن) غیر سگ دیوانه اختلاف است. امام شافعی سگی را که برای پاسداری خانه از آن استفاده می‌شود نیز در زمره سگ شکاری و سگی که از حیوانات پاسداری می‌کند آورده است.

۱- امام ابوحنیفه منع کرده است. (اجاره دادن زمین را).

پاک نسازد ایشان را و ایشان راست عذاب در دهنده» [آل عمران: ۷۷].

۲۳۵۸- «سه کس اند که خداوند در روز قیامت به سوی ایشان نمی‌نگرد و آنان را از گناه پاک نمی‌کند و ایشان را عذابی دردناک است: مردی که آب زاید بر احتیاج بر سر راه دارد و آنرا از مسافر دریغ می‌کند. و مردی که با امام بیعت می‌کند و فقط به خاطر مال دنیا با وی بیعت می‌کند که اگر به وی چیزی بدهد خشنود می‌شود و اگر ندهد خشمگین می‌گردد. و مردی که متاع خود را بعد از عصر عرضه کند و بگوید که به خدا سوگند! این مال را به چنین و چنان بهایی خریده‌ام و مردم سخن وی را راست پندارند».

۲۳۶۱- «پس قسم به پروردگار تو که ایشان مسلمان نباشند تا آنکه حاکم کنند تو را در اختلافی که واقع شده میان ایشان» [النساء: ۶۵].

۲۳۶۳- آیا ما را در احسان به حیوانات پاداش هست؟ آنحضرت (ص) فرمود: «در تازه کردن هر جگری پاداش است».

۲۳۶۹- «سه کس اند که خداوند در روز قیامت نه با ایشان سخن می‌گوید و نه به سوی ایشان می‌نگرد:

مردی که قسم می‌خورد که متاع خود را به بهایی بیشتر از بهای واقعی آن خریده است. در حالی که دروغ می‌گوید و مردی که بعد از عصر سوگند دروغ یاد می‌کند تا مال مسلمانی را به چنگ آورد. و مردی که آب زاید به احتیاج خود را از مسلمانان دریغ می‌کند، خداوند به او می‌گوید: امروز من هم کرم خود را از تو دریغ می‌دارم چنانکه تو کرم محصول دستان خویش را دریغ

---

\* اگر کسی در معدن می‌میرد، یا در چاه می‌افتد می‌میرد، و یا توسط حیوانی می‌میرد، کسی مسئول خون وی نیست.



کرده بودی».

۲۳۷۱- کسی که به قدر ذره‌یی نیکی کند پادشاه آنرا می‌بیند و کسی که به قدر ذره‌یی بدی کند کیفر آنرا می‌بیند.

۲۳۷۲- مردی از حکم لُقطه (مال یافت شده) سؤال کرد. آنحضرت (ص) فرمود: «کیسه و سربند آنرا بشناسان و سپس به مدت یک سال، مردم را از آن آگاه گردان، اگر صاحبش آمد (مسترد می‌کنی) در غیر آن، از آن تو است». آن مرد گفت: اگر مال یافت‌شده گوسفندی باشد؟ فرمود: «آن برای تو است یا برای برادر تو است یا نصیب گرگ است». آن مرد گفت: اگر شتری باشد؟ فرمود: «تو را با شتر چه کار است، شتر از خود شکم دارد و پای دارد و بر سر آب می‌رود و درخت می‌خورد تا آنکه صاحبش پیدا شود».

۲۳۷۴- «اگر کسی از شما به پشت هیزم بکشد، بهتر است که از کسی سؤال کند که به او چیزی داده شود یا نشود».

۲۳۷۹- «کسی که درخت خرما را پس از پیوند باروری بخرد، میوه آن از آن فروشنده است، مگر آنکه خریدار میوه را برای خود شرط کند».

۲۳۸۷- «کسی که مال مردم را بگیرد و قصد ادای آنرا داشته باشد، خداوند (بر وفق نیت او) آنرا ادا می‌کند و کسی که مالی را می‌گیرد و قصد اتلاف آنرا می‌داشته باشد، خداوند او را (یا مال او را) تلف می‌کند». فرموده خداوند  $\Psi$ : «هر آینه خدا می‌فرماید شما را که ادا کنید امانت‌ها را به اهل آن و می‌فرماید که به راستی حکم کنید، چون حاکم شوید میان مردمان» [النساء: ۵۸].

۲۳۸۸- «اگر این کوه از بهر من طلا بگردد، دوست ندارم که دیناری از آن، بیش از سه روز نزد من باقی بماند، به جز دیناری که برای ادای قرض نگاه می‌دارم» و سپس فرمود: «همانا آنانی را که ثروت بیشتر است، ثواب کمتر است، به جز

کسی که با مال خویش چنین و چنان کند». ابوشهاب: یعنی مال خود را در راه خدا به هر سو مصرف کند، و سپس فرمود آنحضرت (ص): «شمار همچو کسان اندک است». ... (جبرئیل امین نزد من آمده بود و گفت: کسی که از امت تو بمیرد و به خداوند چیزی شریک نیاورد، وارد بهشت می‌گردد). من گفتم: اگر چنین و چنان (یعنی دزدی و زنا) کرده باشد فرمود: «آری».

۲۳۹۰- «صاحب حق، حق گفتن را دارد». (... بهترین شما نیکوترین شما در ادای قرض است).

۲۳۹۱- «مردی مُرد و به او گفته شد: [چه می‌گفتی] گفت: با مردم که داد و ستد می‌کردم، به ثروتمند آسان می‌گرفتم<sup>(۱)</sup> و بر مستمند تخفیف می‌دادم، خداوند او را بخشید».

۲۳۹۷- «بار الها! از گناه و قرض به تو پناه می‌جویم». عایشه رض گفت: چرا از قرض، بسیار پناه می‌جویی یا رسول الله؟ آنحضرت فرمود: «همانا مردی که قرضدار باشد چون سخن زند دروغ گوید و چون وعده کند خلاف ورزد».

۲۴۰۰- «توانگر که در ادای قرض خود تأخیر می‌کند ظلم است». (توانگری که ادای قرض خود را تأخیر می‌کند، آبرو و مجازات خود را حلال می‌گرداند). سفیان گفته است: حلال گردانیدن آبرو، آن است که صاحب حق می‌گوید: حق مرا به تأخیر انداخت، و مجازات، حبس کردن مدیون است.

۲۴۰۲- «کسی که مال خود را که بدان اطمینان دارد، نزد مردی یا کسی می‌بیند که افلاس کرده است، وی به گرفتن آن مال نسبت به دیگران سزاوارتر است».

---

۱- یعنی در طلب پول خود به او مهلت می‌دادم، مراد از حسن سلوک است در معامله.

\* اگر صاحب مال یافت‌شده نشانی بدهد مال به وی داده شود.

۲۴۰۷- مردی به پیامبر (ص) گفت: همانا! من در معاملات فریب داده می‌شوم، آنحضرت فرمود: «وقتی که چیزی می‌خری، بگویی که فریبی نباشد». و آن مرد، همان لفظ را می‌گفت.

۲۴۰۸- «خداوند آزاررسانیدن به مادران و زنده به گور کردن دختران را بر شما حرام کرده است. و از گرفتن مال ناحق منع کرده است و گفتار ناسزا و سؤال (به قصد جنگ و جدال و مناقشات دینی) و ضایع کردن مال را بر شما مکروه کرده است».

۲۴۰۹- «همه شما نگهدارید و از اعمال زیردستان خویش مسؤولید امام نگهدار است و از حالات رعایای خویش مسؤول است<sup>(۱)</sup>. و مرد نگهدار خانواده خود است و از حالات زیردستان خویش مسؤول است. و زن نگهدار خانه شوهر خود است و از حالات زیردستان خویش مسؤول است. و خدمتگار نگهدار مال آقای خود است و از آنچه به وی سپرده شده است مسؤول است». (مرد نگهدار است در مال پدر خود و از آن مسؤول است. و همه شما نگهدارید و از حالات زیردستان خویش مسؤولید).

۲۴۳۱- پیامبر (ص) در راه می‌رفت و دید که خرمایی افتاده است و فرمود: «اگر نمی‌ترسیدم که این خرما از مال صدقه است، آنرا می‌خوردم». (کسی مال یافته‌شده «مکه را» بر ندارد مگر اعلان کننده آن).

۲۴۳۵- «...هیچکس حیوان شیری دیگری را ندو شد مگر به اجازه او».

---

\* اگر صاحب مال (یافت‌شده) پس از یک سال پیدا نشود مال مذکور از آن کسی است که یافته است.

۱- مراد از امام، زمامدار، سلطان، حاکم و رئیس است.

۲۴۳۹- فرمودهٔ خدای تعالی: «و هرگز مپندار خدا را بی خبر از آنچه می کنند ستمکاران، جز این نیست که مهلت می دهد ایشان را برای روزی که خیره شوند در آن چشم‌ها، شتاب کنندگان، سر خود بر دارندگان» [ابراهیم: ۴۲ - ۴۳].

۲۴۴۱- «همانا خداوند، مسلمان را به خود نزدیک می کند و او را در حمایت خود قرار داده بر او پرده می نهد و به او می گوید: آیا چنین گناهی مرتکب نشدی؟ وی می گوید: آری، ای پروردگار من! تا آنکه به گناهان خویش اقرار می کند و به نفس خویش درمی یابد که هلاک می گردد. خداوند می فرماید: گناهان تو را در دنیا پوشیدم و امروز گناهان تو را می بخشم سپس نامهٔ اعمال نیک او را به او می دهد. و اما در مورد کافر و منافق شاهدان می گویند». «ایشانند آنان که دروغ بستند بر پروردگار خویش، آگاه باش لعنت خداست بر ستمکاران» [هود: ۱۸].

۲۴۴۲- «مسلمان برادر مسلمان است، بر او ظلم نکنند و او را به هلاکت نیفکنند و کسی که حاجت برادر خود را روا می دارد خداوند حاجت او را روا می دارد. و کسی که اندوه و مشقت مسلمانی را دور می گرداند، خداوند از اندوه‌ها و مشقت‌های او در روز قیامت دور می گرداند، و کسی که از مسلمانی پرده پوشی کند، خداوند در روز قیامت از وی پرده پوشی می کند».

۲۴۴۴- «بر برادر خود کمک کن، ظالم است یا مظلوم». «دست‌های او را (برادر ظالمت) را می گیری (تا او را از ظلم بازداری)».

۲۴۴۵- پیامبر(ص) ما را به هفت چیز امر کرد:

عیادت مریض، همراهی جنازه، عطسه کننده را یرحمک الله گفتن، سلام را جواب دادن، مظلوم را یاری رساندن، دعوت را قبول کردن، و سوگند کننده را

در ایفای آن کمک کردن.

۲۴۴۶- فرموده خداوند ج: «دوست نمی‌دارد خدا، بلندگفتن سخن بد را، مگر

سخت گفتن مظلوم که عفو است و هست خدا شنوا و دانا» [النساء: ۱۴۸]. و

«آنان که چون برسد بدیشان تعدی ایشان انتقام می‌کشند» [الشوری: ۳۹].

ابراهیم گفته است: صحابه دوست نداشتند (با انتقام‌جویی) خوار ساخته شوند،

و چون قدرت می‌یافتند عفو می‌کردند.

۲۴۴۸- «از دعای مظلوم بترس، همانا میان وی و میان خداوند حجابی نیست».

۲۴۴۹- «کسی که از جانب وی به یکی ستمی رفته باشد، چون لطمه بر آبروی وی

و یا چیزی دیگر، باید امروز از وی بخشودگی بخواهد، قبل از آنکه (روزی

فرا رسد) که او را درهم و دیناری نباشد و اگر آن ظالم را (در آن روز)

عمل‌ای نیک باشد از آن به اندازه ظلم وی گرفته می‌شود و اگر او را اعمال

نیک نباشد، از اعمال بد کسی که به وی ظلم کرده است گرفته می‌شود و بر

او بار می‌شود».

۲۴۵۲- «کسی که از زمین دیگری به ظلم بگیرد، هفت زمین، طوق گردنش

می‌شود».

۲۴۵۴- پدر سالم: کسی که از زمینی به ناحق چیزی بگیرد، در روز قیامت تا قعر

هفت زمین فرو برده می‌شود.

۲۴۵۷- «همانا مبعوض ترین مردم نزد خداوند، کسی است که بسیار پیکارگر و

ستیزه‌جو است».

۲۴۵۹- «چهار خصلت اند که در هر کسی که باشد منافق است یا اگر یکی از این

چهار خصلت در وی باشد خصلتی از نفاق در وی است تا آنکه آنرا ترک

کند: چون سخن گوید دروغ گوید و چون وعده کند خلاف ورزد، و چون

ایمان بندد، نقض کند، و چون دعوی کند دشنام دهد».

۲۴۶۰- خانم ابوسفیان: یا رسول الله! ابوسفیان مردی خسیس است، آیا بر من گناه است که از مال وی اولادمان را غذا بدهم؟ آنحضرت (ص) فرمود: «اگر بدیشان مطابق عرف غذا بدهی بر تو گناهی نیست».

۲۴۶۳- «همسایه، همسایه‌اش را از خلانیدن چوب در دیوار خود منع نکند».

۲۴۶۵- «حق راه را بدهید: پوشیدن چشم (از آنچه موجب فتنه است)، پرهیز از آزار رهروان، پاسخ به سلام، امر به معروف و نهی از منکر».

۲۴۶۶- «دور کردن آنچه موجب اذیت (بر سر راه) است صدقه است».

۲۴۷۴- پیامبر (ص) از غارت مال مردم و بریدن گوش و بینی و اندام انسان منع کرده است.

۲۴۷۵- «زناکننده در حال ارتکاب زنا ایمان نمی‌داشته باشد، و شرابخوار هنگام نوشیدن شراب ایمان نمی‌داشته باشد، و دزد به وقت دزدی ایمان نمی‌داشته باشد، و غارتگری که مردم به سوی وی می‌نگرند هنگام غارتگری ایمان نمی‌داشته باشد».

۲۴۷۶- «قیامت برپا نمی‌شود تا پسر مریم (عیسی ع) که حاکمی دادگر است، در میان شما فرود آید، وی صلیب را می‌شکند و خوگ را می‌کشد و جزیه<sup>(۱)</sup> را دور می‌گرداند و مال به حدی فراوان می‌گردد که حتی کسی (تحفه را) نمی‌پذیرد».

۲۴۸۰- «کسی که برای دفاع از مال خود کشته شود شهید است».

---

\* اگر دیوار کسی را ویران کند باید مانند آن آباد کند.

۱- جزیه نوعی مالیه است که غیر مسلمان که در جامعه اسلامی زندگی می‌کند به دولت اسلامی می‌دهد و عیسی لا آنرا فسخ می‌کند، زیرا همه به دین اسلام می‌گروند.

۲۴۸۱- همسر آنحضرت (ص) دست خود را بر کاسه (که با غذا فرستاده شده بود) زد و آنرا شکست. آنحضرت پاره‌های شکسته را به هم پیوست و غذا را در آن گذاشت و فرمود: «بخورید» و خدمتکار و کاسه را نگه داشت تا از خوردن فارغ گشتند. سپس کاسه درست را داد و کاسه شکسته را نگه داشت.

۲۴۸۲- «در بنی اسرائیل مردی بود که جُریج نامیده می‌شد و نماز می‌گذارد. مادرش آمد و او را صدا زد. وی به مادرش جواب نداد و با خود گفت: آیا جواب مادرم را بدهم یا نماز بگذارم. بار دیگر مادرش آمد و گفت: بار الها! جریج را تا آن زمان نمی‌ران که روی زنان زناکار را ببیند. جریج در صومعه خویش می‌بود. زنی آمد و گفت: جریج را اغوا می‌کنم. خودش را به جریج عرضه کرد و با وی صحبت کرد. جریج نپذیرفت. وی سپس نزد چوپانی رفت و او را بر نفس خویش مسلط گردانید، پس وی پسری زایید و گفت: این پسر از آن جریج است. مردم آمدند و صومعه جریج را شکستند و او را بیرون کشیدند و دشنام دادند، جریج وضو کرد و نماز گذارد پس نزدیک پسرک رفت و گفت: ای پسرک! پدر تو کیست؟ گفت: چوپان، گفتند: صومعه تورا از طلا می‌سازیم. گفت: نی، فقط از گل بسازید.

۲۴۸۹- پیامبر (ص) از آن منع کرده است که کسی خرما را دوتایی بخورد تا آنکه از شریک خود اجازه بگیرد.

۲۴۹۶- پیامبر (ص) شفعه را در هر مالی که تقسیم نشده بود امر کرد. و چون حدود ملکیت‌ها معین شود و راه‌ها جدا گردد، شفعه‌ای نمی‌ماند.

۲۴۹۷ و ۲۴۹۸- «آنچه (در بیع نقد به نقد) دست به دست باشد آنرا بگیریید و آنچه به نسیه باشد آنرا رد کنید».

۲۵۰۷- آیا حیوانات را (اگر دشنه نباشد) با نی ذبح کنیم؟ آنحضرت (ص) فرمود:

«شتاب کنید، یا: بکشید به هر وسیله که خونس را می‌ریزاند، و نام خداوند را بر وی یاد کنید و بخورید و حیوان را با دندان و ناخن ذبح نکنید و دلیل آنرا به شما می‌گویم. دندان، استخوان است و ناخن دشنه حبشی‌ها است.

۲۵۰۸- همانا پیامبر(ص) زره خویش را در بدل مقداری جو به گرو گذاشت (در خانواده محمد رسول الله(ص) در صبح و شام به جز یک صاع جو نبوده است و آنها نه خانه داشتند).

۲۵۱۰- ابراهیم (نخعی) گفته است: حیوان یافت شده به اندازه علفی که به آن داده شده سواری شود و به اندازه علفی که به آن داده شده دوشیده شود، و همچنان است حیوان گروی.

۲۵۱۲- «حیوانی که به گرو گرفته شده به خاطر خوراکی که به آن داده می‌شود تا زمانی که در گرو است سواری شود و به خاطر خوراکی که به آن داده می‌شود تا زمانی که در گرو است شیر آن نوشیده شود. و خوراک حیوان به کسی است که سوارش می‌شود و شیرش را می‌نوشد».

۲۵۱۸- «نیازمندی را یاری کن و کسی را که در کار خویش عاجز آمده است، کمک کن».

(از بدی کردن با مردم درمیگذری، همانا آن صدقه‌ای است که بر نفس خود صدقه می‌کنی).

۲۵۲۷- «هر کس را آنچه نیت کرده، حاصل است»، و فراموشکار و خطاکننده را

---

\* اگر مردی به مردی دیگر بگوید که مرا شریک کن و او کند، وی در نصف مال شریک است.  
\* مراد از امر به معروف و نهی از منکر است که اگر این امر صورت نگیرد مرتکبین معاصی نسبت اعمال خویش هلاک می‌شوند و آنانی که امر به معروف و نهی از منکر نکرده‌اند نسبت اعمال آنان هلاک می‌شوند.



نتی نیست.

۲۵۲۸- «همانا خداوند به خاطر من از وسوسه‌های که در سینه‌های امت من پدید می‌آید در گذشته است، تا آنگاه که بدان عمل نکنند یا از آن سخن نگویند»<sup>(۱)</sup>.

۲۵۴۴- خدای تعالی می‌فرماید: «و پرستید خدا را و شریک او مقرر مکنید چیزی را و به پدر و مادر نیکوکاری کنید و به خویشان و یتیمان و گدایان و همسایه خویشاوند و همسایه اجنبی و به همنشین به پهلو نشسته و به مسافر و به آنچه دست شما مالک او شد (یعنی غلام و کنیز) هر آینه خدا دوست ندارد کسی را که باشد متکبر خودستاینده» [النساء: ۳۶].

۲۵۴۵- «همانا بردگان شما برادران شما می‌باشند که خداوند ایشان را زیر دست شما قرار داده است. پس کسی که برادر او زیر دست اوست، باید به وی غذایی بدهد که خود می‌خورد و جامه بپوشاند که خود می‌پوشد. و ایشان را به کاری نگمارید که از انجام آن عاجز آیند و اگر ایشان را به کاری می‌گمارید که از انجام آن عاجز می‌آیند، با ایشان کمک کنید».

۲۵۵۷- «زمانی که خدمتگار هریک از شما غذای او را می‌آورد، اگر او را با خود (به غذا خوردن) نمی‌نشانند باید برای وی یک یا دو لقمه بدهد - یا فرمود - یک یا دو خوردنی، زیرا که او آنرا آماده کرده است.

۲۵۵۹- «هرگاه کسی از شما جنگ می‌کند باید از زدن بر روی بپرهیزد».

۲۵۶۶- «ای زنان مسلمان! همسایه تحفه همسایه را حقیر نشمارد، هر چند سُم گوسفندی باشد».

---

۱- مراد اندیشه‌های بد و تحریکات شیطانی است که به طور غیر ارادی در ذهن می‌آید که بدان مؤاخذه نیست، و همچنان است خطا و فراموشی.

۲۵۶۷- عایشه رض: ای پسرخواهرم! ما هلال ماه را می‌دیدیم و باز هلال ماه را می‌دیدیم... لیکن در این مدت در خانه‌های رسول الله (ص) آتش اجاق فروخته نمی‌شد. عروه گفت: ای خاله! چگونه معشیت می‌کردید؟ گفت: با دو چیز: آب و خرما، مگر آنکه همسایه‌های رسول الله (ص) که از انصار بودند و گوسفندان شیری داشتند، از آن گوسفندان در اختیار رسول الله (ص) می‌گذاشتند و آنحضرت از شیر آن ما را می‌نوشانید.

۲۵۶۸- «اگر به غذایی که از شانه و یا پاچه گوسفند تهیه شود، دعوت شوم، آن دعوت را قبول می‌کنم، و اگر شانه یا پاچه گوسفندی برایم هدیه داده شود، آنرا می‌پذیرم». (برایم همراه خود سهمی معین کنید).

۲۵۷۵- برای پیامبر (ص) قروت و روغن و سوسماری هدیه کرد. پیامبر (ص) از قروت و روغن خورد و سوسمار را به دلیل پلیدشمردن (ناپسندداشتن) آن نخورد.

۲۵۸۲- پیامبر (ص) خوشبویی را رد نمی‌کرد.

۲۵۸۵- رسول خدا (ص) هدیه را می‌پذیرفت و آنرا جبران می‌کرد.  
(در بخشش، میان فرزندان خویش عدالت کنید).

۲۵۸۶- نعمان: پدر وی او (نعمان) را نزد رسول خدا (ص) برد و گفت: من به این پسر خود غلامی بخشیده‌ام، آنحضرت فرمود: «آیا به همه پسران خویش مانند آن بخشیده‌ای؟» وی گفت: نی. آنحضرت فرمود: «بخشش خود را پس بگیر».

۲۵۸۷- «از خدا بترسید و میان فرزندان خویش عدالت کنید».

عمر بن عبدالعزیز: زن و شوهر بخشش خویش را پس نگیرند. پیامبر (ص) فرمود: «بازگشت به بخشش خود، مانند بازگشت سگ است به قی، خود».  
و زهری گفته است: کسی که به زن خود بگوید که بخشی از مهر یا تمام مهر

خود را بر من ببخش (و او ببخشد) و پس از اندک زمانی طلاقش دهد، زن بخشش خود را باز بخواهد، اگر او را فریب داده باشد. و اگر زن با خوشی خاطر بخشیده باشد که در آن نیرنگی نبوده باشد، جایز است. چنانکه خداوند ج می فرماید: «اگر زنان در گذرند به خوشدلی برای شما از بعضی از آن مهر، پس بخورید آنرا حلال و خوشگوار» [النساء: ۴].

۲۵۹۰- «صدقه کن و نگاه مدار که خداوند بر تو نگاه می دارد».

۲۵۹۱- «نفقه کن و شمار مکن که خداوند بر تو می شمارد...».

۲۵۹۴- میمونه همسر پیامبر (ص) کنیز خویش را آزاد کرد و آنحضرت (ص) به او گفت: «اگر او را به بعضی از دایی (ماما) های خود می دادی ثواب بیشتری حاصل می کردی».

۲۵۹۵- من دو همسایه دارم، به کدامیک از ایشان هدیه بفرستم؟ آنحضرت (ص) فرمود: «به هریکشان که دروازه خانه اش به تو نزدیکتر است». و عمر بن عبدالعزیز گفت: هدیه در روزگار رسول خدا (ص) هدیه بود و امروز رشوه است.

۲۵۹۷- مردی مأمور جمع آوری زکات برگشت گفت: این از آن شما است و این برایم هدیه داده شده است. آنحضرت (ص) فرمود: «چرا وی در خانه پدر یا مادر خود نشست که می دید برایش هدیه داده می شود یا نی؟ سوگند به ذاتی که نفس من در ید قدرت اوست که اگر کسی از زکات چیزی (به ناحق) بگیرد، آن چیز در قیامت با وی می آید در حالی ای که آنرا بر گردن خویش برمی دارد».

و عیبه گفته است: اگر هدیه دهنده بمیرد و هدیه از وی جدا شده باشد و کسی که به وی هدیه فرستاده شده زنده باشد، بر ورثه اوست که هدیه را

برسانند و اگر هدیه از وی جدا نشده باشد، هدیه متعلق به ورثه کسی است که هدیه کرده است.

۲۶۰۰- مردی نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: هلاک شدم. آنحضرت فرمود: «تو را چه شده است؟» گفت: در ماه رمضان با زن خود مجامعت کردم. آنحضرت فرمود: «می‌توانی برده‌ای آزاد کنی؟» گفت: نی. فرمود: «توان آن داری که دو ماه پیاپی روزه بگیری؟» گفت: نی. فرمود: «توان آن داری که شصت مسکین را طعام بدهی؟» گفت: نی. آنحضرت(ص) فرمود: «همین زنبیل خرما را با خود ببر و صدقه کن» گفت: ... در میان دو سنگلاخ مدینه، خانواده محتاج‌تر از ما وجود ندارد. آنحضرت(ص) فرمود: «آنها ببر و آنها بر اهل خانه خود اطعام کن» (کسی که بر وی حقی است، باید آنها بدهد یا بر خود حلال گرداند)<sup>(۱)</sup>.

۲۶۰۶- «... بهترین شما نیکوترین شما در ادای قرض است».

۲۶۱۲- «کسی که آنها (حله ابریشمی) می‌پوشد او را نصیبی (از حله ابریشمی) در آخرت نباشد».

۲۶۱۸- فرموده خدای تعالی: «منع نمی‌کند خدا شما را از نیکی به آنان (برای مشرکین) که جنگ نکرده‌اند با شما در کار دین و بیرون نکرده‌اند شما را از خانه‌های شما. (منع نمی‌کند) از آنکه احسان کنید به ایشان و انصاف کنید در حق ایشان. هر آینه خدا دوست می‌دارد انصاف کنندگان را».

---

۱- یعنی از طلبکار خود بخواهد که بر وی ببخشد.

\* اگر کسی بگوید این جامه را به تو داده‌ام که بپوش - مراد از این لفظ بخشش است.  
\* کسی که در میان هم‌نشینان خود است و به او هدیه داده می‌شود، وی بدان هدیه سزاوارتر است. (کسی با او شریک نیست).

۲۶۳۶- کسی را در راه خدا بر اسب سوار کردم و سپس دیدم که آن اسب فروخته می‌شود. موضوع را از رسول الله (ص) سؤال کردم. آنحضرت فرمود: «آترا خریداری مکن و به صدقه خود بازنگرد».

فرموده خدای تعالی: «ای مؤمنان! اگر معامله کنید با یکدیگر به وام‌دادن، پس تا میعاد مقرر بنویسید آترا. و باید که بنویسد میان شما نویسنده به انصاف... و باید که بترسد از خدا پروردگار خود و کم نکند از آن وام چیزی را، پس اگر کسی که وام به ذمه وی است بی‌خرد یا ناتوان باشد، یا نمی‌تواند املأ کردن، پس باید که املأ کند کارگزار او به انصاف و گواه گیرید دو شاهد را از مردان خویش، پس اگر نباشند دو مرد، پس یک مرد و دو زن کفایت است از کسانی که می‌پسندید از گواهان. تا اگر فراموش کنند یکی از آنان به دیگری یادآوری کند و باید که سرباز نزنند گواهان، آنگاه که طلیده شوند. و دلگیر مشوید از آنکه نویسد حق را، اندک باشد یا بسیار تا میعاد وی...» [البقره: ۲۸۲].

و فرموده خدای تعالی: «ای مسلمانان! باشید برپادارنده عدالت، اظهار حق‌کننده برای خدا و اگرچه بر ضرر خویشان یا پدر و مادر و خویشاوندان باشد. اگر آنکه حق بر وی ثابت می‌شود. توانگر باشد یا فقیر، به هر حال خدا مهربان‌تر است بر ایشان پس پیروی خواهش نفس مکنید اعراض کنان از عدل. و اگر بیچانید (تحریف کنید) سخن را، یا رو گردانید، پس هرآینه خدا هست به آنچه می‌کنید آگاه» [النساء: ۱۳۵].

۲۶۳۷- شنیدن، به خودی خود شهادت است، (هرچند شنونده، گوینده را ندیده

باشد<sup>(۱)</sup>.

۲۶۳۹- همسر رفاعه نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: رفاعه مرا سه طلاق داد (که رجوع در آن ممکن نیست). سپس با عبدالرحمن بن زبیر ازدواج کردم و با وی همچون ریشة جامه است (آلت مردی وی سست است). آنحضرت (ص) فرمود: «آیا می‌خواهی که به سوی رفاعه برگردی؟ نی، روا نیست تا اینکه از شیرینی مجامعت از وی کام‌نگیری و او از تو کام‌نگیرد». اگر شاهد یا شاهدانی به چیزی شهادت دهند و دیگران بگویند: ما بدان اطلاع نداریم. به قول کسی که شهادت داده است حکم می‌شود. بلال: پیامبر (ص) درون کعبه نماز گذارد. و فضل گفت: نماز نگذارده است. مردم شهادت بلال را اعتبار دادند. و همچنانکه دو شاهد گواهی دهند که فلان کس از فلان کس هزار درهم طلبکار است. و دو شاهد دیگر به هزار و پانصد درهم گواهی دهند حکم به زیادت می‌شود (یعنی به هزار و پانصد درهم).

۲۶۴۰- عقبه: وی با دختر ابی‌اهاب ازدواج کرد و سپس زنی نزد وی آمد و گفت: همانا! من عقبه و زنی را که با وی ازدواج کرده است، شیر داده‌ام. عقبه به او گفت: من نمی‌دانم که مرا شیر داده‌ای و نه هم مرا خیر کرده‌ای. عقبه کسی را نزد خانواده ابی‌اهاب فرستاد تا از آنها معلومات بگیرد. آنها گفتند: ما نمی‌دانیم که آن زن دختر ما را شیر داده باشد. عقبه سوار شد و به سوی مدینه روانه گشت و از پیامبر (ص) سوال نمود. رسول خدا (ص) فرمود: «چگونه [ازدواج شما] روا می‌باشد در حالی که چنین گفته شده است». وی از آن زن

---

۱- ائمة ثلاثه به شهادت کسی که خود را پنهان کرده و از کسی شنیده است قابل قبول می‌دانند

ولی امام ابوحنیفه، شهادت او را عدل نمی‌داند.

جدا شد، و آن زن برایش شوهر دیگری گرفت.

۲۶۴۱- عمر بن خطاب رض: مردم در زمان رسول خدا(ص) (بعضاً) توسط وحی مورد قضاوت قرار می گرفتند. (حالات نهانی شان کشف می شد). همانا وحی قطع گشت و اکنون شما را بنابر اعمال شما مورد قضاوت قرار می دهیم. کسی که بر ما عملی نیک ظاهر کند، بر وی اعتماد می کنیم و او را به خود نزدیک می سازیم، در حالی که از حالات نهانی وی چیزی نمی دانیم و خداوند از حالات نهانی وی محاسبه می کند و کسی که به ما بدی ظاهر کند، بر او اعتماد نمی کنیم و او را راستگوی نمی پنداریم، هر چند بگویند که حالات نهانی وی نیک است.

۲۶۴۲- جنازه ای از جلو پیامبر(ص) گذشت و مردم از وی به نیکویی یاد کردند. آنحضرت(ص) فرمود: «واجب شد» سپس جنازه دیگر گذشت و مردم از وی به بدی یاد کردند - یا راوی لفظی غیر از این گفت - آنحضرت(ص) فرمود: «واجب شد». گفته شد یا رسول خدا(ص)! به این گفتمی واجب شد و به آن گفتمی واجب شد؟ آنحضرت(ص) فرمود: «شهادت مردم، مسلمانان شاهدان خداوند در روی زمین اند»<sup>(۱)</sup>.

۲۶۴۳- «هر مسلمانی که چهار نفر به خوبی او گواهی دهند، خداوند او را به بهشت وارد می گرداند». ما گفتیم: اگر سه نفر گواهی دهند. فرمود: «همچنان است سه نفر» گفتیم: اگر دو نفر گواهی دهند؟ فرمود: «و همچنان است دو نفر» پس از گواهی یک نفر از آنحضرت نپرسیدیم.

---

۱- یعنی مرده ای که مردم به خوبی وی شهادت دادند، بهشت بر وی واجب شد و مرده ای که به بدی وی شهادت دادند، دوزخ بر وی واجب گشت.

۲۶۴۵- «... حرام می شود به خاطر شیرخوارگی، آنچه حرام می شود به خاطر نسب».

۲۶۴۶- «... شیرخوارگی حرام می سازد آنچه را زاییدن حرام می سازد».

۲۶۴۷- فرموده خدای تعالی: «آنان که تهمت می زنند زنان پرهیزگار را، باز

نمی آورند چهار گواه، بزنید ایشان را هشتاد دره - تازیانه - و قبول مکنید

گواهی ایشان را هیچگاه و این جماعت ایشانند فاسق مگر آنان که توبه

کردند» [النور: ۴ و ۵]<sup>(۱)</sup>.

۲۶۴۹- رسول خدا(ص) امر کرد تا کسی را که زنا کرده بود و غیر محصن<sup>(۲)</sup> بود

صد تازیانه بزنند و یک سال تبعید کنند.

۲۶۵۰- نعمان بن بشیر: مادر او (دختر رواحه) از من خواسته است که چیزی به وی

بخشم (به دخترش). آنحضرت(ص) فرمود: «آیا به جز از وی، پسر دیگری

داری؟» گفت: آری - گمان می کنم که آنحضرت فرمود: «مرا بر ظلم شاهد

مگیر». و یا شعبی گفته: آنحضرت فرمود: «من بر ظلم شهادت نمی دهم».

۲۶۵۱- «پس از شما مردمی خواهند آمد که خیانت می ورزند و امین پنداشته

نمی شوند، گواهی می دهند پیش از آنکه از ایشان گواهی خواسته شود، و نذر

بر گردن می گیرند و آنرا به جا نمی کنند، و چاقی و فربهی در بین ایشان پدید

می آید».

۲۶۵۲- «... سپس مردمانی می آیند که شهادتشان بر سوگندشان پیشی می گیرد و

---

۱- امام ابوحنیفه شهادت تهمت زنده زن را قبول نمی کند هر چند توبه کرده باشد.

۲- محصن، لفظی است که بر شخص عاقل و بالغ و آزاد و سالم اطلاق می گردد که به نکاح

صحیح عمل جنسی را انجام داده باشد.



سوگندشان بر شهادتشان»<sup>(۱)</sup>. و ابراهیم گفته: ما را (در طفولیت) به خاطر شهادت دادن و سوگند خوردن می زدند (تا بدان عادت نگیریم).

و خداوند می فرماید: «و پنهان نکنید گواهی را و هر که پنهان کند آنرا پس هر آینه گناهکار است دل او، و خدا به آنچه می کنید آگاه است» [البقره: ۲۸۳].

۲۶۵۴- «آیا شما را از بزرگترین گناهان کبیره آگاه نگردانم» و سه بار تکرار کرد.

گفتند: آری، یا رسول الله! آنحضرت فرمود: «شکر آوردن به خدا و آزار رسانیدن پدر و مادر... آگاه باشید، و شهادت دروغ».

۲۶۶۱- «... اگر بنده به گناه خود اعتراف کند و سپس توبه کند، خداوند توبه او را قبول می کند».

و خداوند می فرماید: «و باید که سوگند نخورند صاحبان فضل و وسعت از شما، بر آنکه چیزی ندهند خویشاوندان و بینوایان و مهاجرین را در راه خدا، و باید که عفو کنند و در گذرند. آیا دوست نمی دارید که پیامرزد خدا شما را و خدا آمرزنده مهربان است» [النور: ۲۲].

۲۶۶۲- «اگر کسی از شما برادر (مسلمان) خود را توصیف می کند، باید که بگوید:

گمان می برم که فلان شخص (نیک) است و خداوند بهتر می داند، من به پیشگاه خداوند کسی را تزکیه نمی کنم - باید بگوید - گمان می کنم که چنین و چنان است، اگر می داند که دارنده آن صفت است».

۲۶۶۳- پیامبر (ص) از مردی شنید که مرد دیگری را توصیف می کند، و در مدح

وی مبالغه می کند، فرمود: «او را هلاک کردید - یا چنین گفت - پشت آن

---

۱- مراد حرص ایشان به شهادت دادن است. گاه پیش از شهادت سوگند می خوردند و گاه بعد از آن.

مرد را شکستید».

و فرمودهٔ خدای تعالی: «و چون رسند کودکان از شما به حد بلوغ، باید که اجازه طلب کنند» [النور: ۵۹].

و مغیره گفته است: من به دوازده سالگی به بلوغ رسیدم و بلوغ زنان در حیض است.

۲۶۶۴- نافع: نزد عمر بن عبدالعزیز که خلیفه بود رفتیم... وی گفت: همین (پانزده سالگی) حد فاصل میان کودکی و سن بلوغ است<sup>(۱)</sup>.

۲۶۶۵- «غسل روز جمعه بر هر مُحتلم واجب است»<sup>(۲)</sup>.

۲۶۶۶ و ۲۶۶۷- «کسی که سوگند یاد کند و در آن دروغگویی باشد، تا آنکه مال مردی مسلمان را از آن خود سازد، خداوند را در حالی ملاقات می کند که بر وی خشمگین است».

و فرمودهٔ خدای تعالی: «و گواه گیرید دو شاهد را از مردان خویش (یعنی از مسلمانان) پس اگر نباشند دو مرد، پس یک مرد و دو زن کفایت است از کسانی که رضامند باشید از گواهان تا اگر فراموش کند یک زن. یاد دهاند یکی دیگر را» [البقره: ۲۸۲].

۲۶۶۸- همانا رسول (ص) به سوگند خوردن مُدعی علیه حکم کرد.

۲۶۷۱- هلال بن امیه در نزد پیامبر (ص) زن خود را به ارتکاب زنا با شریک ابن

---

۱- در جامعه اسلامی، کسی که به پانزده سالگی می رسد مرد به شمار می رفت و در زمرهٔ مجاهدین از بیت المال حقوق می گرفت.

۲- محتلم کسی است که خواب جماع ببیند و از او منی خارج گردد، مطابقت این حدیث به ترجمهٔ باب آن است که نشانهٔ سن بلوغ احتلام است.

سحما متهم ساخت. پیامبر(ص) فرمود: «شاهدان بیاور یا بر پشت تو حد زده می شود» وی گفت: یا رسول الله! اگر یکی از ما مردی را بر زن خود ببیند، آیا در جستجوی شاهد بیفتد؟ آنحضرت همان را تکرار کرد که (شاهدان بیاور یا بر پشت تو حد زده می شود).

ابن عباس رض حدیث لعان را یاد کرد<sup>(۱)</sup>.

۲۶۷۲- «دو شاهد تو، یا سوگند او» و آنحضرت به جز همان جای، جای دیگری را خاص نساخت<sup>(۲)</sup>.

۲۶۷۵- پیامبر(ص) بر گروهی سوگند را عرضه کرد. ایشان در سوگند خوردن شتاب کردند. آنحضرت فرمود که در سوگند میان ایشان قرعه افکنده شود تا کدامیک سوگند یاد کند.

ابن ابی اوفی: کسی که متاع خود را به دروغ وصف کند سودخوار خاین است.

۲۶۷۶ و ۲۶۷۷- امام بخاری/ می گوید: به جز نام خدا ج، سوگند یاد نشود.

۲۶۷۸- مردی نزد پیامبر(ص) آمد و در باره اسلام از آنحضرت سؤال می کرد، رسول خدا(ص) فرمود: «پنج نماز است در روز و در شب» آن مرد گفت: آیا غیر از این بر من چیزی است؟ فرمود: «نی، مگر آنکه نماز نفل بگذاری» سپس آنحضرت(ص) فرمود: «و روزه ماه رمضان». آن مرد گفت: آیا غیر از این بر من چیزی است؟ فرمود: «نی، مگر آنکه روزه نفل بگیری». و پیامبر(ص) از

---

۱- به موجب لعان، زن و شوهر از هم جدا می گردند.

۲- مدعی علیه به همان جایی سوگند می خورد که بر وی واجب گشته است و از آن جای به جای دیگر برده نمی شود.

\* حکم کردن به شهادت یک شاهد و سوگند خوردن مدعی، ظاهراً مخالف حکم قرآن است.

زکات برایش یاد کرد. وی گفت: آیا غیر از این بر من چیزی است؟ فرمود: «نی، مگر آنکه صدقه نفل بدهی». آن مرد پشت گردانید و رفت در حالی که می گفت: به خدا سوگند که نه در آن زیادت می کنم و نه از آن کم می کنم. پیامبر (ص) فرمود: «رستگار می شود اگر راست بگوید».

۲۶۷۹- «کسی که سوگند یاد می کند، باید به نام خدا سوگند یاد کند، یا خاموش باشد».

(شاید بعضی از شما در استدلال خویش نظر به بعضی دیگر زبان آورتر باشید).  
و طاوس... گفته اند: شاهدان عادل سزاوارتر اند نسبت به سوگند دروغ.

۲۶۸۰- «همانا شما دعاوی خویش را نزد من می آورید و شاید برخی از شما در استدلال خویش نظر به بعضی دیگر فصیح تر باشد، اگر من نظر به گفته او، از حق برادرش چیزی به نفع وی حکم می کنم، به تحقیق که من برای او پاره ای از آتش جدا می کنم، پس نباید آنرا بگیرد».

۲۶۸۱- هرقل: همانا وی (پیامبر ص) امر می کند که نماز بگذارید و راستگوی و پاکدامن باشید و به وعده خود وفا کنید و امانت را بازگردانید.

۲۶۸۲- «منافق را سه نشانه است: چون سخن زند دروغ گوید و چون امانتی بدو سپرده شود خیانت کند، و چون وعده کند خلاف ورزد».

۲۶۸۴- شعبی: شهادت دادن مردم ادیان دیگر علیه یکدیگرشان جواز ندارد.

(اهل کتاب را نه تصدیق کنید و نه تکذیب کنید، و بگویید): «ایمان آوردیم به خدا و آنچه نازل کرده است» [البقره: ۱۳۶].

---

\* وفای وعده از واجبات است.

۲۶۸۸- آنگاه که رسول خدا(ص) قصد سفر می کرد، میان همسران خویش قرعه می افکند و قرعه هریک که برمی آمد، او را با خود همراه می کرد. و آنحضرت برای هریک از همسران خود یک روز و یک شب نوبت تعیین کرده بود، سوده بنت زمعه نوبت شب و روز خود را برای عایشه رض به خاطر خشنودی رسول خدا(ص) بخشیده بود.

۲۶۸۹- «اگر مردم ثواب اذان دادن و ایستادن در صف اول جماعت را بدانند و سپس، بدون قرعه افکندن آنرا نیابند، البته در آن قرعه می افکنند. و اگر ثواب نماز در اول وقت<sup>(۱)</sup> بدانند، بر آن پیشی می گرفتند، و اگر ثواب نماز خفتن و صبح را بدانند، خود را بدان می رسانند ولو خزیده می بود».

و فرموده خدای تعالی: «در بسیاری از مشورت های پنهانی ایشان چیزی نیست، لیکن خیر در مشورت کسی است که می فرماید به صدقه یا به کار پسندیده یا به اصلاح آوردن میان مردمان و هر که این کند به طلب خشنودی خدا، پس به زودی بدو همیشه مزد بزرگ» [النساء: ۱۱۴].

۲۶۹۰- «... کف زدن برای زنان است. کسی که در نماز وی چیزی واقع می شود، باید بگوید: سبحان الله، و هر کس که آنرا بشنود بدان توجه می کند.

۲۶۹۱- «و اگر دو گروه از مسلمانان جنگ کنند، پس صلح کنید میان ایشان» [الحجرات: ۹].

۲۶۹۲- «کسی که میان مردم صلح می آورد، دروغگوی نیست، پس اگر چیزی نیک را می رساند - یا - سخنی نیک (به جانین) می گوید».

فرموده خدای تعالی: «اگر زنی بترسد از شوهرش، سرکشی یا روگردانی را،

---

۱- مترجم انگلیسی بخاری آنرا نماز چاشت ترجمه کرده است.

پس گناه نیست برایشان] در آنکه صلح آرند در میان خویش نوعی از صلح و صلح کاری بهتر است» [النساء: ۱۲۸]<sup>(۱)</sup>.

۲۶۹۴- آیه بالا [اگر زنی... در باره آن مردی است که از زن خود چیزی می‌بیند که از آن خوشش نمی‌آید، چون کهنسالی و غیره، و می‌خواهد که از وی جدایی اختیار کند، و آن زن می‌گوید: مرا نزد خود نگهدار و هر آنچه خواهی به من نفقه بده. عایشه رض گفته است: اگر زن و شوهر بدان راضی باشند، گناهی نیست.

۲۶۹۷- «کسی که در شریعت ما چیزی نو پدید آورد، چیزی که در شریعت نباشد، آن مردود است».

۲۶۹۹- «خاله منزلت مادر را دارد» و آنحضرت به علی گفت: «تو از منی و من از تو ام» و به جعفر گفت: «صورت و سیرت تو به من می‌ماند» و به زید گفت: «تو برادر ما و دوست ماستی».

۲۷۰۳- «همانا از بندگان خدا کسی است که اگر به خدا سوگند یاد کند خداوند سوگندش را راست می‌گرداند».

۲۷۰۵- پیامبر (ص) صدای خصومت کسانی را در دروازه مسجد شنید که سروصدا به راه انداخته بودند، یکی از دیگری می‌خواست که از طلب خود کم کند و در تقاضای خود نرمش نشان دهد و جانب مقابل می‌گفت که به خدا سوگند! این کار را نمی‌کنم. پیامبر (ص) فرمود: «کجاست کسی که به خدا سوگند یاد

---

۱- دروغ را برای دفع فساد روا داشته‌اند از قبیل: اختیار شرقلیل برای رسیدن به خیر کثیر. روایت مسلم: دروغ را به جز از سه مورد اجازه نداده‌اند: در جنگ، در مصالحه میان طرفین و در خوشنودساختن زن که بگوید تو را دوست دارم، هر چند او را دوست نداشته باشد، برخی علما دروغ را به گونه مطلق روا نمی‌دارند. (تیسیر القاری)

می کند که آنچه را معروف (پسندیده) است انجام نمی دهد؟» وی گفت: منم یا رسول الله! هر آنچه وی دوست دارد همان کند.

۲۷۰۷- «بر هر بندی از مردم صدقه است، در هر روزی که آفتاب طلوع می کند، کسی که میان مردم عدالت می کند، صدقه است.»

۲۷۰۸- ابن عباس رض: اگر دو شریک توافق کنند که یکی مال موجود را بگیرد و دیگری مالی را که بر دوش قرضداران است، در آن باکی نیست. پس اگر حق یکی تلف گردد، حق مراجعه به شریک دیگر را ندارد.

۲۷۱۴- «با هر مسلمانی خیراندیشی کن.»

۲۷۲۱- «سزاوارترین شروطی که بدان وفا کنید، همان است که فرج های خویش را به آن حلال گردانیده اید.» (یعنی شرط های عقد نکاح).

۲۷۲۳- «شهری، مال روستایی را نفروشد<sup>(۱)</sup> و بهای جنس را بدون قصد خرید زیاد نکند<sup>(۲)</sup> و بر بیع برادر خود زیادت نکند<sup>(۳)</sup> و خواستگار زنی نشود که برادر مسلمان او خواستگار شده است، و زن، طلاق خواهر مسلمان خود را نخواهد که خود جای او را بگیرد.»

۲۷۲۷- پیامبر (ص) منع کرده است تا کسی پیشاپیش کاروان غله نرود، تا مال را قبل از رسیدن به بازار بخرد، و اینکه مقیم (به نمایندگی از روستایی) مال او را

---

۱- مراد غله ای است که روستایی برای فروش به شهر می آورد، شهری نباید به او بگوید که غله را نفروش تا من به تدریج به بهای بیشتری بفروشم.

۲- تا کسی دیگر فریب خورد و آنرا بخرد.

۳- وقتی که بایع و مشتری در بهای متاع به توافق رسیدند، کسی دیگر پیشنهاد بهای بیشتر نکند (قیمت افزایی ننماید).

\* اگر فروشنده، سواری بر حیوانی را که فروخته است تا محلی معین شرط بگذارد، رواست.

نفرود و زن (برای عقد خود) طلاق خواهر مسلمان خود را شرط نگذارد و مرد بر خرید برادر خود بهایی بیشتر پیشنهاد نکند.

و آنحضرت از بیع نجش (پیشنهاد بهای بیشتر بدون قصد خرید) و شیر بند کردن حیوان (به منظور جلب مشتری) منع کرده است<sup>(۱)</sup>.

۲۷۲۹- «چيست حال مردانی که شروطي می گذارند که در کتاب خدا نیست، هر آن شرطی که در کتاب خدا نباشد، آن شرط باطل است ولو صد شرط باشد. قبول حکم خدا سزاوارتر و قبول شرط او استوارتر است و ولاء متعلق به کسی است که آزاد کرده است».

۲۷۳۳- تعیین میعاد در قرض جایز است.

۲۷۳۴- هر آن شرطی که مخالف کتاب خدا باشد، باطل است، هر چند صد شرط گذاشته شود.

۲۷۳۵- اگر کسی به رضا و رغبت خود بدون آنکه مجبور شود، خود را به شرطی مقید می کند، ایفای آن بر وی لازم می گردد. مردی از کسی غله خرید و گفت: اگر روز چهارشنبه نزد تو نیامدم میان من و تو بیعی نیست و او در آن

---

۱- اینکه حیوان شیری را یک یا دو روز ندوشد تا پستانهایش بزرگ نماید و مشتری فریب خورد.

\* اگر با این لفظ به طلاق آغاز کند: (یعنی تو طلاق هستی اگر به خانه درآیی - و یا - اگر به خانه درآیی، تو طلاق هستی. یعنی گفتن لفظ طلاق به طور مقدم یا مؤخر تفاوت نمی کند البته تحقیق یافتن شرط مهم است، شرط تحقق نیابد، طلاق واقع نمی شود.

\* موسی بدون شرط کتبی یا حضور شاهد (شفاهی) تعهد کرده بود که اگر بار دیگر از خضر سؤال کند، خضر حق دارد که از وی جدا شود، چنانکه با جدا شدن خضر از وی که قبلاً شرط کرده بود، موافقت کرد.



روز نیامد، قاضی به مشتری گفت: تو خلاف شرط عمل کردی، و به فسخ معامله حکم کرد.

۲۷۳۶- «خدای را نود و نه نام است، یعنی از صد یک کمتر، هر کس که آنها را بشمارد وارد بهشت می گردد»<sup>(۱)</sup>.

۲۷۳۷- «وصیت مرد نزد وی نوشته شده است». و فرموده خدای تعالی: «لازم کرده شد به شما، وقتی که پیش آید یکی از شما را مرگ، اگر مال بگذارد وصیت کردن برای پدر و مادر و نزدیکان به نیکویی، لازم شد این کار بر متقیان. پس هر که بدل کند وصیت را بعد از آنکه شنیدش، جز این نیست که گناه تبدیل آن بر دوش کسانی است که بدل می کنند آن وصیت را هر آینه خدا شنوای داناست. پس هر که دریابد از وصیت کننده ظلمی یا گناهی، پس صلاح دارد در میان ایشان، پس هیچ گناه نیست بر وی، هر آینه خدا آمرزنده مهربان است» [البقره: ۱۸۰ - ۱۸۲].

۲۷۳۸- «به مرد مسلمانی که چیزی دارد که قابل وصیت است، سزاوار نیست که دو شب بخوابد، مگر آنکه وصیت وی نوشته شده نزد وی باشد».

۲۷۳۹- «رسول خدا(ص) به هنگام مرگ نه درهمی از خود میراث گذاشت و نه دیناری، و نه کنیزی و نه غلامی، و نه چیزی، به جز قاطر سفید، و سلاح او و زمینی که آنرا صدقه کرده بود».

۲۷۴۰- طلحه از عبدالله: پرسیدم که آیا پیامبر(ص) وصیت کرده است؟ گفت: نی. گفتم: پس بر مردم چگونه وصیت گردانیده شده است - یا - به وصیت مأمور گشته اند. گفت: آنحضرت با تمسک به کتاب خدا، به وصیت امر کرده است.

۱- یعنی خداوند را به همین نامها سپاس و ستایش کند.

۲۷۴۲- سعد: گفتم: یا رسول الله! آیا تمام مال خود را (به صدقه) وصیت کنم؟ آنحضرت فرمود: «نی». گفتم: نیمه آنرا. فرمود: «نی». گفتم: سومین حصه آنرا. فرمود: «آری، سومین حصه، هر چند سومین حصه هم زیاد است. اینکه وارثان خود را توانگر بگذاری بهتر از آن است که نیازمند بگذاری تا به سوی مردم دست دراز کنند که به ایشان چیزی بدهند. همانا هر آنچه را نفقه می کنی همان صدقه است، تا آنکه لقمه‌ای را که برمی داری و به دهان زن خود می گذاری، در زمره صدقه است».

۲۷۴۳- ابن عباس رض: اگر مردم وصیت را از سوم حصه به چهارم حصه مال متروکه کاهش دهند، بهتر است، زیرا رسول خدا(ص) فرموده است: «آری، سومین حصه، هر چند یک سوم حصه هم زیاد است»<sup>(۱)</sup>.

۲۷۴۴- انس رض: مردی یهودی سر دختری را در میان دو سنگ کوفت و آن شکست. به آن دختر گفته شد: کی این کار را کرد، آیا فلان، آیا فلان، تا آنکه نام یهودی برده شد. وی با سر خود اشاره کرد. مرد یهودی آورده شد و او را نگاه داشتند تا آنکه اعتراف کرد. پیامبر(ص) به قصاص امر کرد و سر وی با سنگ کوفته شد.

۲۷۴۸- یا رسول الله! کدام صدقه بهتر است؟ آنحضرت فرمود: «اینکه صدقه دهی در حالی که صحت داری و حرص مال داری و امید داری که توانگر شوی و از فقر می ترسی و تا آن زمان درنگ نمی کنی که جان به رگ گردن برسد و آنگاه بگویی: چقدر به فلان کس، چقدر به فلان کس داده شود. در صورتی

---

۱- وصیت به بیشتر از سوم حصه مال متروکه که صدقه داده شود بدان سبب جایز نیست که حق ورثه در میان است.

که مال تو از آن فلان کس (ورثه) است»<sup>(۱)</sup>.

شریح، عمر بن عبدالعزیز: اقرار مریض را به قرض وی اجازه داده‌اند<sup>(۲)</sup>.

حسن: سزاوارترین حالتی که مرد بدان تصدیق می‌شود واپسین روز دنیا و نخستین روز آخرت وی است (اقرار به وقت مرگ اعتبار دارد) و ابراهیم و حکم گفته‌اند: اگر وارث از قرضی که بر ذمت وی است تبرئه شود، تبرئه است (وارثان دیگر حق اعتراض و دعوی بر وی ندارند). و رافع وصیت کرد که بر زن وی قرازیه اعتراض نشود و دروازه خانه که مال وی در آن است، گشاده نشود.

حسن گفته است: اگر کسی به هنگام مرگ به برده خود بگوید که تو را آزاد کردم، جواز دارد.

شعبی: اگر زن به هنگام مرگ خود بگوید که همانا شوهر من حق (مهر) مرا ادا کرده است و من از وی گرفته‌ام جواز دارد.

و بعضی گفته‌اند<sup>(۳)</sup>: اقرار وی (به وقت مرگ) بنا بر بدگمانی وارثان نسبت به

---

۱- یعنی اگر وارث تو نخواهد، وصیت تو را که بیش از سوم حصه مال متروکه باشد، اجرا نمی‌کند.

۲- اگر مریض به قرضداری خود اقرار کند، چون بمیرد (به قول وی اعتبار داده شود و قرض او را ادا کند).

\* اگر شوهر از خود فرزند به جای گذاشته باشد، زن وی هشتم حصه مال را میراث می‌برد، در غیر آن چهارم حصه را میراث می‌برد و همچنان اگر زن از خود فرزند به جای گذاشته باشد، شوهر وی چهارم حصه مال او را میراث می‌برد و در غیر آن نیمه مال را میراث می‌برد.

۳- امام ابوحنیفه/اقرار به وقت مرگ را نسبت بدگمانی وارثان جایز ندانسته است و سپس اقرار را در مورد مال امانت و مال بضاعت و مال مضاربت اعتبار داده است.

وی جواز ندارد و پس استحسان کرده و گفته‌اند: اقرار وی به مالی که نزد وی امانت است، و مالی که بضاعت است و مالی که به مضاربت است جواز دارد<sup>(۱)</sup>. و همانا پیامبر(ص) فرموده است: «از گمان بد خود را دور بدارید، زیرا که گمان بد دروغ‌ترین سخن است» و مال مسلمانان (برای ورثه) حلال نمی‌شود (که با بدگمانی تصرف کنند). به دلیل فرموده پیامبر(ص): «نشانه منافق آنست که چون امانتی بدو سپرده شود، خیانت کند». و خداوند تعالی فرموده: «هر آینه خدا می‌فرماید شما را که ادا کنید امانت‌ها را به اهل آن».

۲۷۴۹- خداوند می‌فرماید: «(تقسیم میراث) بعد از ادای وصیتی است که مرده کرده است و یا بعد از ادای دین که بر ذمه اوست» [النساء: ۱۱].

و از پیامبر(ص) یادآوری شده که ادای دین را پیش از وصیت حکم کرده است.

و ادای امانت (که واجب است) مقدم است بر ادای وصیت که تطوع و نافله است.

پیامبر(ص): «صدقه نیست مگر آنکه ناشی از توانگری باشد»<sup>(۲)</sup>.

ابن عباس رض: غلام بدون اجازه مالک خود وصیت نکند (دینی که بر ذمه غلام است موقوف به اجازه مالک وی است).

۲۷۵۰- ای حکیم! همانا این مال دنیا سبز و شیرین است، کسی که آنرا به سخاوت

---

۱- بضاعت دادن مال برای حصول منفعت است و چنانکه کسی در وقت مرگ بگوید که این سرمایه از فلان کس است. یا بگوید که فلان کس شریک مضارب اوست.

۲- قرضداری ناشی از توانگری نیست.

\* قبل از تقسیم مال متروکه اگر مرده قرض داشته باشد، و یا وصیتی کرده باشد، باید داده شود.

نفس بستاند، برای وی برکت داده می‌شود و کسی که آنرا از روی حرص و طمع بگیرد به او برکت داده نمی‌شود و او بسان کسی است که می‌خورد و سیر نمی‌شود. (دست بالا بهتر است از دست پایین). حکیم پس از زمان پیامبر هرگز چیزی از کسی نگرفت تا آنکه وفات کرد. رحمت خدا بر وی.

۲۷۵۱- ابن عمر رض: گمان می‌کنم که آنحضرت فرمود: «مرد نگهبان مال پدر خود است».

۲۷۵۲- خداوند می‌فرماید: «بترسان از عذاب خدای خویشان نزدیکتر خود را» [الشعراء: ۲۱۴].

۲۷۵۳- هر که شتر قربانی یا چیزی دیگری را برای خدا وقف کند. او می‌تواند از آن بهره گیرد چنانکه دیگری می‌تواند از آن بهره گیرد. اگر چه بهره‌گیری خود را از آن شرط نکرده باشد.

۲۷۵۵- چنانچه عمر رض زمین خیر را وقف کرد و گفت: بر کسی که از آن سرپرستی می‌کند گناهی نیست که از محصول آن چیزی بخورد و مشخص نکرد که سرپرست آن عمر باشد یا کسی دیگر.

اگر کسی بگوید سرای من برای خدا صدقه است و بیان نکند که برای فقرا و غیر ایشان است جایز است. و می‌تواند آنرا برای اقارب<sup>(۱)</sup> خود و یا هر کسی دیگری که بخواهد بدهد.

اگر کسی بگوید: زمین من یا باغ من از جانب مادرم برای خدا صدقه است، جواز دارد، هر چند بیان نکند که صدقه برای کیست.

۲۷۵۶- سعد بن عباد: یا رسول الله! همانا مادرم مرد و من در وقت مرگ او حاضر

۱- اقارب - به معنی خویشاوندان پدری است.

نبودم، آیا به او ثوابی می‌رسد اگر از جانب او صدقه دهم؟ آنحضرت فرمود: «آری».

۲۷۵۸- خداوند می‌فرماید: «هرگز نیابید نیکوکاری را تا آنکه خرچ کنید از آنچه دوست می‌دارید» [آل عمران: ۹۲].

۲۷۵۹- دو نوع ولی وجود دارد: ولی که میراث می‌برد و او همان است که (به کسانی که به خاطر میراث حاضر شده‌اند) از مال خود چیزی می‌دهد. و ولی که میراث نمی‌برد (مانند ولی و سرپرست یتیم)، و او کسی است که به حضران در وقت میراث سخن نیکو می‌گوید و می‌گوید: من مالک آن نیستم که به تو چیزی بدهم.

۲۷۶۱- سعد بن عباد: همانا مادرم مُرد و بر وی نذری است. آنحضرت فرمود: «از جانب وی ادا کن».

۲۷۶۲- فرموده‌ی خدای تعالی: «و بدهید به یتیمان اموال ایشان را و بدل نکنید ناپاک را به پاکیزه و مخورید اموال ایشان را به هم آورده به اموال خویش، هر آینه این گناهی بزرگ است. و اگر ترسیدید که عدل نتوانید کرد در حق دختران یتیم، پس نکاح کنید، آنچه خوش آید شما را از سایر زنان» [النساء: ۱ - ۲].

۲۷۶۳- عایشه رض گفت: مراد از لفظ یتامی که در آیه فوق است. آن دختر یتیمی است که تحت سرپرستی ولی خود است، و ولی او به جمال و مال او چشم دوخته است و می‌خواهد با وی به مهری کمتر از مهر زنان مثل وی ازدواج کند. پس همچو ولی‌ها از ازدواج با همچو یتیمه‌ها منع شدند، مگر آنکه با عدالت، مهر ایشان را کامل بدهند.

۲۷۶۶- پیامبر (ص) فرمود: «از هفت خصلتی که هلاک‌کننده است دوری جوئید» آنحضرت (ص) فرمود: «شریک گردانیدن به خداوند، جادوگری، کشتن نفسی

که خداوند حرام گردانیده است مگر به حکم شرع، سودخواری، خوردن مال یتیم، پشت دادن به کافران در روز جنگ، و اتهام زنا به زنان مؤمن پاکدامن بی گناه (بی خبر از همه چیز)».

۲۷۶۷- نزد ابن سیرین دوست داشتنی ترین چیزها در مورد مال یتیم آن بود که خیر خواهان و اولیای او جمع شوند و بنگرند که چه چیزی به خیر وی است.

۲۷۶۸- انس رض: من در سفر و حضر آنحضرت را خدمت کردم و هرچه کردم به من نگفت که چرا این کار را چنین کردی، و هر کاری که نکردم، به من نگفت که چرا این کار را چنین نکردی؟<sup>(۱)</sup>.

۲۷۷۱- اگر گروهی زمین مشترک خویش را وقف کنند، جایز است.

۲۷۷۳- عمر رض ملکیت خیبر خود را به فقرا، مساکین، خویشاوندان و مهمانان، (توانگر) وقف کرد.

۲۷۷۴- اگر مردی هزار دینار در راه خدا صدقه کند، و آنرا به پسرش که تاجر است بدهد تا با آن تجارت کند و مفاد آنرا برای مساکین و اقربا صدقه کند. آیا آن مرد می تواند از مفاد آن هزار دینار چیزی بخورد، اگرچه سود آنرا به مساکین صدقه نکرده باشد؟ زهری: روا نیست که آن مرد از مفاد آن چیزی بخورد.

۲۷۷۶- پیامبر (ص) فرمود: «وارثان من دینار یا درهمی قسمت نمی کنند، آنچه پس از نفقه زنانم و کارگذارم به جای می گذارم، در زمره صدقه است».

۲۷۷۹- پیامبر (ص) فرمود: «ای بنی نجارا! باغ خود را بر من بفروشید». آنها گفتند: بهای آنرا به جز از خدا از کسی نمی طلبیم.

---

۱- یعنی اگر عملی کرده باشم که خلاف طبع آنحضرت بوده باشد بر من اعتراض نکرده است.

۲۷۸۱- فرمودهٔ خدای تعالی: «هر آینه خدا خریده است از مسلمانان جان‌های ایشان و مال‌های ایشان را به عوض آنکه ایشان را باشد بهشت. جنگ می‌کنند در راه خدا، پس می‌کشند و کشته می‌شوند. (وعده بهشت) وعده‌ای است بر خدای، ثابت، در تورات و انجیل و قرآن، و کیست وفاکننده‌تر به عهد خویش از خدا. پس شادمان باشید به این فروختن خود که معامله کردید به آن [و این است پیروزی بزرگ] تا فرمودهٔ خدا - و مژده ده مسلمانان را» [التوبه: ۱۱۱ - ۱۱۲].

۲۷۸۳- پیامبر (ص) می‌فرماید: «پس از فتح (مکه) هجرت (واجب) نیست<sup>(۱)</sup> و لیکن جهاد و نیت آن باقی است و چون (به جهاد) فرا خوانده شوید، بیرون آید».

۲۷۸۴- عایشه رض: یا رسول الله! ما جهاد را بهترین عمل می‌پنداریم، آیا جهاد نکنیم؟ فرمود: «لیکن بهترین جهاد، حج مبرور است»<sup>(۲)</sup>.

۲۷۸۶- کدام مردم بهتر است؟ آنحضرت فرمود: «مسلمانی که در راه خدا با جان و مال خود جهاد می‌کند».

گفتند: پس از آن کدام کسی؟ فرمود: «مسلمانی که در دره‌ای از دره‌ها جای

---

۱- اما هجرت از جایی که شعار اسلام در آن باقی نماند و احکام دین جاری نباشد، به دار اسلام واجب است.

۲- یعنی حجی که موافق با سنت باشد و بر وجه کمال ادا گردد.

\* کسی بخواهد که وصیت کند سزاوار آن است که دو شاهد عادل بر وصیت خود اختیار کند که از اقرباً و هم‌دینان وی باشند. پس اگر همچو کسانی نیابد دو کس دیگر از غیر اقرباً یا غیر مسلمانان شاهد بگیرد. اگر وارثان در شهادت ایشان شک کنند، شاهدان به عدم خیانت سوگند داده شوند، اگر دروغ و خیانت‌شان ظاهر شد، وارثان میت در برابر دعوی تملک چیزی که ادعا کرده‌اند، سوگند داده شوند. (شرح شیخ الاسلام)



گرفته. از خدا می ترسد و مردم را از شر خود در امان می دارد»<sup>(۱)</sup>.

۲۷۹۲- «همانا... روز یا شبی را در راه خدا سیر کردن، بهتر است از جهان و آنچه در آن است».

۲۷۹۳- «جایی به مقدار گوشه از کمان در بهشت، بهتر است از هر آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب می کند».

۲۷۹۵- «هیچ بنده ای نیست که بمیرد و او را نزد خداوند ثوابی باشد، اینکه او را خوش آید که بار دیگر به دنیا برگردد، هر چند جهان و هر چه در آن است به او داده شود، مگر شهید که او را خوش می آید که به دنیا برگردد و بار دیگر کشته شود».

۲۷۹۶- «... اگر زنی از زنان بهشت خویشان را به زمینیان بنماید، با نور خویش میان زمین و آسمان را روشن گرداند، و با بوی خوش خویش جهان را عطر آگین کند، و روسری سر وی بهتر است از دنیا و هر چه در آن است».

۲۷۹۸- فرموده خدای تعالی: «هر که بیرون رود از خانه خود، هجرت کنان به سوی خدا و پیامبر او و سپس دریابد او را مرگ پس به تحقیق ثابت شد مزد او بر خدا»<sup>(۲)</sup> [النساء: ۱۰۰].

۲۸۰۷- فرموده خدای تعالی: «ای مسلمانان! چرا می گوئید آنچه نمی کنید، بسیار ناپسندیده است نزد خدا آنکه بگوئید چیزی که نکنید».

۲۸۱۰- مردی نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: مردی است که برای مال غنیمت

---

۱- مراد از گوشه گیری به هنگام بروز فتنه است، چنانکه در حدیثی که ترمذی روایت کرده، آمیزش با مردم و تحمل آزار ایشان بر گوشه گیری ترجیح داده شده است.

۲- یعنی مزد او واجب شد بر خدا و این وجوب به محض فضل و کرم خداوند است.

می‌جنگد و مردی است که برای شهرت می‌جنگد و مردی است که برای نمایاندن مقام خود می‌جنگد، پس کیست که در راه خدا می‌جنگد؟ آنحضرت فرمود: «کسی که بجنگد تا کلمه خدا (توحید و یکتاپرستی) برتر شود، همواره در راه خداست».

۲۸۱۱- «قدم‌های بنده که در راه خدا گردآلود شود، آتش دوزخ را مساس نمی‌کند».

۲۸۱۹- انس رض: پیامبر(ص) نیکوترین مردم و شجاع‌ترین مردم و سخی‌ترین مردم بود.

۲۸۲۶- «خداوند به سوی دو کس می‌خندد که یکی دیگری را می‌کشد و هردو وارد بهشت می‌شوند، این یکی در راه خدا کارزار می‌کند و کشته می‌شود، سپس خداوند توبه قاتل او را قبول می‌کند، و اسلام می‌آورد، و شهید می‌گردد».

۲۸۲۹- «شهادت پنج نوع است: مردن در مرض طاعون و مردن به درد شکم، و غرق شدن در آب، و زیر دیوار شدن، و کسی که در راه خدا شهید می‌شود».

۲۸۳۲- «برابر نیستند نشینندگان از مسلمانان و جهادکنندگان در راه خدا» و فرموده خداوند: «به جز معذوران».

۲۸۳۳- «چون با دشمن مواجه شدید، شکيبا باشید».

۲۸۴۰- «کسی که روزی در راه خدا روزه بگیرد، خداوند روی او را از آتش دوزخ به مسافت هفتاد سال دور می‌گرداند».

۲۸۴۱- «کسی که دو چیز (یک زوج از هر چیز که باشد) را در راه خدا خرج کند،

---

\* «نیست متاع زندگانی دنیا در برابر آخرت مگر اندکی» [التوبه: ۳۸ - ۳۹].

همه دربانان بهشت، او را فرا خوانند که ای فلان از این در بیا».

۲۸۴۲- «همانا خیر جز خیر نمی آورد»، (.. به تحقیق که این مال دنیا سبز و شیرین است و نعمت است بر مسلمانی که آنرا از راه حلال به دست آورد و در راه خدا و برای یتیمان و مسکینان به مصرف برساند، و کسی که آنرا از راه حلال به دست نیاورد، بسان خورنده‌ای است که سیر نمی‌شود، و آن مال خود گواهی است بر وی در روز قیامت).

۲۸۴۳- «کسی که مجاهدی را در راه خدا مجهز کند، همانا وی جهاد کرده است و کسی که از اهل و عیال و مال مجاهد به نیکویی و ارسی کند، به تحقیق که وی جهاد کرده است».

۲۸۵۶- «همانا حق خداوند بر بندگان آن است که او را بپرستند و به او چیزی شریک نیاورند، و حق بندگان بر خداوند آن است که کسی را که به وی چیزی شریک نمی‌آورد، مورد عذاب قرار ندهد».

۲۸۵۸- «شومی در سه چیز است: در اسپ، و زن، و خانه»<sup>(۱)</sup>.

۲۸۶۰- فرموده‌ی خدای تعالی: «هر که کرده باشد هم وزن یک ذره عمل نیک، بیند آنرا، و هر که کرده باشد هم وزن یک ذره عمل بد، بیند آن را» [الزلزله: ۷-۸].

۲۸۷۲- «این قانون خداوند است که چیزی از امور دنیا بلند نگردد مگر آنکه آنرا فرود آورد».

---

۱- شوم (شومی) به معنی شر و نامیمون و بدفالی و نحسی است. شومی در اسپ‌ای است که بر آن جهاد نکند و شومی در زن همان زنی است که نازا باشد، و شومی در خانه همان خانه‌ای است که همسایه بد داشته باشد و یا از مسجد دور باشد. (شرح شیخ قاسم..).

۲۸۷۳- حارث: پیامبر(ص) چیزی از خود باقی نگذاشت به جز از قاطری سفید و سلاح خود و زمین که آنرا صدقه کرد (زمین فدک).

۲۸۷۵- عایشه رض: از پیامبر(ص) اجازه خواستم که جهاد کنم. آنحضرت فرمود: «جهاد شما زنان حج است».

۲۸۷۶- «حج، نیکو جهادی است برای زنان».

۲۸۸۳- ربیع بنت معوذ: ما زنان، همراه پیامبر(ص) جهاد می کردیم، مردم را آب می دادیم، و ایشان را خدمت می کردیم، و زخمی ها و کشتگان را به مدینه باز می گردانیدیم.

۲۸۸۶- «هلاک شد بندهٔ دینار و درهم و جامهٔ نفیس و فرش نفیس که اگر به وی داده شود، راضی گردد و اگر داده نشود، ناراضی باشد». این حدیث از ابو حصین آمده.

۲۸۹۱- «بر هر بندی هر روز صدقه است، یاری کردن کسی را که بر مرکب خویش سوار می شود یا برداشتن متاع او و نهادن آن بر مرکب، صدقه است، و سخنی خوش و هر گامی که به سوی نماز برداشته می شود، صدقه است، و نشان دادن راه صدقه است».

۲۸۹۳- «بار الها! به تو پناه می جویم از غم و اندوه و ناتوانی و کاهلی و بخل و بددلی (ترسوئی) و گرانی بار وام و غلبهٔ مردان (برخود)».

۲۸۹۶- «آیا یاری و روزی داده می شوید، مگر به برکت نیازمندان خویش؟».

۲۸۹۸- «همانا مردی است که کاری می کند که کار اهل بهشت است و بر مردم چنان می نماید، در حالی که او از اهل دوزخ است، و همانا مردی است که

کاری می کند که کار اهل دوزخ است، و بر مردم چنان می نماید، در حال ای که او اهل بهشت است».

۲۸۹۹- «ای پسران اسماعیل! تیراندازی کنید، همانا پدر شما تیرانداز بود، تیرا بیفکنید».

۲۹۰۰- «چون دشمن به شما نزدیک گردیدند، پس شما آنگاه تیر اندازید».

۲۹۱۰- «این مرد، در حالی که خوابیده بودم شمشیر مرا از نیام کشید، من بیدار شدم و دیدم که شمشیر برهنه در دست وی است و می گوید: کیست که تورا از من نجات دهد؟ من گفتم: الله، و سه بار تکرار کردم». آنحضرت او را مجازات نکرد و وی در آنجا نشست.

۲۹۱۷- «مثال بخیل و صدقه دهنده، مثال دو مردی است که لباس آهنی پوشیده اند و تنگی لباس دست های شان را به چنبر گردن هایشان بسته است، آنگاه که صدقه دهنده می خواهد صدقه بدهد، لباس بر وی فراخ می شود تا آنکه اثر پایش (یعنی گناهان) را ناپدید می کند، و چون بخیل می خواهد که صدقه بدهد هر حلقه لباس بر صاحبش تنگ می گردد و بدنش را می فشارد و دست هایش را به گردن وی می بندد (می کوشد که لباس خود را فراخ گرداند و فراخ نمی شود)».

۲۹۱۹- پیامبر (ص) برای عبدالرحمن... اجازه داد تا پیراهن ابریشمی بپوشد، زیرا بدن آنها خارش می کرد.

۲۹۳۶- پیامبر (ص) به قیصر روم نوشت و گفت: «اگر از اسلام روی بگردانی گناه رعایای خود را به عهده خواهی گرفت».

۲۹۴۱- قیصر به ابوسفیان: از تو پرسیدم که آیا پیروان او (پیامبر (ص)) زیاد می شوند یا کم می شوند، و تو گفتی که زیاد می شوند و این ایمان است تا آنکه کامل

گردد.

و از تو پرسیدم: آیا کسی از روی ناخشنودی از دین وی برگشته است، پس آنکه به دین وی درآمده است، و تو گفتی: نی، البته این از نشانه ایمان است که چون بشاشت آن با دل‌ها آمیخت، کسی از این امر ناخشنود نمی‌گردد.

۲۹۴۹- کعب: پیامبر(ص) در کمتر سفری به جز از روز پنجشنبه سفر کرده است.

۲۹۵۰- پیامبر(ص) در روز پنجشنبه به عزم غزوه تبوک برآمد و دوست می‌داشت که به روز پنجشنبه سفر کند.

۲۹۵۱- همانا پیامبر(ص) نماز پیشین را در مدینه چهار رکعت خواند، و نماز عصر را در ذوالحلیفه، دو رکعت گذارد. پیامبر(ص) زمانی از مدینه روانه شد که پنج روز از ماه ذی قعدة مانده بود و آنگاه به مکه رسید که چهار شب از ماه ذی حجه گذشته بود.

۲۹۵۳- عباس رض: پیامبر(ص) در ماه رمضان به سفر برآمد و روزه داشت تا آنکه به کدید رسید و در آنجا روزه را شکست.

۲۹۵۵- «شنیدن و اطاعت کردن امام واجب است، مادامی که به گناه امر نکنند، و اگر به گناه امر شود شنیدن و اطاعت کردن وی لازم نیست».

۲۹۷۲- «اگر بر اتم دشواری نمی‌آوردم از هیچ سَرِیه<sup>(۱)</sup> باز نمی‌ماندم».

۲۹۷۷- «با جوامع الکلم مبعوث شده‌ام...» (یعنی سخنانی در لفظ اندک و پرمعنی).

۲۹۷۸- فرموده خدای تعالی: «توشه همراه گیرید، هر آینه بهترین توشه، توشه»

---

\* پیامبر(ص) ما را به نماز، صدقه، پارسایی، وفا به عهد و ادای امانت امر می‌کند. (ابوسفیان به قیصر روم)

۱- به معنی فوج یا دسته‌جات کوچک مسلح است که از پنج نفر تا چهارصد نفر را دربر می‌گیرد.

پرهیزگاری است».

۲۹۸۵- عبدالرحمن بن ابوبکر صدیق رض: پیامبر(ص) مرا امر کرد که عایشه رض

را بر پشت سر خود بر مرکب سوار کنم و او را از موضع تنعیم به عمره آورم.

۲۹۹۰- نافع: پیامبر(ص) از سفر کردن با قرآن از سرزمین دشمن منع کرده است<sup>(۱)</sup>.

۲۹۹۲- ما پیامبر(ص) را همراهی می کردیم، و چون به مواضع بلند در وادی

می رسیدیم به آواز بلند تهلیل (لا إله إلا الله) و تکبیر (الله اکبر) می گفتیم.

پیامبر(ص) فرمود: «ای مردم! بر خود نرمش کنید (از شدت آواز بکاهید) شما

گر و (ناشنا) و یا غایی را دعا نمی کنید، همانا او (خداوند) با شما است و

شنوای نزدیک است، اسم او پاک و منزّه است و عظمت او برتر است و والا».

۲۹۹۴- جابر رض: آنگاه که بر موضع بلندی می رسیدیم، تکبیر می گفتیم و چون در

نشیبی فرد می آمدیم، تسبیح می گفتیم.

۲۹۹۶- «اگر بنده مریض شود یا سفر کند (ثواب) بر وی مثل همان حالتی نوشته

می شود که مقیم و تندرست بوده است»<sup>(۲)</sup>.

۲۹۹۸- «اگر مردم بدانند (آفت) تنها سفر کردن را آنچه من می دانم، هیچ سواری

در شب تنها سفر نمی کند»<sup>(۳)</sup>.

(من با شتاب رونده مدینه می باشم. پس کسی که می خواهد با من به شتاب

رود، بشتابد).

---

۱- تا مبادا به دست کافران افتد و بدان گستاخی کنند.

۲- کسی که در حال اقامت عبادت می کند، اگر به سفر می رود یا مریض می شود که عبادت

خود را مانند آنچه در اقامت انجام می داد، نمی تواند انجام دهد، همان ثواب حالت اقامت یا

ایام تندرستی برای وی نوشته می شود.

۳- مراد از آن کراهت در سفر تنهایی در شب است، اگرچه بنا بر مصلحت جواز دارد.

۳۰۰۰- همانا پیامبر(ص) را دیدم که چون در رفتن شتاب می کرد، نماز شام را تأخیر می کرد و میان شام و خفتن جمع می کرد (یعنی نماز خفتن را بی درنگ پس از نماز شام می گذارد).

۳۰۰۱- «مسافرت پاره‌ای از عذاب است، که یکی از شما را از خواب، خوردن و نوشیدن باز می‌دارد. پس هرگاه کدامیک از شما حاجت خود را در سفر برآورده نمود، باید به سوی خانه خویش بشتابد».

۳۰۰۲- عمر رض اسپی را در راه خدا صدقه کرد و سپس دید که آن اسپ فروخته می‌شود و خواست که آنرا بخرد. از پیامبر(ص) سوال کرد، آنحضرت فرمود: «آنرا خریداری مکن، و به صدقه خود بازگرد».

۳۰۰۳- «.. همانا رجوع کننده به بخشش خود، بسان سگی است که به قی خود رجوع می کند».

۳۰۰۴- مردی نزد پیامبر(ص) آمد و اجازه خواست که جهاد کند، آنحضرت فرمود: «آیا پدر و مادر تو زنده‌اند؟» گفت: آری، فرمود: «در خدمت آنها جهاد کن»<sup>(۱)</sup>.

۳۰۰۵- «هیچگونه کمر بند، چه قلاده - یا قلاده از وتر در گردن شتران باقی نماند، مگر آنکه قطع شود»<sup>(۲)</sup>.

---

۱- یعنی جهاد را در خدمت آنها اختصاص بده و مراد لازم جهاد است نه حقیقت آن، یعنی بذل مال و تعب و رنج بدن در خدمت آنها کن، از آنکه بر والدین فرض عین است و جهاد فرض کفایه. (تیسیرالقاری).

۲- قلاده از وتر، یعنی گردن بندی که از زه و کمان باشد که در گردن شتران می‌کنند.



۳۰۰۶- «مرد با زنی (نامحرم) خلوت نکند و زن مسافرت نکند، مگر آنکه با وی محرمی باشد».

مردی ایستاد و گفت: یا رسول الله! من در غزوه چنین و چنان ثبت نام شده‌ام و زن من به قصد حج برآمده است. آنحضرت فرمود: «با زن خود برو و حج را ادا کن». و در مورد جاسوس: فرمودهٔ خدای تعالی: «دوست مگیرید (دشمنان مرا و دشمنان خود را)» [الممتحنه: ۱].

۳۰۰۹- «.. به خدا سوگند هرگاه مردی را خداوند بر دست تو هدایت کند، بهتر از آن است که شتران سرخموی داشته باشی».

۳۰۱۱- «سه کس اند که اجر ایشان دو بار داده می‌شود: مردی که کنیزی دارد و او را علم می‌آموزاند و نیکویی تعلیم می‌دهد و ادب می‌آموزاند و نیکو ادب می‌دهد، و سپس آزادش می‌کند و با وی ازدواج می‌نماید، چنین کسی را دو اجر است. و ایمان آورندهٔ اهل کتاب که به کتاب خود ایمان آورده و سپس به پیامبر (ص) ایمان می‌آورد، او را نیز دو اجر است. و غلامی که حق خداوند را ادا می‌کند و به آقای خود خیرخواهی می‌نماید».

۳۰۱۴- عمر رض: در یکی از غزوات پیامبر (ص) زنی کشته شده یافت شد، رسول خدا (ص) کشتن زنان و کودکان را ناخوشایند خواند.

۳۰۱۵- عمر رض: رسول خدا (ص) از کشتن زنان و کودکان منع کرد.

۳۰۲۵- «رویارویی با دشمن را آرزو نکنید».

۳۰۲۹- «جنگ، فریب است».

۳۰۳۲- «کیست که کار کعب بن اشرف را تمام کند؟» محمد بن سلمه گفت: آیا می‌خواهی که او را بکشم؟ فرمود: «آری»، گفت: پس اجازه بده چیزی

بگویم<sup>(۱)</sup> (که اورا بفریم). فرمود: «تو را اجازه دادم».

۳۰۳۷- خداوند متعال می فرماید: «و با یکدیگر نزاع نکنید که در این صورت بزدل شوید و برود دولت (و قوت) شما» [الأنفال: ۴۶].

۳۰۳۸- «بر مردم آسان گیرید و سخت مگیرید و بشارت دهید و نگریزانید و موافقت کنید و مخالفت نکنید».

۳۰۴۰- انس رض: پیامبر (ص) نیکوترین، سخی ترین و شجاع ترین مردم بود.

۳۰۴۱- «... تو بر ایشان غالب آمدی، پس آسان بگیر...».

۳۰۴۳- سعدرض: من حکم می کنم که جنگ آوران آنها کشته شوند و زنان و کودکان به اسارت در آیند. آنحضرت فرمود: «به تحقیق که در موردشان، به حکم خداوند حکم کردی».

۳۰۴۵- پسر حارث: خیب را کشت (مشرکین) و خیب گزاردن دو رکعت نماز را برای هر مسلمانی که در بند است و در شرف کشته شدن سنت گردانید.

۳۰۴۶- «عانی (اسیر) را رها کنید، گرسنه را غذا بدهید و مریض را عیادت کنید»<sup>(۲)</sup>.

۳۰۵۲- عمررض: و وصیت می کنم (به خلیفه بعد از خود) که عهد خدا و عهد رسول او رسول الله (ص) را با اهل ذمه ایفا کند و در دفاع از ایشان بجنگند و بیش از توان ایشان (جزیه) به ایشان تکلیف نشود<sup>(۳)</sup>.

۳۰۵۳- «مشرکان را از جزیره عرب (مکه، مدینه، یمامه و یمن) بیرون کنید، و برای

---

۱- دروغ در جنگ رواست.

۲- رهاکردن اسیر و غذا دادن گرسنه، فرض کفایی است و عیادت مریض، سنت مؤکده است.

۳- اهل ذمه، غیر مسلمانی اند که در سرزمین اسلامی زندگی می کنند و جزیه می دهند و در حمایت مسلمانان قرار دارند.

نمایندگانی که نزد شما می آیند همان گونه جایزه بدهید که من جایزه می دادم».

۳۰۵۴- «کسی آنرا (جامه ابریشمی) می پوشد که او را در آخرت نصیبی نیست».

۳۰۵۹- عمر رض: از ستم بر مسلمانان دست بردار و از دعای مظلوم بترس، زیرا که دعای مظلوم مستجاب می شود.

۳۰۶۲- آنحضرت (ص) به بلال رض امر کرد که میان مردم به بانگ بلند اعلام دارد: «به بهشت داخل نمی شود به جز کسی که مسلمان است و خداوند این دین را توسط مردی فاجر تقویت می کند».

۳۰۷۲- فرموده خدای تعالی: «و هر که خیانت کند خواهد آورد آن چیز را که خیانت کرده است» [آل عمران: ۱۶۱].

۳۰۷۴- عبدالله بن عمرو: مردی که از رخت سفر و متاع پیامبر (ص) حفاظت می کرد و کِرکِرِه نامیده می شد، مُرد. رسول خدا (ص) فرمود: «وی در دوزخ است». مردم رفتند که از وی اطلاع یابند. و دریافتند که عبایی را از مال غنیمت دزدیده بود.

۳۰۷۵- «آنچه خون توسط آن جاری گردد و بر آن نام خدا یاد شود آنرا بخور، به جز ذبح کردن با دندان و ناخن...».

۳۰۷۷- آنحضرت (ص) در روز فتح مکه: «هجرت نیست و لیکن جهاد و نیت آن باقی است و اگر به جهاد فرا خوانده شوید، بشتابید».

۳۰۸۷- جابر رض: پیامبر (ص) را در سفری همراه بودم، آنگاه که به مدینه رسیدیم به من گفت: «به مسجد در آی و دو رکعت نماز بگذار».

۳۱۰۱- «همانا شیطان در وجود انسان به هر جایی می رسد که خون می رسد...».

۳۱۰۵- «... همانا شیرخوارگی حرام می کند آنچه را ولادت حرام می کند».

۳۱۱۳- فاطمه رض نزد آنحضرت (ص) رفت تا کنیزی بخواهد... آنحضرت (ص) فرمود: «آیا شما را به چیزی بهتر از آنچه خواسته‌اید رهنمایی کنم؟ آنگاه که از خوابگاه خویش برخیزید، سی و چهار بار الله اکبر، و سی و سه بار الحمد لله و سی و سه بار سبحان الله بگویید، همانا این بهتر است برای شما از آنچه خواسته‌اید».

۳۱۱۴- «به نام من، نام بگذارید و به کُنیت من (ابوالقاسم) کنیت نکنید، همانا من قسمت کننده گردانیده شدم تا میان شما قسمت کنم»<sup>(۱)</sup>.

۳۱۱۶- «کسی که خداوند به وی نیکی می‌خواهد، او را در دین فقیه می‌گرداند».

۳۱۱۷- «آنانی که در مال خداوند به ناحق تصرف می‌کنند، سزای ایشان در روز قیامت آتش است».

۳۱۲۲- «غنایم بر من حلال گردانیده شد».

۳۱۳۱ و ۳۱۳۲- «دوست داشتنی ترین سخن در نزد من راست ترین آن است».

۳۱۳۳- «... هرگاه در موردی سوگند یاد کنم و موردی دیگر را بهتر از آن تشخیص دهم، همان مورد بهتر را اختیار می‌کنم و کفاره سوگند خودم را می‌دهم».

۳۱۳۷- ابوبکر رض: کدام درد بدتر از بخل است (که به من نسبت می‌کنی). (به جابر گفت).

۳۱۳۸- «همانا بدبخت باشم اگر عدالت نکنم».

۳۱۴۵- «همانا من به گروهی چیزی می‌دهم که از کج دلی و ناشکیبایی ایشان می‌ترسم، در حالی که گروه دیگر را به نیکی و بی‌نیازی که خداوند در

---

۱- نام پسر را نباید قاسم گذاشت.

دل‌هایشان جای داده است، حواله می‌کنم».

۳۱۴۶- همانا من به قریش چیزی می‌دهم تا به اسلام الفت گیرند، زیرا آنها به زندگی جاهلیت نزدیک اند.

۳۱۴۹- انس رض: بادیه‌نشین بُرد آنحضرت (ص) را با شدت کشید که اثر کشیدن حاشیهٔ رداء بر شانهٔ آنحضرت پیدا بود. و سپس گفت: امر کن که از مال خداوند که نزد تو است برای من بدهند، آنحضرت به سوی وی نگریست و خندید و سپس فرمود که به وی چیزی بدهند<sup>(۱)</sup>.

۳۱۵۵- «دیگ‌ها را واژگون کنید و چیزی از گوشت خر نخورید».

سعد بن جبیر: به طور قطع آنرا حرام کرده است.

ابن نجیح: به مجاهد گفتم: چگونه است که بر مردم شام چهار دینار جزیه است و بر مردم یمن یک درهم است؟ گفت: جزیه بر مبنای توانگری آنها تعیین شده است.

۳۱۵۸- «شاد باشید و بدانچه شما را خوش می‌سازد امیدوار باشید، به خدا سوگند که از فقر و محتاجی شما نمی‌ترسم و لیکن از آن می‌ترسم که مال دنیا بر شما فراخی کند، چنانکه بر کسانی که قبل از شما بود فراخی کرده بود و شما بدان رغبت کنید، چنانکه آنان بدان رغبت کردند، و هلاک شوید چنانکه آنها هلاک شدند».

۳۱۷۲- «مدینه حَرَم است میان موضع عیر و موضع کَذَا»، کسی که در آن بدعتی

---

۱- این حالت کمال حلم و تحمل آنحضرت را در برابر جفای بی‌خردان می‌نماید و نموداری از غایت لطف خوش و کرم آنحضرت نسبت به سائلان و محتاجان و تألیف قلوب است تا مردم به مسلمانی الفت گیرند. (تیسیر القاری)

پدید آورد یا بدعت گذاری را جای دهد لعنت خدا و ملائکه و مردم همگی بر اوست. فرایض و نوافل وی قبول نمی شود و کسی که دوست بگیرد به جز از دوستان خویش را که (مسلمانان اند) بر وی نیز همچنان (لعنت) است. عهد مسلمانان یکی است پس کسی که عهد مسلمانی را بشکند، بر وی نیز همچنان (لعنت) است. (بار الها! از کردار خالد به تو پناه می جویم)<sup>(۱)</sup>. فرموده خدای

تعالی: «و اگر میل کنند به صلح، تو هم میل کن به سوی آن» [الأنفال: ۶۱].

۳۱۷۵- فرموده خدای تعالی: «و اگر بخواهند که تو را فریب دهند پس همانا خداوند برایت بسنده است» [الأنفال: ۶۲].

۳۱۷۶- فرموده خدای تعالی: «و اگر بررسی از گروهی خیانت را، پس بازگردان به سوی ایشان عهد ایشان، به نوعی که همه برابر شوند» [الأنفال: ۵۸].

۳۱۷۹- علی رض: در صحیفه است: ... امان دادن مسلمانان یکی است، هر چند مسلمانی که امان می دهد در موقفی پاینی قرار داشته باشد و کسی که عهد مسلمانی را بشکند، لعنت خدا و ملائکه و مردم همگی بر اوست و فرایض و نوافل وی پذیرفته نمی شود، و کسی که بدون اجازه دوستان (مسلمان) خود، قومی را دوست می گیرد (لعنت خدا و ملائکه و مردم همگی بر اوست...).

۳۱۸۸- «هر پیمان شکنی را در روز قیامت پرچمی است که به سبب پیمان شکنی وی برافراشته می شود».

۳۱۹۱- «در ازل خدا بود و جز او هیچ چیزی نبود، و عرش وی بر آب بود، و همه چیز را بر لوح محفوظ نوشت و آسمانها و زمین را آفرید».

۳۱۹۴- «آنگاه که خداوند به آفرینش حکم کرد در کتاب خود (لوح محفوظ)

---

۱- خالد به گفتار مردم که می گفتند به اسلام میل داریم پی نبرد و آنها را کشته می رفت.

نوشت و آن کتاب نزد خداوند بر بالای عرش است اینکه همانا رحمت من به غضب من غلبه کرده است».

۳۱۹۵- «کسی که یک وجب زمین به ظلم بگیرد، از هفت زمین طوق گردنش می شود».

۳۱۹۶- «کسی که چیزی از زمین را بدون حق خود بگیرد، در روز قیامت تا هفت طبقه زمین فرو برده می شود».

۳۲۰۸- ندا از جانب خدا ج: «همانا فریضه خود را (پنج نماز) مقرر کردم و بار آنرا بر بندگان سبک ساختم و نیکویی را ده چند پاداش می دهم».

۳۲۱۶- «کسی که دو چیز (درهم یا دینار) در راه خدا خرج کند، دربانان بهشت او را فرا می خوانند که ای فلان، زود بیا».

۳۲۲۰- ابن عباس رض: رسول خدا (ص) سخاوتمندترین مردم بود و در ماه رمضان که جبرئیل از وی دیدار می کرد، از آن هم سخاوتمندتر می بود...

۳۲۲۵- «فرشتگان در خانه‌ای داخل نمی شوند که در آن سگ و صورت جاندار باشد»<sup>(۱)</sup>.

۳۲۲۹- «همانا هر یک از شما در نماز است تا آنگاه که در انتظار نماز است. فرشتگان می گویند: بار الها! او را بیامرزد و بر وی رحمت کن، تا آنکه از جای نماز برنخیزد و وضویش نشکند».

۳۲۳۴- عایشه رض: کسی که گمان می کند که محمد (ص) پروردگار خویش را

---

۱- این تمثال‌ها از جنس چیزی بوده است که بت پرستان آنرا می پرستیدند و اگر نه در تصویر بعضی صورت‌های بیجان رخصت است. چنانکه در حدیث صحیح از ابن عباس ب روایت شده است. (شرح شیخ الاسلام)

دیده است، سخت به خطا رفته است، لیکن آن حضرت، جبرئیل را به شکل و آفرینش اصلی وی دید که تمام افق را فرا گرفته بود<sup>(۱)</sup>.

۳۲۴۱- «از بهشت اطلاع یافتم و دیدم که بیشتر اهل آن فقراء بودند و از دوزخ اطلاع یافتم و دیدم که بیشتر اهل آن زنان بودند».

۳۲۴۴- رسول خدا(ص) می فرماید (حدیث قدسی): خداوند فرموده است: «برای بندگان صالح خویش چیزی مهیا کرده‌ام که نه چشم آنرا دیده و نه گوش شنیده و نه در دل کسی خطور کرده است» پس بخوانید اگر می‌خواهید: «هیچکس نداند چه چیز برای ایشان پنهان داشته شده از خنکی چشم (خوشی‌های بهشت) [به پاداش آنچه می‌کردند]» [السجده: ۱۷].

۳۲۴۵- «نخستین گروهی که وارد بهشت می‌گردند، صورت ایشان چون صورت ماه شب چهارده (درخشنده) است. ایشان در آنجا آب دهان و آب بینی نمی‌افکنند و قضای حاجت نمی‌کنند. ظروف ایشان از طلا و شانه‌هایشان (که با آن شانه کنند) از طلا و نقره است. در مجمرهای‌شان عود است، و بوی عرق‌شان بوی مشک است، و برای هر یک‌شان دو زن است که مغز استخوان ساق‌هایشان از فرط لطافت و زیبایی از پس گوشت دیده می‌شود. اختلاف و کینه‌توزی در میان‌شان نیست. دل‌هایشان یکی است و خداوند را صبح و شام به پاکی یاد می‌کنند».

۳۲۵۰- «موضعی به اندازه‌ی جای یک تازیانه در بهشت بهتر است از دنیا و آنچه در آن است».

---

۱- ابن عباس به سماع از آنحضرت دیدار آنحضرت، خداوند را به چشم سر در شب معراج تأیید می‌کند، و گفته عایشه ظن و اجتهاد است.



۳۲۵۳- «موضوعی به مقدار جای کمان هریک از شما در بهشت، بهتر است از آنچه آفتاب بر آن طلوع یا غروب کرده است».

۳۲۵۶- «... اختلاف درجات میان بهشتیان است». گفتند: یا رسول الله! آن ایوان‌ها، همان منازل پیامبران اند که به جز ایشان کسی بدان جایگاه نمی‌رسد. آنحضرت فرمود: «آری، سوگند به ذاتی که جان من در ید قدرت (قبضه) اوست که مردانی اند که به خدا ایمان آورده‌اند و پیامبران را تصدیق کرده‌اند (نیز بدان جایگاه می‌رسند)».

۳۲۵۷- «در بهشت هشت دروازه است، و در آن دروازه‌ای است که - رِیَّان - نامیده می‌شود و به جز روزه‌داران کسی از آن وارد نمی‌شود».

۳۲۶۱- «تب از شدت فوران و حرارت دوزخ است. پس آنرا با آب سرد بسازید - یا چنین فرمود - با آب زمزم».

۳۲۶۷- «در روز قیامت مردی آورده می‌شود و به دوزخ افکنده می‌شود و به زودی روده‌های وی در آتش بیرون می‌افتد. وی گرداگرد روده‌های خود می‌گردد. همچون خری که به دور آسیا می‌گردد. دوزخیان بر وی گرد می‌آیند و می‌گویند: ای فلان! تورا چه پیش آمده است؟ آیا تو نبودی که ما را امر به معروف و نهی از منکر می‌کردی؟ وی می‌گوید: من شما را امر به معروف می‌کردم و خود بدان عمل نمی‌کردم و نهی از منکر می‌کردم و خود بدان عمل می‌کردم».

۳۲۶۹- «شیطان بر عقب سر هریک از شما که به خواب می‌روید سه گره می‌زند و بر جای هر گره‌ی که می‌زند (این افسون را می‌خواند) بخواب که شبی دراز در پیش داری. اگر وی بیدار شود و خدای را یاد کند، گره‌ی گشوده گردد، و چون وضو کند. گره‌ی دیگر گشوده شود و چون نماز بگذارد همه گره‌ها

گشوده شوند و او شادمان و خوشدل صبح می کند و در غیر آن با کسالت و کاهلی برمی خیزد».

۳۲۷۰- نزد پیامبر (ص) از مردی یاد شد که تمام شب می خوابد و (پس از طلوع آفتاب) صبح می کند. آنحضرت فرمود: «وی مردی است که شیطان در گوش های وی بول (ادرار) کرده است یا گفت: در گوش وی».

۳۲۷۱- «چون یکی از شما به زن خود پیش شود، و بگوید: بسم الله، بار الها! شیطان را از ما دور بدار و شیطان را از آنچه نصیب ما می کنی (از فرزند) دور بدار، به او فرزندی نصیب شود که شیطان نتواند به وی زیان رساند».

۳۲۷۲- «وقتی که کناره قرص خورشید ظاهر شود، نماز (صبح) را ترک کنید تا آنکه تمام قرص خورشید ظاهر شود، و چون کناره پایین قرص خورشید فرود می رود نماز را ترک کنید تا آنکه تمام آن ناپدید شود».

۳۲۷۳- «اگر چیزی از جلوی روی شما بگذرد و شما در حال نماز باشید، باید او را منع کنید، و اگر قبول نکند باید او را منع کنید و اگر باز قبول نکند با وی مقاتله کنید؛ زیرا وی (همچون) شیطان است».

۳۲۷۵- شیطان به ابوهیره رض برای رهایش گفت: آنگاه که در بستر خواب خود قرار می گیری آیت الکرسی را بخوان پس از جانب خدا، نگهبانی از تو نگهبانی می کند و شیطان تا صبح به تو نزدیک نمی شود. پیامبر (ص) فرمود: «وی به تو راست گفته و او خود دروغگوی است، و او شیطان بوده است».

۳۲۷۷- «زمانی که ماه رمضان فرا می رسد، دروازه های بهشت گشوده می شود و دروازه های دوزخ بسته می شود و شیاطین به زنجیر کشیده می شوند».

۳۲۸۰- «چون تاریکی شب فرا رسد، کودکان خویش را از برآمدن از خانه بازدارید، زیرا که شیاطین در این هنگام پراکنده می شوند، و چون ساعتی از

شب بگذرد، کودکان را آزاد بگذارید و دروازه خانه را ببندید و نام خدا را یاد کنید و چراغ را خاموش کنید و نام خداوند را یاد کنید، و دهان مشک خویش را ببندید و بر ظروف خویش سرپوشی بگذارید و نام خداوند را یاد کنید، هرچند سرپوش کوچکی باشد، آنرا بر عرض بگذارید».

۳۲۸۲- «همانا من کلمه را می دانم که اگر بگوید (شخص خشمگین) خشم وی فرو می نشیند. اگر بگوید: اعوذ بالله من الشیطان خشم وی از بین می رود».

۳۲۸۵- «... و اگر کسی نمی داند که سه رکعت نماز گذارده یا چهار رکعت، دو سجده سهو کند».

۳۲۸۹- «خمیازه کشیدن از تصرفات شیطان است. اگر کسی از شما خمیازه می کشد، باید تا حد امکان آنرا دور کند. و چون یکی از شما (در حالت خمیازه) بگوید: ها. شیطان می خندد».

۳۲۹۱- از پیامبر (ص) در مورد مردی سؤال کردم که در حال نماز به این سو و آن سو می نگرد، فرمود: «آن ربودنی است که شیطان از نماز هریک از شما می رباید».

۳۲۹۲- «دیدن خواب خوب از جانب خداوند است، و دیدن خواب بد از سوی شیطان است. اگر کسی از شما خواب بد و پریشان ببیند که از آن بترسد، به جانب چپ خویش تف بیفکند و از شر آن به خداوند پناه جوید، در آن حالت به وی زیانی نمی رسد».

۳۲۹۳- «کسی که در روزی صد بار بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ

الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>(۱)</sup>. - و کسی عملی بهتر از آنچه وی آورده است نیارد، به جز کسی که از این بیشتر عمل کرده است». آن دعا را بیشتر خوانده است.

۳۲۹۶- ابوسعید خدری رض: همانا تورا می بینم که گوسفندان و صحرا را دوست می داری. پس آنگاه که در میان گوسفندان خویش در صحرا می باشی، به نماز اذان بگویی، و آواز خود را در اذان بلند کن، و همانا (آواز مؤذن تا دور دست ترین جایی که می رسد، جن و انس و هر چیز که می شنود، در روز قیامت بدان شهادت می دهد). ابوسعید گفت: من آنرا از رسول خدا (ص) شنیده ام.

۳۲۹۷- «مارها را بکشید، ماری را که بر پشت خود دو خط سفید دارد بکشید، مار دُم کوتاه یا بی دم را بکشید، زیرا این دو نوع مار بینایی چشم را از میان می برند و جنین زن آبستن را سقط می کنند».

۳۲۹۸- ابوالبابه: سپس آنحضرت از کشتن مارهای خانگی منع کرده است<sup>(۲)</sup>.  
۳۳۰۰- «نزدیک است زمانی فرا رسد که بهترین مال مسلمان، گوسفندانی باشد که با آن به قله های کوه ها و جایگاه های فرود آمدن باران (وادی ها و صحراها) می رود و برای دینش از فتنه ها به آنجا پناه می برد».

۳۳۰۱- «... و آرامش و بردباری از خصوصیات گوسفندداران است».

۳۳۰۳- «چون آواز خروس را بشنوید، از خداوند طلب رحمت کنید، زیرا خروس فرشته را دیده است و چون آواز خر را بشنوید به خدا پناه جوید، زیرا خر

---

۱- ترجمه: «نیست معبودی برحق به جز خدا، یکتاست که او را شریکی نیست. او راست پادشاهی

و اوست سزاوار ستایش و اوست بر هر چیز توانا».

۲- این مارها را نظر به درازی عمرشان عوامر می گویند.

شیطان را دیده است».

۳۳۰۶- عایشه رض: پیامبر(ص) در مورد وَزَغ (مارمولک یا چهل پاسه) گفت: «تبهکار است». و نشنیدم که به کشتن آن امر کرده باشد. و سعد گفته که پیامبر(ص) به کشتن آن امر کرده است.

۳۳۱۴- «پنج نوع تبهکار اند که اگر در حرم هم باشند کشته شوند: موش، عقرب، زَغْن، زاغ، و سگ گزنده».

۳۳۱۵- «پنج نوع جانور اند که اگر کسی مُحْرِم باشد و آنها را بکشد بر او گناهی نیست: عقرب، موش، سگ گزنده، زاغ و زغن».

۳۳۱۸- «زنی بدان سبب در آتش دوزخ درآمد که گربه‌ای را در بند نگه داشته بود، نه آنرا غذا داده بود و نه هم گذاشته بود که از حشرات زمین چیزی بخورد».

۳۳۱۹- «یکی از پیامبران در زیر درختی فرود آمد و او را موری گزید. دستور داد که اسباب و لوازم را از زیر درخت بیرون آورند و چنان کردند سپس امر کرد که خانه مور را بسوزانند» خداوند به وی وحی فرو آورد که (تو چرا یک مور را نسوختندی؟)».

۳۳۲۱- «زنی زناکار آمرزیده شد. وی به سگی گذشت که بر سر چاه از فرط تشنگی زبانش برآمده بود. گفت: تشنگی آنرا می کشد. وی کفش خود را بیرون آورد و آنرا با روی سری خود بست و در آن برای سگ از چاه آب کشید، و با این عمل خود آمرزیده شد.

۳۳۲۴- «کسی که سگ نگه می‌دارد، از عمل حسنه‌اش روزانه یک قیراط می‌کاهد، به جز سگی که برای محافظه کشاورزی یا محافظه مواشی نگهداری می‌شود».



# جلد چهارم





۳۳۲۸- آیا بر زنی که خواب جماع می بیند، غسل واجب می گردد؟ آنحضرت فرمود: «آری، اگر آب (منی) را ببیند». ام سلمه خندید و گفت: آیا زن هم آب منی دارد؟ پیامبر (ص) فرمود: «پس به چه چیز فرزندش به وی مشابهت دارد؟».

۳۳۳۱- «با زنان به نیکویی رفتار کنید، همانا زن از استخوان پهلو که کج است آفریده شده است، و کج ترین استخوان پهلو، بخش بالایی آن است که اگر بخواهی راستش گردانی، آنرا می شکنی و اگر بدان حالت بگذاری، همیشه کج می باشد، پس شما را به نیکویی با زنان سفارش می کنم».

۳۳۷۰- یا رسول الله! چگونه بر شما اهل بیت درود فرستاده شود. آنحضرت فرمود: بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ ... إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (یعنی درودی که در نماز بعد تشهد خوانده می شود).

۳۳۷۴- بزرگترین و گرامی ترین مردم کیست؟ آنحضرت فرمود: «بزرگترین و گرامی ترین ایشان پرهیزگارترین ایشان است».

۳۳۸۰- «در مساکن کسانی که به خویشتن ستم کرده اند داخل نشوید مگر آنکه گریان باشید (از بیم آنکه) برسد بر شما چیزی که به ایشان رسیده است».

۳۳۸۳- گرامی ترین مردم کیست؟ آنحضرت فرمود: «پرهیزگارترین ایشان به خداوند».

۳۳۹۴- «شبی که مرا به آسمان بردند، برای من دو ظرف آورده شد که در یکی شیر و در دیگری شراب بود. جبرئیل به من گفت: از هر کدام که می خواهی

---

\* شکرگذاری و حسن ادب در زنان، سبب صلاح منزل و سعادت است و موجب مزید نعمت و برکت. برخلاف کفران که موجب خرابی و فسادخانه است.

بنوش. من شیر را گرفتم و نوشیدم. پس گفته شد: تو فطرت (یعنی دین اسلام) را گرفتی و آگاه باش که اگر شراب را می‌گرفتی، امت تو گمراه می‌شد».

۳۳۹۷- «من نسبت به ایشان (یهود) به موسی نزدیکترم» آنحضرت، آن روز (دهم محرم یا عاشورا) را روزه گرفت و به روزه گرفتن آن امر کرد.

۳۴۱۹- «... در هر ماه سه روز روزه بگیر و آن روزه تمام سال است...».

۳۴۲۰- «محبوب‌ترین روزه نزد خداوند روزه داود است. وی یک روز روزه می‌گرفت و یک روز می‌خورد و محبوب‌ترین نماز نزد خداوند نماز داود است: نیم اول شب را می‌خوابید و سوم حصه از شب را به نماز می‌ایستاد و باز ششم حصه از شب را می‌خوابید».

خداوند می‌فرماید: «ستم می‌کنند (از شرکاً) بعضی ایشان بر بعضی، مگر آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و اندک اند ایشان...» [ص: ۲۴].

۳۴۲۵- «در هر جایی که تورا نماز دریابد در آن نماز بگذار، و تمام زمین تورا مسجد است».

۳۴۲۷- فرموده‌ی خدای تعالی: «... هر که شکر کند (خدا را) پس جز این نیست که شکر می‌کند برای نفس خود و هر که ناسپاسی کند پس هر آینه خدا بی‌نیاز ستوده کار است. و یاد کن چون گفت لقمان به پسر خود در حالیکه پند می‌داد آن پسر را، ای پسرک من! شریک مقرر مکن با خدا، هر آینه شرک ستمی بزرگ است. و حکم فرمودیم آدمی را به نسب پدر و مادر وی، او را مادر وی در شکم برداشته است در حال سستی بر سستی و از شیر باز کردن او در دو

---

\* اندک کسی از بندگان من شکرگذار است. (قرآن)

\* «کردار شایسته کنید هر آینه من به آنچه می‌کنید بینام». (قرآن)

\* زیانکار شد آنکه بهتان بست. (قرآن)

سال است که شکرگذاری کن مرا و پدر و مادر خودرا، بازگشت به سوی من است. و اگر (پدر و مادر تو) بکوشند که بر من شریک بیاوری، آنچه تورا بدان دانش نیست، از ایشان اطاعت نکن، و در زندگی دنیا با ایشان مصاحبت کن، به وجهی پسندیده، و راه کسی را پیروی کن که به سوی من رجوع دارد، پس خبر دهم شما را به آنچه می کردید. گفت لقمان: ای پسرک من! اگر (کردار آدمی) به وزن دانه خردل (کوچک) باشد و آن در میان سنگ باشد یا در آسمانها یا در زمین خداوند آنرا حاضر کند (و بر آن حساب کند) هرآینه خداوند باریک بین خبردار است. ای پسرک من! برپا دار نماز را و بفرمای به کار پسندیده، و منع کن از ناپسندیده و صبر کن بر هرچه برسد به تو، هرآینه آنچه فرموده شد از واجبات امور است. و از مردم روی مگردان، و در زمین خرامان راه مرو... هرآینه خدا دوست نمی دارد هر نازنده خودستاینده را» [لقمان: ۱۲ - ۱۸].

یعنی: روی خودرا برنگردان.

۳۴۲۸- «کسانی که ایمان آوردند و نیامیختند ایمان خودرا به ظلم (شرک)» [الأنعام: ۸۲].

«شریک مقرر مکن با خدا، هرآینه شرک ظلمی بزرگ است» [لقمان: ۱۳].

۳۴۳۵- «هر که گواهی دهد که (ترجمه): نیست معبودی برحق به جز خدا، یکتا است و اورا شریکی نیست و محمد بنده و فرستاده اوست و اینکه عیسی بنده خدا و رسول اوست و کلمه وی که انداخت اورا به سوی مریم و روحی است کائن از امر وی و آنکه بهشت حق است و دوزخ حق است. خداوند اورا بر حسب اعمال (حسنه اش ولو اندک باشد) به بهشت درمی آورد.»

۳۴۴۴- «عیسی بن مریم مردی را دید که دزدی می کند، به وی گفت: آیا دزدی

کردی؟ وی گفت: نی نی، سوگند به ذاتی که نیست جز او معبود برحق. عیسی ع گفت: به خدا ایمان دارم (که تو سوگند یاد کردی؟) و چشم خود را تکذیب می کنم».

۳۴۵۰- «آنگاه که دجال خروج کند، با وی آب و آتش است و اما مردم آنچه را می بینند که آتش است، آن آب سرد است، و اما آنچه را می بینند که آب سرد است، آن آتش است که می سوزاند، و چون کسی از شما آنرا دریابد، باید خود را در آنچه آتش می بیند، بیفکند. همانا آن آب سرد شیرین است».

۳۴۵۱- «مردی که از مردم قبل از شما بود فرشته ای آمد که روح او را قبض کند. به وی گفته شد: آیا کار نیکی کرده ای؟ گفت: نمی دانم. به او گفته شد: بنگر. گفت: من چیزی نمی دانم به جز آنکه وقتی در دنیا با مردم معامله می کردم از ایشان حق خود را می طلبیدم، به توانگر مهلت می دادم و از نادار می گذشتم، (به او می بخشیدم). سپس خداوند او را به بهشت درآورد».

۳۴۵۶- «همانا شما وجب به وجب و دست به دست از راه و روش کسانی پیروی می کنید که قبل از شما بودند تا آنکه اگر ایشان به سوراخ سوسمار درآمده باشند، شما نیز در آن سوراخ می درآید».

ما گفتیم: یا رسول الله! مراد (پیروی) از یهود و نصاری است؟ فرمود: «پس کیست؟».

۳۴۵۷- وی (عایشه رض) عمل مردی را (که به هنگام نماز) دست خویش را بر پهلوی خود می گرفت، مکروه می دانست و می گفت: همانا یهود چنین می کند.

۳۴۶۱- «از من به مردم برسانید هر چند آیتی (از قرآن یا حرفی از من) باشد و قصه های بنی اسرائیل را بگویید و در آن گناهی نیست و کسی که قصداً بر من

دروغ بندد (و بگوید آنچه نگفته‌ام)، جایگاه خود را در آتش دوزخ در نظر بگیرد».

۳۴۶۳- «در میان امتی که قبل از شما بودند مردی را زخمی رسید. بی‌صبری و بی‌تابی کرد، کاردی گرفت و دست خود را قطع کرد، جریان خون قطع نشد تا آنکه وی مرد. خداوند تعالی فرمود: بنده من در کشتن خویش شتاب کرد، پس من بهشت را بر وی حرام گردانیدم».

۳۴۶۷- «در حالی که سگی گرد چاهی می‌گشت و نزدیک بود که تشنگی او را بکشد، ناگاه زنی از زنان زناکار بنی اسرائیل آنرا دید، موزه‌اش را کشید و آن سگ را آب داد. پس خداوند گناهان وی را آمرزید».

۳۴۶۸- پیامبر (ص) از پیوند موی ساختگی به موی اصلی منع می‌کرد.

۳۴۶۹- «همانا در میان امت‌های که قبل از شما گذشته‌اند محدثون بودند و همانا اگر در میان امت کسی از محدثون باشد<sup>(۱)</sup> آنکس عمر بن خطاب خواهد بود».

۳۴۷۲- «مردی زمینی را از مردی دیگر خرید، کسی که زمین را خرید در آن سبویی یافت که پر از طلا بود، او به کسی که زمین را از وی خریده بود گفت: طلای خود را از نزد من بگیر، همانا من از تو زمین را خریده بودم و طلا را از تو نخریده بودم. کسی که زمین را فروخته بود گفت: من برای تو زمین و هر چه را در آن است، فروخته‌ام. (طلا را نمی‌گیرم) هر دوی آنها نزد مردی رفتند تا در این قضیه حکم کند. کسی که قضیه را نزد وی برده بودند گفت:

---

۱- محدثون، جمع محدث است، یعنی کسی که سخن حق و صواب بر زبان وی جاری شود، بدون اینکه مقام نبوت داشته باشد.

آیا شما فرزندان‌ی دارید؟ یکی از آنها گفت: من پسری دارم و دیگری گفت: من دختری دارم. وی گفت: پسر را با دختر نکاح کنید و (طلاها را) برای آنها خرج نمایید و بقیه را صدقه بدهید»<sup>(۱)</sup>.

۳۴۷۳- «طاعون نوعی عذاب است که خداوند فرستاده بر کسانی که قبل از شما بودند، پس چون شیوع آنرا در سرزمینی شنیدید، بدانجا نروید، و اگر در سرزمینی شیوع یافت که شما در آنجا هستید، به قصد فرار از آنجا بیرون نروید».

۳۴۷۴- «همانا طاعون عذابی است که خداوند بر هریک از بندگان خود که می‌خواهد می‌فرستد و خداوند آنرا رحمتی بر مؤمنین گردانیده است. کسی که دچار طاعون می‌شود و در شهر خود شکلیا و به امید پاداش خداوند به سر می‌برد و می‌داند که او را مصیبتی به جز آنچه خداوند بر او مقدر کرده است نمی‌رسد، پاداش وی مانند پاداش شهید است».

۳۴۷۵- «همانا خداوند کسانی را که پیش از شما بودند به خاطری هلاک گردانید که اگر از میان ایشان شخصی شریف دزدی می‌کرد او را به حال وی می‌گذاشتند و اگر از میان ایشان شخصی ضعیف دزدی می‌کرد حد را بر وی تطبیق می‌کردند و به خدا سوگند که اگر فاطمه دختر محمد دزدی می‌کرد، دستش را می‌بریدم».

۳۴۸۰- «مردی بود که به مردم قرض می‌داد و به خدمتگار خود می‌گفت: چون نزد کسی رفتی که دست تنگ و نادار است (از طلب قرض) در گذر شاید که خداوند از ما درگذرد. چون خداوند را ملاقات کرد از وی درگذشت».

---

۱- بقیه را بر خود صدقه کنید یا با خرج کردن آن برای آنها ثواب تصدق بگیرید.

۳۴۸۱- «مردی بود که (در ارتکاب گناه) زیاده روی می کرد و چون مرگش فرا رسید به فرزندان خود گفت: هر آنگاه که بمیرم مرا بسوزانید و سپس مرا بسایید و بعد ذرات مرا بر باد دهید. به خدا سوگند، اگر پروردگار من بر من سخت گیرد که مرا عذاب نماید، عذابی خواهد کرد که هیچکسی را نکرده است. چون وی مرد، وصیت را در مورد وی اجرا کردند. خداوند به زمین گفت: هر آنچه از اجزای وی در تو می باشد جمع کن، زمین چنان کرد ناگاه وی ایستاد. خداوند گفت: چی چیز تورا واداشت که چنین کردی؟ گفت: پروردگار! ترس تو، خداوند او را آمرزید».

و یا گفت: (خوف تو، ای پروردگار).

۳۴۸۲- «زنی گربه خود را عذاب کرد، و آنرا در بند نگهداشت تا مرد، وی (به خاطر عذاب کردن گربه) در آتش دوزخ درآمد و چون گربه را در بند نگهداشته بود نه به او غذا داد و نه آب، و نه هم گذاشته بود که از حشرات زمین بخورد».

۳۴۸۳- «همانا آنچه مردم از سخنان پیامبران دریافته اند آن است که اگر حیا نداری، هر آنچه خواهی بکن».

۳۴۹۳- «شما درمی یابید که مردم از طبایع مختلف اند، آنان که در روزگار جاهلیت نیک بودند، در اسلام نیز نیک اند اگر عالم دین شوند، و نیک ترین مردم را در این امر (زعامت جویی) کسانی را می یابید که ناخوش ترین اند در قبول آن».

---

\* فرموده خدای تعالی: «... هر آینه گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما است، هر آنچه خدا دانای خبردار است» [الحجرات: ۱۳].

و فرموده خدای تعالی: «و بترسید از (عذاب) خدایی که از یکدیگر به نام او سوال می کنید و بترسید از قطع خویشاوندی، هر آینه خدا هست نگهدارنده شما» [النساء: ۱].

۳۴۹۴- و بدترین مردم را اشخاص دوروی می‌یابید که نزد گروهی به یک روی می‌آیند و نزد گروهی دیگر به روی دیگر می‌آیند.

۳۵۰۹- «از بزرگترین دروغ‌ها آن است که مردی خود را به غیر از پدر خود نسبت دهد یا به چشم خود بنماید آنچه را ندیده است (خواب دروغ نقل کند) و یا بر پیامبر (ص) سخن نسبت دهد که نگفته است».

۳۵۱۹- «از ما نیست، کسی که در مصیبت سیلی بر رخسار زند و گریبان بدرد و به شیوه اهل جاهلیت فرا خواند. (نوحه سرایی کند و همان کلمات مرسومشان را بر زبان آورد)».

۳۵۳۸- «به نام من نام بگذارید و به کنیت من (ابوالقاسم) کنیت نکنید».

۳۵۴۴- آنحضرت (ص) سفیدچهره بود و موی وی سیاه بود که با تارهای سفید آمیخته شده بود.

۳۵۴۷- آنحضرت (ص) میانه‌قامت بود، نه قامت وی دراز بود و نه کوتاه، رنگ وی گلگون بود، نه مطلق سفید بود و نه مطلق گندم‌گون، موی سر وی نه مطلق پرپیچ بود و نه فقط فروهشته.

۳۵۴۹- پیامبر (ص) نیکو صورت‌ترین و خوش‌قیافه‌ترین مردم بود.

۳۵۵۰- آیا پیامبر (ص) موی خویش را رنگ می‌کرد؟ گفت: (انس) نی، زیرا (اندک) چیزی سفیدی در شقیقه وی بود.

۳۵۵۱- پیامبر (ص) میانه‌قامت و فراخ‌شانه بود و (درازی) موی وی تا نرمه گوش می‌رسید، من آنحضرت را دیدم که حُله سرخ بر تن کرده بود و هرگز چیزی

---

\* فرموده خدای تعالی: «محمد فرستاده خداوند است و آنان که همراه وی اند بر کافران

سختگیر و در میان خود مهربان هستند» [الفتح: ۲۹].



- نیکوتر از وی ندیده‌ام. موی آنحضرت تا دو دوش وی می‌رسید.
- ۳۵۵۲- رخسار پیامبر(ص) همچون ماه (تابان) بود.
- ۳۵۵۹- پیامبر(ص) زشت گوی و زشت گفتار نبود و می‌گفت: «همانا نیکوترین شما، خوش اخلاق‌ترین شما است».
- ۳۵۶۰- پیامبر(ص) میان دو کار مخیر گردانیده نشد، مگر آنکه همان کاری را اختیار می‌کرد که آسان‌تر بود، تا آنگاه که موجب گناه نمی‌بود، و اگر آن کار موجب گناه می‌بود، آنحضرت از دورترین مردم از آن می‌بود. و پیامبر(ص) به خاطر خود از کسی انتقام نمی‌گرفت، مگر آنکه حرمت دین خدا شکسته می‌شد. پس به جهت خدا انتقام می‌گرفت.
- ۳۵۶۲- پیامبر(ص) از دوشیزه‌ای که در پرده است باحیاط‌تر بود.
- چون از چیزی خوشش نمی‌آمد، اثر آن در رخسار وی ظاهر می‌شد.
- ۳۵۶۳- پیامبر(ص) هرگز بر غذایی عیب نمی‌گرفت، اگر بدان میل می‌کرد می‌خورد ورنه آنرا می‌گذاشت.
- ۳۵۶۴- پیامبر(ص) زمانی که سجده می‌کرد، بازوهای خویش را گشاده می‌گذاشت تا آنکه هردو بغل وی را می‌دیدیم.
- ۳۵۶۷- پیامبر(ص) آنگونه سخن بر زبان می‌راند که اگر کسی کلمات آنرا می‌شمرد، می‌توانست بشمارد (یعنی واضح و شمرده سخن می‌گفت).
- ۳۵۶۸- همانا پیامبر(ص) چنان نبود که مانند شما پیاپی و پیوسته سخن بگوید.
- ۳۵۶۹- «چشم من می‌خواهد و دلم نمی‌خواهد».
- ۳۵۸۶- «فتنهٔ مرد را در مورد خانواده و مال و همسایه او، نماز و صدقه و امر به معروف و نهی از منکر می‌پوشاند».
- ۳۵۸۸- (و قیامت برپا نمی‌شود) تا آنکه شما از بهترین مردم کسانی را درمی‌یابید

که از این کار (امارت) سخت روی گردان اند تا آنکه (در اثر اصرار مردم) در این کار افکنده می شوند.

۳۵۸۹- بر یکی از شما زمانی فرا می رسد که دیدار من برای وی دوست داشتنی تر از داشتن مانند خانواده و مال وی باشد.

۳۵۹۵- «اگر عمر تو دراز شود، خواهی دید که زنی هودج نشین، از حیره سفر می کند (تا آنکه به مکه می رسد) و کعبه را طواف می کند و به جز از خدا از کسی ترس ندارد».

۳۵۹۶- «... به تحقیق به خدا سوگند است که از این نمی ترسم که پس از من شرک بیاورید و لیکن از آن می ترسم که به خاطر مال دنیا، باهم حسادت و رقابت کنید».

۳۵۹۷- «... همانا من می بینم که فتنه ها در میان خانه های شما بسان قطره های باران می افتد».

۳۵۹۸- آیا هلاک می شویم، هر چند در میان ما نیکوکاران باشد؟ فرمود: «آری، آنگاه که فسق و فجور زیاد شود».

۳۶۰۰- «بر مردم زمانی فرا می رسد که در آن بهترین مال مسلمان، گوسفندان وی است که آنها را بر سر کوه ها و جاهای ریزش باران می برد تا دین خود را از فتنه ها برهاند».

۳۶۰۱- «زود باشد که فتنه هایی فرا رسد که نشسته در آن بهتر است از ایستاده و ایستاده در آن بهتر است از رونده و رونده در آن بهتر است از دونده و کسی که بدان فتنه ها برسد به ضرر می افتد و کسی که پناهگاهی یابد، باید بدان پناه برد».

۳۶۰۲- «در میان نمازها، نمازی است که اگر کسی آنرا فوت کند چنان است که

گویا خانواده و مال خویش را از دست داده است»<sup>(۱)</sup>.

۳۶۰۳- «زود باشد که دیگران بر شما برتری داده شوند و اموری که آنرا ناخوش می‌دارید». گفتند یا رسول الله! (در آن حالت) به ما چی امر می‌کنی؟ فرمود: «حقی را که بر شما است ادا کنید، و حقی را که از شما بر ایشان است، از خدا بخواهید».

۳۶۰۴- «این شاخه از قبیله قریش مردم را هلاک می‌کند». گفتند: یا رسول الله! بر ما چه امر می‌کنی؟ فرمود: «بهتر آن است که مردم از ایشان گوشه‌گیری کنند».

۳۶۲۸- «همانا مردم زیاد می‌شوند و انصار کم می‌شوند، تا آنکه در میان مردم به منزله نمک در طعام می‌باشند. پس اگر کسی از شما در امری والی شود که بتواند قومی را نفع و قومی را زیان برساند، باید از نیکوکارشان نیکی بپذیرد و از بدکردارشان درگذرد».

۳۶۴۱- «گروهی از امت من همیشه هستند که جهت اجرای احکام خدا ایستاده‌اند، ایشان را زیان نمی‌رساند کسی که آنها را فرو گذارد و نه هم کسی که با آنها مخالفت ورزد تا آنکه امر خدا برایشان بیاید (یعنی قیامت) و آنها بر همان منوال باشند».

۳۶۴۲- پیامبر (ص) به وی (عروه) یک دینار داد تا به آنحضرت گوسفندی بخرد. عروه با یک دینار به آنحضرت دو گوسفند خرید و یکی از آن گوسفندان را به یک دینار فروخت و با یک گوسفند و یک دینار نزد آنحضرت آمد،

---

۱- گفته‌اند که مراد از آن نماز عصر است.

\* در جنگ به کاربردن حيله و نیرنگ رواست و اگر کسی قصد و نیت خود را پنهان دارد گنهکار نمی‌شود.

آنحضرت در امر خرید و فروش وی دعای برکت کرد و چنان بود که اگر خاک می خرید، فایده می کرد<sup>(۱)</sup>.

۳۶۵۰- نمی دانم که آنحضرت پس از قرن خود، دو قرن را یاد کرد یا سه قرن را «سپس پس از شما گروهی می آیند که گواهی دهند و طلب گواهی کرده نشوند (سزاوار گواهی نباشند) و خیانت می کنند و امین گرفته نمی شوند و پیمان می کنند ولی وفا نمی نمایند و در ایشان (به خاطر لذات دنیوی یا پر خوری) فربهی ظاهر می شود».

۳۶۵۱- «بهترین مردم، مردم قرن من اند، سپس کسانی که از پس ایشان می آیند، سپس کسانی که از پس ایشان می آیند، سپس قومی می آید که گواهی هریک بر سوگند وی پیشی می گیرد و سوگند وی بر شهادت وی پیشی می گیرد»<sup>(۲)</sup>.

۳۶۶۵- «کسی که جامه خود را از روی تکبر بکشد (دراز گرداند) خداوند در روز قیامت به سوی وی نمی نگرد».

۳۶۷۱- به پدر خود (علی بن ابی طالب) گفتم: کدامیک از مردم بعد از رسول الله (ص) بهتر است؟ گفت: ابوبکر. گفتم: پس از آن کیست؟ گفت: پس از آن عمر. ترسیدم که (بار دیگر پرسم) بگوید: عثمان. گفتم: پس از آن تو بهتری؟ گفت: من نیستم به جز مردی از مسلمانان.

۳۶۸۸- «تو با کسی خواهی بود که او را دوست می داری».

۳۷۰۵- «آیا شما را به چیزی بهتر از آنچه خواسته اید خبر ندهم، چون به خوابگاه

---

۱- امام ابوحنیفه و امام مالک به همین حدیث تمسک کرده و به صحت (بیع فضولی) نظر داده اند.

۲- یعنی دروغ به حدی شایع خواهد شد که شاهدان بعد از ادای شهادت سوگند می خورند و گاه پیش از شهادت سوگند می خورند.

خویش درمی آید، سی و چهار بار - الله اکبر - و سی و سه بار سبحان الله - و سی و سه بار الحمد لله - بگوئید، این برای شما بهتر است از (تقاضای) خدمتگار. (یعنی داشتن یک خدمتگار که خطاب به فاطمه ل بود).

۳۷۱۰- هرگاه خشک سالی ای می آمد، عمر  $\tau$  به وسیله عباس بن عبدالمطلب طلب باران می کرد و می گفت: بار الها! همانا ما به وسیله پیامبران به تو توسل می کردیم و تو ما را باران می دادی و همانا حالا به عموی پیامبران به تو توسل می کنیم، پس ما را باران بده.  
(انس می گوید: باران داده می شدند<sup>(۱)</sup>.)

۳۷۵۹- «همانا نزد من دوست ترین کسی از میان شما، نیک اخلاق ترین شماست».

۳۷۸۱- «مهمانی ازدواج را برگزار کن ولو به گوسفندی باشد».

۳۷۸۴- «نشانه ایمان دوستی انصار و نشانه نفاق دشمنی انصار است».

۳۷۹۸- فرموده خدای تعالی: «و هر چند در خودشان احتیاجی (مبرم) باشد، آنها را بر خودشان مقدم می دارند و هر کسی از خست نفس خود مصون ماند، ایشانند که رستگاراند» [الحشر: ۹].

۳۸۱۴- تو در سرزمینی هستی که گرفتن ربا (سود) در آن شایع است، اگر تو را بر ذمه مردی طلبی باشد و او (به خاطر طلب تو) برای تو با سرکاه یا بار جو یا بار علف هدیه فرستد، آنرا نگیری که آن ربا است.

---

۱- این حدیث به ما می رساند که کسی می تواند از شخص زنده بخواهد که خداوند را برای وی دعا کند نه مرده را و حتی اگر مرده پیامبر باشد.

\* بیت به سه معنی است: بیت نسب، که آن اهل بیت بنی هاشم و عبدالمطلب است، بیت سکنی، که مراد از آن همسران آنحضرت است و بیت ولادت که مراد اولاد آنحضرت است. (برخی از علما گفته اند).

۳۸۳۶- «کسی که سوگند یاد می کند، باید به جز با نام خدا سوگند یاد نکند».

۳۸۵۰- خصلت های جاهلیت طعنه زدن در نسب مردم، نوحه کردن و علت باران را

به حرکات ستارگان نسبت دادن است.

۳۸۷۵- «همانا در نماز مشغولیتی است».

(اگر کسی در نماز بر تو سلام کند) تو چه می کنی؟ گفت: در دل خود جواب

سلام را می دهم.

۳۸۹۲- «بیایید و به من بیعت کنید بر اینکه به خداوند چیزی شریک نیاورید، و

دزدی نکنید و زنا نکنید و فرزندان خویش را نکشید، و دروغی نگویند که از

پیش خود بهتان بزنید و در امر معروف مرا نافرمانی نکنید. کسی از شما که

(آنچه را گفتم) به جا آورد، پاداش وی با خداست و کسی که مرتکب چیزی

از این منهیات شد و در دنیا به مجازات رسید، همان مجازات جبران اوست، و

کسی که مرتکب چیزی از این منهیات شد و خداوند گناه او را پوشانید

سروکارش با خداست. اگر بخواهد او را عذاب می کند و اگر بخواهد از وی

درمی گذرد».

---

\* ابوطلحه، شوهر ام سلیم، مادر انس بن مالک بود. چون ابوطلحه او را خواستگاری کرد، ام سلیم

گفت: تو مردی نیستی که زنی تو را رد نماید، لیکن تو کافری و من مسلمان. اگر مسلمان

شوی، تو را قبول می کنم و اسلامیت تو مهر من باشد چیزی دیگری نمی خواهم. وی مسلمان

شد، ثابت گفت: نشنیدم زنی را که مهر او گرامی تر باشد، جز ام سلیم.

\* «اگر فضیلت هجرت نمی بود، من خود را مردی از انصار می شمردم».

\* دو ثلث دین خود (یعنی احکام شرعی) را از این حُمیرا (عایشه رض) بگیری.

\* مناقب زید بن حارثه غلام آزادشده پیامبر(ص): «تو برادر ما و دوست ما می باشی».

\* بعد از توبه عفو است.

۳۸۹۳- با آنحضرت بیعت کردیم بر اینکه به خدا چیزی شریک نیاوریم، و دزدی نکنیم و زنا نکنیم، و کسی را که خداوند کشتن او را حرام کرده است نکشیم، مگر به حق، و غارت نکنیم و نافرمانی نکنیم (در آن صورت) به درآمدن بهشت (بیعت کردیم) اگر به فرموده آنحضرت عمل کنیم، و اگر مرتکب چیزی از این گناهان شویم حکم آن مفوض به خداوند است (که عفو می کند یا جزا می دهد).

۳۸۹۸- «کارها به نیت است، کسی که هجرتش برای دنیا است که آنرا دریابد و یا برای ازدواج با زنی است، بهره هجرتش همان است که به خاطر آن هجرت کرده است و کسی که هجرت وی به خاطر خدا و رسول اوست، پس هجرتش برای خدا و رسول اوست.

۳۹۰۵- ابن دَعْنَه شامگاه نزد بزرگان قریش رفت و به ایشان گفت:

همانا کسی چون ابوبکر بیرون نمی رود و بیرون کرده نمی شود، آیا مردی را بیرون می کنید که تهیدستان را کمک می کند، و صلّه رحم به جا می آورد و درماندگان را دلجویی می کند و میهمان نوازی می نماید و مصیبت زدگان را معاونت می کند.

۳۹۱۲- عمر بن خطاب برای مهاجرین اولین چهارهزار درهم (از بیت المال) در چهار (قسط یا فصل سال) سهمیه تعیین کرد، و برای (پسر خود) ابن عمر، سه هزار و پانصد درهم سهمیه تعیین کرد. به او گفته شد: وی از مهاجرین است. پس چرا از چهارهزار کمتر سهمیه تعیین کردی؟ وی گفت: او به پدر و مادر او به مهاجرت آورده اند است. می گفت: وی مانند کسی نیست که به خودی

---

\* مذهب اهل سنت و جماعت آنست که توبه قاتل مسلمان که عمداً کشته باشد مقبول است.

خود مهاجرت کرده باشد.

۳۹۲۲- بادیه‌نشین نزد پیامبر(ص) آمد و در بارهٔ هجرت از آنحضرت سوال کرد. فرمود: «خدا بر تو رحم کند، همانا مسئلهٔ هجرت بسیار دشوار است، آیا شترانی داری». بادیه‌نشین گفت: آری، آنحضرت فرمود: «آیا زکات آنرا می‌دهی؟ گفت: آری. فرمود: «آیا شیر آنرا به نیازمندان می‌دهی؟» گفت: آری، فرمود: «روزی که آنها را به آبخورگاه می‌بری (برای نیازمندان) می‌دوشی؟» گفت: آری. آنحضرت فرمود: «همینگونه از ماورای دریاها عمل کن، همانا خداوند هرگز از ثواب عمل تو چیزی نمی‌کاهد». (نیازی به هجرت نیست).

۳۹۲۹- «... به خدا سوگند من که فرستادهٔ خداوندم، نمی‌دانم که با من چه خواهد شد».

ام العلاء گفت: به خدا سوگند پس از آن هیچیکی را تزکیه نمی‌کنم.

۳۹۳۶- من توانگرم و از من به جز یگانه دخترم میراث نمی‌برد. آیا دو سوم مال خود را صدقه کنم؟ آنحضرت(ص) فرمود: «نی» فرمود: «سوم حصه» «ای سعد، و سوم حصه زیاد است، همانا اگر تو فرزندان خود را توانگر بگذاری، بهتر از آن است که فقیر بگذاری که پیش مردم دست دراز کنند».

(اگر وارثین خود را بگذاری، و تو دهندهٔ نفقه‌ای نیستی که بدان رضای خدا را می‌جویی مگر آنکه پاداش آن با خدا است، تا آنکه لقمه‌ای را که در دهان زن خود می‌نهی).

۳۹۳۹ و ۳۹۴۰- «چیزی که (در بیع نقدینه) دست به دست باشد در آن باکی نیست و اگر به نسیه باشد، درست نیست».

۳۹۴۲- پیامبر(ص) که وارد مدینه شد، ناگاه دید که بعضی از مردم یهود عاشورا (دههٔ محرم) را تجلیل می‌کنند و در آن روزه می‌گیرند، پیامبر(ص) فرمود: ما



به روزه گرفتن آن روز سزاوارتریم و (دستور داد که (عاشورا را) روزه بگیریم)».

۳۹۷۸- «به تحقیق که مرده نسبت گریه خانواده‌اش بر وی، در قبر خود عذاب می‌شود».

(مرده به خطاها و گناهان خویش عذاب می‌شود، در حالیکه همین اکنون خانواده‌اش بر وی می‌گرید).

۴۰۰۶- «نفقه کردن مرد بر زن و فرزندش صدقه است».

۴۰۱۵- «خوش باشید و بدانچه شما را شادمان می‌کند امیدوار باشید، به خدا سوگند، که از فقر شما نمی‌ترسم و لیکن از آن می‌ترسم که دنیا بر شما فراخ گردد، چنانکه بر کسانی که قبل از شما بودند فراخ گردیده بود و شما بدان رغبت و زیاده‌روی کنید، چنانکه آنان در آن رغبت و زیاده‌روی کردند و شما را هلاک کند چنانکه آنها را هلاک کرد».

۴۰۴۲- «... ترس از آن ندارم که (پس از من) به شرک روی آورید و لیکن از دنیا بر شما ترس دارم که در زندگی دنیا را به رقابت برخیزند».

۴۰۵۲- «آیا نکاح کردی ای جابر؟» گفتم: آری. فرمود: «چيست، باکره است یا شوهر دیده». گفتم: نی، بلکه شوهر دیده است. فرمود: «چرا با دختری نکاح نکردی که با تو بازی می‌کرد؟» گفتم: یا رسول الله! همانا پدرم در روز احد کشته شد و نه دختر به جای گذاشت که نه خواهر من اند، ناخوش دانستم که دختر بی تجربه همچون آنها را به جمع‌شان بیفزایم، ولی با زنی ازدواج کردم که سر ایشان را شانه کند و از ایشان واریسی نماید. آنحضرت فرمود: «کاری

نیک کردی».

۴۰۷۹- پیامبر(ص) از کشتگان احد، دو نفر را یکجا می کرد و در یک جامه کفن می نمود و سپس می گفت: «کدامیک از ایشان، قرآن را بیشتر فرا گرفته است». و چون به یکی از ایشان اشاره می شد او را پیشتر در قبر می گذاشت. و فرمود: «من در روز قیامت برایشان گواه هستم». و سپس امر کرد که با خون هایشان دفن شوند و برایشان نماز (جنازه) خوانده نشد و غسل داده نشدند<sup>(۱)</sup>.

۴۰۸۵- «... به خدا سوگند از آن نمی ترسم که پس از من مشرک شوید و لیکن از آن می ترسم که در به دست آوردن مال دنیا باهم رقابت نمایید».

۴۰۸۶- نخستین کسی که دو رکعت نماز را به وقت کشتن سنت گردانید خیب بود.

۴۰۹۸- «بار الها! زندگی به جز زندگی آخرت نیست، پس انصار و مهاجرین را مغفرت کن».

۴۱۳۸- در مورد عزل (خودداری از افگندن منی در فرج زن) سوال کردیم. آنحضرت فرمود: «بر شما باکی نیست اگر این کار را نکنید، هر زنده جانی که تا روز قیامت خلقتش مقدر شده باشد، خلق می شود».

---

\* «مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند» [آل عمران: ۱۲۲].

۱- به قول امام مالک و امام شافعی نماز جنازه بر شهید خوانده نشود. از امام احمد دو قول است که مختار عدم خواندن نماز است و به قولی در گذاردن نماز از جهت تعارض ادله مخیر است. نزد حنفیه نماز خواندن بر شهید واجب است به این دلیل که روزی آنحضرت بیرون آمد و بر کشتگان احد نماز گذارد.

\* نماز خوف دو رکعت بوده و اقتدای مفترض به نفل گذار را جایز نمی داند. (احناف)

\* «کسی که قصداً بر من دروغ بندد جایگاه خود را در آتش دوزخ آماده کند».

۴۱۵۹- فدیة احرام: «یک پیمانۀ طعام را میان شش مسکین تقسیم کند یا گوسفندی قربان کند، یا سه روز روزه بگیرد».

۴۱۷۴- زانوی وی (اهبان) درد می‌کرد، و چون سجده می‌کرد در زیر زانوی خود بالش می‌نهاد.

۴۱۹۱- فرمودهٔ خدای تعالی: «و هر کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد (و ناچار شود در احرام سر بترشد) به کفارهٔ (آن باید) روزه‌ای بدارد، یا صدقه‌ای بدهد، یا قربانی بکند» [البقره: ۱۹۶].

۴۱۹۲- پیامبر (ص) مردم را برای دادن صدقه برمی‌انگیخت و از مثله (بریدن گوش و بینی و اندام) منع می‌کرد.

۴۱۹۴- من مردم (غطفان) را از آب مانع شدم در حالی که تشنه بودند، آنحضرت (ص) فرمود: «ای پسر اکوع! بر آنها قدرت یافتی پس عفو شان کن».

۴۲۰۲- «همانا مردی عملی انجام می‌دهد که از دیدگاه مردم عمل اهل بهشت است، در حالی که وی از اهل دوزخ است و همانا مردی عملی انجام می‌دهد که از نظر مردم عملی اهل دوزخ است و او از اهل بهشت است».

۴۲۰۵- «آیا تو را از کلمهٔ آگاه نکنم که گنجی از گنج‌های بهشت است». گفتم: آری یا رسول الله! پدر و مادرم فدایت باد. گفت: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»<sup>(۱)</sup>.

۴۲۱۶- همانا پیامبر (ص) در روز خیبر از مُتعه زنان (نکاح مؤقت) و خوردن گوشت

---

\* قسامه، مشتق از قسم است. یعنی سوگند خورندگان. اگر کسی در محلی کشته شود و مردم محل از کشتن آن انکار و اظهار بی‌خبری کنند، باید پنجاه نفرشان سوگند یاد کنند که او را نکشته‌اند و از آن اطلاعی ندارند - در آن حالت، دولت خونبهای مقتول را به اقارب وی می‌پردازد.

۱- یعنی هیچ توانایی و قدرتی به جز با کمک خداوند میسر نیست.

خر اهلی منع کرده است. و در خوردن گوشت اسپ اجازه داده است.

۴۲۳۴- غلام آنحضرت که مُدعم نامیده می‌شد پالان مرکب پیامبر(ص) را فرود می‌آورد، ناگاه تیری که تیرانداز آن نامعلوم بود بر وی اصابت کرد و آن غلام را از پای درآورد. مردم گفتند: شهادت بر وی گوارا باد. پیامبر(ص) فرمود: «نی، سوگند به ذاتی که نفس من در ید قدرت اوست، همان پارهٔ جامهٔ که در روز خیبر (خلاف استحقاق) از غنایم گرفته بود و آن تقسیم نشد، بر وی شعلهٔ آتش می‌گردد». مردی با شنیدن این سخن از پیامبر(ص) آمد و یک یا دو بند کفش آورد و گفت: همین چیزی است که (خلاف استحقاق) برایم رسیده است. آنحضرت فرمود: «یک بند کفش یا دو بند کفش از آتش است».

۴۲۵۱- «خاله منزلت مادر را دارد».

۴۲۷۹- پیامبر(ص) در سفر روزه گرفت و روزه خورد. پس کسی که خواست (در سفر) روزه گرفت و کسی که خواست، روزه را افطار نمود.

۴۲۸۳- «مسلمان از کافر میراث نمی‌برد و کافر از مسلمان میراث نمی‌برد».

۴۲۸۷- پیامبر(ص) در روز فتح، به کعبه درآمد در حالی که پیرامون خانه (کعبه) ۳۶۰ بت بود. آنحضرت با چوبی که در دست داشت بتان را می‌زد و می‌گفت: «حق آمد و باطل رفت». (حق آمد و باطل آغاز نمی‌شود و واپس نمی‌آید).

۴۲۹۶- «همانا خدا و رسول او فروش شراب را منع کرده است».

۴۲۰۲- «... کسی که قرآن را بیشتر یاد دارد، شما را امامت بدهد».

۴۳۱۳- «... این (مکه) حرام است به خاطر حرام گردانیدن خدا تا به روز قیامت... شکار آن فرار داده نشود و خار آن بریده نشود و گیاه آن برکنده نشود و حلال نیست برداشتن مال افتادهٔ کسی، مگر برای کسی که آنرا بشناساند. به جز از (گیاه) اذخر که آن حلال است».

۴۳۲۶ و ۴۳۲۷- «اگر کسی خود را به غیر از پدر خود نسبت بدهد، در حالی که آنرا می‌داند. پس بهشت بر وی حرام می‌باشد».

۴۳۴۰- «... اطاعت در امر معروف و پسندیده است»<sup>(۱)</sup>.

۴۳۴۱ و ۴۳۴۲- «آسان گیرید و سخت نگیرید و مژده دهید و بیزار نکنید».

۴۳۴۳- «هر آنچه مستی آورد، حرام است».

۴۳۴۴ و ۴۳۴۵- «... با یکدیگر اتفاق کنید».

۴۳۴۷- «... از دعای مظلوم بترس، و همانا میان او و خدا حجابی نیست».

۴۳۵۸- کدام مردم نزد تو دوست‌داشتنی‌ترین است؟ گفت: (آنحضرت (ص)):

«عایشه رض». گفتم از مردان؟ آنحضرت (ص) گفت: «پدرش». گفتم: پس از

وی؟ گفت: «عمر». آنحضرت مردانی را نام گرفت.

۴۳۸۵- «... بر امری که سوگند می‌خورم و سپس چیزی بهتر از آنرا می‌بینم، همان

چیز بهتر را انجام می‌دهم» (و کفارت سوگند را می‌دهم).

۳۴۸۷- «ایمان اینجا است - و با دست خود به سوی یمن اشارت کرد - و جفا و

سنگدلی‌ای در گروه شترانان و کشاورزان است - که مشغول شتران اند (و

توجهی به دین ندارند)».

۴۳۸۸- «مردم یمن نزد شما آمدند، آنها نرم‌دل‌تر و رقیق‌القلب‌تر اند. ایمان در یمن

است و علم در یمن است، و خود بینی و تکبر در شترداران است و آرامش و

---

۱- اطاعت از اولی الامر، در کار غیر حرام و غیر معصیت است.

\* اگر کسی به اندازه استحقاق خود بدون اجازه والی از بیت المال می‌گیرد مجاز است.

\* عمر می‌گفت که اگر حکم را از کتاب خدا بگیریم ما را به اتمام حج و عمره امر می‌کند و

اگر حکم را از سنت پیامبر (ص) بگیریم آنحضرت تا هدی (قربانی) را قربان نکرده، از احرام

بیرون نیامده است.

وقار در گوسفندداران است».

۴۴۰۹- «... به تحقیق اگر وارثان خود را توانگر بگذارى بهتر از آن است که دست نگر باشند. و از مردم گدایی کنند و هر آنچه را که نفقه می کنی و در آن رضایت خدا را می جویی، پاداشی آنرا درمی یابی، تا آنکه لقمه را که در دهان زن خود می نهی». (... هر کاری کنی که بدان رضای خدا را بجویی به درجه و برتری تو می افزاید).

۴۴۱۸- «بخشی از مال خود را برای خود نگهدار و این برای تو بهتر است». فرموده خدای تعالی: «... بی تردید خدا همان توبه پذیر مهربان است. ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و با راستان باشید» [التوبه: ۱۱۸ - ۱۱۹].

۴۴۲۵- «قومی که زنی را بر خویش زمامدار گردانند، هرگز رستگار نخواهند شد». ۴۴۳۱- «مشرکین را از جزیره العرب بیرون کنید و نمایندگان خارجی را همانگونه که من جایزه (هدیه) می دادم هدیه بدهید».

۴۴۵۵ و ۴۴۵۶ و ۴۴۵۷- ابوبکررض، پیامبر(ص) را پس از مرگ وی بوسید. ۴۴۶۱- پیامبر(ص) از خود دینار و درهم و غلام و کنیزی به جا نگذاشت، به جز استر (قاتر) سفیدی که بر آن سوار می شد و سلاح وی و زمین که برای مسافران نیازمند به صدقه گذاشته بود.

۴۴۶۳- آخرین سخنی که (آنحضرت(ص)) بر زبان راند، این بود: «بار الها! به سوی رفیق اعلی».

۴۴۶۷- پیامبر(ص) وفات کرد در حالی ای که زره وی نزد یهودی ای در برابر سی صاع جو گرو بود.

۴۴۷۰- شب قدر در یکی از هفت شب دهه آخر (رمضان) است.

# جلد پنجم





۴۴۷۴- «همانا به تو سوره‌ای می‌آموزانم که عظیم‌ترین سوره‌های قرآن است». (الفاتحه)

آنحضرت فرمود:... و آن سبع المثانی است و قرآن عظیمی است که به من داده شده است.

۴۴۷۵- «وقتی که امام بگویند:... ولا الضالین. شما بگویید: آمین، کسی که قول وی با قول فرشتگان (که آمین می‌گویند) برابر شود، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود».

۴۴۷۷- بزرگترین گناه در نزد خدا کدام است؟ آنحضرت (ص) فرمود: «آنکه به او همتایی بگردانی، در حالی که او تورا آفریده است». گفتم: این (واقعاً) گناهی بزرگ است. پس گفتم: پس از آن کدام (گناه) است؟ فرمود: «اینکه فرزند خود را از ترس آن بکشی که در غذا خوردن با تو شریک شود». گفتم: بعد از آن کدام گناه است؟ فرمود: «اینکه با زن همسایه خود زنا کنی».

۴۴۸۰- «... نخستین نشان قیامت آتشی است که مردم را از مشرق به سوی مغرب می‌راند، و نخستین غذایی که بهشتیان می‌خورند، زیادتی جگر ماهی است، و چون آب (منی) مرد بر آب زن پیشی گیرد فرزند را به مرد مشابه می‌کند و اگر آب زن پیشی گیرد، فرزند را به زن مشابه می‌کند».

۴۴۸۵- پیامبر (ص) فرمود: «اهل کتاب را نه تصدیق کنید و نه تکذیب کنید و بگویید: «ما به خدا و آنچه بر ما نازل شده ایمان آوردیم» (آیه).

---

\* فرموده‌ی خدای تعالی: «اگر پسر آدم دو وادی از طلا می‌داشت در جستجوی سوم آن برمی‌آمد و اگر سه وادی می‌داشت در جستجوی وادی چهارم آن می‌شد و شکم پسر آدم را به جز خاک پر نمی‌کند، و کسی که توبه کرد، خداوند توبه‌اش را پذیرفت».

۴۵۰۱- «کسی که بخواهد (عاشورا را) روزه بگیرد و کسی که نخواهد نگیرد».  
۴۵۲۳- «خوارترین کسان نزد خداوند کسی است که سخت ترین نزاع کننده است».

۴۵۳۱- [البقره: ۲۴۰]: «و آنان که از جمله شما بمیرند و از خود زنانی باقی گذارند، وصیت نمایند تا به زنان شان برای یکسال نفقه بدهند و از منزل شوهر اخراج نگردند و اگر زنان، خودشان خارج شوند بر شما گناهی نیست در آنچه که ایشان در حق خود از کار پسندیده تصمیم می گیرند و خداوند غالب باحکمت است».

فرموده خدای تعالی: «از منزل شوهر اخراج نگردند و اگر زنان خودشان خارج شوند بر شما گناهی نیست».

اگر زن بخواهد در نزد اولیای شوهر مرده اش عدت نگهدارد و مطابق وصیت در آنجا سکونت نماید و اگر بخواهد از آنجا بیرون آید نظر به فرموده خدای

---

\* در قتل عمد حکم خدا قصاص است، ولی قبول خونبها به اختیار ولی مقتول است که اگر بخواهد دیت می گیرد و عفو می کند و اگر نخواهد قصاص می کند. قصاص به معنی کیفر گناه و عمل متقابله به مثل می باشد.

\* آیه: «هر که بعد از عفو از اندازه درگذرد، او را عذابی (دردناک است) یعنی پس از آنکه (ولی مقتول) دیت را پذیرفت اگر (قاتل را) بکشد».

\* حنفیه گوید: اگر آزاد غلام غیر را بکشد باید کشته شود ولی عده ای از علما می گویند که کشته نمی شود. به مذهب حنفی مدار قصاص بر عصمت خون است. یعنی خون همیشه محفوظ است و مباح نیست و حتی مسلمان به قتل ذمی کشته می شود.

\* «... هر که افزون بر فریضه کار نیکی کند خدا حق شناس و داناست» [البقره: ۱۵۸].

تعالی: «و اگر زنان خودشان خارج شوند، بر شما گناهی نیست».

زن هر کجا که بخواهد عدت خود را نگهدارد، و محل سکونت (فراهم کردن) برای وی واجب نیست. (یعنی اگر کمتر از چهار ماه و ده شب وضع حمل کند، از عدت بیرون می شود).

۴۵۳۲- در باره زنی که حامله است و شوهرش وفات کرده باشد: آیا بر همچو زنی شدت (درازی عدت) را تحمیل می کنید و او را اجازه (سهولت) نمی دهید؟

۴۵۳۴- (آیه): «بر همه نمازها و نماز میانه (عصر) پابندی کنید و برای خدا خاشعانه به پا خیزید». سپس به خاموشی (در نماز) مأمور شدیم.

۴۵۳۹- «مسکین آن نیست که یک یا دو خرما او را بازگرداند و نه اینکه به یک یا دو لقمه (گدایی کند) لیکن مسکین کسی است که از گدایی دوری جوید و اگر می خواهید بخوانید»<sup>(۱)</sup>. یعنی فرموده خداوند را: «از مردم با اصرار

---

\* «... خداوند از آنچه می کنید غافل نیست» [البقره: ۱۴۹].

\* «... در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید» [البقره: ۱۴۸].

\* فرموده خدای تعالی: «و بدینگونه شما را امتی میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید، و پیامبر بر شما گواه باشد» [البقره: ۱۴۳].

\* [البقره: ۱۹۵]: «در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می دارد».

۱- این آیه در شأن اهل صفة نازل شده که از مهاجرین قریش بودند و در صُفّه، مکانی سایه دار در مسجد پیامبر (ص) می زیستند که هیچ وجهی برای معشیت نداشتند و اگر کسی غذای زیادی داشت، به ایشان می آورد، آنها شب قرآن می آموختند و از مصاحبت پیامبر (ص) فیض یاب می شدند و در سریه و غزوات شرکت می کردند.

(چیزی) نمی خواهند».

۴۵۵۲- «اگر قرار باشد که هر آنچه مردم دعوا کنند (بدون ثبوت) بدیشان داده شود، خون‌ها و مال‌های مردم به هدر می‌رود»، (سوگند بر مدعی علیه است).  
(در صورتی که علیه وی شاهدانی نباشد).

۴۵۶۰- پیامبر(ص) وقتی که می‌خواست بر کسی دعای بد کند یا کسی را دعای نیک کند، پس از رکوع نماز، دعا می‌کرد، و بسا اوقات آنگاه که می‌گفت:  
«سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ».

۴۵۶۳- «خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است» [آل عمران: ۱۷۳].

۴۵۶۴- سخن آخر ابراهیم آنگاه که به آتش افکنده شد: «حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»  
خدا بسنده است و نیکو حمایتگری است.

---

\* [آل عمران: ۲۸]: «مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی بگیرند و هر که چنین کند در هیچ چیز (او را) از (دوستی خدا) بهره‌ای نیست مگر آنکه از شر آنها بترسید و به نوعی حذر کنید و خداوند شما را از عقوبت خود می‌ترساند و بازگشت (همه) به سوی خداست».

\* [البقره: ۲۸۱]: «و بترسید از آن روزی که در آن به سوی خدا برگردانده می‌شوید».

\* [البقره: ۲۸۰]: «و اگر طرف معامله شما تنگدست باشد، پس تا (هنگام) گشایش مهلتی (به او بدهید) و (اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد) بخشیدن آن برای شما بهتر است اگر بدانید».

\* [آل عمران: ۱۸۰]: «و نپندارند کسانی که بخل می‌ورزند نسبت بدانچه خداوند از فضل خود بدیشان داده است که آن (بخل) به خیر ایشان است بلکه به زیان ایشان است، به زودی آنچه بدان بخل ورزیده‌اند، روز قیامت طوق گردن‌شان می‌شود، میراث آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خدا به آنچه می‌کنید، آگاه است».

\* مال رونده است (در خیر و صدقه بهتر باشد).

\* [آیه: ۹۲]: «هر گز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید، و از هر چه انفاق کنید قطعاً خدا بدان داناست» [آل عمران: ۹۲].

۴۵۶۸- اگر هر مردی بدانچه به وی (از نعمت‌های دنیوی) داده شده شادمان باشد و دوست داشته باشد، بدانچه نکرده است ستوده شود، (در آخرت) عذاب ببیند، پس ما همگی عذاب خواهیم دید.

[آل عمران: ۱۸۸]: «شادمانی می‌کنند بدانچه کرده‌اند، و دوست دارند، به آنچه نکرده‌اند، مورد ستایش قرار گیرند»<sup>(۱)</sup>.

[آل عمران: ۱۹۰]: «مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه‌هایی (قانع‌کننده) است».

۴۵۶۹- [آل عمران: ۱۹۱]: «آنانکه خدا را (در همه احوال) ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند».

۴۵۷۵- (تفسیر آیه): «آنکس که توانگر است باید (از گرفتن اجرت سرپرستی) خودداری ورزد و هرکس که تهیدست است، باید مطابق عرف (از آن) بخورد». یعنی ولی یتیم اگر فقیر باشد از مال یتیم مطابق عرف، عوض اجرت سرپرستی خود می‌خورد.

---

\* آیه: «و پروردگارت را بسیار یاد کن و شبانگاه و بامدادان (او را) تسبیح گوی».

۱- کسانی که برایشان نعمت دنیوی داده شده و از روی عجب و تفوق بر دیگران شادمانی می‌کنند و دوست می‌دارند که مردم آنان را به صفاتی که فاقد آنند، بستانند.

\* [النساء: ۱۵]: «و از زنان شما، کسانی که مرتکب زنا می‌شوند، چهار تن از میان خود بر آنان گواه گیرید، پس اگر شهادت دادند آن زنان را در خانه‌ها نگهدارید تا مرگ‌شان فرارسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد».

\* [النساء: ۵]: «اموال خود را که خداوند آنرا سبب استقامت معشیت شما قرار داده به بیخردان ندهید».

۴۵۷۷- مرا چه امر می کنی که در مال خود انجام دهم یا رسول الله؟ این آیت نازل شد: «خداوند به شما در بارهٔ فرزندان تان سفارش می کند».

[النساء: ۱۲]: «و نیمی از میراث همسرانتان از آن شما (شوهران) است».

۴۵۷۸- خداوند سهم میراث را برای پسر دوبرابر دختر گردانید و سهم هریک از مادر و پدر را یک ششم و یک سوم گردانید و سهم زن را (اگر میت فرزند داشته باشد) یک هشتم و اگر (میت فرزند نداشته باشد) یک چهارم تعیین نمود. و سهم مرد را (اگر از زنش فرزند نمانده باشد) نیم مال (و اگر فرزند مانده باشد) یک چهارم مال متروکه قرار داد.

[النساء: ۱۹]: «برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه به میراث ببرید و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید از ایشان بازستانید». یعنی با زن قهر و ستم نکنید.

۴۵۹۰- آیه: «هر کس عمداً مؤمنی را بکشد، کیفرش دوزخ است».

[النساء: ۹۴]: «و کسی که بر شما (به نشانهٔ اسلام خود) سلام می کند مگویید که تو مؤمن نیستی».

۴۵۹۵- [النساء: ۹۷]: «هر آینه آنان که فرشتگان قبض ارواح ایشان کردند، در حالی که (به ترک هجرت و ماندن در سرزمین کفر) بر خویشان ستمگار بودند،

\* [آل عمران: ۱۸۶]: «و از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و (نیز) از کسانی که به شرک گراییده‌اند آزار (سخنان دل آزار) بسیاری خواهید شنید».

\* [النساء: ۴۰]: «در حقیقت، خدا هموزن ذره‌ای ستم نمی کند».

\* آیه: «مهر زنان را به خوشدلی و طیب خاطر به آنها بدهید».

\* [النساء: ۶]: «و اموالشان را (یتیمان را)، (از بیم آنکه مبادا) بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید».

فرشتگان به ایشان گفتند: آیا زمین خدا فراخ نبود تا در آن هجرت می کردید».

۴۶۱۰- من نمی دانم که قتل کسی در اسلام روا باشد مگر مردی که زن داشته باشد و زنا کند، یا کسی که بدون قصاص کسی را کشته باشد، یا با خدا و رسول او جنگیده باشد.

۴۶۱۱- «هستند کسانی از بندگان خدا که اگر به خدا سوگند یاد کند، خدا سوگندش را راست می گرداند».

۴۶۱۳- [المائدة: ۸۹]: «خدا شما را به سوگندهای بیهوده تان مؤاخذه نمی کند».

در مورد کسی است که (در هنگام صحبت) می گوید: نی به خدا، و هان به

---

\* امام شافعی مساس زن را با کف دست، ناقض وضو می داند اما امام ابوحنیفه آنرا ناقض وضو نمی شمارد.

\* [النساء: ۱۷۶]: «اگر مردی بمیرد و فرزندی نداشته باشد (کلاله)، و خواهری داشته باشد، نصف میراث از آن اوست. و آن (مرد) نیز از او (خواهر خود) میراث می برد اگر او (خواهر وی) فرزندی نداشته باشد».

\* [النساء: ۱۲۹]: «شما هرگز نمی توانید میان زنان عدالت کنید، هر چند (بر عدالت) حریص باشید، پس به یک طرف یکسره تمایل نورزید تا آن (زن دیگر) را سرگشته (بلا تکلیف) رها کنید».

\* [النساء: ۴۳]: «ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می گوئید و نیز در حال جنابت (وارد نماز نشوید) مگر اینکه راهگذار باشید تا غسل کنید، و اگر بیمارید یا در سفرید یا یکی از شما از قضای حاجت آمده و یا با زنان آمیزش کرده اید و آب نیافته اید. پس بر خاکی پاک تیمم کنید و صورت و دست هایتان را مسح کنید که خدا بخشنده و آمرزنده است».

\* [النساء: ۳۶]: «حقا که خداوند دوست ندارد کسی را که متکبر و خودخواه باشد».

خدا (که بر حسب عادت است، نه نیت قسم).

۴۶۱۴- اگر در امری سوگند خورده باشم و امر بهتری را از آن ببینم، رخصت دادن

خدا را (در کفاره آن) قبول می‌کنم و همان کاری را می‌کنم که بهتر است.

[المائده: ۸۷]: «ای مؤمنان حرام مکنید چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا به شما

حلال کرده است».

۴۶۱۵- [المائده: ۹۰]: «شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه پلید اند (و) از عمل

شیطانند».

۴۶۱۹- ای مردم! به تحقیق که آیت تحریم شراب نازل شده است و شراب از پنج

چیز است: انگور، خرما، عسل، گندم و جو. و شراب (خمر) چیزی است که

عقل را بپوشاند<sup>(۱)</sup>.

۴۶۲۱- «اگر بدانید آنچه من می‌دانم، کم می‌خندید و بسیار می‌گریید».

۴۶۲۷- «علم به (زمان وقوع) قیامت نزد خداوند است و نزول باران، و می‌داند آنچه

در رحم (زنان) است، و کسی نمی‌داند که فردا چه کار می‌کند، و کسی

نمی‌داند که به کدام سرزمین می‌میرد، به تحقیق که خدا دانای آگاه است به

---

۱- هرچه مستی آورد شراب است و هرچه مستی بیاورد، حرام است. امام ابوحنیفه / کلمه (خمر)

را به آب انگور که سخت بجوشد و کف کند اطلاق کرده است و همین خمر را گفته است

که حرام است چه اندک باشد و چه بسیار. چه مستی بیاورد و چه نیاورد. مسکرات دیگر به

سبب مستی آوردن خود حرام است و مانند شراب انگور نجس عین نیست و اندک آن حرام

نیست و کسی که آنرا حلال داند، کافر نمی‌شود، از آنکه حرام بودن آن اجتهاد ظنی است نه

قطعی، خفیه است در یک روایت و غلیظه است در روایت دیگر، و حد واجب است اگر

مستی بیاورد، به خلاف شراب انگور که نجاست آن غلیظ است و کسی که آنرا حلال بداند،

کافر است و به نوشیدن قطره‌ای حد واجب می‌شود.



همه چیز».

۴۶۳۳- [المائده: ۱۵۱]: «به کارهای زشت - چپ علنی آن و چه پوشیده (اش) نزدیک مشوید».

۴۶۳۴- «هیچکی غیرتمندتر از خدا نیست، و این بدان سبب است که او گناهان (چون زنا و غیره) را که آشکار باشد یا پنهان، منع کرد و نزد او محبوب تر از مدح خدا چیزی نیست و به همین سبب است که خداوند، خودش را وصف کرده است».

۴۶۳۹- «(صمغ یا سمارغ خود روی) نوعی از (من)<sup>(۱)</sup> است و آب آن شفای چشم است».

۴۶۴۴- خداوند به پیامبر خود امر کرد که از اخلاق (بد) مردم در برابر خود درگذرد یا چنانکه گفت<sup>(۲)</sup>.

---

۱- (مَنْ وَسَلَوَى) در ترجمه المنجد، شیر خشت و مرغ بریان ترجمه شده است.

۲- از امام جعفر صادق ع روایت است که در قرآن در بیان مکارم اخلاق از این آیت، آیتی جامع تر نیست و این فرموده مبنی بر آن است که مراد معامله با نفس خود است یا به غیر نفس خود. غیر نفس یا عالم است یا جاهل و این همه معاملات در این آیت مندرج است. سرچشمه اخلاق سه گونه است: عقلی است و شهواتی و غضبی. متوسط خلق عقلی حکمت است و از آن امر به معروف ناشی است، متوسط شهوانی عفت است و از آن اخذ عفو ناشی است و متوسط غضبی شجاعت است و از آن اعراض از جاهلان ناشی است.

\* [الأعراف: ۱۹۹]: «گذشت پیشه کن، و به (کار) پسندیده فرمان ده و از نادانان رخ برتاب».

\* آیه: «اگر از شیطان وسوسه‌ای به تو برسد، به خدا پناه بر، زیرا که او شنوای داناست»، «متقیان چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان برسد، (خدا را) به یاد آورند و بناگاه بینا شوند»، «پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس بی صدای بلند در دل خود یاد کن و از غافلان مباش».

۴۶۶۷- به پیامبر (ص) چیزی فرستاده شد و آنحضرت آنرا میان چهار کس تقسیم کرد و گفت: «دل‌هایشان را (به اسلام) متمایل می‌کنم».

۴۶۶۸- ابومسعود رض: آنگاه که به صدقه دادن مأمور می‌شدیم، می‌آوردیم. ابوعقیل نصف صاع (غله) آورد و کسی دیگر زیاده از آن آورد. منافقان گفتند: خداوند از صدقه این شخص (که نصف صاع است) بی‌نیاز است و کسی دیگر. به جز از روی ریاکاری صدقه نداده است. سپس این آیت نازل شد: [التوبه: ۷۹]: «کسانیکه بر رغبت کنندگان مسلمان در دادن صدقات عیب می‌گیرند و از کسانی که (در انفاق) جز به اندازه توانشان (عیب‌جویی)

---

\* [الأعراف: ۵۵]: «پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد».

\* [التوبه: ۶۰]: «کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود».

مجاهد: دل‌هایشان را با هدایا به دست آورد.

\* در مورد اینکه دادن صدقات برای مؤلفه القلوب که در زمان آنحضرت (ص) بدان نیاز بوده آیا پس از زمان آنحضرت (ص) نیز جایز است یا نه، علما اختلاف کرده‌اند.

\* «صدقات تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان (گردآوری و پخش) آن و کسانی است که دلشان به دست آورده می‌شود» [التوبه: ۶۰].

\* روز نحر (دهم ذی حجه) روز حج اکبر است.

\* از اینکه مردم عوام می‌گویند که حج اکبر حجی است که با روز پنجشنبه برابر آید، سندی یافت نشد.

\* «... اگر از (میان) شما یکصد تن شکبیا باشند، بر دو صد تن پیروز گردند» [آیه].

\* یک نفر، خود را از امر به معروف و نهی از منکر از دو نفر باز ندارد.

\* «قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا، کران و لالانی اند که نمی‌اندیشند» [الأنفال: ۲۲].

می کنند».

۴۶۷۴- «... دو مأمور (فرشته) به من گفتند: آن گروه که نیم بدنشان نیکو و نیم بدنشان زشت بود، کسانی بودند که عمل نیک و بد را باهم آمیخته بودند، ولی خداوند از ایشان درگذشت (عفو کرد)<sup>(۱)</sup>».

۴۶۷۶- ... [التوبه: ۱۱۸]: «همانا بخشی از نشانه توبه من آنست که از مال خود دست بردارم و آنرا برای رضای خدا و رسول او صدقه کنم». پیامبر(ص) فرمود: «بخشی از مال خود را برای خود نگهدار و آن برای تو بهتر است».

۴۶۸۲- ابن عباس رض: مردی بود که از جماع کردن با زن خود (در فضای باز) و از قضای حاجت (در فضای باز) می شرمید، پس این آیت نازل شد: [هود: ۵]:

---

\* [التوبه: ۱۰۲]: «و دیگرانی هستند که به گناهان خود اعتراف کرده و کار شایسته را با (کاری) دیگر که بد است در آمیخته‌اند. امید است که خدا توبه آنان را بپذیرد که خدا آمرزنده مهربان است».

۱- همه مؤمنان را شامل می شود که با وجود طاعات مرتکب معاصی می شوند، یعنی عمل نیک را با عمل بد می آمیزند، قریب است که خداوند به آنها توفیق توبه دهد و توبه شان را بپذیرد. \* در کمتر سفری بود که آنحضرت باز می گشت مگر آنکه به وقت چاشت بود، و ابتدا به مسجد می آمد و دو رکعت نماز می گذارد.

\* [التوبه: ۱۱۹]: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و با راستان باشید».

\* این آیت [التوبه: ۱۲۸] جامع دارای شش صفت کمال پیامبر(ص) است که عبارت است از رسالت، و نفاست و عزت و حرص بر رساندن نیکی ها بر امت، در دنیا و آخرت، و رأفت و رحمت.

\* [هود: ۱۱۴]: «در دو طرف روز (اول و آخر آن) و نخستین ساعات شب نماز را برپا دار، زیرا خوبی ها بدی ها را از بین می برد. این برای پندگیرندگان پندی است».

\* [فاطر: ۴۳]: «و فرود نمی آید وبال بدانندیش قبیح، مگر بر اهل او».

«آگاه باش که اینان سینه‌های خود را می‌پیچند».

۴۶۸۴- «خداوند فرموده است: - نفقه کن تا بر تو نفقه کنم - و گفت: - دست خدا پر است و هیچ نفقه‌ای از آن نمی‌کاهد و شب و روز نعمت ارزانی می‌دارد...».

۴۶۸۵- نجوی یعنی (سخنی که میان بندهٔ مسلمان و خداوند در قیامت واقع می‌شود).

«مسلمان نزد پروردگار خود آورده می‌شود، مسلمان نزد پروردگار خود می‌آید، تا آنکه خداوند او را در سایهٔ رحمت خود می‌گیرد و به اقرار گناهانش و امیدارد و (از وی می‌پرسد) آیا چنان گناه خود را می‌شناسی؟ می‌گوید: می‌شناسم، ای پروردگار من! می‌شناسم. (دو بار می‌گوید). پس خداوند می‌گوید: در دنیا (گناهان) تو را پوشیدم و امروز تو را بخشیدم.

۴۶۸۶- «خداوند به ظالم مهلت می‌دهد و آنگاه که او را گرفت، نجاتش نمی‌دهد».

۴۶۸۷- مردی روی زنی بیگانه را بوسید و سپس نزد پیامبر (ص) آمد و موضوع را به آنحضرت گفت: بر آنحضرت این آیه نازل شد: [هود: ۱۱۴]: «و در دو طرف روز (اول و آخر آن) و نخستین ساعات شب نماز را برپا دار، زیرا خوبی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برد». آن مرد گفت: این حکم خاص برای من است؟ فرمود: «نی، برای همه امت من است که با همچو حالتی عمل کنند».

---

\* [یوسف: ۳۳]: «یوسف گفت: پروردگارا! زندان برای من دوست‌داشتنی‌تر است از آنچه مرا به آن می‌خوانند، و اگر نیرنگ آنان را از من بازگردانی به سوی آنان خواهم گرایید و از (جملهٔ) نادانان خواهم شد».

\* [هود: ۸۸]: ترجمه: «توفیق من جز به یاری خدا نیست، بر او توکل کردم و به سوی او باز می‌گردم».

۴۶۸۹- کدام مرد نزد خدا گرامی تر است؟ آنحضرت(ص) فرمود: «گرامی ترین آنها نزد خدا پرهیزگارترین آنهاست». فرمود: «از مردمان با فضیلت عرب از من می پرسید؟» (بهترین شما در دوران جاهلیت بهترین شما در اسلام است اگر عالم باشد).

۴۶۹۰- حدیث عایشه رض همسر پیامبر(ص): پیامبر(ص) (به عایشه رض) گفت: «اگر تو (از آنچه به تو نسبت داده شده) پاک باشی، زود است که خداوند تورا پاک گرداند و اگر گناهی کرده‌ای از خدا آمرزش بخواه و به خدا توبه کن». (عایشه رض گفت: گفتیم: به خدا سوگند که (در وضع خود) مثالی یافته نمی توانم مگر پدر یوسف که گفت: [یوسف: ۱۸]: «اینک صبری نیکو (برای من بهتر است) و بر آنچه توصیف می کنید، خدا یاری دهنده است». و سپس خدا (این آیات را) فرستاد: [النور: ۱۱]: «در حقیقت کسانی که آن بهتان را آوردند، دسته‌ای از شما بودند» ده آیت (در برائت من نازل شد).

۴۷۰۳- «آیا به تو عظیم ترین سوره‌ای را که در قرآن هست تعلیم ندهم...» فرمود: «آن سوره الحمد لله رب العالمین است و آن سبع المثانی است و قرآن عظیم است که به من داده شده است»<sup>(۱)</sup>.

---

\* [الحجر: ۱۸]: «مگر آن کسی که دزدیده گوش فرا دهد که شهابی روشن او را دنبال می کند».

۱- مراد از سبع المثانی، سوره فاتحه (الحمد لله رب العالمین) تا آخر سوره است. بدان سبب (مثانی) گویند که - ثنی - به معنای دعا می باشد و اهل آسمان مانند اهل زمین بدان دعا می کنند و نیز گفته شده که هفت کلمه در آن دو بار آمده چون کلمات الله، رحمن، رحیم، ایاک، الصراط، علیهم وغیر. در قرائت عمر بن خطاب رض - غیر الضالین - است و گفته اند که (مثانی) به خاطری گفته شده که این سوره دو بار نازل شده، باری در مکه و باری در

۴۷۱۷- «فضیلت نماز جماعت بر نماز به تنهایی بیست و پنج درجه است و فرشتگان شب و فرشتگان روز در نماز صبح جمع می‌شوند».

۴۷۱۹- «کسی که هنگام شنیدن اذان بگوید: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ آتٍ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ»<sup>(۱)</sup> شفاعت من در روز قیامت بر وی واجب می‌شود».

۴۷۲۳- این آیت [الإسراء: ۱۱۰] در باره دعا نازل شده است که (نباید دعا را بلند

---

مدینه. و گفته شده که مراد از سبع المثانی، هفت سوره اول قرآن است: البقره، آل عمران، النساء، المائده، الأنعام، الأعراف، الأنفال و التوبه.

\* [الإسراء: ۳۷]: «و در زمین خرامان مرو، هر آینه تو زمین را نخواهی شکافت و نرسی به کوه‌ها در درازی».

\* [الإسراء: ۱۰۰]: «بگو: اگر شما مالک گنجینه‌های رحمت پروردگارم بودید، بازهم از بیم خرج کردن قطعاً امساک می‌ورزیدید، و انسان همواره بخیل است».

\* [الإسراء: ۲۵]: «و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه مانده را (دستگیری کن) و ولخرجی و اسراف مکن».

\* [الإسراء: ۲۷]: «و اگر به امید رحمتی که از پروردگارت جویای آنی، از ایشان روی می‌گردانی، پس با آنان سخنی نرم بگوی».

\* [الإسراء: ۳۵]: «و مرو پی چیزی که بدان علم نداری».

۱- ترجمه: بار الها! پروردگار این دعوت کامل و این نمازی که به پا می‌شود، وسیله (برترین مقام اختصاص یافته در بهشت) و فضیله (برتری بر جهانیان را) به محمد ارزانی کن و مقام ستوده شده‌ای را که به وی وعده کرده‌ای، برایش عطا کن.

\* [الإسراء: ۱۱۰]: «نماز را به آواز بلند مخوان و بسیار آهسته‌اش مکن».

گفت و نه بسیار آهسته).

۴۷۵- ... [النور: ۲۲]: «سرمایه داران و فراخ دولتان شما نباید از دادن (مال) به خویشاوندان و تهیدستان و مهاجران راه خدا دریغ ورزند، و باید عفو کنند و گذشت نمایند، مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشد؟ و خدا آمرزنده مهربان است.»

۴۷۷۴- ابن مسعود: کسی که (چیزی) می داند بگوید، و اگر نمی داند، بگوید که خدا داناتر است، و این از دانش شخص است که چیزی را که نمی داند، بگوید که نمی دانم.

---

\* [الکف: ۲۸]: «و فرمان مبر از آن کسی که دل او را از یاد خویش غافل ساخته ایم و از هوس خود پیروی کرده و کارش از حد گذشته است.»

\* [الکف: ۴۴]: «یاری به خدای حق تعلق دارد. اوست بهترین پاداش و اوست بهترین فرجام.»  
\* [طه: ۱۱۲]: «هر کس کارهای شایسته کند، در حالی که مؤمن باشد، نه از ستمی می هراسد و نه از کاسته شدن حقش.»

\* [طه: ۱۲۴]: «و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسوس می کنیم.»

\* [النور: ۶۱]: «بر شما باکی نیست که باهم بخورید یا پراکنده.»

\* [النور: ۶]: «و کسانی که به همسران خود نسبت زنا می دهند، و جز خودشان گواهانی (دیگر) ندارند، هریک از آنان چهار بار به خدا سوگند یاد کند که او قطعاً از راستگویان است.»

\* [الفرقان: ۷۴]: «به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشن (یا سردی) چشمان ما باشد.» یعنی، در طاعت خدا باشند و برای چشم مؤمن هیچ چیز روشنی بخش تر از آن نیست که دوست خود را در طاعت خدا ببیند. (حسن)

\* [الفرقان: ۷۷]: «بگو پروردگار من به شما اعتنا نمی کند، اگر عبادت شما نباشد.»

\* [الشعراء: ۱۸۴]: «و از آن کسی که شما و خلق (انبوه) گذشته را آفریده است، پروا کنید.»

۴۷۷۷- احسان چیست؟ آنحضرت (ص) فرمود: «احسان آنست که خدای را طوری بپرستی که گویا او را می بینی، اگر بدان حالت نبودی که تو او را بینی، (ایمان داشته باش) که او تو را می بیند».

۴۷۸۱- «هیچ مسلمانی نیست، مگر آنکه از همه مردم در دنیا و آخرت، من به وی سزاوارتر (و نزدیکتر) هستم، اگر می خواهید بخوانید: پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر و (نزدیکتر) است. پس هر یک از مسلمانان که مالی (به میراث) بگذارد، وابستگان وی آنرا وارث می شوند و اگر قرض از خود بگذارد و یا عایله ناتوانی، (پس قرض خواهان و عایله اش) نزد من بیایند، من مولا (کمک کننده و پاسنگوی) وی هستم».

---

\* [الشعراء: ۲۱۴ - ۲۱۵]: «و خویشان نزدیک خود را هشدار ده و بال خود را فرو گستر». و بال خود را فرو گستر، یعنی با ملایمت و نرمش مردم را دعوت کن.

\* [القصص: ۸۸]: «همه چیز نابودشونده است به جز ذات او».

\* [القصص: ۸۷]: «مفهوم وَجْه» «اعمالی که محض برای خدا و رضای حق کرده باشند، باقی و پاینده خواهد بود».

\* [القصص: ۵۶]: «در حقیقت، تو هر که را دوست داری، نمی توانی راهنمایی کنی، لیکن خداست که هر که را بخواهد، راهنمایی می کند».

\* [الروم: ۳۹]: «کسی که به مردی هدیه می دهد و بیشتر از آنچه داده است از وی خواستار می شود، او را در آن ثوابی حاصل نیست».

\* [الروم: ۳۹]: «و آنچه (به قصد) ربا می دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد، نزد خدا فزونی نمی گیرد».

\* [الأحزاب: ۵]: «آنان را به (نام) پدرانشان بخوانید که این نزد خدا عادلانه تر است».

\* [الزمر: ۶۱]: «و خدا کسانی را که تقوی پیشه کردند به (پاس) کارهایی که مایه رستگاریشان بوده نجات می دهد، عذاب به آنان نمی رسد و غمگین نخواهند گردید».



۴۸۲۲- عبدالله بن مسعود رض: این از دانستگی است که چون چیزی را نمی دانی، بگویی خدا داناتر است.

\* [الزمر: ۵۳]: «ای بندگان من که بر خود زیاده روی روا داشته اید، از رحمت خدا نومید نشوید، در حقیقت خدا همه گناهان را می آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است.»  
\* و خداوند می فرماید: «و افراط گران همدمان آتش اند.»

\* [النساء: ۴۲]: «هیچ سخنی را نمی توانند از خدا بپوشند». همانا خدا گناهان مسلمانان مخلص را می بخشد.

\* [النساء: ۹۶]: «و خدا آمرزنده مهربان است.»

\* [فصلت: ۴۰]: «هر چه می خواهید بکنید که او به آنچه انجام می دهید، بیناست.»

\* [فصلت: ۳۴]: «بدی را بدانچه خود بهتر است دفع کن» مراد از (احسن) صبر است به هنگام خشم و عفو است به هنگام بدی، و چون صبر کنند خداوند ایشان را (از شر دشمنان) نگاه می دارد و دشمنان با ایشان فروتنی کنند.

[فصلت: ۳۳]: «چنان است که دشمن دوست نزدیک است.»

[فصلت: ۳۴]: «و نیکی با بدی یکسان نیست (بدی را) به آنچه را خود بهتر است دفع کن، آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد.»

\* «چیزی از شما نمی خواهم) مگر آنکه قرابتی که میان من و شماست آنرا رعایت کنید.»

\* [الزخرف: ۳۶]: «و هر کس از یاد (خدای) رحمان دل بگرداند، بر او شیطانی می گماریم تا برای وی دمسازی باشد.»

\* [الشوری: ۲۳]: «این همان (پاداشی) است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند (بدان) مژده داده است به ازای آن (رسالت) پاداش از شما خواستار نیستم، مگر دوستی با خویشاوندان.»

برخی مراد از (القربی): خویشاوندان) را قرب الهی، یعنی انجام طاعت و عبادت تفسیر کرده اند. برخی اقربای آنحضرت را مراد دانسته اند، چون حضرت علی و فاطمه و فرزندان

۴۸۲۶- پیامبر (ص) فرمود: «خداوند ج می فرماید: پسر آدم مرا آزار داد که دهر (زمان یا طبیعت) را دشنام داد و من دهر هستم، و کار جهان در دست من است، شب و روز را می گردانم».

۴۸۲۸- پیامبر (ص) را آنگونه خندان ندیده‌ام که بتوانم کام او را ببینم، وی فقط تبسم می کرد.

۴۸۳۰- «خداوند مخلوقات را آفرید، و آنگاه که از آن فارغ گشت، رَجِم (زه‌دان) برخاست و دامان خدا را گرفت و خدا به او گفت: چه می خواهی و رَجِم گفت: این مقام پناه جوینده از قطع (صلهٔ رحم) به تو است. خداوند فرمود: آیا راضی نمی شوی، بر کسی که تو را وصل کند، مهربانی و بر کسی که تو را قطع کند، از وی پیوندم را قطع کنم؟ گفت: آری ای پروردگار. فرمود: پس همچنین است».

۴۸۳۶- پیامبر (ص) (در نماز) می ایستاد تا آنکه پاهایش ورم می کرد. به آنحضرت گفته شد: خداوند گناهان گذشته و آینده‌ات را بخشیده است. آنحضرت گفت: «آیا من بندهٔ شکرگذار نباشم؟!»، (آیا دوست نداشته باشم که بندهٔ شکرگذاری باشم).

---

ایشان. برخی اولاد عبدالمطلب و بنی هاشم تفسیر کرده‌اند، همانان که صدقه بر آنها حرام است و حق ایشان از خمس داده می شود.

\* [الأحقاف: ۸]: «خدا به آنچه در آن می گوید، داناتر است».

\* [محمد: ۲۱]: «(ولی) فرمان‌پذیری و سخن شایسته برایشان بهتر است، و چون کار به تصمیم کشد، قطعاً خیر آنان در این است که با خدا راست (دل) باشند».

\* [محمد: ۳۵]: «پس سستی مکنید و (کافران را) به آشتی مخوانید (که) شما برترید و خدا با شماست و از (ارزش) کارهایتان هرگز نخواهد کاست».

۴۸۳۸- [الفتح: ۸]: «ما تورا گواه و بشارتگر و هشداردهنده‌ای فرستادیم».

در تورات چنین آمده است: ای پیامبر! ما تورا گواه و بشارتگر فرستادیم، تو پناه مردم امی هستی، تو بنده و فرستاده منی، تورا متوکل نامیدم، بدخلق و سختدل نیستی و در بازارها سروصدا نمی کنی، و بدی را با بدی تلافی نمی کنی ولی عفو می کنی و درمی گذاری.

۴۸۳۹- «این آرامشی است (آغاز جست و خیز اسپ) که به سبب خواندن قرآن نازل شده است».

۴۸۴۱- پیامبر (ص) از انداختن سنگریزه (با دو انگشت) منع کرد.

۴۸۴۲- پیامبر (ص) از پیشاب (ادرار) کردن در جای غسل منع کرده است.

۴۸۵۱- «... پس اگر می توانید مغلوب (گذاردن) نماز قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن نشوید، آنرا بگذارید»، (و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب

---

\* [الفتح: ۴]: «اوست کسی که در دل‌های مؤمنین آرامش را فرو فرستاد».

\* [الفتح: ۲۹]: «محمد (ص) پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر (و) با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می بینی، فضل و خشنودی خدا را خواستارند علامت (مشخصه) آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است».

\* در تیسیر القاری، رَحِم را قرابت شکمی ترجمه کرده و آنرا امری معنوی خوانده است و گفتگوی آنرا با خدا، استعارت بالکنایه و استعاره تمثیلی خوانده است. باید دانست که صله رحم، یعنی حفظ مناسبات خویشاوندی واجب است و قطع آن گناه زیاد دارد.

\* [الحجرات: ۱۱]: «و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید، چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان».

\* [ق: ۴۰]: «و در پاره‌ای از شب و عقب نماز خدا را به پاکی یاد کن».

\* [ق: ۳۹]: «پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب به ستایش پروردگارت تسبیح بگوی».

به ستایش پروردگارت تسبیح بگویی).

۴۸۵۲- ابن عباس رض: خداوند آنحضرت(ص) را امر کرده است که در پس هر نماز تسبیح گوید. یعنی فرموده خداوند تعالی: [ق: ۴۰]: «و عقب نماز نیز تسبیح بگویی».

۴۸۵۵- [الأنعام: ۱۰۳]: «چشم‌ها او را در نمی‌یابند و اوست که دیدگان را درمی‌یابد و او لطیف آگاه است»، [الشوری: ۵۱]: «و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز (از راه) وحی یا از فراسوی حجابی».

[لقمان: ۳۴]: «و کسی نمی‌داند که فردا چه به دست می‌آورد».

۴۸۶۰- «... کسی که به همراه خود گفت: بیا که با تو قمار زنیم، باید آنکس (به کفاره سخن خود) صدقه بدهد».

۴۸۶۳- عبدالله بن مسعود رض: نخستین سوره‌ای که سجده (تلاوت) در آن نازل شده، سوره (والنجم) است. پیامبر(ص) در آن سجده کرد و کسانی که در عقب وی بودند، سجده کردند به جز مردی که دیدم خاک بر کف گرفت و بر آن سجده کرد و سپس آن مرد را دیدم که در حال کفر کشته شد و او امیه بن خلف بود و...

۴۸۶۴- ابن مسعود رض: در زمان پیامبر(ص) ماه دو پاره شد؛ پاره‌ای بر زبر کوه و

---

\* [البقره: ۲۶۳]: «اگر زنان را، مادامی که با آنان نزدیکی نکرده یا برایشان مهری معین نکرده‌اید، طلاق گوید، بر شما گناهی نیست، و آنان را به طور پسندیده، به نوعی بهره‌مند کنید - توانگر - به اندازه (توان) خود و تنگدست به اندازه (وسع) خود. (این کاری است) شایسته نیکوکاران».

\* [الذاریات: ۱۰]: «لعنت کرده شدند دروغگویان».

\* [الذاریات: ۳۴]: «که نزد پروردگار تو برای مسرفان نشانگذاری شده است».

پاره‌ای بر زیر کوه افتاد. پیامبر(ص) گفت: «گواه باشید».

۴۸۶۹- [القمر: ۱۷]: «و قطعاً قرآن را (قرائت آن را) برای پندآموزی آسان کرده‌ایم  
آیا پندگیرنده‌ای هست؟».

۴۸۸۶- عبدالله ابن مسعودرض: «خداوند بر زنانی که نقش و نگار و خالکوبی بر  
بدن زنان می‌کنند و زنانی که خود را در معرض آن قرار می‌دهند و زنانی که  
موی از صورت خویش می‌زدایند و زنانی که برای زیبایی، میان دندان‌های  
خویش گشادگی می‌آورند، لعنت کرده است، زیرا آفرینش خدا را تغییر

---

\* [الرحمن: ۹]: «و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاھید» (شاهین ترازو را راست  
بدارید).

\* [الرحمن: ۴۶]: «و هر کسی را که از مقام پروردگارش بترسد، دو بوستان است». (چون قصد  
ارتکاب گناه می‌کند خدا  $\Psi$  را به یاد می‌آورد و گناه را ترک می‌کند).

\* [الحج: ۱۸]: «آیا ندانستی که هر کسیکه در آسمان و هر کسیکه در زمین است، خدا را سجده  
می‌کند».

\* [الرحمن: ۲۹]: «هر که در آسمان‌ها و زمین است از او درخواست می‌کند، هر زمان او در  
کاری است».

\* [الرحمن: ۳۱]: «زود است که به شما پردازیم، ای جن و انس».

(با شما محاسبه خواهیم کرد، در حالی که چیزی از چیزی باز نمی‌دارد).

یعنی: شما را بر غلت شما می‌گیرم.

\* [المجادله: ۵]: «بی‌گمان کسانی که با خدا و فرستاده او مخالفت می‌کنند، ذلیل خواهند شد،  
همانگونه کسانی که پیش از آنان بودند، ذلیل شدند».

\* [النحل: ۱]: «آمد حکم خدا» یعنی (حکم خدا می‌آید). در این صورت، انشقاق قمر از  
نشانه‌های آخرالزمان است.

می دهند»<sup>(۱)</sup>.

این گفته ابن مسعود به زنی رسید که او را ام یعقوب می گفتند. وی (نزد ابن مسعود) آمد و گفت: من میان دو لوح (همه قرآن) را خواندم و آنچه تو می گویی در آن نیافتم. ابن مسعود گفت: اگر آنرا می خواندی می یافتی. آیا اینرا نخوانده ای: «آنچه را پیامبر به شما می دهد بگیریید و از آنچه شما را باز می دارد بازایستید».

آن زن گفت: آری، ابن مسعود گفت: پس به تحقیق که از این کار منع کرده است.

۴۸۸۷- پیامبر (ص) لعنت کرده است زنی را که موی خویش را پیوند می کند (تا دراز شود).

۴۸۸۹- ابوهریره رض: مردی نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: یا رسول الله! مرا گرسنگی رسیده است. آنحضرت کسی را نزد همسران خود فرستاد ولی نزد آنها چیزی (خوردنی) نیافت، سپس پیامبر (ص) گفت: «آیا کسی هست که این مرد را امشب مهمان کند و خدا او را رحمت کند». مردی از انصار برخاست و گفت: من یا رسول الله، وی نزد زن خود رفت و به او گفت: مهمان پیامبر (ص) را آورده ام، از وی چیزی دریغ نکن، زن گفت: به خدا سوگند که به جز غذای کودکان چیزی نزد من نیست. مرد گفت: چون کودکان غذا بخواهند، آنان را بخوابان، سپس بیا و چراغ را خاموش کن، ما امشب شکم های خویش را گرسنگی می دهیم و آن زن چنان کرد.

سپس فردای آن روز که مرد نزد پیامبر (ص) رفت، آنحضرت گفت: «خدای

---

۱- اگر به ضرورت علاج و پوشیدن عیب دندان باشد، حرام نیست.

عزوجل خشنود شد. یا گفت: از میهمانی آن مرد و زن خندید». سپس خدای یکتا نازل کرد: [الشحر: ۹]: «و (دیگران را) بر خویشتن برمی گزینند».

۴۸۹۱- عایشه رض: ... و به خدا سوگند! دست آنحضرت (ص) به هنگام بیعت هرگز با دست زنی تماس نکرده است و با زنان بیعت نمی کرد مگر با سخن خود.

۴۸۹۵- [الممتحنه: ۱۱]: «ای پیامبر! چون زنان باایمان نزد تو بیایند که (با این شرط) با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و دروغی را نیاورند که آنرا میان دست و پای خویش (از خود) بر بسته باشند».

۴۹۰۹- «و زنان آبتن مدت شان (عدت) اینست که وضع حمل کنند».

۴۹۱۰- عبدالرحمن ابن ابی لیلی: عدت (زنی که پس از مرگ شوهر بزاید) آخر هر دو میعاد است.

۴۹۱۱- ابن عباس رض در مورد حرام (کسی که به زن خود بگوید بر من حرام هستی) گفته است: کفارت (سوگند) بدهد (یعنی: طلاق واقع نمی شود)<sup>(۱)</sup>.

۴۹۱۳- عمر رض: ... اثر بوریا را بر پهلوی آنحضرت (ص) دیدم و گریستم. آنحضرت گفت: تورا چیز می گریاند؟ گفتم: یا رسول الله! به تحقیق که خسرو

---

\* [الممتحنه: ۱۰]: «و به نگهداری از زنان کافر ایستادگی نکنید و آنچه را شما (برای زنان مرتد و فراری خود که به کفار پناهنده شده‌اند) خرج کردید مطالبه کنید و آنها هم باید آنچه را خرج کرده‌اند (از شما) مطالبه کنند».

\* [المنافقون: ۲]: «سوگندهای خویش را سپر گرفته‌اند». تا (نفاق خود را) با آن بپوشند.

۱- فقها در همچو حالتی که طلاق واقع می شود یا نمی شود اختلاف نظر دارند، به چهار قولی از صحابه و تابعین رفته‌اند.

و قیصر در ناز و نعمت اند و تو رسول الله هستی. آنحضرت گفت: «آیا خوشنود نیستی که آنها را دنیا و ما را آخرت باشد».

۴۹۱۸- «آیا شما را از بهشتیان آگاه گردانم؟ هر ضعیف (و بینوایی) را که حقیرش می‌شمارید، اگر (به امید کرم) خدا سوگند یاد کند، خدا او را راستگو می‌گرداند. آیا شما را از دوزخیان آگاه گردانم، هر خشن، فربه، خرامنده گردنکش».

۴۹۳۷- «کسی که قرآن می‌خواند و آنرا حفظ می‌کند، مثل آن است که با کاتبان نیک و پاک (که در زمره فرشتگانند) می‌باشد، و کسی که قرآن می‌خواند و آنرا حفظ می‌کند و در حفظ آن دشواری می‌بیند، پاداشی وی دوچندان است».

۴۹۴۵- «هیچیک از شما نیست مگر اینکه جایگاهش در بهشت و در دوزخ نوشته شده است». یاران گفتند: یا رسول الله! آیا به همین اتکاً نکنیم؟ فرمود: «عمل نیک کنید که آن برای هر کس (رسیدن به جایگاه او را) آسان می‌سازد. سپس خواند: [اللیل: ۵- ۱۰]: «و اما هر که عطا کرد و پرهیزگاری نمود و به پاداش نیک باور داشت، راه او را (به سرای آسایش) آسان خواهیم کرد و اما هر که بخل ورزید و خود را بی‌نیاز شمرد و (پاداش) نیک را به دروغ گرفت، راه او را

---

\* [التحریم: ۶]: «خود و اهل خانه خود را نگاهدارید» یعنی: خود و اهل خانه خویش را به تقوا و پرهیزگاری که خدا فرموده وصیت کنید و اندرز دهید و تأدیبشان کنید.

\* [الإنسان: ۷]: «و همان بندگان (که) به نذر خود وفا می‌کردند، و از روزی می‌ترسند که مشقت آن فراگیر است».



به سوی (دشواری آسان خواهیم نمود)».

۴۹۵۳- آنحضرت رؤیایی نمی‌دید، مگر آنکه چون سپیدی صبح راست می‌آمد، خدیجه‌رض: به خدا سوگند که هیچگاه خدا تو را خوار نمی‌کند. به خدا سوگند که تو صلهٔ رحم می‌کنی، و سخن راست می‌گویی، و فرومانده را برمی‌گیری، و نیازمندان را یاری می‌کنی و میهمان را گرامی می‌داری و از حق پشتیبانی می‌کنی.

۴۹۶۳- [الزلزله: ۸]: «و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند (نتیجهٔ) آنرا خواهد دید».

۴۹۹۷- پیامبر(ص) در نیکویی سخاوتمندترین مردم بود، و از آن هم سخاوتمندتر در ماه رمضان بود، زیرا جبرئیل در هر شبی از ماه رمضان او را ملاقات می‌کرد تا آنکه ماه تمام می‌شد و پیامبر(ص) قرآن را بر جبرئیل می‌خواند. آنگاه که جبرئیل با آنحضرت ملاقات می‌کرد، آنحضرت در نیکی کردن از باد روان سخاوتمندتر بود.

\* [اللیل: ۵-۶]: «اهل سعادت، عمل (نیک) اهل سعادت را بر خود آسان می‌یابند و اما اهل شقاوت عمل (بد) اهل شقاوت را بر خود آسان می‌یابند». و سپس خواند: «و اما هر که عطا کرد و پرهیزگاری نمود و به پاداشی نیک باور داشت».

\* [الشرح: ۷]: «پس چون فراغت یافتی، به طاعت درکوش». یعنی: درخواستن حاجت از پروردگار خود بکوش.

\* [الزلزله: ۷]: «هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند (نتیجهٔ) آنرا خواهد دید».

\* [العادیات: ۶]: «انسان نسبت به پروردگارش سخت ناسپاس است».

\* [الماعون: ۷]: «و از (دادن) زکات (و وسایل و مایحتاج خانه) خودداری می‌ورزند». عکرمه: برترین آن، زکات فرض و کمترین آن، عاریت‌دادن متاع است.

\* «همانا جبرئیل، بر من، و من بر او قرآن را در هر سال یک بار می‌خواندیم و امسال دو بار بر یکدیگر خواندیم و نمی‌پندارم مگر اینکه اجل من فرا رسیده است».

۴۹۹۸- آنحضرت در هر سال ده روز اعتکاف می کرد و در سالی که وفات کرد، بیست روز اعتکاف نمود.

۵۰۰۶- یا رسول الله! همانا گفته بودی: «بزرگترین سوره قرآن را به تو می آموزانم». آنحضرت فرمود: «الحمد لله رب العالمین، آن سبع المثانی است<sup>(۱)</sup> و قرآن عظیم است که به من داده شده است».

۵۰۰۷- «سوره فاتحه» شفابخش است...».

۵۰۰۹- «کسی که دو آیت آخر سوره بقره را در شب بخواند، برایش بسنده است».

۵۰۱۰- «چون به بستر خواب خود در آیی، آیه الكرسی را بخوان. همیشه نگهدارنده‌ای از سوی خدا با تو می‌باشد و تا صبح شیطان به تو نزدیک نمی‌شود».

۵۰۱۱- براء بن عازب رض: مردی سوره الكهف را می‌خواند... ابری آن مرد را فرا گرفت و به نزدیک آمدن شروع کرد و نزدیک می‌آمد و اسپ او (از ترس) پا به فرار نهاد... آنحضرت (ص) فرمود: «آن سکینه‌ای (آرامش) بوده است که به سبب تلاوت قرآن نازل شده است».

۵۰۱۲- «به تحقیق که امشب بر من سوره‌ای نازل شده است که آن سوره از آنچه آفتاب بر آن طلوع کرده است، دوست‌داشتنی‌تر است» سپس خواند: [الفتح: ۱]: «ما تورا پیروزی بخشیدیم، (چه) پیروزی درخشانی».

۵۰۱۳- «سوگند به ذاتی که نفس من در ید قدرت اوست که این سوره (اخلاص) با یک سوم از قرآن برابری می‌کند».

---

۱- آغاز این سوره (الفاتحه) از الحمد لله می‌شود و بسم الله الرحمن الرحیم جزء سوره فاتحه نیست.

۵۰۱۵- «آیا یکی از شما عاجز می‌آید که یک سوم قرآن را در یک شب بخواند؟» این امر برایشان (اصحاب) دشوار آمد و گفتند: کدامیک از ما توان آنرا دارد یا رسول الله؟ آنحضرت (ص) فرمود: «الله الواحد الصمد» (سوره اخلاص) یک سوم از قرآن است».

۵۰۱۶- عایشه رض: هرگاه که پیامبر (ص) بیمار می‌شد، این سوره‌ها را می‌خواند: (المعوذات: سوره‌های الفلق و الناس) می‌خواند و بر خود می‌دمید. آنگاه که بیماری آنحضرت شدت یافت، من آن سوره‌ها را بر آنحضرت می‌خواندم و دست آنحضرت را به امید برکت آن بر بدن وی می‌کشیدم.

۵۰۱۷- عایشه رض: پیامبر (ص) هر شب که به بستر خواب خود درمی‌آمد، هردو کف دست خود را جمع می‌کرد و سپس بر آنها می‌دمید و در آن می‌خواند: سپس دست‌ها را به اندازهٔ توان بر بدن خود می‌کشید، و از سر و روی خود آغاز می‌کرد و از جلو بدن خود، و اینرا سه بار می‌کرد.

۵۰۲۵- «رَشکی نیست مگر بر دو کس: مردی که خدا به او کتاب داده و با قیام در ساعاتی از شب آنرا می‌خواند و مردی که خدا به او مالی داده و در ساعات شب و روز از آن صدقه می‌دهد».

۵۰۳۰- ... «آیا چیزی (برای مهر) داری؟»، .. (به خانه‌ات برو و بین که آیا چیزی یافته می‌توانی)<sup>(۱)</sup>.

۵۰۳۱- «همانا مثال یادگیرندهٔ قرآن، مانند صاحب شتری است که پای آن شتر را

---

\* بهترین شما کسی است که قرآن را آموخت و آموختاند.

۱- به استناد این حدیث می‌گویند که زن و مرد در مورد مهر به هرچه راضی شوند رواست هرچند به بهای کمتر از یک درهم باشد، ابوحنیفه و یاران وی به کمتر از ده درهم روا نمی‌دانند.

بسته است. اگر آنرا بسته نگهدارد، شتر را نگاه می‌دارد و اگر آنرا بگشاید، شتر می‌رود».

۵۰۳۲- «بدا به حال یکی از شما که بگوید: فلان و فلان آیه را فراموش کردم، بلکه (بگوید) فراموش گردانیده شدم، قرآن را یاد گیرید و (با تکرار تلاوت) حفظ کنید، زیرا قرآن از سینه‌های مردم نسبت به چهارپایان وحشی، تندتر و شتابان‌تر می‌رمد».

۵۰۳۳- «قرآن را (با ضبط و تلاوت) نگاه دارید، سوگند به ذاتی که نفس من در ید قدرت اوست که قرآن از شتری که پای در بند است، تندتر و شتابان‌تر می‌رمد».

۵۰۴۰- «دو آیت از آخر سوره البقره را، اگر کسی در شب بخواند، (همان شب) او را کفایت می‌کند».

۵۰۴۱- «همانا قرآن بر هفت حرف نازل شده است، هر آنچه بر شما آسان است از آن بخوانید».

۵۰۴۴- [القیامه: ۱۶]: «زبان‌ت را زود به حرکت درنیاور تا در خواندن آن شتاب کنی».

۵۰۴۹- عبدالله ابن مسعودرض: پیامبر(ص) به من گفت: «قرآن را بر من بخوان». گفتم: آیا بر تو بخوانم. در حالی که بر تو نازل شده است؟ فرمود: دوست می‌دارم که به جز از خود، بشنوم».

---

\* [القیامه: ۱۷]: «... همانا جمع آن و خواندن آن بر ماست». یعنی بر ماست که آن (آیات) را در سینه تو جمع آوریم و توسط تو بخوانیم.

\* [القیامه: ۱۸]: «پس چون آنرا (قرآن را) برخوانیم، خواندن آنرا دنبال کن».

\* [المزمل: ۲۰]: «پس آنچه از قرآن آسان باشد، بخوانید».

۵۰۶۰- «قرآن بخوانید تا دل‌های شما (با آن) الفت گیرد و اگر در (فهم معانی) آن اختلاف کردید، از (خواندن) آن (موقتاً) بازایستید»<sup>(۱)</sup>.

---

۱- احتمالاً مراد آنست که تا زمانی قرآن بخوانید که دارای نشاط باشید. و چون ملول شوید، بس کنید تا زمان نشاط بازآید، درست مانند امر نماز. (تیسیر القاری)



# جلد ششم





۵۰۶۳- «... آگاه باشید به خدا که من ترسانده‌ترین شما به خداوند هستم، و پرهیزگارترین شما به خداوند شما، ولی روزه می‌گیرم و روزه نمی‌گیرم، و (شب) نماز می‌گذارم و می‌خوابم و با زنان ازدواج می‌کنم. پس هر که از سنت من دوری جوید، از من نیست».

۵۰۶۴- (اولیای دختران یتیم) از نکاح با ایشان منع شدند، مگر آنکه در مورد ایشان عدالت کنند و مهرشان را کامل بدهند و مأمور شدند که به جز از آن دختران یتیم با زنان (دیگر) ازدواج کنند.

«هریک از شما که توان ازدواج را دارد، باید ازدواج کند، همانا ازدواج چشم را (از حرام) بازدارنده‌تر و عورت را (از زنان) نگاه‌دارنده‌تر است».

۵۰۶۵- «ای گروه جوانان! اگر کسی از شما توانایی ازدواج دارد، باید ازدواج کند و کسی که توانایی آنرا ندارد، بر اوست که روزه بگیرد، همانا روزه کاهش‌دهنده شهوت اوست».

۵۰۶۹- ابن عباس رض به من (سعید بن جبیر) گفت: آیا ازدواج کردی؟ گفتم: نی. گفت: ازدواج کن، زیرا بهترین این امت کسی است که زنان زیاد دارد.

۵۰۷۰- «(پاداش) عمل به نیت بستگی دارد، و (پاداش او) همان است که آنرا نیت کرده است...».

۵۰۷۳- پیامبر (ص) (تقاضای) عثمان بن مظعون را مبنی بر پرهیز از ازدواج رد کرد، اگر به وی اجازه می‌داد ما خودمان را خصی می‌کردیم. (از مباشرت با زنان

---

\* نکاح در اصل لغت به معنی وطی است و اطلاق آن بر تزویج از آن است که سبب وطی است. امام ابوحنیفه/ فرمود: حقیقت در وطی و مجاز در عقد است. نکاح: نزد حنفیه از عبادات مستحبه است.

دوری می‌گزیدیم).

۵۰۷۵- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید: چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای (استفاده) شما حلال کرده، حرام مشمارید و از حد مگذرید که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد» [المائدہ: ۸۷].

۵۰۷۶- من مردی جوانم و از آن می‌ترسم که خودم را به زنا بيفکنم و چیزی نمی‌یابم که با آن با زنان ازدواج کنم.  
پیامبر(ص) فرمود: «ای ابوهریره! قلم (تقدیر) بر آنچه مواجه خواهی شد، خشک گردیده است<sup>(۱)</sup> از اینکه خود را خصی کنی یا نکنی (تفاوتی نمی‌کند)».

۵۰۷۹- چون خواستیم که (از سفر) (به مدینه) در آییم. پیامبر(ص) فرمود: «آهسته شوید تا آنکه شب در آید (آغاز شب) تا زن دور از شوهر، موی ژولیده را شانه کشد و موی زاید را بزید».

۵۰۸۲- «بهترین زنان شترسوار اند که زنان نیکوکار قریش اند که بر فرزند خردسال خویش مهربانند و رعایت نگهداری مال شوهر کنند».

---

۱- خصی کردن در آدمی حرام است، صغیر باشد یا کبیر، زیرا در آن تغییر خلقت خدا، و قطع نسل و تعذیب انسان است. بغوی گفت: در حیوانی که ماکول نیست حرام است و در حیوان ماکول رواست. (تیسیر القاری).

\* عبدالرحمن بن عوف رض در زمره عشره مبشره (ده یار بهشتی) است که از طریق تجارت ثروتمند شده بود و باری از مال خود کاروانی به شام فرستاده بود، وی در حالت نماز گذاردن بود که آواز طبل مواصلت کاروان را شنید و از اینکه کاروان وی به سلامت بازگشته بود، به وی خوشی و شادمانی دست داد و در حضوری که در نماز داشت فتوری راه یافت، وی به جبران آن فتور همه اموال را در همان ساعت در راه فقرا وقف کرد.

۵۰۸۹- «شاید که قصد حج کرده‌ای؟» وی (ضباعه بنت زبیر) گفت: به خدا که بیمار هستم. آنحضرت به وی گفت: «حج کن و شرط کن (که چون نسبت به مریضی از انجام مناسک عاجز آیی) بگویی: بار الها! جای احلال (برآمدن از احرام) من همان جاست که مرا (از انجام آن) بازداری».

۵۰۹۰- «زن به خاطر چهار صفت نکاح می‌شود: به مال خویش و نسب خویش و جمال خویش و دین خویش، پس با زنی دیندار نکاح کن (و اگر نه) دو دستت خشک شود».

۵۰۹۱- «این (مرد فقیر) بهتر است از آنگونه (توانگران)<sup>(۱)</sup> که زمین را پر کرده‌اند».

۵۰۹۳- «شومی در زن و سرای و اسپ است»<sup>(۲)</sup>.

۵۰۹۶- «پس از خود فتنه‌ای را نگذاشته‌ام که زیان‌آورتر باشد از زنان بر مردان».

---

۱- زیرا اصحاب در مورد وی گفته بودند: اگر زنی را خواستگار شود، سزاوار است که به نکاح وی داده شود، و اگر شفاعت کند، سزاوار است که شفاعت وی پذیرفته شود و اگر سخن گوید سخنش شنیده شود. (و در مورد رهگذر فقیر برعکس آنها را به پیامبر(ص) گفتند).  
\* ازدواج با مرد تنگدست: «اگر تنگدستند، خداوند آنان را به فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد» [النور: ۳۲].

۲- شومی، یعنی بدبینی، و بدفالی، بعضی گفته‌اند که شومی سرای و خانه، تنگی و بدهمسایگی آنست و شومی اسپ سرکشی و بدعملی و کودنی آنست و شومی زن، نازبودن و گرانی مهر و نافرمانی شوهر است. مراد بدشگونی نیست.

\* [البقره: ۲۳۳]: «دو سال تمام برای کسی است که بخواد دوره شیرخوارگی را تکمیل کند».  
یعنی مدت شیرخوارگی که موجب حرمت است همین دو سال است و همین است نظر اکثر علما و ائمه. امام ابوحنیفه نظر به بخشی از آیه مذکور: «پس اگر والدین بخواهند با رضایت و صواب دید یکدیگر کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند گناهی بر آنها نیست» مدت شیرخوارگی را سه ماه دانسته است و مدت شیرخوارگی چه یکبار باشد و چه چند بار،

۵۱۰۲- «خوب بنگرید که چه کسانی برادران (رضاعی) شما می‌باشند، زیرا گرسنگی (در دوران شیرخوارگی) رضاعت را به میان می‌آورد»<sup>(۱)</sup>.

۵۱۱۲- پیامبر(ص) از شغار منع کرده است. و شغار آن است که مردی دختر خود را به ازدواج دیگری درآورد و او دختر خود را به ازدواج آن مرد درآورد و میان آنها مهری نباشد.

۵۱۱۴- پیامبر(ص) ازدواج کرد، در حالی که مُحْرِم بود<sup>(۲)</sup>.

موجب حرمت می‌گردد که این نظر بسیاری از صحابه و تابعین است. بعضی زیاده از یکبار شیردادن (و در تعداد زیاده از یکبار نیز) موجب حرمت دانسته‌اند.

\* حرام می‌شود از شیرخوارگی (ازدواج را) آنچه حرام می‌شود از نسب.

\* امام مالک گفته است که کفو در دین است و بس، و مسلمانان همه کفو یکدیگر اند و رواست که عربی و موالی با زن قرشیه ازدواج کند و اینرا از عمر بن خطاب رض .... و عمر بن عبدالعزیز رض .. روایت کرده‌اند و به آیه [الحجرات: ۱۳۰] استدلال کرده‌اند: «گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست». ابوحنیفه / می‌گوید: قریش همه‌شان کفو یکدیگر اند و هیچیکی از عرب کفو قریش نمی‌باشد و هیچیکی از موالی کفو عرب نیست و نیز کفو نیست کسی که بر ادای مهر و نفقه قدرت ندارد و نمی‌تواند که ادا نماید.

۱- یعنی شیردادن زمانی موجب حرمت می‌شود که در صغر سن باشد که کودک گرسنه است.

۲- این حدیث دلیل ابوحنیفه است که نکاح را در اثنای احرام جایز می‌داند، شافعیه آنرا به حدیث دیگری که از آنحضرت روایت شده که «لَا يَنْكُحُ الْمُحْرِمُ» جایز نمی‌دانند و این حدیث از عثمان رض روایت شده است. بخاری حدیث عثمان را تضعیف کرده و حدیث ابن عباس رض را تصحیح نموده است.

\* ابن عباس رض گفت: ازدواج با بیش از چهار زن حرام است، چنانکه مادر و دختر و خواهر وی به او حرام است.

۵۱۲۰- زنی نزد پیامبر (ص) آمد، در حالی که نفس خود را به آنحضرت پیشکش می کرد. وی گفت: یا رسول الله! آیا تو را به من نیازی هست؟ (که با من ازدواج کنی).

دختر انس رض (که اینرا از پدر خود شنید) گفت: آن زن چه کم حیا و بدسلوک و بی تربیت بوده است. انس رض گفت: آن زن از تو بهتر بوده است. به پیامبر (ص) تمایل داشت و نفس خود را به وی پیشکش کرد.

۵۱۲۲- «پیشکش کردن مرد، دختر یا خواهر خود را بر شخصی نیکوکار». عمر گفت: نزد عثمان بن عفان رض رفته و حفصه رض را به وی پیشکش کردم. وی گفت: در این کار خود می اندیشم. چند شبی درنگ کردم پس مرا ملاقات کرد و گفت: چنین می نماید که در حال حاضر با وی ازدواج نتوانم.

۵۱۲۴- [آیه]: «در باره آنچه شما به طور سربسته از زنان خواستگاری کرده اید»<sup>(۱)</sup>. تفسیر: (چنان است که مرد به زنی که در حال گذراندن عده وفات است) می گوید: همانا قصد ازدواج دارم و دوست می دارم که (خداوند) برایم زنی نیکوکار ارزانی دارد. یا مثل آن...

آن زن می گوید: همانا می شنوم آنچه می گویی. و زن چیزی وعده نکند و ولی آن زن بدون اطلاع وی وعده (ازدواج او را) به کسی ندهد یا نکند، و اگر زن

---

\* «... از زنانی که از ایشان بهره مند گشته اید، مهرشان را به عنوان فریضه ای به آنان بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس (از تعیین مبلغ) مقرر با یکدیگر توافق کنید (که مقدار مهر را کم و زیاد کنید) مسلماً خداوند دانای حکیم است» [النساء: ۲۳ - ۲۴].

\* «با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند» [البقره: ۲۲۱].

۱- مراد از شیوه خواستگاری زنانی است که شوهرانشان وفات کرده و در حال عده وفات می باشند که در دوران عده به طور مستقیم و صریح از ایشان خواستگاری نشود.

در حال گذراندن عدت) ازدواج با مردی را وعده کند و پس نکاح کند (نکاح آن درست است) میان آنها تفریق نمی‌شود. «با آنان قول و قرار پنهانی مگذارید» [النساء: ۲۵]. یعنی مراد از آن زنا است. «تا زمان مقرر به سر آید» [النساء: ۲۵]. مراد، تمام شدن عدت است.

۵۱۲۵- «نگریستن به سوی زن قبل از ازدواج»: پیامبر(ص) به من (عایشه رض) گفت: «تو را در خواب دیده بودم که فرشته‌ای تو را در میان پاره‌ای از حریر درآورد و گفت: این زن تو است، جامه را از روی تو برداشتم، ناگاه دیدم که تو هستی<sup>(۱)</sup>. پس گفتم: اگر این واقعه از سوی خداوند باشد، تحقق می‌یابد».

۵۱۳۶- «زن بی‌شوهر به نکاح داده نشود، تا از وی مشورت گرفته شود، و دوشیزه به نکاح داده نشود تا از وی اجازه گرفته شود» اجازه دوشیزه چگونه است؟ فرمود: «اینکه خاموشی اختیار کند»<sup>(۲)</sup>.

۵۱۳۸- «همانا پدر وی، او را (خنساء بنت خدام الانصاریه) که زنی بی‌شوهر بود به ازدواج کسی درآورد و او (خنساء) با این ازدواج موافق نبود. وی نزد رسول خدا(ص) آمد و آنحضرت نکاح او را باطل کرد.

۵۱۴۲- پیامبر(ص) از این منع کرده که یکی از شما بر بیع برادر (مسلمان) خود بیع (افزون خواهی) کند، و اینکه مردی بر خواستگاری برادر (مسلمان) خود

---

۱- آنحضرت پیش از ازدواج به عایشه رض نگریسته بود.

۲- نکاح زن آزاد که عاقله و بالغه باشد به رضایت وی منعقد می‌شود، اگرچه ولی او عقد نکرده باشد، چپ وی باکره باشد و چه شوهر دیده و این نظر ابوحنیفه است.

\* اگر ولی (برای خود یا دیگری) خواستگاری کند: عبدالرحمن بن عوف به ام حکیم بنت قارظ گفت: آیا اختیار (ازدواج) خود را به من می‌دهی؟ گفت: آری، عبدالرحمن گفت: به تحقیق که تو را به ازدواج خود درآوردم.

خواستگاری نکند تا آنکه خواستگار اول از خواستگاری بگذرد یا به وی اجازه دهد که خواستگاری کند».

۵۱۴۳- «بر حذر باشید از گمان بد، همانا گمان بد دروغ‌ترین سخن است و جاسوسی مکنید و به سخنان ناروای مردم گوش فرا ندهید و با یکدیگر کینه‌توزی نکنید و برادران همدیگر باشید».

۵۱۴۶- دو مرد از سوی مشرق آمدند و به سخنرانی (فصیح و بلیغ) پرداختند. پیامبر (ص) فرمود: «همانا، بعضی از گفتار سحر است».

۵۱۵۰- «ازدواج کن، هر چند (به مهر) انگشتی آهنین باشد».

۵۱۵۱- «سزاوارترین شرط‌هایی که به آن وفا کنید، ایفای چیزی است که فرج‌ها را به آن حلال کنید»<sup>(۱)</sup>.

۵۱۵۲- «برای زنی روا نیست که (هنگام عقد نکاح) طلاق خواهر (مسلمان) خود را (که در عقد آن مرد است) خواستار شود تا او را از نصیبتش برآورد، البته او را همان است که بر وی تقدیر رفته است».

۵۱۵۴- پیامبر (ص) به مناسبت ازدواج با زینب، ولیمه کرد. و مسلمانان را (با دادن غذا) صاحب خیر گردانید، سپس برآمد چنانکه وقتی ازدواج می‌کرد برمی‌آمد و به حجره‌های مادران مسلمانان (همسران خود) آمد که آنها را دعا می‌کرد و آنها او را دعا می‌کردند. سپس آنحضرت برگشت و دید که دو مرد

---

۱- یعنی همان حقوقی که در نکاح واجب و لازم است.

\* غالباً اگر (خُطبه) به ضم خا باشد، مراد همان خطبه‌ای است که به هنگام نکاح و در نکاح می‌باشد. این خطبه سنت است، و از ابن مسعود روایت شده است: اگر (خُطبه) به کسر خاء باشد، آن قبل از مجلس نکاح است. (خواستگاری).

\* اگر کسی دختر خود را به نکاح دهد و دخترش راضی نباشد، نکاح او باطل است.

(هنوز) در آنجا نشسته‌اند، از آنجا برآمد.. نمی‌دانم از برآمدن آن دو نفر، من به آنحضرت اطلاع دادم یا به وی اطلاع داده شد».

۵۱۵۵- چگونه برای داماد دعا می‌شود؟ «خداوند برایت برکت دهد، ولیمه کن، هرچند با گوسفندی باشد».

۵۱۵۶- پیامبر(ص) که با من (عایشه رض) ازدواج کرد، مادرم نزد آمد و مرا در سرایی درآورد که زنانی از انصار در خانه (نشسته) بودند و گفتند: خیر و برکت شامل حال شما باد و به بهترین فال نیک<sup>(۱)</sup>.

۵۱۵۷- «یکی از پیامبران به غزا رفت و به قوم خود گفت: مردی که مالک شرمگاه زن خود شده است و می‌خواهد که با وی زفاف کند و تاکنون نکرده است (در رفتن به غزا) با من همراهی نکند».

۵۱۶۵- «اما اگر یکی از شما آنگاه که با زن خود پیش می‌شود بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبِي الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا» (بار الها! شیطان را از ما دور گردان و شیطان را از فرزندی که به ما ارزانی می‌کنی دور گردان). سپس اگر میانشان فرزندی مقدر شده باشد، شیطان هرگز به آن فرزند زیان رسانیده نمی‌تواند».

۵۱۷۱- من ندیده‌ام که پیامبر(ص) بر هیچیک از زنان خود چنان ولیمه‌ای کرده باشد که برزینب کرده است، گوسفندی را ولیمه کرد.

۵۱۷۲- پیامبر(ص) به بعضی از زنان خود دو مُد (پیمانانه) جو را ولیمه کرد.

---

۱- این دعاء، مادر عایشه و عایشه رض را که عروس بود، شامل می‌شود.

\* ولیمه، مهمانی به مناسبت ازدواج است. نزد حنفی‌ها سنت است، هرکس به اندازه‌ی توان خود ولیمه کند. وقت ولیمه به هنگام عقد نکاح است یا بعد از زفاف، یا از ابتدای عقد تا هنگام زفاف.



- ۵۱۷۴- «اسیر را آزاد کنید و میهمانی را بپذیرید و مریض را عیادت کنید».
- ۵۱۷۵- پیامبر(ص) ما را به عیادت مریض، و همراهی جنازه و دعای (یرحمک الله) و راست گردانیدن قسم و یاری رساندن مظلوم و آشکار کردن سلام و پذیرش مهمانی امر نمود. و از: پوشیدن انگشتر طلا و استعمال ظروف نقره و از میاثر (دوشک ابریشمی که بر روی زمین می نهند) و قسیه و استبرق و دیباج (انواع پارچه‌های ابریشمی) منع کرد.
- ۵۱۷۷- بدترین طعام، طعام ولیمه است که توانگران را بدان فرا خوانند و تنگدستان را واگذارند و کسی که دعوت را نپذیرد به تحقیق که از خدا و رسول او سرکشی کرده است.
- ۵۱۷۸- «اگر به (مهمانی) پاچه فرا خوانده شوم آنرا بپذیرم و اگر پاچه گوسفندی هدیه داده شوم قبول کنم».
- ۵۱۷۹- «این دعوت (عروسی) را بپذیرید، آنگاه که به آن دعوت شوید».
- عبدالله بن عمر رض در دعوت عروسی و غیر عروسی می آمد، در حالی که روزه داشت.
- ۵۱۸۰- پیامبر(ص) زنان و کودکانی را دید که از محفل عروسی می آیند، نیرومندانه برخاست و گفت: «بار الها! شما نزد من از دوست داشتنی ترین مردم هستید».
- ۵۱۸۱- «همانا تصویر کنندگان این صورت‌ها در روز قیامت عذاب می شوند و به آنها گفته می شود: آنچه آفریده‌اید زنده بسازید و فرمود در خانه‌ای که در آن صورت باشد فرشتگان داخل نمی شوند».

---

\* پیامبر(ص) (ضیافت ولیمه را) یک یا دو روز تعیین نکرده است.

۵۱۸۴- «زن مانند استخوان پهلو است، اگر بخواهی که راستش کنی، آنرا می شکنی و اگر بخواهی از وی بهره مند گردی بهره مند می گردی و در وی کژی است».

۵۱۸۵- «کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد باید به همسایه خود آزار نرساند».

۵۱۸۶- «و شما را به نیکویی کردن در باره زنان وصیت می کنم، زیرا زنان از استخوان پهلو آفریده شده اند و همانا کسرتین چیزی در استخوان پهلو بخش بالایی آن است، پس اگر بخواهی که آنرا راست بسازی، می شکنی و اگر به حالش بگذاری همیشه کج خواهد بود، پس شما را به نیکویی کردن در باره زنان وصیت می کنم».

۵۱۸۸- «همه شما نگاهبانید و همه شما مسئولید. امام نگاهبان است و او مسئول است، مرد بر خانواده خود نگاهبان است و او مسئول است. و زن نگاهبان خانه شوهر خود است و او مسئول است. غلام نگاهبان مال آقای خود است و او مسئول است. پس آگاه باشید که همه شما نگاهبانید و همه شما مسئولید».

۵۱۹۰- حبشی ها با نیزه های خویش بازی می کردند و رسول خدا(ص) مرا پوشاند و من تماشا می کردم. همواره می نگریم تا آنکه از آن منصرف شدم، پس تمایل دختر خردسال را به شنیدن و دیدن بازی سنجش نماید<sup>(۱)</sup>.

۵۱۹۳- «اگر مردی زن خود را به بستر خواب خود فرا خواند، و زن از آن خودداری ورزید، فرشتگان تا بامداد بر آن زن، لعنت می کنند».

۵۱۹۴- «اگر زن بخوابد و بستر خواب شوهرش را ترک کند، فرشتگان بر وی

---

\* «همانا زن همچون استخوان پهلو است».

۱- عایشه در آن زمان پانزده ساله بوده است. و مطابقت حدیث به ترجمه حسن معاشرت با زنان است.

لعنت می کنند تا آنگاه که (نزد شوهر خود) برگردد».

۵۱۹۵- «بر زن روا نیست که روزه (نفل) بگیرد و شوهرش حاضر باشد مگر به اجازه وی، و به کسی اجازه ورود به خانه شوهر ندهد مگر به اجازه وی، و آنچه زن بدون اجازه شوهر نفقه می کند، نصف ثواب آن به شوهر داده می شود».

۵۱۹۶- «بر دروازه بهشت ایستادم و بیشترین واردشدگان آن، فقرا و بینویان بودند و ثروتمندان (برای حسابدهی) درمانده اند. به جز اهل دوزخ که به ایشان امر شده که به دوزخ بروند، و به دروازه دوزخ ایستادم، بیشترین واردشدگان زنان بودند».

۵۱۹۷- «شوهر را ناسپاسی می کنند و احسان را ناسپاسی می کنند و اگر در تمام حیات به هریکی شان احسان کنی و چون از تو تقصیری بینند، می گوید که هرگز از تو احسانی ندیده ام».

۵۲۰۵- همانا شوهر دختر او (زنی از انصار) از وی خواسته است که مویی را در موی او پیوند کنم. آنحضرت فرمود: «نی، همانا زنانی که موی را پیوند می کنند لعنت شده اند».

۵۲۱۰- «آیا شما واقعاً این کار (عزل)<sup>(۱)</sup> را می کنید - سه بار پرسید - هیچ موجودی نیست تا به روز قیامت که پدید آمدنی باشد مگر آنکه پدید می آید».

۵۲۱۱- پیامبر (ص) زمانی که قصد برآمدن (سفر) داشت، میان زنان خود قرعه می انداخت.

۵۲۱۳- سنت آن است که کسی که با دوشیزه ازدواج می کند باید هفت (شب) را

---

۱- (بر آوردن آلت از فرج زن تا منی در آن نریزد و حمل نگیرد) عزل گفته می شود.

با وی به سر برد و اگر با شوهر دیده ازدواج می کند، باید سه شب نزد وی بگذراند.

۵۲۱۴- در زمره سنت است اگر کسی که زن شوهر دیده دارد با دوشیزه ازدواج می کند باید هفت شب را نزد دوشیزه سپری کند، و (سپس) نوبت نماید و اگر کسی دوشیزه‌ای در ازدواج دارد و با زن شوهر رسیده‌ای ازدواج می کند باید سه شب را با وی بگذراند و سپس نوبت بگذارد.

۵۲۱۵- «کسی که با همه زنان خود مباشرت کند و یک غسل نماید»: پیامبر (ص) در یک شب (برای جماع) بر زنان خویش دور می زد، و در آن زمان نه زن داشت.

۵۲۱۶- پیامبر (ص) چون از نماز عصر برمی گشت بر زنان خویش می درآمد و با هر یک شان نزدیکی می کرد.

۵۲۱۹- زنی گفت: یا رسول الله! من انباغ دارم (شوهرم زن دیگر دارد) اگر از جانب شوهر خود به آنچه به من نداده است، (نزد انباغ خود) تظاهر کنم، آیا بر من گناهی خواهد بود؟ پیامبر (ص) فرمود: «تظاهر کننده‌ای که به وی چیزی داده نشده است مانند پوشنده دو جامه دروغین است».

۵۲۲۰- «هیچکس غیرتمندتر از خدا نیست، و این به آن سبب است که اعمال زشت را حرام کرده است و هیچیکی از خدا دوستدارتر مدح گویی نیست».

۵۲۲۱- «ای امت محمد! هیچکس غیرتمندتر از خدا نیست که بنده یا کنیز خود را ببیند که زنا می کند، ای امت محمد! اگر شما می دانستید آنچه من می دانم (از

---

\* سعد رض گفت: اگر مردی را با زن خود بینم، او را با شمشیر می زنم؛ نه با پهنای شمشیر. پیامبر (ص) فرمود: «آیا از غیرت سعد در شگفتید؟ من از وی غیرتمندتر و خدا از من غیرتمندتر است».

گناه زنا و سایر معاصی) اندک می‌خندیدید و بسیار می‌گریستید».

۵۲۲۳- «همانا خدا غیرت می‌ورزد و غیرت خدا، آنگاه (برانگیخته می‌شود) که مسلمانان عملی مرتکب شود که خداوند آنرا حرام کرده است».

۵۲۳۰- «بنی هاشم بن مغیره، از من اجازه خواستند تا دختر خویش را به ازدواج علی بن ابی طالب درآورد، من اجازه نمی‌دهم... مگر آنکه پسر ابی طالب دختر من (فاطمه) را طلاق بدهد و دختر ایشان را به ازدواج خود درآورد، زیرا وی (فاطمه) گوشتپاره تن من است، ناخشنود می‌سازد مرا، آنچه ناخشنود می‌سازد او را، و آزار می‌رساند مرا آنچه آزار می‌رساند او را».

۵۲۳۱- «همانا از نشانه‌های قیامت است که علم دین برداشته می‌شود و زناکاری زیاد می‌شود و شرابخواری زیاد می‌شود، و مردان کم می‌شوند و زنان زیاد می‌شوند تا آنکه یک مرد از پنجاه زن سرپرستی می‌کند».

۵۲۳۲- «پرهیزید از اینکه بر زنان درآیید». مردی پرسید: یا رسول الله! در مورد حَمُو (خویشاوندان شوهر) چه می‌فرمایید؟ فرمود: «حَمُو مرگ است»<sup>(۱)</sup>.

---

\* [النساء: ۱۲۹ - ۱۳۰]: «شما هرگز نمی‌توانید میان زنان عدالت کنید، هرچند (بر عدالت) حریص باشید، پس به یک طرف یکسره تمایل نورزید تا آن (زن دیگر) را سرگشته (بلا تکلیف) رها کنید، یقیناً خدا آمرزنده مهربان است. و اگر آن دو از یکدیگر جدا شوند، خداوند هر یک را از گشایش خود بی‌نیاز گرداند و خدا همواره گشایشگر حکیم است».

\* «تو مردی را خواهی دید که چهل زن وی را همراهی می‌کنند و به وی پناه می‌جویند، و آن به خاطر کم شدن مردان و زیاد شدن زنان است».

۱- حَمُو، پدر شوهر و برادران شوهر و سایر نزدیکان شوهر است، آنها چنانکه از مرگ دوری می‌جویند باید از درآمدن بر زن پسر خود یا زن برادر خود یا خواهر زن خود دوری جویند.

۵۲۳۳- «مردی با زنی خلوت نکند مگر آنکه محرم وی باشد»<sup>(۱)</sup>.

۵۲۳۷- [آیه]: «همانا خداوند برای شما زنان، اجازه داده است که برای نیازمندی‌های خویش بیرون بروید».

۵۲۳۸- «آنگاه که زن هریک از شما برای رفتن به مسجد از شما اجازه بخواهد او را منع نکنید».

۵۲۴۰- «زن با زن مباشرت نکند (که اعضای او را لمس کند و به سوی او بنگرد) تا به شوهر خود از وی توصیف کند که گویا او به سوی وی می‌نگرد».

۵۲۴۴- «اگر دوری شما از خانه به درازا کشید، شبانگاه بر اهل خانه وارد نشوید».

۵۲۵۱- وی (عبدالله بن عمررض) در زمان رسول خدا(ص) زن خود را در حالی طلاق داد که حیض بود، عمر بن خطاب رض درین مورد از رسول خدا(ص) سوال کرد. رسول خدا(ص) فرمود:

«به او امر کن که به زن خود رجوع کند»<sup>(۲)</sup>. سپس زن خود را نزد خود نگه دارد تا آنکه (از حیض) پاک شود، سپس حیض شود و پس پاک شود، پس از آن اگر بخواهد او را نزد خود نگه دارد، و اگر بخواهد قبل از آنکه با وی جماع کند، او را طلاق دهد، و این است همان عده‌ای که خداوند امر کرده تا زنان با آن طلاق داده شوند».

---

۱- ذو محرم کسی است که نکاح آن زن به صورت دایم بر وی حرام باشد، مانند: پدر، برادر و غیره.

۲- طلاق در حال حیض واقع نمی‌شود.

\* اگر کسی از روی دانستگی زن خود را که در حال حیض است طلاق دهد، طلاق وی اعتبار دارد. (ترجمه انگلیسی بخاری).

۵۲۵۹- «مردی که زن خود را با مردی (در حال جماع) می‌بیند».

سه طلاق برای متلاعین (زن و شوهری که لعان می‌کنند) سنت گردید، زیرا مردی بعد از لعان قبل از اینکه پیامبر (ص) به او امر یکجاشدن با زنش را داده باشد. در همان مجلس او را سه طلاق داد.

۵۲۶۱- مردی زن خود را سه طلاق کرد، آن زن با مردی دیگر ازدواج کرد و آن مرد (پیش از دخول) او را طلاق داد. از پیامبر (ص) سوال شد که آیا وی (زن) می‌تواند به نکاح شوهر اول خود درآید؟ فرمود: «نی، تا آنکه شیرینی جماع او را بچشد، همانگونه که شوهر اول چشیده است».

۵۲۶۶- آنگاه که کسی زنش را (با گفتن: تو بر من حرام هستی) بر خود حرام گرداند، این (گفتن) چیزی نیست (طلاق واقع نمی‌شود).

«قطعاً برای شما (در اقتدا) به رسول خدا (ص) سرمشقی نیکوست» [الأحزاب: ۲۱].

۵۲۶۸- رسول خدا (ص) غسل و حلوا را دوست می‌داشت.

---

\* طلاق سنت: آن است که زن را در حالت پاکی طلاق دهد، بدون آنکه در آن حالت پاکی با وی جماع کند، و دو شاهد باید گواهی دهند.

\* [النور: ۳۱]: «زنان مسلمان مواضع زیورهای خود را آشکار نگردانند، مگر آنچه که (طبعاً) از آن پیدا است و باید که روسری خود را بر گردن خویش (فرو) اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانانشان یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان (هم‌کیش) خود، یا کنیزانشان یا پیرانی که صاحب شهوت نباشند. از مردان یا کودکانی که بر عورت‌های زنان آگاهی حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند».

\* اگر مردی (از روی اجبار) زن خود را بگوید، وی خواهر من است بر حالت وی اثر نمی‌گذارد (مثل ابراهیم (ع)).

«اعمال به نیت بستگی دارد و هر کس بر وفق نیت خود پاداش می گیرد».

و پیامبر(ص) به کسی که (به ارتکاب زنا) بر خود اقرار کرد، فرمود: «آیا دیوانه هستی؟» اگر مردی بگوید که اگر با فلان ازدواج کردم، بر من طلاق باشد و بعد با آن زن ازدواج کند، طلاق نمی شود.

اگر کسی به زن خود بگوید که اگر به فلان خانه رفتی، طلاق هستی، وی اگر به همان خانه رفت طلاق می شود و اگر نه، طلاق نمی شود.

---

\* اگر کسی به زن خود بگوید که (تو را سه طلاق دادم) در همین لفظ در نزد ائمه اربعه سه طلاق واقع می شود ولو که در یک مجلس گفته باشد.

عمر ۳ این عمل را به وقوع سه طلاق فتوا داد و رأی جمهور بر آن قرار گرفت.

\* [البقره: ۲۲۲]: «یا (باید زن را) به خوبی نگاه داشتن یا به شایستگی آزاد کردن».

\* طلاق که دیوانه و مست بدهد اعتبار ندارد، طلاق کسی که مجبور شود جایز نیست. طلاق مردی که وسوسه کننده است جواز ندارد، اگر کسی با لفظ طلاق آغاز کرد (و شرط گذاشت) شرط وی اعتبار دارد.

اگر مردی زن خود را به (شرط اینکه) اگر از خانه برآید طلاق باین بدهد (حکم آن چیست؟) ابن عمر گفت: اگر زنش برآید، از وی (به طور قطع) جدا می شود. (و رجوعی ندارد) و اگر بیرون نرود، بر آن اثری ندارد.

و زهری گفت: در باره مردی که بگوید: اگر چنین و چنان نکنم زن من سه طلاقه باشد - باید از وی - سوال شود به آنچه گفته و در دل خود (نیت آن را) بسته، آنگاه که این سوگند را یاد کرده است، (که تا چه مدتی آن کار را نکند) اگر وی مدتی را که می خواسته و در دل به آن نیت کرده بود، آنگاه که سوگند خورده بود یاد کرد (تعیین نمود) گفته او به دین او امانت او واگذاشته می شود.

و ابراهیم گفت: اگر شوهر به زن بگوید که مرا به تو نیازی نیست، به نیت شوهر بستگی دارد (که قصد طلاق داشته یا نه) و طلاق هر قوم به (عبارت) زبان آنها (که در امر طلاق مصطلح است) وابسته می باشد.



۵۲۶۹- «همانا خداوند از سخنان (ناروا) که امت من در دل می گذرانند درمی گذرد، همانهایی که به آن عمل نکرده اند و آنرا بر زبان نیاورده اند».

و قتاده گفت: اگر کسی در دل خود طلاق بگوید، تأثیری نمی گذارد.

۵۲۷۳- زن ثابت بن قیس نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: یا رسول الله! (شوهرم) ثابت بن قیس را از نظر خلق و خوی و دین، بر او ایراد نمی گیرم ولی ناخوشنودم (که به خاطر نادوست داشتن وی) در اسلام ناسپاسی کنم.

رسول خدا (ص) گفت: «آیا باغی را (که در مهر تو کرده) به وی باز می گردانی؟»

گفت: آری، رسول خدا (ص) (به شوهرش) گفت: «باغ را از وی قبول کن و او را یکباره طلاق کن».

[النساء: ۳۵]: «اگر از ناسازگاری میان آن دو (زن و شوهر) بیم دارید، پس داوری از خانواده آن (شوهر) و داوری از خانواده آن (زن) تعیین کنید.

و قتاده گفت: اگر شوهر به زن بگوید که اگر حامله شدی، تو سه طلاق هستی - وی حق دارد که در هر طهر (پاکی از حیض) با زن خود یک بار جماع کند، و آنگاه که حمل وی ظاهر شد... همانا طلاق بائن می شود.

و حسن گفت: اگر شوهر به زن بگوید: - به خانواده ات بازگرد - نیت شوهر اعتبار دارد.

ابن عباس رض گفت: طلاق بنا بر نیاز است، ولی آزاد کردن (بنده) چیزی است که به آن رضایت خدا را می خواهد.

و زهری گفت: اگر شوهر به زن خود بگوید: تو زن من نیستی، به نیت وی بستگی دارد. اگر نیت طلاق کرده باشد همان نیت وی اعتبار دارد.

و علی رض گفت: قلم از سه گونه مردم برداشته شده است (که طلاق دادنشان اعتبار ندارد): از دیوانه تا بهبود یابد، از کودک تا بالغ شود، از خوابیده تا بیدار شود. و علی گفت: هر طلاقى رواست، به جز طلاق ناقص العقل. (معتوه)

ابن عباس رض گفت: اگر زنی نصرانی یک ساعت پیش از شوهر (نصرانی) خود، مسلمان شود بر شوهر خود حرام می‌شود.  
و عایشه رض گفت: نی، به خدا سوگند که هرگز دست رسول خدا(ص) با دست زنی تماس نکرده است.

۵۲۸۹- رسول خدا(ص) سوگند یاد کرد که از زنان خود دوری جوید و در آن وقت پای آنحضرت مجروح شده بود، به مدت بیست و نه (روز) در بالاخانه خود اقامت گزید و سپس فرود آمد. گفتند: یا رسول الله! به مدت یک ماه سوگند یاد کرده بودی؟ فرمود: «ماه بیست و نه است».

---

\* و عُمر رض خُلع (جدایی میان زن و شوهر در بدل چیزی که زن به شوهر می‌دهد) را بدون حضور سلطان (در حضور قاضی و حاکم) اجازه داده است.  
و عثمان رض در خلع جایز دانسته که شوهر از زن همه دارایی وی را بگیرد، به جز رشته‌ای که بر سر خود می‌بندد.

\* [آیه]: «... کسانی که زنان‌شان را ظهار (مانند پشت مادرم هستی) می‌کنند پس از آنچه گفته‌اند پشیمان می‌شوند، برایشان (فرض) است که پیش از آنکه با یکدیگر همخوابگی کنند، بنده‌ای را آزاد گردانند این (حکمی) است که به آن پند داده می‌شوید و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. آن کسی که (بر آزاد کردن بنده) دسترسی ندارد باید پیش از تماس (با زن خود) دو ماه پیاپی روزه بدارد» [المجادله: ۱ - ۴].

\* اسیری که (نزد دشمنان مسلمانان است) و جای آن معلوم است: زنش ازدواج نکند و مالش تقسیم نشود. آنگاه که (خبر حیات و جای او) قطع شد، حالت وی، حالت مرد مفقود است. (زنش یکسال انتظار بکشد).

\* در مورد لُقْطه (مالی که در راه بیابید) یکسال سراغ دهید.  
\* ایلاء (که در قرآن ذکر شده): یعنی سوگند خوردن که به مدت چهار ماه با زن خود جماع نکند، اگر پیش از چهار ماه جماع کرد، حانث می‌شود و کفاره سوگند بر وی لازم می‌شود و

۵۲۹۶- از پیامبر (ص) شنیدم که می گفت: «فتنه از اینجاست». و به سوی مشرق اشاره کرد.

۵۲۹۷- «آنگاه که دیدید شب از اینجا (مشرق) روی می آورد، همانا زمان افطار روزه دار است».

۵۳۰۴- «من و کسی که از یتیم سرپرستی می کند در بهشت اینچنین هستیم». و آنحضرت به انگشت لبابه و میانه خویش اشاره کرد و میان آن دو انگشت را گشود. (یعنی باهم نزدیکیم).

ایلاء ساقط می شود، و اگر چهار ماه بگذرد و با زن خود جماع کند بر وی چیزی لازم نیست. و اگر چهار ماه گذشت و با وی جماع نکرد یک طلاق بائن واقع می شود. و این به مذهب حنفی است. به مذهب شافعی پس از انقضای مدت شوهر مخیر است که رجوع کند یا طلاق دهد. و بدون طلاق شوهر، زن مطلقه نمی شود و مدت ایلاء سه حیض است.

\* اگر کسی در صف جنگ مفقود شد، زن او یکسال انتظار بکشد (بعد ازدواج کند).

\* اگر گنگ و کر به اشاره سر خود (طلاق) بگوید رواست.

\* اگر کسی به زن خود بگوید: تو طلاق هستی. و با انگشتان خود (به عدد طلاق) اشاره کرد، به همان اشاره طلاق باین می شود.

\* اگر مردی گنگ زن خود را به وسیله نوشتن یا اشاره یا ایمای معروف به زنا متهم کند، وی در حکم کسی است که سخن می گوید.

\* لعان: مشتق از لعن به معنی راندن است. و طریق آن: قاضی از شوهر آغاز نماید و شوهر چهار بار بگوید که گواهی می دهم به خدا که در نسبت دادن زنا به این زن (زن خودش) صادق و بار پنجم بگوید که اگر در نسبت دادن زنا به این زن دروغ بگویم، لعنت خدا بر من باشد. پس زن چهار بار بگوید که گواهی می دهم به خدا که این مرد در نسبت دادن زنا به من دروغگو است. و بار پنجم بگوید: اگر شوهر در نسبت زنا به من صادق باشد خشم خدا بر من باد.

۵۳۰۵- مردی نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: یا رسول الله! پسری سیاه برایم زاده شده است. آنحضرت فرمود: «آیا شتر داری؟» گفت: آری، فرمود. «رنگ آنها چگونه است؟» گفت: سرخ گونه اند. فرمود: «آیا در میان آنها خاکی رنگ نیست؟» گفت: هست. فرمود: «این رنگ مخالف از کجا پدیدار شده است.» << گفت: شاید از نسل‌ها پدید آمده است. فرمود: «شاید این پسر تو از نسل‌ها پدید آمده باشد».

۵۳۰۶- مردی از انصار به زن خود نسبت زنا داد. پیامبر(ص) آنها را سوگند داد. پس میان آنها به جدایی (طلاق) حکم کرد.

۵۳۱۱- مهر زنی که لَعان می‌شود: آن مردی که زن خود را به زنا متهم کرده بود، گفت: مال مرا (مهری را که به وی داده‌ام) بدهد. به آن مرد گفته شد: «تو را مال‌ای نیست اگر راست گفته‌ای، بر وی دخول کرده‌ای (در بدل مهر به حق خود رسیده‌ای) و اگر دروغ گفته‌ای، از آن مال به دور افتادی».

۵۳۱۵- همانا پیامبر(ص) میان مرد و زنش لعان کرد، و فرزند را به مادر داد.

۵۳۲۰- سَبَّیْعَه اسلمی چند شب پس از مرگ شوهر خود زایید، وی نزد پیامبر(ص) آمد و اجازه خواست که ازدواج کند، آنحضرت به وی اجازه داد که ازدواج کند.

---

\* «خداوند (مردم را) به ریختن اشک عذاب نمی‌کند ولی به این عذاب می‌کند». و به زبان خود اشاره کرد (به نوحه، عذاب می‌کند).

\* [الطلاق: ۴]: «اگر شک دارید» یعنی اگر نمی‌دانید که حیض می‌شوند یا نمی‌شوند، و زنانی که از حیض شدن بازمانده‌اند و زنانی که حیض نمی‌شوند: (عدت ایشان سه ماه است)، و زنان آبستن مدتشان اینست که وضع حمل کنند).

\* طلاق برای لَعان‌کنندگان سنت گردید.

۵۳۳۳- آیا طلاق (در حالت حیض) طلاق حساب می‌شود؟ گفت (ابن عمر رض): «چه می‌پنداری اگر کسی عاجز آید و عمل جاهلانه انجام دهد» (یعنی حساب می‌شود).

۵۳۳۴- «بر زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد روا نیست که بر مرگ کسی بیش از سه شب سوگواری کند، به جز بر مرگ شوهر که چهار ماه و ده روز است».

۵۳۳۸- «... پس (زنی که در عدت است) سرمه نکند تا آنکه چهار ماه و ده روز بگذرد».

۵۳۴۴- عطاء گفت: سپس آیه میراث نازل شد (که زن از شوهر میراث می‌برد) و حکم سکونت (زن شوهر مرده) را نسخ کرد. پس وی هر کجا بخواهد عِدّه بگذراند و برایش حق سکونت (بر خانواده شوهر) نیست.

۵۳۴۶- پیامبر (ص) از بهای فروش سگ و اجرت کاهن (که مدعی علم غیب است) و مهر (اجرت) فحشاگری منع کرده است.

۵۳۴۷- پیامبر (ص) بر کسی که نقش و نگار و خال کوبی بر اندام کند و کسی که

---

\* در مورد دختر صغیره که شوهرش مرده است، در استعمال خوشبویی و ترک زینت وی اختلاف است. نزد امام ابوحنیفه بر وی ترک زینت واجب نیست.

\* مرد، زن خود را طلاق رجعی داده بود ولی به وی رجوع نکرد تا عده‌اش پایان یافت و بینونت صغری حاصل شد که در آن شوهر حق رجوع به زن را ندارد مگر آنکه زن راضی گردد که با وی نکاح مجدد نماید.

\* فاطمه دختر حکم نزد پیامبر آمد و گفت که شوهرش او را دو بار طلاق داده و می‌ترسد که کسی در خانه‌اش بر وی هجوم آورد. آنحضرت به وی اجازه داد که به خانه پدر و مادرش برود.

اندام خود را در معرض آن قرار دهد و بر سودگیرنده و سوددهنده لعنت کرده است.

۵۳۵۱- «آنگاه که مسلمانی بر خانواده خود نفقه می‌کند و با آن خشنودی خدا را می‌جوید، همان برایش صدقه است».

۵۳۵۲- خداوند فرموده است: «ای پسر آدم! نفقه کن تا بر تو نفقه کنم».

پیامبر (ص) فرمود: «دلسوز و مهربان بر بیوه‌ها و نیازمندان مانند مجاهد در راه خداست، یا همچو کسی است که شب را به نماز می‌ایستد و روز را روزه می‌گیرد».

۵۳۵۵- «بهترین صدقه آن است که صدقه‌دهنده را توانگر نگه دارد. و دست بالا (صدقه‌دهنده) بهتر از دست پایین (صدقه‌گیرنده) است و از کسی آغاز کن که عایله تو است».

زن می‌گوید: یا به من غذا فراهم کن یا مرا طلاق بده. غلام می‌گوید: مرا غذا بده و کار بفرمای. و پسر می‌گوید: مرا غذا بده، مرا به کی وامی‌گذاری؟<sup>(۱)</sup>

۵۳۵۶- «بهترین صدقه آنست که ناشی از توانگری باشد و از کسی آغاز کن که به تو وابسته است».

۵۳۵۷- پیامبر (ص) (سهمیه خود را) از خرمای بنی نضیر می‌فروخت، و (از بهای آن) آذوقه یک ساله خانواده خود را نگه می‌داشت.

---

\* پیامبر (ص) در ملاعنه، هنگامی که مرد، زن خود را طلاق می‌دهد، متعه (دادن چیزی را برای زن) ذکر نکرده است.

۱- سخن آنحضرت است و در آن چند حکم است: اول آنکه حق نفس مرد، برحق غیر مقدم است. دوم، نفقه دادن زن و فرزند فرض است، نفقه خادمان نیز واجب است، اگر مرد از عهده نفقه زن نتواند برآید، میان آنها می‌تواند جدایی صورت گیرد.

۵۳۶۱- «آنگاه که به خوابگاه خویش درآیید، یا به بستر خویش جای گیرید، سی و سه بار (سبحان الله) و سی و سه بار (الحمد لله) و سی و چهار بار (الله اکبر) بگویید، این برای شما از خادم بهتر است».

۵۳۶۳- پیامبر (ص) در خانه خود چه کار می کرد؟ وی (عایشه رض) گفت: به خانواده خود خدمت می کرد، و چون اذان را می شنید (برای گذاردن نماز) بیرون می رفت.

۵۳۷۱- جنازه مردی که قرضدار می بود، چون نزد پیامبر (ص) آورده می شد، می پرسید: «آیا چیز زیادی برای ادای قرض خود گذاشته است؟» اگر گفته می شد که گذاشته است، بر وی نماز جنازه می گذارد، و اگر نه به مسلمانان می گفت: «بروید بر دوست خود نماز بگذارید».

آنگاه که خداوند فتح‌ها را بر آنحضرت نصیب گردانید، گفت: «من به مسلمانان از خود آنان نزدیکترم، کسی که از مسلمانان بمیرد و از خود قرض به جا گذارد، پرداخت آن با من است، و اگر مالی ای به جای گذارد، برای وارثین وی است».

۵۳۷۳- «گرسنه را طعام دهید و بیمار را عیادت کنید و اسیر را رها کنید».

۵۳۷۴- اهل و عیال محمدص، سه روز پیاپی از غذایی سیر نشدند تا آنکه آنحضرت وفات کرد<sup>(۱)</sup>.

۵۳۷۶- «ای پسر! بسم الله، بگوی و با دست راست بخور و از آن بخش کاسه که به

---

۱- این حالت به خصوصی در اواخر زندگی شان ناشی از نبود مواد غذایی نبود، بلکه آنچه میسر می شد صرف فقرا و گرسنه‌ها می شد.

تو نزدیک است بخور»<sup>(۱)</sup>.

۵۳۸۰- پیامبر(ص) تا حد توان دوست می داشت که از جانب راست آغاز نماید، در وضو کردن، کفش پوشیدن و در شانه کردن، آنحضرت در همه کارها از راست آغاز می کرد.

۵۳۸۵- پیامبر(ص) نان نازک و گوسفند بریان نخورد تا آنکه خدا را ملاقات کرد. (تا آنکه وفات کرد).

۵۳۹۱- آنحضرت کمتر به غذایی دست پیش می کرد تا آنکه به او گفته نمی شد و یا نام غذا برده نمی شد. رسول خدا(ص) به سوی گوشت سوسمار دست دراز کرد، یکی از زنانی که در آنجا حضور داشت گفت: این گوشت سوسمار است یا رسول الله! پیامبر(ص) دستش را از گوشت سوسمار عقب کشید. خالد بن ولید گفت: آیا حرام است یا رسول الله؟ فرمود: «نی، ولی در سرزمین قوم من (مکه) یافت نمی شده است و بر من نامطبوع و ناخوش است».

خالد گفت: من گوشت سوسمار را به سوی خود پیش کشیدم و می خوردم و پیامبر(ص) به سوی من می نگریست.

۵۳۹۲- «غذایی که دو نفر به آن سیر شود، سه نفر را بسنده است و غذایی که سه نفر به آن سیر شود، چهار نفر را بسنده است».

۵۳۹۳- ابن عمر رض غذا نمی خورد تا مسکینی فرا خوانده می شد که با وی غذا بخورد. باری مردی را آوردم که با وی غذا بخورد، وی غذای زیاد خورد. ابن عمر رض گفت: ای نافع! دیگر این مرد را به (خانه ام) نیاور، زیرا از پیامبر(ص)

---

۱- مراد هم کاسه بودن در غذا خوردن است که چند نفر از یک ظرف غذا می خورند، هر کس باید از همان قسمت ظرف که دستش به آن نزدیک است لقمه برگرد.

\* مسلمان کم خوار است. یعنی پر خور نیست.



شنیده‌ام که می‌فرمود: «مسلمان در یک روزه می‌خورد و کافر در هفت روزه».

۵۳۹۸- «همانا من در حال تکیه شده غذا نمی‌خورم».

۵۴۰۱- «خداوند به آتش حرام گردانیده، کسی را که (لا إله إلا الله) بگوید و به آن

رضای خدا را بجوید».

۵۴۰۹- ابوهریره رض: پیامبر (ص) هرگز بر طعامی عیب نگرفته است، اگر او را

خوش می‌آمد از آن می‌خورد و اگر او را ناخوش می‌آمد آنرا ترک می‌کرد.

۵۴۱۳- سهل: پیامبر (ص) از آنگاه که خداوند او را مبعوث کرده تا زمانی که

روحش را قبض کرده است، نان سفید از آرد بیخته شده را ندیده است. غربال

را ندیده است.

ما جو را آرد می‌کردیم و بر آن می‌دمیدیم (سبوسی آنرا پُف می‌کردیم)

سبوسی آن می‌پرید، آنچه می‌پرید، و بقیه آنرا خمیر می‌کردیم (و می‌پختیم) و

می‌خوردیم.

۵۴۱۵- انس رض: پیامبر (ص) بر خوان غذا نخورده و نه بر سُرَّجِه (قاب کوچک)

و نه قرص نان نازک خورد، پس بر چه غذا می‌خورد؟ گفت: بر سُفْرَه.

۵۴۱۷- «تلبینه (غذای آبگین مرکب از آرد و بعضاً عسل). آرام‌بخش دل بیمار

است و از اندوه وی می‌کاهد».

۵۴۱۹- «فضیلت عایشه بر زنان مانند فضیلت ثرید (نان و آبگوشت یا نان و

خورشت) بر سایر غذاهاست».

۵۴۲۹- «سَفَر نوعی از عذاب است، خواب و خوراک شما را مانع می‌شود پس اگر

---

\* «بار الها! به تو پناه می‌جویم از: غم و اندوه و ناتوانی و کاهلی و بخل و گرانی قرض و غلبه

مراد سفر انجام می‌شود باید به سوی خانواده خود بشتابد».

۵۴۳۱- عایشه رض: پیامبر (ص) شیرینی و عسل را دوست می‌داشت.

۵۴۳۳- انس رض: پیامبر (ص) را دیدم که کدو می‌خورد، من همیشه کدو را دوست می‌دارم.

۵۴۳۴- پیامبر (ص) (به ابوشعیب) گفت: «همانا تو پنج نفر را دعوت کرده بودی، و این مرد ما را همراهی کرده است. اگر می‌خواهی به وی اجازه بده و اگر می‌خواهی او را واگذار». وی گفت: آری، به وی اجازه دادم. امام بخاری: اگر مهمانان بر سر سفره نشسته‌اند، حق ندارند که از یک سفره به سفره دیگر چیزی بدهند، ولی حق آنها دارند که در همان سفره به یکدیگر خود چیزی بدهند یا آنها ترک کنند.

۵۴۴۰- عبدالله بن جعفر رض: پیامبر (ص) را دیدم که خرما را با خیار می‌خورد.

۵۴۴۴- «از جنس درختان، درختی است که برکت آن مانند برکت مسلمان است»... (آن درخت خرماست).

۵۴۴۵- «هرکسی که هفت دانه خرما می‌خورد (خوب و مرغوب) صبحانه بخورد، در آن روز نه زهر و نه سحر او را زیان می‌رساند».

۵۴۵۲- «کسی که سیر خام یا پیاز خام می‌خورد از ما گوشه بگیرد یا از مسجد ما گوشه بگیرد».

۵۴۵۴- سدید بن نعمان رض: ... آنحضرت طعام می‌طلبید، به جز سَوِيق چیزی آورده نشد، آنها خوردیم، آنحضرت دهان را شست و ما هم دهان خویش را شستیم.

۵۴۵۶- «آنگاه که یکی از شما غذا می‌خورد، دست خود را پاک نکند تا آنرا بلیسد یا لیسانده شود».

۵۴۶۰- «آنگاه که خدمتکار یکی از شما غذای او را می آورد، اگر او را (در خوردن غذا) با خود نمی نشانند باید برای وی یک یا دو لقمه بدهد، زیرا وی رنج پختن آنرا برده و آنرا آماده کرده است».

۵۴۶۲- عمرو بن امیه رض: وی پیامبر(ص) را دیده است که از شانه گوسفند که در دست وی بود، می برید. آنحضرت به نماز فرا خوانده شد، شانه و کاردی را که با آن می برید به دور انداخت، پس به نماز ایستاد و وضو (تازه) نکرد.

۵۴۶۳- «آنگاه که غذای شب نهاده شود و اقامه نماز (خفتن) گفته شود با غذای شب آغاز کنید».

۵۴۶۴- وی (ابن عمررض) باری غذای شب می خورد و قرائت امام را می شنید.

۵۴۷۱- «عقیقه با نوزاد توأم است».

۵۴۷۲- «با نوزاد عقیقه است، برایش خونی بریزید (قربانی کنید) و رنج را از وی دور کنید»<sup>(۱)</sup>.

۵۴۷۹- پیامبر(ص) با دو انگشت سنگریزه افکندن را ناخوشایند خوانده است و فرمود: «با این عمل شکار نمی شود و دفع دشمن نمی شود، ولی دندان کسی را می شکند و چشم کسی را کور می کند».

۵۴۸۰- «کسی که سگی را نگه می دارد که برای نگهبانی مواشی (دامها) و برای

---

\* [الأحزاب: ۵۳]: «وقتی غذا خوردید، پراکنده شوید».

\* اگر وقت نماز شام (خفتن) فرا رسد به خوردن غذا شتاب نکند.

\* شکرکننده خورنده غذا، مانند صبرکننده روزه دار است.

۱- بعضی دور کردن موی سر، یا خون، یا ختنه کردن وی (کودک) دانسته اند.

شکار نیست، هر روز دو قیراط از عمل (نیک) وی می‌کاهد».

... ابن عباس رض: طعام آن (بحر) (که در آیه آمده که حلال است) ماهی مرده دریاست، مگر آنکه تو آنرا ناپاک پنداری، و مارماهی را یهود نمی‌خورند و ما می‌خوریم.

شُرَیح: هر چیزی که در بحر است ذبح شده است (نیازی به ذبح ندارد).

عطاء: اما پرنده، می‌پندارم که آنرا باید ذبح کنی.

صید نهرها، رودخانه‌ها و باتلاق‌ها حکم صید بحر را دارد. گفت (عطاء): آری و سپس تلاوت کرد: [فاطر: ۱۲]: «دو دریا یکسان نیستند: این یک شیرین تشنگی زدا و آن یک شور تلخ‌مزه است و از هر یک گوشتی تازه می‌خورید».

شعبی: اگر خانواده‌ام قورباغه (غوک یا بقه) بخورند بر آنها می‌خورانم.

و حسن بصری به خوردن سنگ‌پشت باکی نمی‌بیند.

و ابن عباس رض گفته است: از صید بحر بخورید، هر چند آنرا یهودی، نصرانی یا مجوسی شکار کرده باشد.

---

\* عمر رض گفت: صید بحر، یعنی آنچه که توسط دام شکار می‌شود و طعام بحر، یعنی آنچه بحر بیرون می‌افکند (ماهی مرده). و ابوبکر صدیق گفت: طافی (ماهی مرده بر روی آب) حلال است.

حنفیه، خوردن طافی یعنی ماهی مرده را مکروه پنداشته است (اند). و حجت ایشان حدیثی است که ابوداود و ابن ماجه روایت کرده‌اند که آنچه از دریا بیرون آید بخورید و آنچه مرده است و بر روی آب آمده است نخورید و نیز آیه حُرمت علیکم المیتة عام است. مالک و شافعی و احمد گفته‌اند که در خوردن آن باکی نیست.

\* [المائدة: ۹۶]: «صید بحر و طعام آن بر شما حلال شده است».

\* [المائدة: ۳]: «و به ضرب شاخ مرده» یعنی: حیوان دیگری او را شاخ بزند. پس در همچو حالات، اگر دیدی که دُم یا چشم حیوان حرکت می‌کند، آنرا بگش و بخور.

۵۴۹۵- ابواوفی رض: با پیامبر(ص) در هفت یا شش غزوه شرکت کردیم ما با آنحضرت مَلَخ می خوردیم.

۵۴۹۸- «با آنچه خون را بریزاند و نام خدا را بر آن برید، آنرا بخورید ولی نه با دندان و نه با ناخن، و شما را ازین موضوع آگاه می کنم، زیرا دندان، استخوان است و ناخن کارد حبشیان است»<sup>(۱)</sup>.

۵۵۰۰- «کسی که قبل از نماز ذبح کرده است به جای آن قربانی دیگری ذبح کند و کسی که ذبح نکرده تا آنکه نماز گذاردیم، باید به نام خدا ذبح کند».

۵۵۰۳- شتری گریخت و آنرا (با هدف قراردادن تیر) متوقف کردند. پیامبر(ص) فرمود: «حیواناتی مانند این شتر همچون جانوران وحشی هستند. اگر بر آنها تسلط نیابید اینچنین عمل کنید. (با تیر بزنید).

۵۵۰۷- مردم به ما گوشت می آورند، ما نمی دانیم که بر آن نام خدا برده شده است یا نه؟ پیامبر(ص) فرمود: «شما نام خدا را بر آن برانید و بخورید»<sup>(۲)</sup>.

---

۱- زیرا کشتن با ناخن سبب تعدیب حیوان است.

۲- این حدیث، حجت است که تسمیه را به هنگام ذبح واجب نمی داند و ذبح شده کسی را که بسم الله را ترک کرده است حلال می داند.

\* [المائده: ۵]: «امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده، و طعام کسانی که اهل کتاب هستند برای شما حلال و طعام شما برای آنان حلال است».

زهري گفت: در خوردن ذبحی که توسط عرب های نصرانی می شود باکی نیست، و اگر شنیدی که (به وقت ذبح) نام غیر خدا را می گیرند، از آن مخور، و اگر شنیدی، همانا خداوند آنرا برای تو حلال کرده است با آنکه کفر آنها را دانسته است.

طعام آنها (که در آیه آمده است) مراد ذبح های ایشان است.

\* اگر سر حیوان بریده شود، باکی نیست.

۵۵۱۳- انس رض: پیامبر(ص) از تیرزدن جانوران در بند نگه داشته شده منع کرده است.

۵۵۲۷- زهري: پیامبر(ص) از خوردن گوشت درندگان نیشدار منع کرده است.

۵۵۳۱- همانا پیامبر(ص) از کنار گوسفندی<sup>(۱)</sup> مرده گذشت و فرمود: «چرا از پوست آن استفاده نمی کنید؟» گفتند: آن مرده است. فرمود: «خوردن آن حرام گردیده است».

۵۵۳۸- موشی در روغن افتاد و مرد. پیامبر(ص) فرمود: «موش و روغن پیرامون آنرا به دور اندازید و (بقیه روغن را) بخورید».

۵۵۴۱- ابن عمر رض: پیامبر(ص) منع کرده است که (بر روی حیوان) زده شود.

۵۵۷۱- عمر رض: همانا پیامبر(ص) شما را از روزه گرفتن در این دو عید منع کرده است. یکی از آن دو روز، روزی است که پس از روزه گرفتن خویش، (با ختم روزه) می خورید (عید فطر) و روز دیگر، همان است که از قربانی های خویش می خورید. (روز اول عید قربان)».

۵۵۷۴- «از گوشت قربانی سه روز بخورید»<sup>(۲)</sup>.

---

۱- در حدیث بعدی ماده بز نیز ذکر شده است.

\* [البقره]: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از نعمت های پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم، بخورید و خدا را شکر کنید، اگر تنها او را می پرستید. (خداوند) تنها مردار و خون و گوشت خوگ و آنچه را که (هنگام سربریدن) نام غیر خدا بر آن برده شده، بر شما حرام گردانیده است (ولی) کسی که (برای حفظ جان خود به خوردن آنها) ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهی نیست، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است».

\* نزد حنفیه، قربانی واجب است.

۲- ولی جمهور بر آن هستند که نگه داشتن و خوردن گوشت قربانی زیاده از سه روز مباح است.

۵۵۷۷- «از نشانه‌های قیامت آنست که: نادانی (در علم دین) پدید می‌آید و علم (علماء) کم می‌شوند و زناکاری بر ملا می‌گردد و شراب نوشیده می‌شود و مردان کم می‌شوند و زنان زیاد می‌گردند تا آنکه از پنجاه زن یک مرد سرپرستی می‌کند».

۵۵۷۸- «زناکار به هنگام ارتکاب زنا مؤمن نیست و شرابخوار به هنگام شراب خوردن مؤمن نیست و دزد به هنگام دزدی مؤمن نیست». «و غارتگر که مال ارزشمندی را غارت می‌کند و مردم به سوی وی می‌نگرند به هنگام غارت مؤمن نیست».

۵۵۸۱- عمر رض: تحریم شراب نازل شد، و آن از پنج چیز آماده می‌شود: انگور و خرما و عسل و گندم و جو، و شراب همان است که عقل را پوشاند.

۵۵۸۵- در مورد اَلْبَتَع (شراب عسل) از پیامبر (ص) سوال شد. فرمود: «هر نوشیدنی که مستی آورد، آن حرام است».

۵۵۸۸- عمر رض: سه مورد است که دوست داشتیم پیامبر (ص) از ما جدا نمی‌شد تا آنکه آنها را به ما به وضاحت بیان می‌کرد: جَدُّ: (میراث گرفتن پدر بزرگ از نوه خود). کَلَالَه: (کسی که پدر و فرزند ندارد). و چند مورد در مورد مسئله رِبَا (سود).

۵۵۹۰- «گروهی از امت من خواهند بود که زناکاری و پوشیدن پارچه ابریشمی و شراب و آلات موسیقی را حلال خواهند کرد. و گروهی بر دامنه کوهی فرود

---

\* فُقَاع اگر مستی نیاورد در آن باکی نیست. (فقاع نوشابه‌ای است که از عسل و انگور تهیه می‌شود و نوشیدن آن رواست تا آنگاه که تازه باشد و تخمیر نشده باشد). فقاع، شرابی است که از مویز (کیله) می‌سازند.

می آیند و چوپانان گوسفندانشان را شامگاه می آورد و نزد ایشان نیازمندی می آید تا حاجتش برآورده شود به او می گویند: فردا نزد ما بیا. خداوند ایشان را شبانگاه هلاک می کند و کوه را بر سرشان فرو می کوبد و بقیه را به شکل بوزینه و خوگ تا روز قیامت درمی آورد».

۵۶۰۵- ابو حُمَید ظرفی شیر از (موضع) نَقِيع آورد. پیامبر (ص) به او گفت: «چرا ظرف را نپوشانیدی، هر چند بر آن چوبی می گذاشتی؟».

۵۶۱۱- [آل عمران: ۹۲]: «هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید».

۵۶۱۲- من (انس رض) از گوسفند شیر نوشیدم و با آن آب چاه را آمیختم، آنحضرت ظرف را گرفت و نوشید. ابوبکر به جانب چپ آنحضرت نشسته بود و بادیه نشین به سمت راست وی و بقیه آنها (شیر را) به بادیه نشین داد و سپس فرمود: «راست و سپس راست را لازم گیر».

۵۶۱۵- علی رض در دروازه محوطه (مسجد) آمد و به حالت ایستاده آب نوشید و گفت: همانا بعضی از مردم نوشیدن آب را به حالت ایستاده مکروه می دانند و همانا من پیامبر (ص) را دیده ام که همان کاری که شما دیدید من کردم، انجام داد.

۵۶۱۷- پیامبر (ص) از آب چاه زمزم به حالت ایستاده نوشید.

۵۶۲۰- برای پیامبر (ص) نوشیدنی ای آورده شد و آنحضرت از آن نوشید، در

---

\* زهری گفت: نوشیدن پیشاب انسان هر چند به آن اشدّ احتیاج باشد، حلال نیست. زیرا پیشاب نجس است. خداوند (ج) فرموده است: [المائدة: ۵]: «چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده است». و ابن مسعود در مورد شراب گفت: خداوند شفای بیماری شما را در آنچه حرام کرده نگردانیده است.



جانب راست آنحضرت پسری خردسال نشسته بود و به جانب چپ وی بزرگان نشسته بودند. آنحضرت به آن پسر گفت: «آیا اجازه می‌دهی که (بقیه را) به این بزرگان بدهم». آن پسر گفت: به خدا سوگند یا رسول الله که سهمی را که از تو به من رسیده است به هیچیک نمی‌دهم. آنحضرت ظرف نوشیدنی را به دست وی داد.

۵۶۲۱- «اگر آبی که شب در مشک انداخته‌ای داری (برای ما بیاور) و اگر نه به دهان خود آب (از جوی) می‌نوشیم».

۵۶۲۵- از پیامبر(ص) شنیده‌ام که از خمیده کردن دهانهٔ مشک‌ها (و نوشیدن از آن) منع می‌کرد. عبدالله به روایت از معمر یا غیر او گفته است: و آن نوشیدن از دهانهٔ مشک‌ها است.

۵۶۲۷- ابوهریره رض: پیامبر(ص) نوشیدن از دهان مشک شیر یا مشک آب را منع کرده است و همسایه را منع کرده است که در دیوار همسایهٔ خود میخی بکوبد.

۵۶۳۰- «هریک از شما آب نوشید در ظرف آب نفس ندمد و هریک از شما که پیشاب کرد آلت خود را در دست نگیرد و هریک از شما که استنجا کند با دست راست پاک نکند».

۵۶۳۱- انس رض ظرف آب را در دو یا سه دم (مرحله) سر می‌کشید و می‌گفت که پیامبر(ص) در سه دم (مرحله) آب می‌نوشید.

۵۶۳۴- «کسی که در ظرف نقره می‌نوشد گویی آتش در شکم خود فرو می‌کشد».

۵۶۳۵- براء بن عازب رض: پیامبر(ص) ما را به هفت چیز امر کرد و از هفت چیز منع کرد: ما را امر کرد که از مریض عیادت کنیم و جنازه‌ها را همراهی کنیم و عطسه‌کننده را دعاء (یرحمک الله) بگوییم، مهمانی را بپذیریم و بر همگان

سلام بگویم و ستم‌دیده را یاری کنیم و سوگند‌خورنده را کمک کنیم (که سوگندش به جا شود و حانث نگرده) و آنحضرت ما را منع کرد که انگشتر طلا بپوشیم، و در نقره یا ظروف نقره ننوشیم و میاثر (روی زینی ابریشمی) به کار نگیریم و قَسَبی (نوعی پارچه ابریشمی) و پوشیدن حریر و دیبا و استبرق (پارچه‌های ابریشمی) را منع کرده است.

۵۶۴۰- «هیچ مصیبتی نیست که به مسلمان برسد مگر آنکه خداوند به وسیله آن گناہانی از او را بپوشاند تا آنکه خاری که در بدن او می‌خلد».

۵۶۴۱ و ۵۶۴۲- «مسلمان را نمی‌رسد رنج و بیماری، و نه غم و اندوهی و نه آزار و غصه‌ای حتی که خاری که در بدن او می‌خلد، مگر آنکه خداوند به وسیله آن خطاهای وی را می‌پوشاند».

۵۶۴۳- «مثال مؤمن مثال شاخهٔ تر نورسته‌ای است که آنرا باد باری کج می‌کند و باری راست می‌کند، و مثال منافق مانند درخت صنوبر و شمشاد است که راست ایستاده است تا آنکه یکبارگی ریشه کن شود».

۵۶۴۴- «مثال مؤمن مانند شاخهٔ تر نورسته‌ای است که به هر سوی آن باد بود آنرا می‌خماند و چون باد بایستد راست می‌گردد (در برابر مصایب صبور و شکیباست) و مثال فاجر چون درخت صنوبر است که راست ایستاده است تا آنکه هر گاه خدا بخواهد آنرا فرو می‌شکند».

۵۶۴۵- «کسی که خدا به وی نیکویی می‌خواهد به مصیبت گرفتار می‌شود».

۵۶۴۶- «هیچ‌یک را ندیده‌ام که درد (بیماری) وی سخت‌تر از پیامبر (ص) بوده باشد». (عایشه رض).

---

\* [النساء: ۱۲۳]: «هر کسی بدی کند در برابر آن کیفر می‌بیند».

۵۶۴۷- «مسلمانی نیست که به وی درد و آزاری برسد مگر آنکه خداوند خطاهای او را فرو ریزد، چنانکه برگ درخت فرو می‌ریزد». (مریضی و سایر آن).

۵۶۴۹- «گرسنه را طعام دهید، و مریض را عیادت کنید و اسیر را رها کنید».

۵۶۵۰- براء بن عازب رض: پیامبر (ص) ما را به هفت چیز امر کرد و از هفت چیز منع فرمود: ما را از انگشتر طلا و حریر و... منع کرد، و به همراهی کردن جنازه و عیادت کردن مریض و سلام دادن به همه گان امر کرد.

۵۶۵۲- زن سیاه نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: مرض صرع بر من عارض می‌شود (بیهوش می‌گردم) و بدن من برهنه می‌شود. برای من در پیشگاه خدا دعا کن. آنحضرت فرمود: «اگر می‌خواهی که صبر کنی، به بهشت می‌روی و اگر می‌خواهی به پیشگاه خدا دعا می‌کنم که به تو صحت ارزانی دارد». آن زن گفت: صبر می‌کنم و سپس گفت: من برهنه می‌شوم، پس خداوند را دعا کن که مرا برهنه نگرداند. آنحضرت برای وی دعا کرد.

۵۶۵۳- «خداوند فرموده است: آنگاه که بنده‌ام را از دو چیز عزیز وی محروم می‌کنم و او صبر کند، در عوض آن دو چیز، بهشت را به وی ارزانی می‌کنم». مراد (از آن دو عزیز) دو چشم وی است.

۵۶۵۴- آنگاه که پیامبر (ص) به مدینه آمد، ابوبکر رض و بلال رض دچار عارضه تب گردیدند. عایشه رض گفت: من برایشان در آمدم و گفتم: ای پدر! چه طور هستی و ای بلال! تو چطور هستی؟

۵۶۵۵- «همانا از جانب خداست آنچه را می‌گیرد و آنچه را می‌دهد و هرچیز به نزد وی مدتی معین دارد، پاداش آنرا از خدا بخواه و صبر کن»، «این

---

\* ام درء، مردی از اهل مسجد را که از انصار بود عیادت کرد.

(اشک ریختن) رحمتی است که خدا در دل‌های آن بندگان که می‌خواسته نهاده است و خدا بر کسانی از بندگان خود رحم نمی‌کند به جز آنانی که رحم‌کننده‌اند».

۵۶۷۱- «هیچیک از شما به سبب زیانی که به او رسیده است مرگ را آرزو نکند، و هرگاه ناچار شود پس باید بگوید: بار الها! تا آنگاه مرا زنده داشته باش که زندگی به خیر من است و آنگاه مرا بمیران که مرگ به خیر من باشد».

۵۶۷۳- «عمل هیچیک او را به بهشت داخل نمی‌کند». یاران گفتند: و نه شما را یا رسول الله! فرمود: «نی، و نه مرا، مگر آنکه خداوند مرا به فضل و رحمت خود ببوشاند، پس میانه‌روی کنید و نزدیک (به کمال) عمل کنید. (در امور دینی میانه‌روی کنید و در خور توان عمل کنید) و هیچیک از شما آرزوی مرگ نکند، زیرا اگر او نیکوکار است شاید که بر عمل نیک خود بیفزاید و اگر بدکردار است شاید که توفیق توبه یابد».

۵۶۸۱- «شفا در سه چیز است: در نیشتر حجامتگر یا خوردن عسل، یا داغ کردن به آتش، و من امت خود را از داغ کردن منع می‌کنم».

۵۶۸۴- مردی نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: شکم برادرم درد می‌کند. آنحضرت فرمود: «به او عسل بنوشان»... وی به برادر خود عسل نوشانید و بهبود یافت.

۵۶۸۷- خالد بن سعد رض: ما در سفری برآمدیم و غالب بن ابجر با ما بود، وی در طول راه بیمار شد، ما به مدینه رسیدیم و او همچنان بیمار بود. ابن ابی عتیق به عیادت وی آمد و به ما گفت: شما او را با سیاه‌دانه درمان کنید، پنج یا هفت دانه سیاه‌دانه را بگیرید و بسایید، و با روغن یکجا کنید و در سوراخ‌های بینی

---

\* حجامت (خون کشیدن) (خون از رگ گرفته شود).

وی بچکانید.

۵۶۸۸- «در سیاه‌دانه شفای هر مرضی به جز سام (مرگ) است».

۵۶۸۹- «همانا تلینه (شیر روغن) دل بیمار را آرام می‌سازد و بخشی از حزن و اندوه او را دور می‌کند».

۵۶۹۰- تلینه، ناخوشایندی مفید است (زیرا سوگواران می‌خورند).

۵۶۹۴- پیامبر (ص) حجامت شد در حالی که روزه داشت.

۵۶۹۶- «بهترین چیزی که با آن درمان می‌کنید حجامت است و قسط دریایی (به گلودردی کودکان)».

۵۷۰۵- افسون (موثر) نیست به جز از چشم نظر و عقرب (گژدم) گزیدگی، «آنها (هفتاد هزار نفر از امت پیامبر (ص) که بدون حساب وارد بهشت می‌شوند، کسانی هستند که با افسون (رُقبه) درمان نمی‌کنند و (پرنده‌گان و غیره را) به فال نیک و بد نمی‌گیرند، داغ نمی‌کنند و به پروردگار خود توکل می‌کنند».

۵۷۰۸- «قارج (سماروغ) چون شیرخشت است و آب آن شفای چشم است».

۵۷۱۳- «... عود هندی را بر خود لازم گیرید که در آن هفت شفاست که در آن زمره است: (ذات الجنب) دارورختن در بینی برای درد گلو، و دارورختن در کنار دهن برای بیماری ذات الجنب».

۵۷۱۷- «نیست مرضی ساری (به جز اراده خدا) و صَفَر (به آن معنی) نیست و نه بوم شوم است».

۵۷۱۹ و ۵۷۲۰ و ۵۷۲۱- پیامبر (ص) به یکی از خانواده‌های انصار اجازه داد که درد گوش و گژدم گزیدگی را با رُقیه (آنچه بر جراحت نهند تا خون بایستد)

درمان کنند.

۵۷۲۳- «گرمی تب از گرمای دوزخ است، پس آنرا با آب خاموش گردانید».

۵۷۲۴- «تب را با آب، سرد بسازید».

۵۷۲۸- «اگر شنیدید که در سرزمینی طاعون است، در آنجا داخل نشوید و اگر

طاعون در سرزمینی باشد که شما در آن هستید از آنجا بیرون نروید».

۵۷۳۳- «مرگ در بیماری شکم (اسهال) شهادت است و هر که به طاعون بمیرد

شهید است».

۵۷۳۶- «تو را (خطاب به اصحاب) چه چیز آگاه کرد که سوره فاتحه رقیه (درمان)

است.

۵۷۳۷- «شما آنچه را به طور مزد در برابر (خواندن) کتاب خدا گرفته‌اید، به آن

سزاوارید».

۵۷۳۹- پیامبر (ص) در خانه وی (ام سلمه رض) دختری را دید که بر رویش لکه

سیاه می‌باشد. فرمود: «او را رقیه کنید (الفاتحه را بالایش بخوانید) زیرا وی را

چشم نظر رسیده است».

۵۷۴۰- «چشم زخم حق است». و آنحضرت از خالکوبی نقش و نگار در بدن منع

کرده است.

۵۷۴۱- پیامبر (ص) رقیه را در مورد هر گزنده زهردار اجازه داده است.

۵۷۴۷- «رؤیای (صالحه) از سوی خداوند است، خواب ناخوشایند باشد، پس باید

سه بار، با آب دهان (به جانب چپ خود) بدمد و از شر آن پناه جوید، همانا

آن خواب زیانی به او نمی‌رساند».

۵۷۴۸- پیامبر (ص) چون به بستر خود می‌درآمد سوره اخلاص، ناس و فلق را بر

دست‌های خود می‌دمید و سپس دست‌ها را به روی خود می‌کشید، و تا جایی

که دست‌هایش می‌رسید، بر بدن خود می‌کشید.

۵۷۵۲- «آنها (گروهی که بدون حساب به بهشت می‌روند) کسانی هستند که پرندگان را به فال بد نمی‌گیرند، و رقیه نمی‌کنند و داغ نمی‌کنند و بر پروردگار خویش توکل می‌کنند».

۵۷۵۷- «نه سرایت مرض (بدون تقدیر خدا) و نه فال بد در پرندگان و نه هامه (در دوران جاهلیت به آن اعتبار می‌دادند و آنرا جغد یا بوم می‌پنداشتند و می‌گفتند: اگر به خانه کسی آواز کند، شوم است. از مرگ صاحب خانه یا یکی از نزدیکان وی خیر می‌دهد) و نه (ماه) صفر اعتبار دارد».

۵۷۶۴- «از موبقات مهلکات پرهیزید». یعنی شرک به خدا و سحر.

۵۷۶۷- «برخی از سخنان بسان سحر است - یا - بعضی از سخنان مانند سحر است».

۵۷۶۸- «اگر کسی صبحانه چند دانه (هفت دانه) خرما یا عجوه (مرغوب و خوب) بخورد، در آن روز تا فرارسیدن شب، نه زهر او را زیان می‌رساند و نه سحر».

۵۷۷۵- «شتر اول را چه کسی ساری ساخته است؟».

۵۷۷۶- «سرایت مرض نیست و شومی در پرنده (بوم) نیست و مرا فال خوش می‌آید». گفتند: و فال چیست؟ فرمود: «سخنی نیکو».

۵۷۸۲- «اگر مگسی در ظرف یکی از شما بیفتد، باید آنرا در مواد ظرف غوطه دهد، پس آنرا بیرون افکند زیرا در یک بال آن مرض و در بال دیگر آن شفا است».

---

\* [طه: ۶۹]: «و ساحر هر کجا برود رستگار نمی‌شود».

\* «بخورید و بنوشید و صدقه دهید بدون اسراف و تکبر».

۵۷۸۴- «کسی که متکبرانه جامه‌اش را دراز کند که بر زمین کشیده شود، خداوند در روز قیامت به وی نمی‌نگرد». ابوبکر رض گفت: یا رسول الله! همانا یک طرف ازار من پایین کشیده می‌شود، مگر آنکه به آن توجه و اهتمام ورزم؟ پیامبر (ص) فرمود: «تو از کسانی نیستی که متکبرانه چنان می‌کنند».

۵۷۸۶- بلال رض را دیدم که نیزه کوچک را آورد و آنرا بر زمین فرو برد، سپس اقامه نماز را گفت، و رسول خدا (ص) را دیدم که برآمد و حله‌ای پوشیده بود که پایش را بر زده بود و مردم و حیوانات را دیدم که از آن سوی نیزه کوچک از جلوی او می‌گذشتند.

۵۷۸۷- «آنچه پایین‌تر از شتالنگ باشد در آتش است».

۵۷۹۴- «کسی که در احرام است، پیراهن و پایجامه دوخته شده و لباس کلاه‌دار (یا کلاه درزدار) و موزه نپوشد. اگر کفش بی‌رویه نیابد، چیزی بپوشد که از شتالنگ (غوزک پا) پایین‌تر باشد».

۵۸۰۲- مُحْرِم (کسی که در احرام حج یا عمره است) چه جامه‌ای بپوشد؟ «پیراهن نپوشید و دستار نپوشید و یا جامه نپوشید و لباس کلاه‌دار نپوشید و موزه نپوشید، مگر کسی که کفش بی‌رویه نیابد، باید موزه بپوشد و پایین آنرا قطع کند تا پایین‌تر از شتالنگ (غوزک پا) قرار گیرد و لباسی که در آن چیزی از زعفران و ورس رسیده باشد، نپوشید».

۵۸۰۴- «کسی که (در حالت احرام) ازار نیابد باید شلوار بپوشد و اگر کسی کفش بی‌رویه نیابد باید موزه بپوشد».

۵۸۱۲- کدام جامه برای پوشیدن نزد پیامبر (ص) محبوبتر بود؟ گفت (انس رض):



حیره (چادر یمنی سبزرنگ).

۵۸۲۰- پیامبر(ص) از دو نوع بیع (ملامسه و منابذه) منع کرده است. مُلامِسَه: مرد خریدار، جامه دیگری را در شب و یا روز مساس می کند و جامه را نمی گشاید و نمی نگرد مگر به همین لمس کردن (بیع منعقد می شود).  
و مُنَابِذَه آن است که مردی جامه خود را به سوی دیگری می افکند و آن مرد دیگر جامه خود را به سوی مرد اولی می افکند و همین افکندن، بیع آن دو نفر می شود. بدون آنکه به جامه یکدیگر نظر کنند و راضی شوند.

۵۸۲۱- پیامبر(ص) از دو نوع پوشاک منع کرده است: یکی اینکه: مردی، خودش را در یک جامه بپیچاند و بر شرمگاه وی چیزی نباشد که آنرا بپوشاند. دیگری اینکه خودش را در یک جامه بپیچاند و بر یک شانه چیزی از آن جامه نیست (برهنه است) و از بیع ملامسه و منابذه منع کرده است.

۵۸۲۷- «بنده ای نیست که: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید و سپس به همین باور بمیرد مگر اینکه در بهشت درآید». (اگر زنا و دزدی هم کرده باشد). امام بخاری گفت: این حکم به نزدیک مرگ یا پیش از آن است، اگر توبه کند و پشیمان شود و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید گناهانش آمرزیده می شود.

۵۸۳۱- «طلا و نقره و حریر و دیبا (انواع لباس های ابریشمی) برای آنها (کافران) در دنیا است و برای شما در آخرت است».

۵۸۳۲- «کسی که در دنیا ابریشم بپوشد، هرگز در آخرت آنرا نخواهد پوشید».

۵۸۳۷- پیامبر(ص) ما را منع کرده است که در ظروف طلا و نقره بنوشیم و در این ظروف بخوریم و از پوشیدن حریر و دیبا و نشستن بر آن منع کرده است.

۵۸۳۹- پیامبر(ص) پوشیدن ابریشم را برای ژبیر و عبدالرحمن نسبت خارش (بدن) آنها اجازه داده است.

۵۸۴۲- وی (انس رض) ام کلثوم دختر پیامبر(ص) را دیده است که چادر حریر سیّراء پوشیده بود.

۵۸۴۵- برای پیامبر(ص) جامه‌هایی آورده شد که در میان آنها خمیصه (چادر سیاه) بود. فرمود: «برای چه کسی لازم می‌بینید که این خمیصه را بدهم؟». مرانزد پیامبر(ص) آوردند و آنحضرت با دست خود آنرا بر من پوشانید و فرمود: «آنرا کهنه و پوشیده کنی». و دو بار تکرار کرد. آنحضرت به نقش آن خمیصه می‌نگریست و با دست خود به من اشاره می‌کرد و می‌فرمود: «ای ام خالد! این بسیار سنا است». و (سنا) به زبان حبشی خوب و نیکو را گویند.

۵۸۴۶- انس رض: پیامبر(ص) منع کرده است که مرد جامه‌اش را با زعفران رنگ کند.

۵۸۴۷- ابن عمر رض: پیامبر(ص) منع کرده است که کسی در احرام است جامه‌هایی بپوشد که به ورس یا زعفران رنگ شده باشد.

۵۸۴۸- براء رض: پیامبر(ص) میانه‌قامت بود و من آنحضرت را دیده‌ام که حُلّه سرخ پوشیده بود و هیچ چیزی را بهتر از وی ندیده‌ام.

۵۸۵۰- از انس رض پرسیدم: آیا پیامبر(ص) با کفش‌های خود نماز می‌گذارد؟ گفت: آری.

۵۸۵۵- «هیچیک از شما با یک کفش راه نرود یا هردو را برهنه کند یا هردو را در کفش کند».

۵۸۵۶- «هریک از شما که کفش می‌پوشد باید از کفش پای راست آغاز کند و چون کفش را بیرون می‌آورد از کفش پای چپ آغاز کند تا پای راست در پوشیدن اول و در بیرون آوردن آخر باشد.

۵۸۶۱- «ای مردم! عملی لازم گیرید که توان آنرا دارید. همانا خداوند (از دادن

پاداش) ملال نمی آورد تا شما ملال آورید و همانا بهترین اعمال نزد خداوند آن است که دایمی باشد، هرچند اندک باشد». (به آن مواظبت شود).

۵۸۶۳- پیامبر(ص) ما را به هفت چیز امر کرد: عیادت مریض و همراهی جنازه و دعا برای عطسه کننده، و پاسخ سلام و پذیرفتن مهمانی و کمک به سوگندخورده (که از عهده سوگند خود براید) و یاری مظلوم».

۵۸۶۷- پیامبر(ص) انگشتر طلا می پوشید، سپس به دور افکند و فرمود: «هرگز آنرا نمی پوشم». مردم هم انگشتران خود را دور افکندند.

۵۸۷۰- همانا انگشتر آنحضرت(ص) از نقره بود و نگین آن نیز از نقره بود.

۵۸۸۴- «بار الها! او (حسن بن علی رض) را دوست می دارم، پس او را دوست بدار و دوست بدار هر که او را دوست می دارد».

۵۸۸۶- پیامبر(ص) مردانی را که خود را شبیه زنان می سازند و زنانی را که خود را شبیه مردان می سازند لعنت کرده و فرموده است: «آنان را از خانه های خویش بیرون کنید».

۵۸۸۸- «چیدن سیبل در زمره فطرت<sup>(۱)</sup> است».

۵۸۸۹- «فطرت پنج است، یا پنج چیز از فطرت است: ختنه کردن، ستردن موی زیرناف، برکندن موی زیر بغل و بریدن موی سیبل».

۵۸۹۰- «در زمره فطرت است: تراشیدن موی زیر ناف، چیدن ناخن و بریدن سیبل».

۵۸۹۳- «در کوتاه کردن سیبل ها مبالغه کنید و ریش ها را انبوه کنید».

۵۸۹۹- «همانا یهود و نصاری موی خویش را رنگ نمی کنند پس شما خلاف آنها

---

۱- معنی لغوی فطره، طبیعت بشری است، ولی نزد جمهور فقها شیوه اسلامی و سنت پیامبر(ص) است.

عمل کنید».

۵۹۰۳- همانا موی پیامبر(ص) تا شانه‌هایش می‌رسید.

۵۹۲۴- مردی از سوراخی به خانهٔ پیامبر می‌نگریست، و پیامبر(ص) سر خود را با مدّری (نوعی شانه) می‌خراشید، آنحضرت به وی گفت: اگر می‌دانستم که تو می‌نگری، با این مدّدر در چشم تو می‌زدم، همانا اجازه گرفتن به این سبب حکم شده است که برای دیدن است». (دیدن بدون اجازه مجاز نیست).

۵۹۲۵- من (عایشه رض) سر پیامبر(ص) را شانه می‌کردم، در حالی که حایض بودم.

۵۹۲۷- «خداوند می‌فرماید: هر عمل (نیک) بنی آدم برای خودش است به جز روزه که آن برای من است، و من پاداش آنرا می‌دهم، و بوی دهن روزه‌دار به نزد خدا از بوی مشک خوشبوتر است».

۵۹۲۹- انس رض گفت: پیامبر(ص) (هدیه) خوشبویی را رد نمی‌کند.

۵۹۳۱- «خداوند لعنت کرده است بر: زنانی که (بر پوست) زنان خالکوبی می‌کنند و آنانی که تقاضای خالکوبی می‌کنند و زنانی که موی صورت می‌چینند، و زنانی که برای زیبایی میان دندان‌ها را گشاده می‌کنند و تغییردهندگان آفرینش خدای تعالی». مرا (عبدالله بن مسعودرض) چه حال که لعنت نکنم، کسی را که پیامبر(ص) لعنت کرده است و آن در کتاب خدا: «آنچه را پیامبر به شما بدهد، بگیری و هر آنچه را منع کند از آن بازایستید» [الحشر: ۷].

۵۹۳۳- «خداوند لعنت کرده است بر زنی که موی (خود یا دیگری را) پیوند می‌کند و زنی که موی خود را پیوند کرده است».

۵۹۴۴- «چشم زخم (نظر) حق است».

۵۹۴۵- پیامبر(ص) از بهای خون و بهای سگ و خوردن ربا (سود) و دادن آن و

- خالکوب کننده و آنکه می خواهد خالکوبی شوند، منع کرده است.
- ۵۹۵۰- «همانا سخت ترین عذاب در نزد خدا در روز قیامت برای صورتگران اند.»
- (کسانی که این صورت‌ها را می‌سازند در روز قیامت عذاب می‌شوند و به ایشان گفته می‌شود: آنچه را آفریده‌اید، زنده کنید).
- ۵۹۵۴- عایشه رض: پیامبر(ص) از سفری آمد و من طاق خانه را با پرده‌ای پوشیده بودم که در آن صورت‌هایی بود، چون پیامبر(ص) آنرا دید، پاره کرد و گفت: «سخت ترین عذاب در روز قیامت برای کسانی است که مشابه به آفرینش خدا می‌سازند».
- ۵۹۵۷- «... فرشتگان در خانه‌ای که صورت باشد وارد نمی‌شوند».
- ۵۹۶۰- جبرئیل امین به آنحضرت گفت: ما در خانه‌ای که در آن صورت و سگ باشد وارد نمی‌شویم.
- ۵۹۶۳- «کسی که صورت می‌کشد در روز قیامت مکلف می‌گردد که در آن روح بدمد، او روح‌دمنده نیست».
- ۵۹۶۹- عموی عباد بن تمیم: پیامبر(ص) را در مسجد دیده است که به پشت دراز کشیده بود و یک پای وی بر پای دیگری بود.
- ۵۹۷۰- عبدالله بن مسعود رض: از پیامبر(ص) پرسیدم که کدام عمل نزد خداوند بهتر است. فرمود: «نماز به وقت آن». گفتم: پس از آن کدام است؟ فرمود: «سپس نیکویی با پدر و مادر». گفت: سپس کدام است؟ فرمود: «جهاد در راه خدا».
- ۵۹۷۱- مردی نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: یا رسول الله! سزاوارترین مردم به

---

\* [العنکبوت: ۸]: «و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند».

خوش رفتاری من کیست؟ فرمود: «مادرت». گفت: پس از آن کیست؟ فرمود: «پس از آن مادر تو». گفت: پس از آن کیست؟ فرمود: «پس از آن مادر تو». گفت: پس از آن کیست؟ فرمود: «پس از آن پدرت».

۵۹۷۲- مردی به پیامبر (ص) گفت: آیا جهاد کنم؟ فرمود: «پدر و مادر تو زنده‌اند؟» گفت: آری، فرمود: «در خدمت آنها جهاد کن».

۵۹۷۳- «همانا، از بزرگترین گناهان این است که کسی پدر و مادر خود را لعنت کند، گفته شد: یا رسول الله! چگونه کسی پدر و مادر خود را لعنت می‌کند؟ فرمود: «کسی به پدر کسی دیگر دشنام می‌دهد، وی نیز پدرش را دشنام می‌دهد. و مادرش را دشنام می‌دهد، وی نیز مادرش را دشنام می‌دهد».

۵۹۷۵- «همانا خداوند بر شما آزردن مادران را حرام گردانیده و حرام گردانیده ممانعت از آنچه دادن آن بر شما لازم کرده شده و تقاضای آنچه را سزاوار آن نیستید، ... بر شما قیل و قال (پُرحرفی در مورد مردم) و سؤالات زیاد (بی‌مورد) کردن، و ضایع کردن مال را».

۵۹۷۶- «آیا شما را از بزرگترین گناهان آگاه نگردانم». گفتیم: آری یا رسول الله! فرمود: «شُرک آوردن به خدا و آزردن پدر و مادر - آنحضرت تکیه کرده بود نشست و گفت - بر حذر باشید از سخن دروغ و شهادت دروغ، بر حذر باشید از سخن دروغ و شهادت دروغ».

۵۹۷۸- اسماء بنت ابوبکر رض: «مادر من (که مشرک بود) به امید (کمک) در زمان پیامبر (ص) نزد من آمد، از پیامبر (ص) سوال کردم که آیا با وی به وجه پسندیده عمل کنم؟ فرمود: «آری»، (با مادر خود احسان کن).

[الممتحنه: ۸]: «خدا شما را از کسانی که در (کار) دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید».

- ۵۹۸۰- پیامبر(ص) ما را به نماز، صدقه، پرهیزگاری و صلّه (احسان) امر می کند.
- ۵۹۸۱- حله های (ابریشمی) به پیامبر(ص) آورده شد. یکی از آن حله ها را به عمر فرستاد. عمر رض گفت: چگونه آنرا بپوشم که تو در مورد آن گفتی آنچه گفتی؟ آنحضرت فرمود: «همانا آنرا به تو ندادهام که بپوشی، ولی آنرا بفروشی یا کسی را بپوشان». عمر رض آنرا برای برادر خود که از اهل مکه بود فرستاد، قبل از آنکه وی اسلام آورد.
- ۵۹۸۳- یا رسول الله! مرا از عملی خبر ده که مرا به بهشت درآورد. فرمود: «اینکه خدای را بپرستی و به وی چیزی شریک نیاوری و نماز به پا داری و زکات بدهی و صلّه رحم<sup>(۱)</sup> به جا کنی».
- ۵۹۸۴- «کسی که پیوند با خویشاوندان را قطع می کند به بهشت وارد نمی شود».
- ۵۹۸۵- «کسی که خوش دارد روزی وی فراخ گردد و عمرش دراز شود باید صلّه رَحِم خود را به جای آورد». - (باید صلّه رحم خود را پیوسته بدارد).
- ۵۹۸۷- «خداوند مخلوقات را آفرید، و چون آفرینش خود را به پایان رساند رَحِم (محل جنین در شکم) گفت: این محل کسی است که از قطع پیوند خویشاوندی به تو پناه می جوید. خدا گفت: آری، آیا راضی نمی شوی که احسان کنم به کسی که پیوند تو را وصل می کند و بگسلانم از کسی که پیوند تو را می گسلاند؟ رَحِم گفت: آری، ای پروردگار. خدا گفت: «این حالت و حق برای تو محفوظ است». رسول خدا(ص) گفت: «اگر می خواهید بخوانید».
- «پس (ای منافقان) آیا امید بستید که چون (از خدا) برگشتید (یا سرپرست

---

۱- صلّه رحم معانی گسترده ای دارد که از آن جمله است: احسان با خویشاوندان و ملاقات با آنها و برخورد نیک با ایشان.

مردم شدید) در (روی زمین) فساد کنید و خویشاوندی‌های خود را از هم بگسلید» [محمد: ۲۲].

۵۹۸۸- «همانا (لفظ) رَحِمٌ به رَحْمَن، ریشه می‌رساند، پس خداوند (به رَحِم) گفته است: کسی که تو را وصل کند، با وی وصل می‌کنم و کسی که از تو بگسلاند، از وی می‌گسلانم».

۵۹۸۹- «رَحِمٌ دارای رگ و ریشه است کسی که آن را وصل کند، با وی وصل کنم و کسی که از وی بگسلاند، از وی می‌گسلانم».

۵۹۹۱- «واصِلٌ، کسی نیست که صلۀ رَحِم را قطع نکرده است و لیکن واصل کسی است که چون صلۀ رَحِم او قطع شود، آن را وصل کند».

۵۹۹۶- پیامبر (ص) نزد ما برآمد و امامه دختر ابوالعاص (نوه آنحضرت) بر دوش وی بود. آنحضرت نماز گذارد، چون رکوع می‌کرد او را می‌نهاد و چون بلند می‌شد او را بلند می‌کرد.

۵۹۹۷- پیامبر (ص) حسن بن علی رض را بوسید و اقرع بن حابس تمیمی نزد وی نشسته بود. اقرع گفت: من ده فرزند دارم، هیچیک از آنان را نبوسیده‌ام. پیامبر (ص) به وی نگریست و گفت: «کسی که مهربانی نکند به او مهربانی نمی‌شود».

۵۹۹۸- بادیه‌نشین نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: شما کودکان را می‌بوسید و ما آنان را نمی‌بوسیم. پیامبر (ص) فرمود: «آیا من قادرم (که در دل تو رحمت در آورم) در حالی که خداوند از دل تو رحمت را بیرون کشیده است».

۶۰۰۰- «خداوند رحمت را صد بخش گردانیده و نودونه بخش آنرا نزد خود نگه داشته و فقط یک بخش آنرا به زمین نازل کرده است، از همین یک بخش است که مخلوقات به یکدیگر مهربانی می‌کنند، تا آنکه اسپ که گام خود را



- بر گُره خود بلند می کند از بیم آنکه به آن آسیبی نرسد».
- ۶۰۰۶- [الفرقان: ۶۸]: «و کسانی که با خدا معبودی دیگر نمی خوانند و کسی را که خدا (خونش) را حرام کرده است جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند».
- ۶۰۰۶- «دلسوز و مهربان بر زنان بیوه و تهی دست مانند مجاهد در راه خداست، یا مانند کسی است که روز روزه می گیرد و شب به نماز می ایستد».
- ۶۰۱۲- «مسلمانی نیست که درختی بنشانند و از آن انسان یا جاننداری بخورد، مگر آنکه آن برای صدقه است».
- ۶۰۱۴- «جبرئیل پیوسته (به نیکی) در مورد همسایه مرا وصیت می کرد تا آنکه پنداشتم که وی همسایه را میراث بر همسایه قرار خواهد داد».
- ۶۰۱۶- «به خدا سوگند که ایمان نمی آورد، به خدا سوگند که ایمان نمی آورد، به خدا سوگند که ایمان نمی آورد». گفته شد: و او کیست یا رسول الله! فرمود: «کسی که همسایه اش از عذابش ایمن نمی باشد».
- ۶۰۱۷- «ای زنان مسلمان! زن همسایه، برای زن همسایه اش اندک نشمارد، هر چند به وی پاچه گوسفندی بفرستد». (تحفه اش را حقیر نشمارد).
- ۶۰۱۸- «کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، همسایه اش را آزار نرساند و مهمانش را گرامی دارد و...، باید سخن نیک بگوید یا خاموشی گزیند».
- ۶۰۱۹- «یک شبانه روز (پذیرایی خاص) و مهمانی (عادی) سه شبانه روز است و آنچه بیشتر از سه روز باشد، صدقه وی به شمار می رود».

---

\* [النساء: ۶۰]: «و خدا را پرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و در باره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همنشین و در راه مانده و بردگان خود (نیکی کنید) که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است، دوست نمی دارد».

۶۰۲۱- «هر نیکویی صدقه است».

۶۰۲۲- «بر هر مسلمانی صدقه است». گفتند: اگر چیزی نیابد (که صدقه بدهد)؟ فرمود: «با دست‌های خود کار کند و خود از آن بهره گیرد و صدقه بدهد». گفتند: اگر توان آنرا نداشته باشد یا کار نکند؟ فرمود: «به درمانده نیازمند کمک کند». گفتند: اگر نتوانند؟ فرمود: «به نیکویی امر کند - یا فرمود - به معروف امر کند». گفت: اگر اینرا نتواند؟ فرمود: «خودرا از شر بازدارد، همانا این به وی صدقه است».

۶۰۲۳- «از آتش بترسید هر چند (با صدقه‌دادن) پاره‌ای از خرما باشد و اگر آنرا نیابید، سخنی نیکو بگویید».

۶۰۲۵- بادیه‌نشینی در مسجد پیشاب کرد، مردم برای (آزار وی) برخاستند، پیامبر (ص) گفت: «پیشاب کردن او را قطع مکنید». پس سطل آبی خواست و بر موضع پیشاب وی آب ریخته شد.

۶۰۲۶- مسلمان برای مسلمان مانند ساختمانی است که بخشی از آن بخش دیگر را محکم می‌کند. پس آنحضرت میان انگشتان خویش را در یکدیگر درآورد.

۶۰۲۹- «همانا بهترین شما خوش‌خلق‌ترین شماست».

۶۰۳۰- «آرام گیر ای عایشه، نرمش نشان بده و از درشت‌گویی و ناسزاگویی بپرهیز».

۶۰۳۲- مردی از پیامبر (ص) اجازه ورود خواست. چون آنحضرت او را دید فرمود: «وی برادر بد قبیله خود و پسر بد قبیله خود است». چون آن مرد نشست. آنحضرت با گشاده‌روی و خوش خلقی با وی صحبت کرد. و زمانی که

---

\* «همانا خداوند نرمی و خوش خلقی را در همه امور دوست می‌دارد».

رفت، عایشه رض به آنحضرت گفت: یا رسول الله! چون آن مرد را دیدی چنین و چنان گفتی، سپس با گشاده‌رویی و خوش خلقی با وی صحبت کردی؟ رسول خدا(ص) فرمود: «ای عایشه! آیا گاهی مرا ناسزاگوی دیده‌ای؟ همانا بدترین مردم از نظر منزلت در روز قیامت در پیشگاه خدا کسی است که از وی دوری گزینند تا از شر او در امان باشند».

۶۰۳۳- انس رض: پیامبر(ص) نیکترین مردم و سخی‌ترین مردم و شجاع‌ترین مردم بود.

۶۰۳۴- جابر رض: از پیامبر(ص) چیزی خواسته نشده است که او هرگز نی گفته باشد.

۶۰۳۵- عبدالله بن عمر رض: رسول خدا(ص) ناسزاگوی و بیهوده‌گوی نبود.

۶۰۳۷- «زمان زود می‌گذرد (قیامت نزدیک می‌شود) و عمل (نیک) کم می‌شود و بُخل پدید می‌آید و هَرَج فزونی می‌گیرد». اصحاب گفتند: هرج چیست؟ فرمود: «کشتن کشتن».

۶۰۳۸- انس رض: پیامبر(ص) را بیست و سه سال خدمت کردم، آنحضرت (در تنبه من) حرف اُف نگفت و نگفت: چرا چنین کردی؟ و نگفت: چرا چنین نکردی؟

۶۰۳۹- پیامبر(ص) در خانه خود چه کاری می‌کرد؟ گفت (عایشه رض): کار خانه خود را می‌کرد، چون وقت نماز فرا می‌رسید به نماز می‌ایستاد.

۶۰۴۰- «اگر خدا بنده‌ای را دوست بدارد جبرئیل بانگ می‌زند: همانا خداوند فلان را دوست می‌دارد، پس او را دوست بدارید، جبرئیل او را دوست می‌دارد. و جبرئیل به اهل آسمان ندا می‌کند که همانا خداوند فلان را دوست می‌دارد؟ پس او را دوست بدارید، او را اهل آسمان دوست می‌دارند، سپس وی مورد

قبولی اهل زمین قرار می‌گیرد».

۶۰۴۱- «کسی شیرینی ایمان را در نمی‌یابد تا آنکه کسی را که دوست می‌دارد به خاطر خدا دوست داشته باشد، و حتی اگر وی به آتش افکنده شود، این امر او را دوست‌داشتنی‌تر است از آنکه به کفر برگردد، پس از آنکه خدا او را از کفر نجات داده است، تا آنکه خدا و رسول او نزد وی دوست‌داشتنی‌تر باشد نظر به غیر ایشان.

۶۰۴۲- پیامبر (ص) منع کرده است کسی بر بادی که از مردم خارج می‌شود خنده کند، و فرمود: «چرا یکی از شما زن خود را می‌زند مانند زدن حیوان نر، سپس شاید او را به آغوش گیرد». (مانند تازیانه‌زدن غلام).

۶۰۴۴- «دشنام دادن مسلمان فسق (گناه) و کشتن وی کُفر است».

۶۰۴۵- «مردی، مرد دیگر را به فسق نسبت ندهد و او را به کفر نسبت ندهد مگر آنکه (فسق و کفر) به خودش برمی‌گردد، اگر آنکس چنین نباشد».

۶۰۴۶- پیامبر (ص) نه ناسزاگوینده بود و نه لعنت‌گوینده و نه دشنام‌دهنده، هنگام عتاب کسی را می‌گفت: «او را چه حال است پیشانی‌اش خاک آلود شود».

۶۰۴۷- «کسی که به غیر از ملت اسلام سوگند بخورد (و بگوید که اگر چنین باشد وی نصرانی یا یهودی باشد و سوگندش دروغ باشد). وی چنان است که گفته است، و بر فرزند آدم وفا به نذر بر آنچه توان آنرا نداشته باشد، نیست. و کسی که در دنیا خود را به وسیله چیزی بکشد، و به وسیله همان چیز در روز

---

\* [الحجرات: ۱۱]: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی، قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نباید زنانی زنان (دیگر) را (ریشخند کند) شاید آنها از اینها بهتر باشند، و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید، چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان، و هر که توبه نکرد، آنان خود ستمکارند».

قیامت عذاب می‌شود، و کسی که مؤمنی را لعنت کند، (گناه وی) چنان است که او را کشته است، و کسی که مؤمنی را به کفر نسبت دهد چنان است که او را کشته است».

۶۰۴۹- «... شب قدر را در شب‌های نهم و هفتم و پنجم (ده آخر رمضان) جستجو کنید.» <<

۶۰۵۰- ابوذر گفت: میان من و مردی گفتگویی شد و مادر وی عجمی (غیر عرب) بود. مادرش را به بدی یاد کردم. پیامبر (ص) مرا گفت: «آیا فلان را دشنام دادی؟» گفتم: آری. فرمود: «آیا به مادرش توهین کردی؟» گفتم: آری. فرمود: «همانا تو مردی هستی که آثار جاهلیت در تو موجود است». گفتم: تا همین زمان که به سن پیری رسیده‌ام؟ فرمود: «آری، غلامان شما برادران شما هستند، خداوند آنها را زیر دستش قرار داده، باید از آنچه خود می‌خورد او را بخوراند و از آنچه خود می‌پوشد او را بپوشاند و او را کاری نفرماید که از عهده آن برنیاید و اگر او را کاری که از عهده آن نیاید بفرماید و او را در انجام آن کار کمک کند».

۶۰۵۲- «همانا این دو مرده عذاب می‌شوند و به خاطر گناه کبیره عذاب نمی‌شوند، اما این: خودش را از آلودگی به پیشاب خود جلوگیری نمی‌کرد و اما این: سخن چینی می‌کرد».

---

\* [الحجرات: ۱۲]: «و بعضی از شما غیبت بعضی (دیگر) نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید (پس) از خدا بترسید که خدا توبه‌پذیر مهربان است.»

\* [القلم: ۱۱]: «عیب‌جوست و برای خبرچینی گام برمی‌دارد».

\* [الهُمَزَه: ۱]: «وای بر هر بدگوی عیبجوی».

۶۰۵۶- «سخن چین وارد بهشت نمی شود».

۶۰۵۷- «کسی که سخن دروغ و عمل به آن و جهل را ترک نکند، خدا را نیازی

نیست که غذا و نوشیدنی خود را ترک کند». (یعنی روزه بگیرد).

۶۰۵۸- «کسانی را در روز قیامت از بدترین مردم نزد خدا می یابی که دورو هستند،

کسانی که نزد گروهی به یک رو می روند و نزد گروهی دیگر به یک رو».

(به قصد شراندازی).

۶۰۶۰- پیامبر (ص) شنید که مردی مدح مردی دیگر را می کند و در ستایش وی

زیاده روی می نماید، فرمود: «هلاکش کردید. یا فرمود: پشت آن مرد را

شکستاندید».

۶۰۶۱- در محضر پیامبر (ص) از مردی یاد شد که مردی دیگر او را بسیار می ستود.

پیامبر (ص) فرمود: «رحمت بر تو، گردن دوست خود را بریدی - آنحضرت

این سخن را به تکرار به او گفت - اگر کسی از شما کسی را می ستاید باید

بگوید: گمان می کنم چنین و چنان است، آن هم در حالی که دیده می شد که

وی چنین است. خداوند به حساب او می رسد و هیچکس را بر خداوند تزکیه

نکند». (حکم به پاکی او به گونه ای قطعی ننماید).

۶۰۶۴- «از گمان بد پرهیزید، همانا گمان بد، دروغ ترین سخن است، و بر دیگران

عیب مگیرید و جاسوسی نکنید، و حسد نورزید و دشمنی نکنید و کینه توزی

نکنید و ای بندگان خدا با هم برادر باشید».

---

(کسی را در غیاب عیبجویی کردن).

\* [یونس: ۳]: «سرکشی شما فقط به زیان خود شماست».

\* [النحل: ۹۰]: «همانا خداوند به انصاف و نیکو کاری و بخشش به خویشاوندان امر می کند و از

کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد. به شما اندرز می دهد، باشد که پند گیرید».

۶۰۶۵- «کینه توزی نکنید و حسد نورزید و به همدیگر پشت مکنید و ای بندگان خدا برادر هم باشید، و بر مسلمان روا نیست که بیش از سه روز با برادر خود ترک (صحبت) کند».

۶۰۶۶- «از گمان بد پرهیزید، همانا گمان بد، دروغ‌ترین سخن است، و عیب‌جویی مکنید، و جاسوسی نکنید، و به همدیگر قیمت‌افزایی (نیرنگ برای فریب مشتری) نکنید و حسد نورزید و کینه‌توزی نکنید و دشمنی و اختلاف نکنید و ای بندگان خدا، برادر یکدیگر باشید».

۶۰۶۹- «همه امت من (از گناه) معاف خواهند شد به جز مجاهرین (افشاکنندگان خویش) و همانا این از زمره افشاگری است. مردی در شب مرتکب گناه می‌شود و خداوند گناهش را می‌پوشاند چون صبح فرا می‌رسد خود می‌گوید: ای فلان! دیشب چنین و چنان کردم، و در حالی که شب را گذرانده پروردگار او پوشیده است، چون صبح می‌کند نهان خداوند را ظاهر می‌گرداند».

۶۰۷۰- «هریک از شما به پروردگارش نزدیک می‌شود تا آنکه بازوی (رحمت) خود را بر وی می‌نهد و به او می‌گوید: چنین و چنان کردی؟ او می‌گوید: آری، و (باز) می‌گوید: چنین و چنان کردی؟ او می‌گوید: آری، و بنده مؤمن را به اقرار می‌آورد. سپس خداوند می‌گوید: همانا من (گناهان) تو را در دنیا پوشیدم و امروز آن (گناهان) را برای تو می‌بخشم».

۶۰۷۱- «آیا شما را از بهشتیان خبر ندهم (که چه کسانی هستند)؟ هر ضعیف ناتوان و متواضع که اگر (در انجام کاری) به خدا سوگند یاد کند، خداوند (با انجام آن کار) سوگندش را راست گرداند، آیا شما را از دوزخیان خبر ندهم؟ هر سرکش بدخوی، بخیل، متکبر».

۶۰۷۷- «برای مرد روا نیست که بیش از سه شب با برادر (مسلمان) خود ترک صحبت یا قطع رابطه) کند، که چون باهم مواجه شوند، این از او روی بگرداند و آن از این روی بگرداند، و بهترین آن دو نفر کسی است که با سلام (به وی) آغاز می‌کند».

۶۰۸۲- آنگاه که عبدالرحمن (از مکه) نزد ما (به مدینه) آمد، پیامبر (ص) میان او و سعد بن ربیع رابطه برادری برقرار کرد و فرمود: «ولیمه (مهمانی) کن هر چند با ذبح گوسفندی باشد».

۶۰۹۱- ام سلیم گفت: یا رسول الله (ص)! همانا خدا از گفتن حق نمی‌شرمد، آیا بر زنی که احتلام کند (خواب جماع بیند) غسل لازم می‌گردد؟ فرمود: «آری، اگر آب بیند». ام سلمه (همسر آنحضرت) خندید و گفت: آیا زن احتلام می‌شود؟ آنحضرت فرمود: «پس چرا فرزند (به مادر خود) شباهت دارد».

۶۰۹۲- من هرگز پیامبر (ص) را ندیده‌ام که تا آن حد خندیده باشد که کام او را بینم، همانا وی تبسم می‌کرد.

۶۰۹۴- «همانا راستی به سوی نیکویی راهنمایی می‌کند و نیکویی به سوی بهشت راهنمایی می‌کند و مردی که راست می‌گوید (به مرحله‌ای) می‌رسد که راستگو نامیده می‌شود، و دروغ به سوی گناه راهنمایی می‌کند و گناه به سوی آتش راهنمایی می‌کند و مردی که دروغ گفته، می‌رود تا آنکه نزد خدا دروغگو نوشته می‌شود.

۶۰۹۵- «نشانه منافق سه خصلت است: چون سخن گوید دروغ گوید، و چون وعده

---

\* ابن عباس گفت: همانا او خداوند است که می‌خنداند و می‌گریاند.

\* [التوبه: ۱۱۹]: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و با راستان باشید».



- کند، خلاف ورزد و چون به وی امانتی سپرده شود، خیانت کند».
- ۶۰۹۸- همانا نیکوترین سخن، کتاب خدای تعالی و نیکوترین روش روش محمد(ص) است.
- ۶۰۹۹- «هیچکسی نیست یا هیچ چیزی شکیاتر بر آزاری که آنرا شنیده، از خداوند نیست. ایشان (مشرکان) به او داشتن پسری را نسبت می دهند و همانا خداوند به ایشان عافیت می دهد و رزق و روزی ارزانی می دارد».
- ۶۱۰۱- پیامبر(ص) کاری کرد و به مردم اجازه داد که آنرا بکنند، گروهی از آن خودداری کردند، ... (مردم را چه حال است که از چیزی که من می کنم، خودداری می کنند؟ به خدا سوگند که من از ایشان به خدا داناترم و از ایشان بیشتر از خدا می ترسم).
- ۶۱۰۲- پیامبر(ص) باحیاط از دوشیزه ای بود که در پرده است و چون چیزی می دید که او را ناخوش می آمد، آن حالت را در چهره اش مشاهده می کردیم. (اظهار نمی کرد).
- ۶۱۰۳- «اگر مردی به برادر خود بگوید: ای کافر! همانا (کفر) به یکی از آنان برمی گردد».
- ۶۱۰۵- «... لعنت کردن مسلمان همچون کشتن وی است، و کسی که مسلمانی را به کفر نسبت دهد مانند آنست که او را کشته است».
- ۶۱۰۷- «... کسی که به دوست خود بگوید: بیا که قماربازی کنیم، باید (به جبران آن) صدقه بدهد».
- ۶۱۰۸- «آگاه باشید که خداوند شما را منع کرده است که به پدران خود سوگند

---

\* [الزمر: ۱۰]: «شکیبایان پاداش خود را بی حساب (و) به تمام خواهند یافت».

یاد کنید، کسی که سوگند یاد کند باید به خدا سوگند یاد کند و اگر نه باید خاموشی گزیند».

۶۱۱۰- «ای مردم! همانا بعضی از شما فراردهنده (مردم از نماز جماعت) هستید، پس هریک از شما که به مردم نماز می‌گذارد باید نماز را سبک گذارد، زیرا در میان ایشان مریض و پیر و نیازمند می‌باشد».

۶۱۱۱- «همانا تا وقتی یکی از شما در نماز است، خدا در پیش روی اوست، پس در حالت نماز در پیش روی خود آب بینی نیندازد».

۶۱۱۳- «... نماز (تراویح) را در خانه‌های خویش بگذارید، زیرا بهترین نماز شخص، نمازی است که در خانه‌اش می‌گذارد به جز از نماز فرض»<sup>(۱)</sup>.

۶۱۱۴- «نیرومندی در گشتی گرفتن نیست، همانا نیرومندی آن است که به هنگام خشم، خویشتنداری کند».

۶۱۱۵- «همانا من کلمه‌ای را می‌دانم که اگر آنرا می‌گفت، حالت (خشمی) که به آن دچار شده بود (شخصی که کسی را دشنام داده سرخ شده بود) از میان می‌رفت، اگر وی می‌گفت: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم».

۶۱۱۷- «حیا چیزی نمی‌آورد به جز نیکویی».

بشیر بن کعب: در کتاب‌های حکمت نوشته شده: همانا حیا از وقار پدید

---

۱- همین نماز را عمر بن خطاب (رض) در وقت خلافت خود به جماعت، در مسجد مقرر کرد، از آنکه در این زمان سبب منع در میان نبود.

\* [الشوری: ۳۷]: «کسانی که از گناهان بزرگ و زشت کاری‌ها خود را به دور می‌دارند و چون به خشم درمی‌آیند درمی‌گذرند».

\* [آل عمران: ۱۳۴]: «همان‌هایی که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند، و خشم خود را فرو می‌برند؛ و از مردم درمی‌گذرند و خداوند نیکو کاران را دوست می‌دارد».

می آید (می آورد) و از حیا آرامش حاصل می شود.

۶۱۱۸- پیامبر (ص) بر مردی گذشت که برادر خود را به سبب حیای وی سرزنش می کرد و می گفت: همانا تو (بسیار) حیا می کنی تا آنکه گویا به وی می گفت: این کار به تو زیان رسانیده است. پیامبر (ص) فرمود: «او را (به حالش) بگذار، همانا حیا از ایمان است».

۶۱۲۰- «آنچه مردم از سخنان پیامبران پیشین دریافته اند، این است: اگر حیا نداری هر آنچه خواهی بکن».

۶۱۲۴- «بر مردم آسان گیرید و سخت نگیرید و مردم را بشارت دهید و نگریزانید و از یکدیگر اطاعت کنید».

۶۱۲۶- پیامبر (ص) هرگاه در میان دو کار مخیر گردانیده می شد همان کاری را برمیگزید که آسان تر می بود و در اجرای آن گناهی نبود، و اگر آن کار گناه می بود، آنحضرت دورترین مردم از آن کار بود و پیامبر (ص) به خاطر شخص خود هرگز در چیزی از کسی انتقام نگرفته است مگر آنکه از حرمت خدا پایمال می شد آنگاه به خاطر خدا انتقام می گرفت.

۶۱۲۷- ابوبرزه اسلمی سواره بر اسپی آمد و نماز گذارد و اسپ را رها کرد اسپ او به راه افتاد، وی نماز را ترک کرد و به دنبال اسپ رفت تا آنرا گرفت، پس باز آمد و نماز گذارد و در میان ما مردی بود که نظر خود را داشت (از خوارج بود) پیش آمد و گفت: این پیرمرد را ببینید که به خاطر اسپ، نمازش را رها کرده است، ابوبرزه آمد و گفت: از آنگاه که از پیامبر (ص) جدا افتاده ام،

---

\* «آسان گیرید و سخت نگیرید». و آنحضرت سبک آوری و آسانی را بر مردم دوست می داشت.

کسی بر من سخت گیری و خشونت نکرده است، و سپس گفت: خانه ام از اینجا دور است اگر نماز می گذاردم و اسپ را رها می گذاشتم، تا شبانگاه به خانه خود رسیده نمی توانستم. ابوبرزه از مصاحبت خود با پیامبر (ص) یاد کرد، و او آسان گیری آنحضرت را دیده است.

۶۱۲۹- انس رض: پیامبر (ص) با ما چنان (در صحبت خود) می آمیخت تا آنکه برای برادر کوچکم می گفت: «ای ابوعمیر! چه کرد نُغیر؟ (گنجشک)».

۶۱۳۳- «مسلمان از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود».

۶۱۳۴- «... همین بسنده است تو را که در هر ماه سه روز، روزه بگیری، همانا در هر عمل نیک، ده برابر آنرا پاداش است و این تمام سال را دربر می گیرد».

۶۱۳۵- «کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، باید مهمان خود را گرمی بدارد، پاداش مهمان (پذیرایی) یک شب و روز است و مهمانی سه روز است. آنچه بعد از آن باشد، صدقه است، و به مهمان روا نیست که نزد میزبان تا زمانی بایستد که او را به تنگ آورد».

«کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد باید سخن نیک بگوید یا خاموش باشد».

۶۱۳۶- «کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، همسایه اش را آزار نرساند...».

۶۱۳۷- «اگر بر قومی فرود می آید و شما را آنچه شایسته مهمان است می فرمایند، بپذیرید، پس اگر این کار را نکنند، حق مهمان را که سزاوار ایشان است از

---

\* ابن مسعود رض گفت: با مردم پیامیز و دین خود را در نظر گیر که (با سخنان ناشایست) آنرا زیان نرسانی. و مزاح با اهل خانه.

\* ابی درداء رض: ما به روی گروهی مردم می خندیم و دل هایمان ایشان را لعنت می کند.

\* معاویه رض: دانایی نیست مگر صاحب تجربه را.

آنها بگیرید».

۶۱۳۸- «... کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد باید صلۀ رحم خود را رعایت کند...».

۶۱۴۲ و ۶۲۴۳- «بزرگسالان را بزرگ بشمار». یعنی رشته سخن را به بزرگتر بسپار.  
۶۱۴۴- ابن عمر رض گفت: پیامبر (ص) فرمود: «مرا از درختی آگاه کنید که مثال آن مثال مسلمان است. و میوه خود را در هر فصل به حکم پروردگار خود می دهد، و برگ آن نمی ریزد». به خاطر آمد که آن درخت خرما است ولی ناخوش دانستم که سخن گویم، و در آنجا ابوبکر رض و عمر رض نشسته بودند، چون آن دو نفر سخن نگفتند. آنچه مرا مانع شد آن بود که من ندیدم که تو (عمر رض) و ابوبکر رض (در این مورد) سخن بگویند، و من ناخوش دانستم (که سخن بگویم).

۶۱۴۵- «بعضی از اشعار حکمت است».

۶۱۶۲- مردی از مردی دیگر در محضر پیامبر (ص) ستایش کرد، آنحضرت فرمود: وای بر تو! گردن برادرت را بریدی - و آنرا سه بار تکرار فرمود - کسی از شما چون کسی دیگر را می ستاید، البته باید بگوید: گمان می کنم که فلان، اینچنین است، خداوند خود حسابش را بهتر می داند و هیچکس را در (علم) خدا تزکیه نمی کنم، آن هم اگر چه آنرا می دانست».

۶۱۶۸- «هرکس، با کسی است که او را دوست می دارد».

۶۱۷۱- مردی از پیامبر (ص) پرسید: قیامت چه وقت است یا رسول الله! آنحضرت

---

\* [آل عمران: ۳۱]: «بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید (از پیامبر (ص)) تا خدا شما را دوست بدارد».

فرمود: «برای آن چه آماده کرده‌ای؟» گفت: برای آن از نماز، روزه و صدقه، زیاد آماده نکرده‌ام، ولی خدا و رسول او را دوست می‌دارم. آنحضرت فرمود: «تو با کسی هستی که او را دوست می‌داری».

۶۱۸۵- «بازگشت کنان، توبه کنان، عبادت کنان، پروردگار خود را ستایش کنان هستیم».

۶۱۸۶- «پسر خود را عبدالرحمن نام بگذار».

۶۱۹۱- «ولی اسم او مُنَدِر است».

۶۱۹۲- اسم زینب (بنت جحش همسر آنحضرت) بَرّه (نیکو) بود. به او گفته شد: خودت را پاک و نیکو می‌خوانی، پس رسول خدا(ص) او را زینب نامید.

۶۱۹۳- «ولی تو سهل هستی». (پیامبر(ص) اسم او را از حَزَن عوض کرد).

۶۲۰۵- «زشت ترین نام‌ها نزد خداوند در روز قیامت مردی است که خود را (مَلِکْ) الاملاک (شهنشاه) می‌نامد». یعنی: شاه شاهان.

۶۲۱۷- «عمل (نیک) کنید که (آنچه را مقدر شده) آسان می‌سازد».

۶۲۱۸- پیامبر(ص) شبی بیدار شد و گفت: «سبحان الله، چه گنجینه‌هایی نازل شده

---

\* پیامبر(ص) به فاطمه رح گفت: «خوش آمدی ای دختر من».

\* «مفلس کسی است که در روز قیامت مفلس می‌شود».

«همانا پهلوان کسی است که به هنگام خشم بر نفس خود تسلط یابد».

«پادشاهی نیست به جز از آن خدا».

\* به نام‌های پیامبران نام بگذارید. «پیامبر(ص) ابراهیم (پسر خود را) بوسید».

\* [للیل: ۷-۵]: «اما آنکه (حق خدا را) داد و پرهیزگاری نمود، و (پاداش) نیکوتر را تصدیق

کرد، به زودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت».

\* گفتن الله اکبر و سبحان الله، به هنگام تعجب.

است و چه فتنه‌هایی نازل شده است، کیست که صاحبان حجره‌ها را بیدار کند - آنحضرت زنان خود را مراد می‌داشت تا نماز بخوانند - بسا جامه‌پوشانی در دنیا هستند که در آخرت برهنه‌اند».

۶۲۲۰- پیامبر (ص) از افگندن سنگریزه با دو انگشت شصت و انگشت وسط منع کرده و فرمود: «همانا این کار نه شکار را می‌کشد و نه دشمن را می‌کشد، بلکه چشم را کور می‌کند و دندان را می‌شکند».

۶۲۲۱- دو مرد نزد پیامبر (ص) عطسه زدند، آنحضرت به یکی از آنها دعای عطسه (یرحمک الله) را گفت و به آن یکی دیگر نگفت. به آنحضرت گفته شد (که چرا؟) فرمود: «یکی از آنها (به هنگام عطسه‌زدن) حمد خدا را گفت و آن یکی دیگر نگفت».

۶۲۲۲- پیامبر (ص) ما را امر کرد که از مریض عیادت کنیم و جنازه را همراهی کنیم و عطسه‌کننده را دعا کنیم و مهمانی را بپذیریم و سلام را پاسخ بگوییم و مظلوم را یاری کنیم و سوگندخورده را در ایفای سوگند (مشروع) کمک کنیم. و آنحضرت ما را از پوشیدن انگشتر طلا یا حلقه طلا، و از پوشیدن (پارچه‌های ابریشمی) حریر... منع کرد.

۶۲۲۴- «هرگاه یکی از شما عطسه می‌زند باید بگوید: (الحمد لله) و برادر وی یا دوست وی باید بگوید: (یرحمک الله) و (آنگاه عطسه‌کننده) باید بگوید: خداوند شما را هدایت می‌کند (کند) و کار شما را به صلاح آورد.

---

\* اگر کسی خمیازه می‌کشد باید دستش را بر دهانش بگیرد.

\* سعید بن ابی حسن، به حسن (بصری) گفت: زنان عجم (غیر عرب) سینه‌ها و سرهای خود را برهنه می‌کنند؟ گفت: چشم خود را از ایشان بازدار.

خداوند می‌گوید: «و به مردان باایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند» [النور: ۳۰].

۶۲۲۸- پیامبر(ص) در روز نحر (دهم ذی حجه) فضل بن عباس را بر پشت سر خود بر سرین شتر خود سوار کرده بود، و فضل مردی خوش صورت بود. پیامبر(ص) شتر را توقف داد تا به (سؤالات) مردم فتوی بدهد. زنی از قبیله خثعم خوب صورت بود پیش آمد و از پیامبر(ص) فتوی خواست. فضل به نگرستن آن زن مشغول شد و زیبایی وی او را به شگفت آورده بود. پیامبر(ص) (پشت سر) نگرست و دید که فضل به سوی زن می‌نگرد، دست دراز کرد و چانه فضل را گرفت و روی او را از وی برگردانید.

۶۲۲۹- «آگاه باشید، و پرهیزید از نشستن بر سر راه‌ها».

«اگر نمی‌پذیرید (مجبور هستید) مگر آنکه بنشینید، پس حق راه را بدهید».

«فرود آوردن چشم (تا نظر به نامحرم نیفتد). و خودداری از اذیت مردم و پاسخ سلام و امر به معروف و نهی از منکر».

۶۲۳۱- «خردسال بر کلان سال سلام بدهد و رونده بر نشسته سلام بدهد و گروهی اندک بر گروهی انبوه سلام بدهد».

۶۲۳۲- «سواره بر پیاده، و پیاده بر نشسته... سلام بدهد».

۶۲۳۶- کدام اسلام (صفت مسلمان) نیکوتر است؟ آنحضرت فرمود: «خوراندن طعام و گفتن سلام بر کسی که او را می‌شناسی و بر کسی که او را نمی‌شناسی».

---

قتاده گفته: از آن زنانی که برایشان حلال نیست.

«و به زنان باایمان بگو: دیدگان خود را (از هر نامحرمی) فرو بندند و پاکدامنی ورزند» [النور: ۳۱]. «خیانت چشم‌ها» [غافر: ۱۹] (نگاه‌های دزدانه). یعنی: نگرستن به چیزی که از آن منع شده است. و زهری گفت: نگرستن به دختری که به سن بلوغ نرسیده است صلاح نیست که به سوی چیزی از (بدن) دختران نگرست که دیدن آن خوش می‌آید، هر چند دختر خردسال باشد.



۶۲۴۳- «همانا خداوند بهره‌ پسر آدم را از زنا نوشته است که ناگزیر آنرا دریابد، زناى چشم، نگریستن (به نامحرم) است، و زناى زبان، سخن گفتن است، و نفس به آن اشتیاق و میل می‌کند، و شرمگاه همه آنرا تصدیق یا تکذیب می‌کند».

۶۲۴۴- همانا پیامبر(ص) چون سلام می‌کرد (تا اجازه ورود بگیرد) سه بار سلام می‌کرد (اگر اجازه نمی‌یافت برمی‌گشت) و چون جمله‌ای را می‌گفت (که فهم آن آسان نبود) آنرا سه بار می‌گفت.

۶۲۴۵- «اگر یکی از شما سه بار اجازه بخواهد و به وی اجازه داده نشود، باید که بازگردد».

۶۲۴۷- انس رض بر کودکان گذشت و برایشان سلام کرد و گفت: پیامبر(ص) چنین می‌کرد.

۶۲۴۹- «ای عایشه! این جبرئیل است که بر تو سلام می‌گوید».

۶۲۵۰- به خاطر قرضی که بر پدرم بود، نزد پیامبر(ص) رفتم، دروازه را که کوبیدم، فرمود: «کیستی؟» گفتم: من. فرمود: «من، من» گویی آنحضرت را خوش نیامد (از اینکه نام خود را نگفتم، با سلام آغاز نکردم).  
(\* عایشه رض گفت: «وعلیه السلام»<sup>(۱)</sup> ورحمة الله وبرکاته».

(سلام و رحمت خدا بر تو باد).

۶۲۵۱- مردی به مسجد درآمد و رسول خدا(ص) در گوشه مسجد نشسته بود. آن

---

\* اگر مردی فرا خوانده شود و بیاید، آیا اجازه بخواهد؟

«همین (فراخواندن) اجازه است».

۱- یعنی همان لفظ (سلام) را در پاسخش بگوید و کلمات (رحمة الله) (و بر کاته) را نیفزاید.

مرد نماز گذارد و سپس آمد و بر آنحضرت سلام کرد. پیامبر(ص) به وی گفت: «وعلیک السلام»...، آنحضرت فرمود: «آنگاه که می خواهی نماز به پا داری، وضو را کامل کن، پس به قبله روی کن و تکبیر (تحریمه) بگویی، پس آنچه برای تو از قرآن آسان است، همان را بخوان<sup>(۱)</sup>، پس رکوع کن تا در رکوع آرام گیری، پس خود را بلند کن تا راست بایستی، پس سجده کن تا در سجده آرام گیری، پس از سجده بلند شو تا آرام بنشینی، پس سجده کن تا در سجده آرام گیری، سپس از سجده بلند شو تا آرام بنشینی پس در همه نمازها به این منوال عمل کن». (تا آنکه راست بایستی).

۶۲۵۶- «نرمی و مدارا کن ای عایشه، همانا خداوند در همه کارها نرمی را دوست می دارد».

۶۲۵۸- «آنگاه که اهل کتاب بر شما سلام کنند، بگویید: وعلیک» (بر شما باد).

۶۲۶۳- به انس رض گفتم: آیا مُصافحه (به هنگام ملاقات، دست دادن به یکدیگر) میان اصحاب پیامبر(ص) رواج داشت؟ گفت: آری.

۶۲۶۴- ما با پیامبر(ص) بودیم و آنحضرت دست عمر بن خطاب رض را گرفته بود.

۶۲۶۵- ابن مسعودرض: پیامبر(ص) در حالی که کف دست من در دو کف دست وی بود تشهد را به من یاد داد، چنانکه سوره ای از قرآن را به من یاد می داد.

۶۲۶۸- «ای ابوذر! دوست ندارم که به اندازه کوه احد طلا داشته باشم و یک شب

---

۱- از این فرموده آنحضرت معلوم شد که سوره فاتحه (الحمد لله...) در نماز فرض نبوده است.

(امام ابوحنیفه آنرا واجب می داند نه فرض).

\* حماد بن زید با ابن مبارک با دو دست مصافحه کرد.

یا سه شب بر من بگذرد و از آن دیناری نزد من باقی بماند، مگر آنکه برای ادای قرض آنرا ننگه دارم. مگر آنکه آنرا میان بنده‌های خدا اینچنین و اینچنین بیفکنم»، «بسا ثروتمندانی هستند (در این دنیا) که اندک پاداش می‌گیرند (در آخرت) مگر کسانی که اینچنین و اینچنین بپاشند». (سخاوتمندانه صدقه بدهند).

۶۲۶۹- «مردی، مردی دیگری را از مجلسش برنخیزاند که سپس در جایش بنشیند».

۶۲۷۰- همانا پیامبر(ص) منع کرده است که مردی از جایش خیزانده شود و دیگری در آنجا بنشیند، ولی جای باز کنید و گشاده سازید. و ابن عمر ناخوش می‌دانست که مرد از جای خود برخیزد، سپس کسی دیگر به جایش بنشیند.

۶۲۷۲- پیامبر(ص) را در صحن کعبه دیدم که به گونهٔ اِحْتَبَاء<sup>(۱)</sup> نشسته بود و دست خود را چنین کرده بود.

۶۲۷۵- پیامبر(ص) نماز عصر را گذارد و شتاب کرد و به خانه درآمد.

۶۲۷۶- عایشه رض: پیامبر(ص) بر وسط تختخواب نماز می‌گذارد و من بین آنحضرت و بین قبله دراز کشیده بودم، چون ضرورتی می‌داشتم، ناخوش می‌پنداشتم که برخیزم و با آنحضرت روبرو شوم، خودم را آهسته از تختخواب بیرون می‌کشیدم.

---

\* «چون به شما گفته شود: در مجالس جای باز کنید، پس جای باز کنید تا خدا برای شما گشایش بیاورد و چون گفته شود: برخیزید، پس برخیزید».

۱- نشستن به گونه‌ای که ران‌ها را به شکم بچسباند و دست‌ها را به دور ساق‌ها حلقه زند.

\* خباب گفت: نزد پیامبر(ص) آمدم، آنحضرت بر چادر خود که به صورت بالش درآورده بود تکیه کرده بود. گفتم: آیا به خدا دعا نمی‌کنی؟ آنحضرت نشست.

۶۲۸۵ و ۶۲۸۶- «... از خدا بترس و شکیا باش...»

۶۲۸۹- انس رض: پیامبر(ص) رازی به من گفت، هیچکس را از آن راز آگاه نکردم و همانا (مادرم) ام سلیم که از آن راز پرسید، او را از آن راز آگاه نکردم.

۶۲۹۰- «اگر سه تن باشید، دو نفر بدون نفر سوم باهم محرمانه سخن نگویند (سرگوشی نکنند) تا آنکه با مردم دیگر یکجا باشید، زیرا این امر او را اندوهگین می کند».

۶۲۹۲- اقامت نماز گفته شد و مردی محرمانه با پیامبر(ص) سخن می گفت و پیوسته به رازگویی مشغول بود تا آنکه اصحاب آنحضرت (در صف نماز) به خواب رفتند. پس آنحضرت آمد و نماز گذارد.

۶۲۹۳- «آتش را در خانه های خویش نگذارید آنگاه که می خوابید».

۶۲۹۶- «شبانگاه که می خوابید چراغها را خاموش کنید و دروازه را ببندید و دهان مشکها را ببندید و ظرفهای غذا و نوشیدنی را بپوشانید».

۶۲۹۷- «فطرت (سنت پیامبر) پنج است: ختنه کردن، تراشیدن موی زیر ناف، برچیدن موی زیر بغل، کوتاه کردن سیبیل (بروت) و بریدن ناخنها».

۶۳۰۴- «برای هر پیامبر، دعای (خاص) است که با آن دعا می کند و من می خواهم

---

\* [القمان: ۶]: «و برخی از مردم، کسانی هستند که سخن بیهوده را خریدارند تا مردم را از راه خدا گمراه کنند».

\* «یکی از شروط قیامت آن است که شترچرانها در ساختن عمارات بلند باهم رقابت کنند».

\* [غافر: ۶۰]: «مرا دعا کنید تا دعای شما را قبول کنم، در حقیقت کسانی از پرستش من کبر می ورزند، به زودی با خواری وارد دوزخ خواهند شد».

که دعای خود را نگه دارم تا در آخرت از امت خود شفاعت کنم».

۶۳۰۶- «بار الها! تویی پروردگار من، نیست معبودی برحق به جز تو، مرا آفریدی و منم بنده تو، و به تو پناه می جویم از شر آنچه کرده ام، اقرار می کنم به نعمتی که به من ارزانی داشتی و اقرار می کنم به گناه خود، پس مرا ببخش، زیرا گناه بخشاینده ای نیست به جز تو. آنحضرت فرمود: کسی که این (دعا) را در روز بگوید و به آن یقین بدارد، و در آن روز قبل از آنکه شام فرا رسد بمیرد، وی از اهل بهشت است. و هرکسی که این (دعا) را در شب بگوید و به آن یقین بدارد و در آن شب قبل از آنکه صبح فرا رسد بمیرد، وی از اهل بهشت است».

۶۳۰۷- «به خدا سوگند! بیش از هفتاد بار در روز از خدا آمرزش خواهی می کنم و به او رجوع می کنم».

۶۳۰۸- عبدالله بن مسعود رض دو حدیث به من گفت: یکی از آن از پیامبر (ص) است، و یکی دیگر از خودش است. وی گفت: همانا مؤمن، گناه خود را چنان می بیند که وی در زیر کوهی نشسته و می ترسد که آن کوه بر وی می افتد، و همانا فاجر (نافرمان، بی حیا، زناکار) گناه خود را چنان می بیند که مگس بر بینی وی گذشته است.

۶۳۰۹- <<خداوند ج خوشنود تر است به توبهء بندهء خود، نظر به هر یک از شما

---

\* [آل عمران: ۱۳۵]: «و آنانکه چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می آورند و برای گناهانشان آمرزش می خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده اند، با آنکه می دانند (که گناه است) پافشاری نمی کنند».

\* [التحریم: ۸]: «ای کسانی که ایمان آورده اید، به درگاه خدا توبهء نصوح (راستین و خالصانه) کنید».

که از شتر خود فرو افتد و او را در بیابان بی آب و علف، سرگردان و آواره کند...» (بعد از خواب دوباره شترش را ببیند).

۶۳۱۰- عایشه رض: پیامبر ص در آخر شب یازده رکعت نماز (تهجد) میگذارد، آنگاه که صبح میدمید، دو رکعت (سنت صبح را) سبک میگذارد، سپس به جانب راست پهلو می نهاد، تا آنکه موءذن می آمدو او را (از فرا رسیدن وقت نماز) آگاه میکرد.

۶۳۱۱- «آنگاه که می خواهی به بستر خواب خود بروی، وضو کن، وضویی که برای نماز می کنی، سپس بر پهلوئی راست خود بخواب و بگو: «بار الها! خودم را به تو سپردم و کارم را به تو واگذاردم و تورا پشت و پناه خود کردم، بیم و امید من به توست. نه پناهگاه و نه رستگاری، از تو میسر است به جز به سوی تو، ایمان آوردم به کتابی که نازل کردی و به نبی (پیامبری) که فرستاده ای». «اگر (پس از خواندن دعای مذکور)، بمیری، تو بر دین اسلام می میری».

۶۳۱۲- پیامبر (ص) آنگاه که در بستر خود می رفت می گفت: «به نام تو می میرم و زنده می شوم». و چون از خواب برمی خاست می گفت: «ستایش خدایی را که ما را زنده گردانید، پس از آنکه بمیراند و بازگشت به سوی اوست».

۶۳۱۴- پیامبر (ص) آنگاه که شبانه به بستر خواب خود می رفت، دست خود را زیر رخسار خود می نهاد.

۶۳۱۵- پیامبر (ص) چون به بستر خود می درآمد، به جانب راست خود می خوابید.

۶۳۱۷- پیامبر (ص) چون در شب به (نماز) تهجد می ایستاد، می گفت: «بار الها! ستایش تورا است، تویی برپادارنده آسمانها و زمین و آنچه در میان آنها است، و ستایش تورا است، و تویی نور آسمانها و زمین و آنچه در میان آنها

است. و ستایش تورا است، تویی حق، و وعدهات حق، و سخنت حق، و دیدارت حق، و بهشت حق، و دوزخ حق و قیامت حق و پیامبران حق و محمد حق است، بار الها! خودم را به تو واگذاردم و به تو توکل کردم و به تو ایمان آوردم و به تو رجوع کردم و برای تو جنگیدم و به دستور تو حکم کردم، پس (گناهان) پیشین و پسین مرا بیامرز، و آنچه در نهان و آنچه آشکار کرده‌ام، تویی پیش آورنده، و تویی بس گرداننده، نیست خدایی جز تو، یا (فرمود) نیست خدایی غیر از تو».

۶۳۱۸- همانا فاطمه رح از آبله‌های کف‌های دست خود که در اثر دستاس کردن پدید آمده بود شکایت کرد، وی نزد پیامبر (ص) آمد تا تقاضای خدمتکاری نماید، ... آنحضرت فرمود: «آیا شما را به چیزی خبر ندهم که از خدمتکار برای شما بهتر است؟ چون بر بستر خویش قرار گرفتید، یا در خوابگاه خویش درآمدید سی و سه بار تکبیر (الله اکبر) و سی و سه بار تسبیح (سبحان الله) و سی و سه بار تحمید (الحمد لله) بگویید و این برای شما از خدمتکار بهتر است».

ابن سیرین گفت که تسبیح (سبحان الله) را سی و چهار بار فرموده است.

۶۳۱۹- پیامبر (ص) زمانی که به خوابگاه می‌درآمد بر هردو دست خود می‌دمید و معوذتا (سوره‌های الفلق و الناس) را می‌خواند و هردو دست را بر بدن خویش می‌کشید.

۶۳۲۰- «هریک از شما که می‌خواهد به بستر خواب خود برود، باید بستر خود را از درون با ازار خود تکان دهد، سپس بگوید: «به نام تو ای پروردگار من پهلو نهادم و به نام تو بلند می‌شوم، اگر روح مرا برمی‌گیری بر آن رحم کن و اگر بازمی‌فرستی نگه می‌دار به آنچه (روح) بندگان صالح را نگه می‌داری».

۶۳۲۱- «پروردگار ما تبارک و تعالی هر شب، آنگاه که سوم حصه آخر شب باقی است، به آسمان دنیا فرود می آید و می گوید: «کیست که مرا دعا کند تا دعای او را مستجاب کنم، کیست که از من (مراد) می خواهد تا (مرادش را) برآورده سازم، کیست که از من آمرزش می خواهد تا او را بیامرمز».

۶۳۲۲- پیامبر (ص) آنگاه که به قضای حاجت می رفت می گفت: «بار الها! به تو پناه می جویم از مردان شیاطین و زنانشان».

۶۳۲۳- پیامبر (ص) فرمود: «بهترین (دعا) استغفار این است:

«بار الها! تویی پروردگار من! نیست خدایی به جز تو، تو مرا آفریدی و منم بنده تو و من بر عهد و پیمان تو ام تا حدی که در توان من است به نعمت تو که بر من است اقرار می کنم. و به گناه خود اقرار می کنم، پس مرا بیامرز، همانا به جز تو، کسی گناهان را نمی آمرزد، به تو پناه می جویم از شر آنچه کرده ام».

۶۳۲۴- ابوبکر رض: مرا دعایی بیاموز که آنرا در نماز خود بخوانم، آنحضرت فرمود: «بگویی: بار الها! بر نفس خود بسیار ستم کردم و گناهان را به جز تو کسی نمی آمرزد، پس آمرزشی از جانب خود بر من ارزانی کن و بر من رحم کن، همانا تویی توبه پذیر مهربان».

۶۳۲۵- «آیا شما را به چیزی خبر ندهم که آنانی را که پیش از شما بودند، دریابید و از کسانی که بعد از شما بیایند، پیشی بگیرید و هیچیک نتواند مانند آنچه شما می کنید (ثواب) دریابد مگر کسی که آنرا انجام دهد؟ بعد از هر نماز ده بار تسبیح (سبحان الله) و ده بار تحمید (الحمد لله) و ده بار تکبیر (الله اکبر) بگویید».

۶۳۳۰- همانا پیامبر (ص) در آخر هر نماز، آنگاه که سلام می داد می گفت: «نیست



معبودی برحق به جز خدا، یگانه‌ای که اورا شریکی نیست، پادشاهی از آن اوست و ستایش برای اوست و اوست بر هر چیز توانا، بار الها! آنچه را تو می‌دهی، کسی نیست که مانع گردد و آنچه را تو منع می‌کنی، کسی نیست که آنرا بدهد، و نه بهره مند، بدون حکم تو بهره‌ای می‌برد.

۶۳۳۷-

ا  
ن عباس رض گفت: مردم را در هر جمعه یک بار وعظ کن. اگر بیش از این بخواهی دو بار وعظ کن و اگر از آن هم بیشتر بخواهی سه بار وعظ کن، و مردم را از این قرآن ملول مگردان، و تورا نخواهم که نزد مردم بیایی و آنها در صحبت خود مشغول باشند و تو برایشان وعظ کنی، صحبت شان را قطع کنی و ایشان را ملول گردانی، ولی خاموشی اختیار کن، پس اگر تورا فرمودند: به ایشان وعظ کن و آنگاه که میل داشته باشند. و در دعا، سجع (کلمات هماهنگ) را کنار بگذار و از آن پرهیز، همانا من رسول خدا(ص) و یاران وی را دریافته‌ام، ایشان به جز این نمی‌کردند. یعنی به جز پرهیز کردن از آن.

۶۳۳۹- «هیچیک از شما نگوید: بار الها! اگر می‌خواهی مرا بیامرز، اگر می‌خواهی بر من رحم کن، با قاطعیت بخواهد زیرا کسی خدا را مجبور ساخته نمی‌تواند».

۶۳۴۰- «دعای هر یک از شما قبول می‌شود تا آنکه شتاب نکند، اینکه می‌گوید: دعا کردم و دعای من مستجاب نشد».

---

\* پیامبر(ص) دعا کرد، سپس دست‌ها را بلند کرد و سفیدی زیر بغل‌های آنحضرت را دیدم.

۶۳۴۳- پیامبر(ص) به سوی همین مُصلی برآمد، دعا کرد و طلب باران کرد، سپس روی به قبله کرد و ردای خود را از یک روی به دیگر روی گردانید.

۶۳۴۵- پیامبر(ص) به وقت اندوه و مشقت می گفت: «نیست هیچ معبودی برحق به جز خدای بزرگ و بردبار، نیست هیچ معبودی برحق به جز آفریدگار آسمانها و زمین و آفریدگار عرش بزرگ».

۶۳۴۷- پیامبر(ص) از رنج و مشقت بلا (مصیبت) و از رسیدن شقاوت (بدبختی) و از قضای بد، و از شادمانی دشمنان پناه می جست.

سفیان گفت: درین حدیث سه چیز بوده است، یکی را من افزوده‌ام و نمی دانم آن کدامیک است<sup>(۱)</sup>.

۶۳۵۱- «هیچیک از شما به خاطر زیان و آسیبی که به وی رسیده است مرگ خود را آرزو نکند و اگر ناگزیر باشد که آرزوی مرگ کند، باید بگوید: «بار الها! تا آنگاه که زندگی برایم بهتر است مرا زنده نگه دار، و آنگاه که مرگ برایم بهتر است مرا بمیران».

۶۳۵۷- یا رسول الله! چگونه بر تو صلوات بفرستیم؟ آنحضرت فرمود: بگویی: «اللهم... حمید مجید» (که در نماز بعد از التحیات خوانده می شود).

۶۳۶۲- [المائده: ۱۰۱]: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک کند مپرسید».

۶۳۶۳- از آنحضرت(ص) بسیار می شنیدم که می گفت: «بار الها! به تو پناه می جویم از غم، و اندوه، و ناتوانی، و سستی و کاهلی، و بخیلی، و ترسویی، و بارگران

---

۱- یعنی در حدیث چهار موضوع آمده است: (۱) رنج و مشقت و بلا. (۲) رسیدن شقاوت. (۳) قضای بد. (۴) شادمانی دشمنان. در حالی که در اصل سه موضوع بوده است.

\* ابوموسی: برای من پسری زاده شد و پیامبر(ص) برایش دعای برکت کرد.

قرض و تسلط یافتن مردمان».

۶۳۶۴- از پیامبر (ص) شنیده‌ام که از عذاب قبر پناه می‌جستم.

۶۳۶۵- «بار الها! به تو پناه می‌جویم، از بخل و به تو پناه می‌جویم از ترس، و به تو پناه می‌جویم از اینکه مرا به فروترین عمر برسانی که در آن سستی و ناتوانی باشد و به تو پناه می‌جویم از فتنه دنیا - یعنی فتنه دجال - و به تو پناه می‌جویم از عذاب قبر».

۶۳۶۶- «... همانا (مردگان در قبر) عذاب می‌شوند که (صدای عذابشان را) همه حیوانات می‌شنوند».

۶۳۶۷- «بار الها! به تو پناه می‌جویم از ناتوانی و سستی، و ترس و بخل، و از (پافتادگی) کهنسالی و به تو پناه می‌جویم از عذاب قبر، و به تو پناه می‌جویم از فتنه زندگی و مرگ».

۶۳۶۸- «بار الها! به تو پناه می‌جویم از سستی و سالخوردگی و گناهان و قرضداری، و از فتنه قبر و عذاب قبر و از فتنه آتش (دوزخ) و عذاب آتش (دوزخ) و از شر فتنه ثروتمندی و از شر فتنه ناداری، و به تو پناه می‌جویم از فتنه مسیح دجال، بار الها! بشوی خطاهای مرا با آب برف و ژاله و پاک کن دل مرا، از خطاها، چنانکه پاک می‌کنی جامه سفید را از چرک و دوری گزین میان من و خطاهای من، چنانکه دوری گزیدی میان مشرق و مغرب».

۶۳۸۲- پیامبر (ص) دعای استخاره را در همه کارها مانند سوره‌ای از قرآن یاد می‌داد (و می‌فرمود): «اگر کسی به کاری قصد می‌کند باید دو رکعت نماز بگذارد، سپس بگوید: «بار الها! طلب خیر می‌کنم به علم تو و توسل می‌جویم به قدرت تو، و فضل عظیم تو را می‌طلبم، همانا تو قدرت داری و من قدرت ندارم و تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تویی دانای غیب، بار الها! تو می‌دانی که

اگر این کار به خیر من است در دین من و زندگی من و آخرت من، یا چنین فرمود: در حالت کنونی و آینده آن و پس آنرا برایم میسر گردان، و تو می‌دانی که اگر این کار به شر من است در دین من و زندگی من و آخرت من - یا چنین فرمود: در حالت کنونی و آینده آن، آنرا از من بازدار و مرا از آن بازدار. و خیر را برایم میسر کن هرآنچه باشد، و سپس مرا به آن راضی گردان». سپس از آن حاجت خود را بخواهد.

۶۳۸۴- «آیا تو را به کلمه‌ای راهنمایی نکنم که آن گنجینه‌ای از گنجینه‌های بهشت باشد؟ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ است».

۶۳۸۹- پیامبر (ص) اکثراً چنین دعا می‌کرد: «اللَّهُمَّ ... وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (دعای بعد از درود شریف در نماز) - بار الها! در دنیا به ما نیکویی ارزانی کن و در آخرت به ما نیکویی ارزانی کن و ما را از عذاب دوزخ نگهدار.

۶۳۹۶- ما در روز جنگ خندق با پیامبر (ص) بودیم، آنحضرت فرمود: «خدا خانه‌ها و گورهایشان را از آتش پر کند، چنانکه ما را از نماز وُسطی بازداشتند تا آنکه آفتاب غروب کرد». و مراد نماز عصر است.

۶۳۹۸- پیامبر (ص) با همین دعا، دعا می‌کرد: «پروردگارا! خطا و نادانی و اسراف مرا در همه امور ببخشای و آنچه را که تو بهتر از من می‌دانی، بار الها! خطاهایی را که از روی قصد و نادانی و بیهودگی از من سر زده ببخشای و (معترفم) که همه را من کرده‌ام. بار الها! آنچه را پیش از این انجام داده‌ام و آنچه را پس از این انجام خواهم داد، و آنچه را نهان کرده و آنچه را آشکار کرده‌ام بر من ببخشای، تویی پیش‌آورنده امور و تویی تأخیرکننده امور. و تویی بر هر چیز توانا».

۶۴۰۰- «در روز جمعه وقتی (معین) است، اگر مسلمانی که در حال نماز است با

آن وقت برابر آید و از خدا نیکویی بخواهد به یقین که به وی داده می شود».

۶۴۰۲- «آنگاه که امام آمین بگوید، شما نیز آمین بگویید، همانا فرشتگان آمین می گویند، کسی که آمین او با آمین فرشتگان برابر آید، گناهان پیشین وی آمرزیده می شود».

۶۴۰۳- پیامبر (ص) فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ثواب هر که آنرا صد بار در روز بخواند آزادی ده برده را حاصل می کند، و صد کار نیک به نامه اعمال او نوشته می شود و صد کار بد از حسابش کاسته می شود، و او را در همان روز تا شام از شیطان نگاه می دارد، و هیچیک از وی عملی بهتر انجام داده نمی تواند، مگر مردی که (این دعا را) از وی بیشتر بخواند».

۶۴۰۴- عمرو بن میمون: «کسی که (دعای مذکور را یعنی از حدیث ۶۴۰۳) ده بار بگوید مثل کسی است که برده ای از نسل اسماعیل را آزاد کرده باشد».

۶۴۰۵- «کسی که در روز صد بار بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» خطاهای وی هرچند به اندازه کف دریا باشد زدوده می شود».

۶۴۰۶- «دو کلمه ای که آسان جاری می شود بر زبان و گراند در (ترازو) میزان و محبوبند نزد (خدای) رحمان (عبارتند از): «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ».

۶۴۰۷- «مثال کسی که پروردگار خود را ذکر می کند و کسی که پروردگار خود را ذکر نمی کند مثال زننده و مرده است».

۶۴۰۸- رسول خدا (ص) فرمود: «خداوند را فرشتگانی است که در راهها می گردند و اهل ذکر را می جویند، اگر گروهی را بیابند که ذکر خدای را می کنند (یکدیگر را) ندا می کنند: به سوی حاجت خود بیایید، فرشتگان پیرامون ایشان

تا آسمان دنیا پر و بال می گشایند (پس که فرشتگان برگشتند) پروردگارشان از آنها می پرسد، (هرچند از ایشان داناتر است) که بندگان من چه می گویند؟ فرشتگان می گویند: تورا به پاکی یاد می کنند (سبحان الله می گویند) و تورا به بزرگی می خوانند (الله اکبر می گویند) و تورا می ستایند (الحمد لله می گویند) و تورا به بزرگی یاد می کنند. خداوند می گوید: آیا آنها مرا دیده اند؟ فرشتگان می گویند: نه، به خداوند سوگند که تورا ندیده اند. خداوند می گوید: چگونه می بود اگر مرا می دیدند؟ فرشتگان می گویند: اگر تورا می دیدند بیش از این تورا عبادت می کردند و بیش از این تورا تمجید می کردند و پیش از این تورا می ستودند و بیش از این تورا تسبیح می گفتند.

خداوند می گوید: از من چه می خواستند؟ فرشتگان می گویند: از تو بهشت می خواستند. خداوند می گوید: و آیا بهشت را دیده اند؟ فرشتگان می گویند: نه، به خدا سوگند پروردگارا که بهشت را ندیده اند. خداوند می گوید: چگونه می بود اگر آنرا می دیدند؟ فرشتگان می گویند: اگر آنرا می دیدند به آن بیشتر اشتیاق می داشتند و آنرا بیشتر می طلبیدند و در آن بیشتر تمایل نشان می دادند. خداوند می گوید: از چه پناه می جستند؟ فرشتگان می گویند: از آتش (دوزخ). خداوند می گوید: و آیا آنرا دیده اند؟ فرشتگان می گویند: نه، به خدا سوگند پروردگارا که آنرا ندیده اند. خداوند می گوید: چگونه می بود اگر آنرا می دیدند؟ فرشتگان می گویند: اگر آنرا می دیدند از آن بیشتر فرار می کردند و بیشتر می ترسیدند. خداوند می گوید: پس شما را گواه می گیرم که ایشان را آمرزیده ام. یکی از فرشتگان می گوید: در میان ایشان (که ذکر خدا می کردند) کسی بود که در زمره ایشان نبود. همانا برای حاجتی آنجا آمده بود. خداوند می گوید: آنها همشینی هایی است که با همشینی با ایشان بدبخت

نمی‌شوند».

۶۴۱۰- «خداوند را نودونه نام است، (یعنی) از صد، یک کم، که هر کس آن نام‌ها را حفظ کند به بهشت وارد می‌شود و خدا وتر (یک) است و وتر (یک)، یا عدد طاق) را دوست می‌دارد».

۶۴۱۱- رسول خدا(ص) در وعظ برای ما در روزها وقفه می‌آورد به خاطر اینکه موجب ملال ما نشود.





# جلد هفتم



۶۴۱۲- «دو نعمتند که بیشتر مردم در (نادیده گرفتن) آن زیانکارند: سلامت و فراغت».

۶۴۱۵- «جای [کوچکی به اندازه‌ای گنجایش] یک تازیانه در بهشت، از دنیا و هر آنچه در آن است بهتر است و سفر اول روز یا اول شب در راه خدا، از دنیا و هر آنچه در آن است بهتر است».

(\* «در دنیا چنان باشی که گویی مسافر یا رهگذر هستی».)

ابن عمر رض: آنگاه که شب می‌کنی، منتظر صبح مباش، و چون صبح نمودی منتظر شب مباش و از تندرستی‌ات برای بیماریت و از زندگی‌ت برای مرگت بهره‌گیر! و به هنگام زندگی خود مرگ را در نظر بگیر.

۶۴۱۸- پیامبر (ص) خطوطی رسم کرد و فرمود: «این آرزو است و این اجل اوست، در حالی که وی در این (اندیشه است که به آرزویش برسد) ناگاه [اجلش] فرا می‌رسد».

۶۴۱۹- «خداوند عذر کسی که او را به شصت‌سالگی رسانده است، نمی‌پذیرد»<sup>(۱)</sup>.

۶۴۲۰- «دل پیر، پیوسته در دو چیز جوان است: دوستی دنیا و آرزوی دراز».

---

\* [الحدید: ۲۰]: «بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است [مَثَل آنها] چون مثل بارانی است که کشاورزان را رستنی آن [باران] به شگفتی اندازد، سپس [آن کشت] خشک شود و آنرا زرد بینی، آنگاه خاشاک شود. و در آخرت [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و مؤمنان را] از جانب خدا آموزش و خشنودی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست».

۱- کسی که به شصت‌سالگی برسد، همانا خداوند در عمر عذرش را در زندگی خواسته است.

\* [فاطر: ۳۷]: «مگر شما را [آنقدر] عمر دراز ندادیم که هر کس باید در آن عبرت گیرد، عبرت می‌گرفت و برای شما هشداردهنده نیز آمد» یعنی پیری.

۶۴۲۱- «آدمی زاد پیر می شود و دو چیز با او پیر می گردد: دوستی مال و (آرزوی) درازی عمر.

۶۴۲۳- «هرگز بنده‌ای در روز قیامت نیاید که لا إله إلا الله گفته و با آن رضای خدا را خواسته است، مگر آنکه خداوند آتش دوزخ را بر وی حرام می گرداند».

۶۴۲۴- «خداوند تعالی می فرماید: برای بنده‌ی مؤمن پاداشی به جز بهشت نیست که چون یکی از عزیزان وی از اهل دنیا را بمیرانم و او به امید ثواب، شکیبایی ورزد».

۶۴۲۵- «پس خوش باشید، و به آنچه شما را شادمان کند، امیدوار باشید، به خدا سوگند که از فقر و ناداری شما نمی ترسم، ولی از آن می ترسم که ثروت دنیا بر شما گسترش یابد، چنانکه بر کسانی که قبل از شما بودند گسترش یافت و در آن باهم رقابت کنید، چنانکه آنها رقابت کردند و شما را به خود مشغول دارد، چنانکه آنان را به خود مشغول داشت».

۶۴۲۶- «... و همانا به خدا سوگند از آن نمی ترسم که پس از من به شرک روی آورید، ولی از آن می ترسم که در دل بستگی به دنیا رقابت کنید».

۶۴۲۷- «آنچه بیشتر از آن بر شما می ترسم، چیزی است که خداوند از برکت‌های زمین برای شما بیرون می آورد».

گفته شد: و برکت‌های زمین چیست؟ فرمود: «زیب و زینت دنیا»، «نیکی به جز نیکی را نمی آورد، همانا این مال (دنیا) سبز و شیرین است، و همانا تمام آنچه را بهار می‌رویاند حیوان چرنده را که بسیار بخورد می‌میراند یا در آستانه مرگ می‌رساند به جز حیوانی که سبزه خضیره (سبز) را می‌خورد و از آن می‌خورد تا آنکه تهیگاهش پر می‌شود و به شعاع آفتاب می‌ایستد (تا هضم کند) و نشخوار می‌کند و سرگین می‌افکند و پیشاب می‌کند، و سپس

برمی گردد و می خورد. و همانا این مال (دنیا) شیرین است، کسی که آنرا به حق آن (از راه حلال) به دست آورد و آنرا به حق آن (در راه مشروع) به مصرف برساند وی نیکویاری دهنده‌ای است، و کسی که آنرا به غیر حق آن به دست می آورد، مانند کسی است که می خورد و سیر نمی شود».

۶۴۲۸- «... سپس بعد از ایشان قومی می آیند که گواهی می دهند، در حالی که از ایشان گواهی خواسته نشده است و خیانت کنند و بدیشان اعتماد نشود و نذر به گردن گیرند و انجام ندهند و در میان ایشان فربهی و چاقی پدید آید».

۶۴۲۹- «بهترین مردم، مردم زمان من اند سپس کسانی که متصل به ایشان اند، سپس کسانی که متصل به ایشان اند، گواهی شان بر سوگندشان و سوگندشان بر گواهی شان پیشی می گیرد».

(بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی در امور دین پیشه کنند).

۶۴۳۱- همانا آن یاران ما که درگذشتند مال دنیا از ایشان چیزی نکاست و همانا پس از ایشان به چیزی (از مال دنیا) دست یافتیم که جای مصرف آن به جز در خاک نمی‌بایم. (ساختن خانه و بناها).

۶۴۳۳- «کسی که مانند همین (وضوی من) وضو کند، سپس به مسجد بیاید و دو رکعت نماز بگذارد، سپس (در انتظار نماز) بنشیند، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود»، «و مغرور نشوید».

۶۴۳۴- «افراد نیکوکار، یکی پی دیگری می‌میرند و (مردم روی زمین چون)

---

\* [فاطر: ۵ - ۶]: «ای مردم! همانا وعده خدا حق است، زهار تا این زندگی دنیا شما را فریب ندهد و زهار تا [شیطان] فریبنده شما را در باره خدا فریب ندهد. در حقیقت شیطان دشمن شماست، شما [نیز] او را دشمن گیرید [او] فقط دار و دسته خود را می‌خواند تا آنها از یاران آتش باشند».

سبوسه (تفاله) باقی می‌ماند مانند سبوسه جو یا خرما بد که خداوند بدیشان ارزش و اعتباری نمی‌دهد».

۶۴۳۵- «زیانکار باد بندهٔ دینار و درهم (و جامه‌های نفیس)... که اگر به وی داده شود، راضی گردد و اگر داده نشود، ناراض باشد».

۶۴۳۶- «اگر پسر آدم به مقدار دو وادی مال داشته باشد جویندهٔ وادی سوم آن است و شکم پسر آدم را به جز خاک پر نمی‌کند و خداوند توبهٔ هر که را به وی رجوع کند می‌پذیرد».

۶۴۳۷- «اگر پسر آدم مانند یک وادی مال داشته باشد، دوست می‌دارد که به مثل آن داشته باشد و چشم پسر آدم را به جز خاک پر نمی‌کند و خداوند توبهٔ هر که را به وی رجوع کند، می‌پذیرد».

۶۴۴۰- [التکائر: ۱]: «تفاخر به بیشتر داشتن، شما را غافل کرد».

۶۴۴۱- «ای حکیم (کسی که از پیامبر(ص) پیایی از مال غنیمت خواست)، همانا این مال سبز شیرین است، کسی که آنرا با خوشی خاطر بگیرد، در آن مال به وی برکت داده می‌شود و کسی که آنرا از روی حرص بگیرد، در آن مال به

---

\* [التغابن: ۱۵]: «همانا اموال و فرزندانان [وسیلهٔ] آزمایش [برای شما] اند».

\* «این مال (چون میوه) سبز شیرین است».

\* [آل عمران: ۱۴]: «دوستی خواستنی‌ها [ی گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زروسیم و اسب‌های نشانداز و دام‌ها و کشتزارها برای مردم آراسته شده، [لیکن] این همه مایهٔ تمتع و بهره‌مندی زندگی دنیاست».

عمر رض: بار الها! همانا ما را توان آن نیست، به جز آنکه ما را بدان مالی که آراسته کردی خشنود باشیم. بار الها! از تو می‌خواهم که (مرا یاری کنی) تا این مال را در راه درست آن مصرف کنم.

وی برکت داده نمی‌شود، و او بسان کسی است که می‌خورد و سیر نمی‌شود، و دست بالا (دهنده) بهتر است از دست پایین (گیرنده)».

۶۴۴۲- «کدامیک از شما مالی را که برای وارث خود می‌گذارد، از مال خود بیشتر دوست می‌دارد؟» گفتند: یا رسول الله! کسی از ما نیست به جز آنکه مال خودش را بیشتر دوست می‌دارد. آنحضرت فرمود: همانا مال او همان است که (با خرج کردن در راه خیر) پیش از خود بفرستد و مال وارث وی آن است که (پس از مرگ) به وارث خود می‌گذارد».

۶۴۴۳- «ثروت اندوزان، در روز قیامت فقیرانند، به جز کسی که خدا به وی مالی ارزانی دارد و او آنرا به راست و چپ و جلو و عقب خود ببخشد و در آن به نیکویی عمل کند».

\* و امام بخاری گفت: حدیث ابودرداء را اعتبار ندهید (که آنحضرت فرمود): «کسی که لا إله إلا الله بگوید» (که آن مرسل است).

۶۴۴۴- «دوست ندارم که به اندازه این أحد نزد من طلا باشد و سه روز بر من بگذرد و از آن دیناری نزد من باقی باشد، مگر آنچه از آن قرض خود را ادا کنم، مگر آنکه آنرا به بندگان خدا، اینچنین و اینچنین، بپاشانم (تقسیم کنم)».

۶۴۴۶- «توانگری، با داشتن مال و متاع بسیار نیست، ولی توانگری غنا و توانگری نفس است».

۶۴۴۷- مردی بر پیامبر (ص) گذشت در حالی که مرد دیگر نزد پیامبر (ص) نشسته بود. آنحضرت (ص) به همان مرد نشسته گفت: «در باره این مرد نظر تو

---

\* آنچه از مال خود پیش فرستد همان است مال او.

\* «اگر به اندازه این أحد نزد من طلا باشد، مرا خوشحال نمی‌سازد».

چیست؟» گفت: یا رسول الله! وی مردی است از مردمان بزرگ. به خدا سوگند، اگر او زنی را خواستگاری کند، سزاوار است که به ازدواج وی درآید و اگر شفاعت کند، شفاعت وی پذیرفته شود. پیامبر(ص) خاموش ماند، سپس مردی دیگر گذشت پیامبر(ص) به (مردی که نزدش نشسته بود) گفت: «در باره این مرد نظر تو چیست؟» گفت: یا رسول الله! وی مردی است از مسلمانان فقیر که اگر زنی را خواستگاری کند، سزاوار است که به ازدواج وی درنیاید و اگر شفاعت کند، شفاعتش پذیرفته نشود. و اگر سخنی گوید، سخنش شنیده نشود. پیامبر(ص) فرمود: «این مرد (فقیر) بهتر است از کسانی همچون آن مرد، [هرچند] که زمین را پر کرده‌اند».

۶۴۴۹- «بر بهشت آگاه گردیدم و دیدم که بیشتر بهشتیان فقرا اند و بر دوزخ آگاه گردیدم، و دیدم که بیشتر دوزخیان زنان اند».

۶۴۵۰- پیامبر(ص) بر سرِ خوان، غذا نخورد تا وفات یافت و قرص نان نازک [بی سبوس] نخورد تا وفات کرد.

۶۴۵۱- پیامبر(ص) وفات یافت در حالی که در طاقچهٔ خانه من چیزی نبود که زنده جانی آنرا بخورد به جز مقداری جو که در طاقچهٔ خانه‌ام بود که از آن خوردم، چون مدتی گذشت، خواستم آنرا پیمانه کنم، تمام شده بود. (عایشه رض).

۶۴۵۴- آل (خانواده) محمد(ص) از روزی که وارد مدینه شد، سه روز پیاپی از نان گندم سیر نشده است تا آنکه روح آنحضرت گرفته شد.

۶۴۵۵- آل محمد(ص) در یک روز دو خوراک نخورده مگر آنکه یکی از آن دو، خرما بوده است.

۶۴۶۰- «بار الها! به آل محمد روزی [به اندازهٔ کفاف] ارزانی کن».



۶۴۶۱- کدام کار نزد پیامبر (ص) دوست داشتنی تر بود؟ گفت (عایشه رض): عمل دائمی (کاری که منظم و مرتب و به طور پیوسته انجام شود) و گفتم: چه زمانی آنحضرت (به نماز شب) می ایستاد؟ گفت: آنگاه که بانگ خروس را می شنید (به نماز شب) می ایستاد. (ثلث آخر شب).

۶۴۶۳- «عمل هیچیک از شما، شما را (از آتش دوزخ) نجات نمی دهد». گفتند: و نه هم عمل تو یا رسول الله؟ فرمود: «و نه هم عمل من، مگر آنکه خداوند مرا با رحمت خود ببوشاند، پس عمل (صالحه) را به نیکویی انجام دهید و میانه روی کنید، و در اول روز و آخر روز و پاره ای از شب عبادت کنید. میانه روی کنید، میانه روی کنید که شما را (به هدف) می رساند».

۶۴۶۴- «عمل (صالحه) را به نیکویی انجام دهید و میانه روی کنید، و بدانید که عمل هیچیک از شما او را به بهشت در نمی آورد و همانا دوست داشتنی ترین اعمال در نزد خداوند، عمل دائمی است، هرچند اندک باشد.

۶۴۶۵- کدامیک از اعمال نزد خداوند دوست داشتنی تر است؟ فرمود: «عمل دوامدار، هرچند اندک باشد، و فرمود: «اعمالی را بر عهده بگیرید که توان آنرا داشته باشید».

۶۴۷۰- «... و همانا کسی که از سؤال کردن از دیگران خودداری کند، خداوند به او عفت نفس می دهد و کسی که شکیبایی ورزد خداوند به او شکیبایی ارزانی می دارد و کسی که استغنا نماید، خداوند او را بی نیاز می گرداند، و شما هرگز نعمتی بهتر و فراخ تر از شکیبایی داده نشده اید».

---

\* [الزمر: ۱۰]: «بی تردید، شکیبایان پاداش خود را بی حساب [و] به تمام خواهند یافت». و عمر رض گفته است: بهترین زندگیمان را در شکیبایی یافتیم.

۶۴۷۱- پیامبر (ص) نماز می گذارد تا آنکه پاهایش ورم می کرد یا باد می کرد، به وی گفته می شد (چرا؟) می فرمود: «آیا من بنده شکر گذاری نباشم».

۶۴۷۲- «هفتاد هزار از امت من بدون حساب به بهشت وارد می شوند و آنها کسانی اند که رقیه (افسون) نمی کنند و پرندگان را به فال شوم نمی گیرند و بر پروردگار خویش توکل می کنند».

۶۴۷۳- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» پس از فراغت از نماز سه مرتبه می گفت. و آنحضرت از قیل و قال و پرسش و سؤال زیاد و از ضایع کردن مال و منع آنچه بر شما واجب است و طلب آنچه بر شما ممنوع است و آزار دادن مادران و زنده به گور کردن دختران، منع کرده است».

۶۴۷۴- «کسی که (پاکی و پاکدامنی) میان دو فک (زبان و دهان) و میان دو پای (شرمگاه) خود را ضمانت کند، بهشت را به وی ضمانت می کنم».

۶۴۷۵- «کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، باید سخنی نیک بگوید یا خاموشی گزیند و...، باید به همسایه اش آزار نرساند و...، باید مهمان خود را عزیز بدارد».

۶۴۷۶- «مهمان نوازی سه روز است، جایزه آن، گفته شد: جایزه اش چیست؟ فرمود: «یک شبانه روز (تکلف و عزت داری بیشتر یا یک شبانه روز تهیه توشه راه) و

---

\* [الطلاق: ۳]: «و هر کس بر خدا اعتماد کند، او برایش بس است».

ربیع: از هر آنچه مردم را در تنگنا قرار دهد.

\* [ق: ۱۸]: «آدمی هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد، مگر اینکه نزد وی (فرشته) نگهبانی آماده است (که آنرا ثبت می کند)».

کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، باید سخنی نیک بگوید یا خاموشی گزیند».

۶۴۷۷- «همانا بنده کلمه‌ای بر زبان می‌آورد که در آن نمی‌اندیشد و با گفتن آن در آتش (دوزخ) می‌افتد در فاصله که دورتر است از مشرق».

۶۴۷۸- «همانا بنده کلمه‌ای را برای خشنودی خدا بر زبان می‌آورد و به شأن و ارزش آن نظر نمی‌داشته باشد، و خداوند [در برابر آن] درجات او را بلند می‌گرداند و همانا بنده کلمه‌ای برای خشم خدا بر زبان می‌آورد و شان و ارزش آنرا در نظر نمی‌داشته باشد، و خداوند او را [بدان] در دوزخ می‌افکند».

۶۴۷۹- «هفت گونه کسان اند که خداوند ایشان را (در روز قیامت) در سایه خود پناه می‌دهد. (در آن زمره است) کسی که خدا را یاد می‌کند و از چشمانش اشک جاری می‌شود».

۶۴۸۴- «مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او به سلامت باشند، و مهاجر کسی است که از آنچه خداوند منع کرده، خود را بازدارد».

۶۴۸۷- «شهوآت آتش دوزخ را احاطه کرده و بهشت را ناخوشایندی‌ها و بی‌میلی‌ها احاطه نموده است»<sup>(۱۹۶)</sup>.

۶۴۸۹- «... آگاه باشید که هر آنچه و رای خداست باطل است».

۶۴۹۰- «هرگاه یکی از شما به سوی کسی نگریست که از نظر مال و آفرینش (حسن صورت) بر وی برتری دارد، پس باید به کسی بنگرد که نسبت به وی

---

۱۹۶- یعنی برآورده ساختن خواهشات نفسانی انسان را به سوی دوزخ می‌کشاند و پای گذاشتن بر هوای نفس، انسان را به بهشت رهنمون می‌شود.

\* «بهشت از بند کفش شما به شما نزدیکتر است و دوزخ نیز چنین است».

در مرتبه پایین تر قرار دارد [از کسانی که این شخص بر او برتری داده شده است].»

۶۴۹۱- پیامبر(ص) از پروردگار خود عزوجل روایت می‌کند که فرمود: «همانا خداوند خوبی‌ها و بدی‌ها را نوشته و سپس آنرا بیان کرده است، پس کسی که قصد کار نیکی می‌کند و آنرا انجام نمی‌دهد، خداوند [در نامه اعمالش] ثواب کامل او را می‌نویسد و اگر بدان قصد می‌کند و انجام می‌دهد، خداوند ثواب ده چند تا هفتصد چند آن و بیشتر از آن می‌نویسد و کسی که قصد کار بدی می‌کند و آنرا انجام نمی‌دهد، خداوند ثواب کامل آنرا برایش نیکی کامل می‌نویسد و اگر قصد آنرا می‌کند و آنرا انجام می‌دهد، خداوند برایش یک گناه می‌نویسد.»

۶۴۹۲- شما کارهای می‌کنید که (گناه) آن در نظر شما چون مویی می‌نماید، در حالی که ما آنرا در زمان پیامبر(ص) در زمره مؤبقات می‌شمردیم. (انس رض). ابو عبدالله (امام بخاری رح) می‌گوید: یعنی در زمره گناهان تباه کننده.

۶۴۹۳- «همان بنده عملی می‌کند که مردم می‌پندارند که آن عمل اهل بهشت است در حالی که وی اهل دوزخ است، و عملی می‌کند که مردم می‌پندارند که عملی اهل دوزخ است در حالی که او اهل بهشت است و همانا اعمال به خاتمه آن بستگی دارد.»

۶۴۹۴- کدامیک از مردم بهتر است؟ پیامبر(ص) فرمود: «مردی که با نفس و مال خود جهاد می‌کند و مردی که در دره‌ای از دره‌های کوه زندگی می‌کند، در حالی که پروردگار خود را پرستش می‌نماید، و مردم را از شر خود دور نگه

---

\* اعمال به خاتمه (عمر) بستگی دارد و باید از خاتمه ترسید.

می دارد».

۶۴۹۵- «بر مردم زمانی فرا می رسد که بهترین مال مرد مسلمان گوسفندانی است که آنها را به قله های کوه ها و جاهای ریزش باران می برد، و دین خود را از فتنه ها ننگه می دارد».

۶۴۹۶- «آنگاه که امانت ضایع شد، منتظر قیامت باش»، «آنگاه که کار به ناهلان آن سپرده شد، منتظر قیامت باش».

۶۴۹۷- «امانت در ریشه (ته) دل های مردان فرود آمده است و سپس آنرا از قرآن و بعد از سنت دانستند». «... روزی فرا می رسد که مردم معامله می کنند و کمتر کسی است که امانت را رعایت می کند و گفته می شود: همانا در قبیله بنی فلان مردی امین می باشد. و (در توصیف) مردی گفته می شود: چقدر با هوش و چقدر زیرک و چقدر چابک است، در حالی که در دل او به قدر ذره ای از ایمان وجود ندارد».

۶۴۹۸- «مردم مانند شتران اند که از صد آن، یکی را رهوار برای سواری (مناسب) به مشکل خواهی یافت».

۶۴۹۹- «کسی که از روی قصد می خواهد اعمال نیک خود را به گوش مردم برساند، خداوند (در روز قیامت) نیت او را فاش می کند و کسی که خودنمایی (در انجام) اعمال نیک می کند، خداوند (در روز قیامت) نیت او را آشکار می کند».

۶۵۰۰- «آیا می دانی که حق خدا بر بندگانش چیست؟» فرمود: «حق خدا بر بندگانش آن است که او را پرستند و به او چیزی شریک نیاورند». «آیا می دانی که حق بندگان بر خدا چیست، اگر آنچنان کردند؟» گفتم: خدا و رسول او بهتر می دانند. فرمود: «حق بندگان بر خدا آن است که ایشان را

عذاب نکند».

۶۵۰۱- «همانا بر خداوند (به مقتضای قضا و قدر) حق است که هر آنچه را در دنیا بلند می کند، سپس فرودش آورد».

۶۵۰۲- «خداوند فرموده است: «کسی که با دوست من دشمنی کند، همانا با وی اعلان جنگ می کنم، و بندهام به هیچ عملی به من نزدیکی نجسته که برایم دوست داشتنی تر باشد از آنچه بر وی فرض گردانیده‌ام و بندهام پیوسته با انجام نوافل به من نزدیکی می جوید تا آنکه او را دوست می دارم، و چون او را دوست بدارم، من وسیله شنوایی او می شوم که به آن می شنود و وسیله بینایی او می شوم که به آن می بیند، و دست وی که بدان می گیرد و پای وی که با آن راه می رود و اگر از من بخواهد به وی می دهم و اگر به من پناه جوید، به وی پناه می دهم و در هیچ چیزی که من کننده آن هستم تردید نکرده‌ام، چنانکه در گرفتن روح مؤمن تردید نموده‌ام که وی مرگ را ناخوش می دارد و من ناخوشی او را ناخوش می دارم».

۶۵۰۷- «کسی که دیدار خدا را دوست بدارد، خدا دیدار او را دوست می دارد، و کسی که دیدار خدا را ناخوش بدارد، خدا دیدار او را ناخوش می دارد».

۶۵۱۴- «مرده را سه چیز همراهی می کند که دو چیز برمی گردد و یک چیز با وی ماندگار است، وابستگان او و مال او و عمل او، وی را همراهی می کنند (تا دفن شود) پس وابستگان و مال وی برمی گردند و عمل وی با او ماندگار است».

۶۵۱۶- «مردها را دشنام ندهید، زیرا آنها بدانچه از پیش فرستاده‌اند، رسیده‌اند».

۶۵۲۸- «سوگند به ذاتی که جان محمد در دست اوست، همانا امید می دارم که شما نیمه اهل بهشت باشید و ثابت است که در بهشت به جز مسلمان در نمی آید و

شمار شما با مقایسه به شمار مشرکان مانند مویی سفید در پوست گاو سیاه است و یا مانند مویی سیاه در پوست گاوی سفید است».

۶۵۳۳- «نخستین قضیه‌ای که (در قیامت) میان مردم بدان حکم می‌شود، خون‌ها است».

۶۵۳۴- «کسی که از وی بر برادرش ستمی رفته است، باید از وی بَجَلِی (بخشایش) بخواهد، زیرا در آنجا نه دیناری است و نه درهمی، پیش از آنکه از ثواب اعمال نیکش برای برادر (مظلوم) او گرفته شود و اگر او را اعمال نیک نباشد، از اعمال بد برادر (مظلوم) او گرفته شده و بر وی افکنده می‌شود».

۶۵۳۵- «مسلمانان از آتش دوزخ نجات می‌یابند و بر پلی میان دوزخ و بهشت نگهداشته می‌شوند و از ستمکاری‌های که در دنیا میان‌شان از یکی بر دیگری رفته است، انتقام گرفته می‌شود تا آنکه پاک و پاکیزه می‌گردند، آنگاه برایشان اجازه ورود به بهشت داده می‌شود. سوگند به ذاتی که جان محمد در دست اوست که هر یکی به منزل خود در بهشت نسبت به منزل خود که در دنیا داشت، راه‌یابنده‌تر است».

۶۵۳۶- «کسی که (در قیامت) در حسابش مناقشه شد [موبه موبه مو اعمال او مورد محاسبه قرار گرفت] در عذاب شد». عایشه گفت: آیا خدای تعالی نمی‌گوید: (\* [الإنشاق: ۸]: «به زودی اش حسابی بس آسان کنند».

آنحضرت فرمود: «این عرضه کردن حساب است».

۶۵۳۸- «کافر در روز قیامت آورده می‌شود و به او گفته می‌شود: اگر (در دنیا) تورا زمینی پر از طلا می‌بود، آیا از آن فدیة می‌دادی؟ می‌گوید: آری، به وی گفته می‌شود: از تو چیزی خواسته شده بود که از این آسان‌تر بود (پرستش خدای تعالی که تو نکردی)».

۶۵۳۹- «هیچیک از شما نخواهد بود که خداوند در روز قیامت با وی سخن نگوید در حالی که میان خداوند و میان او ترجمان نیست، سپس وی می‌نگرد و چیزی را پیش روی خود نمی‌بیند، پس پیش روی خود می‌نگرد، آتش دوزخ پیشاپیش وی می‌آید، پس کسی از شما که بتواند خود را از آتش دوزخ نگهدارد، (باید صدقه بدهد) هر چند با نیمی از خرما باشد».

۶۵۴۰- «از آتش دوری جوید، هر چند با (صدقه‌ای) نیمی از خرما باشد، پس اگر کسی آنرا نیابد، سخنی نیک بگوید (تا از سائل دلجویی کند).

۶۵۶۸- «... و اگر زنی از زنان بهشت به سوی زمین بنگرد، میان بهشت و زمین روشن گردد، و میان آن دو را بوی خوش پر نماید و روسری وی از دنیا و هر چه در آنست بهتر است».

۶۵۷۰- «... سعادت‌مندترین مردم به شفاعت من در روز قیامت کسی است که از ته دل گفته است: لا إله إلا الله».

۶۶۰۱- «زن (از مرد خواستگار خود) طلاق خواهر (مسلمان) خود را (که در عقد خواستگاری وی است) تقاضا نکند تا جای وی را بگیرد، پس باید ازدواج کند، زیرا آنچه به وی مقدر شده است، آمدنیست».

۶۶۰۳- مردی از انصار آمد و گفت: یا رسول الله! ما (از اسیران جنگ) کنیزی را نصیب می‌شویم و مال (حاصل فروش او را که حمل نگیرد) دوست می‌داریم، در مورد عزل (افکندن منی در خارج فرج) چه حکم می‌کنی؟ پیامبر (ص) فرمود: «آیا شما این کار را می‌کنید، نی. بهتر است این کار را نکنید، زیرا هیچ نفسی نیست که خداوند پدید آمدن او را مقدر کرده باشد، مگر آنکه وی پدید می‌آید».

۶۶۰۵- «هیچیک از شما نیست، مگر اینکه جایگاهش در دوزخ یا بهشت مقدر



شده است» مردی از میان گفت: آیا بر آنچه مقدر شده، اعتماد نکنیم یا رسول الله؟ فرمود: «نی، به آنچه برای شما میسر است عمل کنید».

[اللیل: ۵]: «و اما هر که [حق خدا را داد] و پرهیزگاری کرد».

۶۶۰۶- «... به بهشت وارد نمی شود مگر مؤمن و همانا خداوند این دین را توسط مردی فاجر پشتیبانی می کند».

۶۶۰۹- «(خداوند ج فرموده است: نذر، برای پسر آدم از آنچه من مقرر نکرده ام چیزی را نمی آورد، ولی آنچه را برای او مقرر کرده ام درخواهد یافت، بدینگونه او را از بخالت بیرون می آورم».

۶۶۱۰- «... آیا کلمه از گنج های بهشت را به تو تعلیم ندهم: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (هیچ توان و قدرتی به جز از آن خدا نیست).

۶۶۱۲- «همانا خداوند سهم زنا را بر پسر آدم نوشته است که ناگزیر آنرا درمی یابد، زناى چشم، نگریستن (بر آنچه حرام) است، و زناى زبان گفتگوی (ناشایست) و آرزو خواهش نفس (برای زنا) است که شرمگاه آنرا تصدیق (عملی) می کند یا تکذیب (خودداری) می کند».

۶۶۱۵- «هیچ معبودی برحق نیست به جز الله، یکتاست که او را شریکی نیست، بار الها! نیست مانعی در آنچه تو داده ای و هیچ دهنده ای نیست برای آنچه تو منع کرده ای و نه بهره مند، بدون حکم تو بهره ای می برد».

۶۶۱۶- «پناه بجوید به خداوند از دشواری ابتلاء و آزمون، و رسیدن بدبختی، و بدسرنوشتی و شادمانی شیرانه دشمنان».

\* [التوبه: ۴۵]: «بگو: جز آنچه که خدا برای ما نوشته (مقدر کرده) هرگز به ما نمی رسد».

۶۶۲۱- به چیزی سوگند نمی‌خورم (و اگر سوگند خوردم) و چیزی بهتر از آن دیدم، همان چیز بهتر را اختیار می‌کنم و کفارهٔ سوگندم را می‌دهم.

۶۶۲۲- «ای عبدالرحمن بن سمره! تقاضای امارت مکن، زیرا اگر نظر به تقاضا برایت داده شود، مسئولیت آنرا [خود به دوش] می‌گیری و اگر بدون تقاضا برایت داده شود، (در اجرای آن وظیفه) یاری داده می‌شوی، و اگر بر چیزی سوگند خوردی و چیزی را از آن بهتر یافتی، کفارهٔ سوگند بده و همان را که بهتر است اختیار کن.»

۶۶۲۵- «به خدا سوگند اگر یکی از شما به (زیان) خانوادهٔ خود سوگند بخورد و پافشاری کند (که از آن برنگردد) گناه آن نزد خدا بیشتر از آن است که (سوگندش را (بشکند) و کفاره‌ای را که خدا بر وی فرض کرده است، بدهد.»

۶۶۳۲- ... «نی، سوگند به کسی که جان من در دست اوست (ایمانت کامل نمی‌شود) تا آنکه نزد تو، از نفس تو دوست‌داشتنی‌تر نباشم». عمر رض گفت:

---

\* [المائده: ۸۹]: «خدا شما را به سوگندهای بیهوده‌تان مؤاخذه نمی‌کند، ولی به سوگندهایی که [از روی اراده] می‌خورید [و می‌شکنید] شما را مؤاخذه می‌کند و کفاره‌اش خوراک دادن به ده بینواست - از غذاهای متوسطی که به کسان خود می‌خورانید - یا پوشانیدن آنان یا آزاد کردن بنده‌ای. و کسی که [هیچیک از اینها] نیابد، باید سه روز روزه بدارد. این است کفارهٔ سوگندهای شما وقتی که سوگند خوردید، و سوگندهای خود را پاس دارید، اینگونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، باشد که سپاسگزاری کنید.»

\* اینکه معراج پیامبر (ص) در خواب بوده یا در بیداری اختلاف است، عایشه ل گفته که این معراج در خواب بوده نه در بیداری، سایر صحابه عظام قایل اند که در بیداری با تن شریف خود آنحضرت به آسمان‌ها عبور کرده است.

همانا همین اکنون به خدا سوگند که تو (پیامبر(ص)) از نفس من نزد من دوست داشتنی تر هستی. پیامبر(ص) فرمود: «اکنون (ایمانت کامل شد) ای عمر».

۶۶۳۶- پیامبر(ص) کسی را عامل (مأمور جمع آوری زکات) گمارد، آنگاه که وی وظیفه اش را به پایان رساند، نزد آنحضرت آمد و گفت: یا رسول الله! این مال برای شماست و این مال برایم هدیه داده شده است، آنحضرت به وی گفت: «چرا به خانه پدرت و مادرت نشستنی تا می دیدی برایت هدیه آورده می شود یا نه». «.. چه حال است کسی را که عامل گماردیم، نزد ما می آید و می گوید: این (مقدار از زکات) برای شماست و این مقدار برایم هدیه داده شده است، پس چرا در خانه پدر و مادر خود نشست تا می دید که آیا برایش هدیه داده می شود یا نه، سوگند به ذاتی که نفس محمد در دست اوست که هیچیک از شما چیزی در این (مال زکات) خیانت نمی کند، مگر آنکه در روز قیامت آنرا بر گردن سوار می کند، اگر آن شتری باشد آنرا (بر گردن) می آورد که آواز می کشد، ... همانا (این حکم را) به شما ابلاغ کردم».

۶۶۳۸- «آنها زیانکارانند و سوگند به پروردگار کعبه! آنها زیانکارانند...» گفتیم: آنها کیستند، پدر و مادرم فدایت یا رسول الله؟ فرمود: «آنانی که مال و ثروت بیشتر دارند، به جز کسانی که (به اشارت) گفت: اینچنین و اینچنین ... نماید».

(مال خود را در راه خدا چنین صرف کنند).

۶۶۴۳- «سوگند به کسی که نفس من در دست اوست که آن (سوره) برابر با سوم حصه قرآن است: (اخلاص).

۶۶۴۶- «آگاه باشید که خداوند شما را از سوگند خوردن به پدران شما منع کرده است، کسی که سوگند می خورد، باید به خدا سوگند بخورد یا خاموش

باشد».

۶۶۵۰- «... و کسی که به هم صحبت خود بگوید: بیا باهم قمار زنیم، باید صدقه

بدهد».

۶۶۵۱- «همانا این انگشتر (طلا) را می پوشیدم و نگین آنرا به داخل می گردانیدم».

سپس انگشتر را به دور افکند و بعد گفت: «به خدا سوگند که دیگر هرگز آنرا

نمی پوشم». مردم هم انگشترهای (طلا) خود را به دور افکندند.

۶۶۵۲- «کسی که به غیر از دین اسلام سوگند بخورد، چنانست که گفته، و کسی

که خود را با چیزی می گُشد با همان چیز در آتش دوزخ عذاب می شود، و

لعنت کردن مسلمان مانند کشتن اوست، و کسی که مسلمانی را به کفر نسبت

دهد، چنان است که او را می کشد».

۶۶۵۴- پیامبر (ص) ما را امر کرده تا در اجرای سوگند کسان کمک کنیم.

۶۶۵۵- «همانا از آن خداست آنچه می گیرد و آنچه می دهد، و هر چیز در نزد او

عمری معین دارد، پس صبر کن و به امید ثواب باش!»...

چون آنحضرت (به خانه دخترش) نشست، کودک به وی داده شد، او را بر

زانوی خود نشاند، نفسش در اضطراب بود، اشک از چشمان آنحضرت جاری

شد. سعد گفت: یا رسول الله! این (اشک ریختن) برای چیست؟ فرمود: «این

رحمتی است که خدا در دل های آن بندگان خود که می خواهد می نهد و

همانا خدا بر آن بندگان رحم می کند که بر دیگران رحم می کنند».

---

\* نگوید: آنچه خدا می خواهد و تو می خواهی و بگوید: من به خدا (التجا) می کنم و سپس به

تو.

\* ابوبکر رض گفت: به خدا سوگند یا رسول الله! در آنچه به تعبیر خواب خطا کردم، مرا بگوی،

فرمود: «سوگند مخور».

۶۶۵۶- «مسلمانی که از وی سه فرزند می‌میرد، آتش دوزخ اورا لمس نمی‌کند، به جز کسی که از اجرای سوگند خدا ممانعت کرده است».

۶۶۵۷- «آیا شما را از اهل بهشت خبر ندهم؟ هر ناتوانی که اورا ضعیف می‌پندارند که اگر در اجرای چیزی به خدا سوگند خورد، خدا سوگندش را به جای کند، و اهل دوزخ، هر خرامان رفتار، سرکش بدخوی، و متکبر می‌باشد».

۶۶۵۹- [آل عمران: ۷۱]: «کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خویش را به بهای ناپیزی می‌فروشند، آنان را در آخرت بهره‌ای نیست».

۶۶۶۴- «همانا خداوند از آنچه وسوسه (شیطانی) امت من است یا آنچه در دل او گذشته است، درمی‌گذرد در صورتی که بدان عمل نکرده باشد یا بر زبان نیاورده باشد».

۶۶۶۶- مردی به پیامبر (ص) گفت: طواف زیارت کردم پیش از آنکه رمی کنم (سنگریزه افکنم)؟ فرمود: «گناهی نیست» دیگری گفت: «سر تراشیدم، پیش از آنکه ذبح کنم؟ فرمود: گناهی نیست. دیگری گفت: «ذبح کردم پیش از آنکه رمی کنم؟ فرمود: «گناهی نیست».

۶۶۶۷- «آنگاه که برای نماز می‌خیزی، وضو را کامل کن، سپس به قبله روی آور، و تکبیر بگویی و آنچه را از قرآن می‌دانی بخوان، سپس رکوع کن تا در رکوع آرام گیری، سپس سر خود را (از رکوع) بلند کن تا راست بایستی، سپس سجده کن تا آنکه در سجده آرام گیری، سپس از (سجده) بلند شو تا

---

\* پیامبر (ص) می‌گفت: «به عزت تو پناه می‌جویم».

\* [الأحزاب: ۵]: «و در لفظی که به گفتن آن خطا کرده باشید بر شما گناهی نیست».

\* [الکهف: ۷۳]: «به آنچه فراموش کرده‌ام مرا مگیر».

آنکه برابر و آرام بنشینی. سپس سجده کن تا آنکه در سجده آرام گیری، سپس (از سجده) بلند شو تا راست بایستی. پس در هر نماز خود همین کار را بکن.»

۶۶۶۹- «کسی که از روی فراموشی بخورد و روزه دار باشد، باید روزه خود را به پایان برساند، زیرا خداوند است که او را خورانده و نوشانده است» (روزه اش نمی شکند).

۶۶۷۱- «این دو سجده (سجده سهو) برای کسی است که نمی داند در نماز خود زیاد کرده یا کم کرده است، پس آنچه را صواب می داند بدان قصد می کند (اگر صواب در کم گذاردن رکعات بود) بقیه را تمام می کند، سپس دو سجده می کند.»

۶۶۷۵- «گناهان کبیره عبارتند از: شریک آوردن به خدا و آزار پدر و مادر، و کشتن نفس، و سوگند دروغ.»

۶۶۷۶- «کسی که (به امر قاضی) سوگند یاد کند و با آن (سوگند دروغ) مال

---

\* [النحل: ۹۴]: «و زهار، سوگندهای خود را دستاویز قلب میان خود قرار مدهید تا گامی بعد از استواریش بلغزد، و شما به [سزای] آنکه [مردم را] از راه خدا بازداشته اید دچار شکنجه شوید و برای شما عذابی بزرگ باشد.»

\* [البقره: ۲۲۴]: «و خدا را دستاویز سوگندهای خود قرار مدهید، تا [بدین بهانه] از نیکوکاری و پرهیزگاری و سازش دادن میان مردم [بازایستید] و خدا شنوای داناست.»

\* [النحل: ۹۵]: «و پیمان خدا را به بهای ناچیزی مفروشید، زیرا آنچه نزد خداست - اگر بدانید - همان برای شما بهتر است.»

\* [النحل: ۹۱]: «و چون با خدا پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آنها مشکنید، با اینکه خدا را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده اید.»

مسلمانی را از وی جدا کند، خداوند را (در روز قیامت) در حالی ملاقات می کند که بر وی خشمناک است».

۶۶۷۹- (\*) [النور: ۲۲]: «و سرمایه داران و فراخ دولتان شما نباید از دادن [مال] به خویشاوندان و تهیدستان و مهاجران راه خدا دریغ ورزند و باید عفو کنند و گذشت نمایند».

\*(\*) «بهترین کلام چهار است: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

۶۶۸۲- «دو کلمه اند که بر زبان سبک اند و در میزان (اعمال) گرانند، و دوست داشتنی اند نزد خدای رحمن: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ».

۶۶۸۳- «کسی که بمیرد و به خدا شریک آورده است به دوزخ در آورده می شود» و من (عبدالله ابن مسعودرض) چیز دیگر گفتم: کسی که بمیرد و به خدا شریک نیاورده است، به بهشت در آورده می شود.

۶۶۹۰- «بخشی از مال خود را برای خود نگهدار، این برای تو بهتر است» (به جای صدقه کردن همه آن در راه خدا و رسول او).

۶۶۹۲- «نذر نه چیزی را پیش می آورد و نه پس می اندازد و همانا با نذر چیزی از بخیل بر آورده می شود».

۶۶۹۳- پیامبر (ص) از نذر منع کرده و فرمود: «همانا نذر (آنچه را در تقدیر رفته) بر نمی گرداند ولی با آن چیزی از بخیل بیرون آورده می شود».

۶۶۹۵- «سپس گروهی می آیند که نذر می کنند و وفا نمی کنند، و خیانت می ورزند و امانت نگه نمی دارند، و شهادت می دهند و از ایشان شهادت خواسته نمی شود و فربهی در ایشان پدید می آید».

۶۶۹۹- مردی نزد پیامبر (ص) آمد و به وی گفت: همانا خواهرم نذر کرده بود که حج کند ولی مُرد، پیامبر (ص) فرمود: «اگر بر وی قرض می ماند، آیا قرض او را ادا می کردی؟ گفت: آری، فرمود: «(قرض) خدا را ادا کن و او سزاوارتر است که (قرض او را) ادا کنی».

۶۷۲۲- «امیری را تقاضا مکن، زیرا اگر بدون تقاضا به تو داده شود، (خدا) به تو کمک می کند و اگر نظر به تقاضا به تو داده شود، به آن (شغل) وا گذاشته می شوی (خدا به تو کمک نمی کند) و...».

۶۷۲۴- «از گمان پرهیزید، همانا گمان، دروغ ترین سخن است، و خبرآوری مکنید و جاسوسی مکنید و دشمنی مکنید و قطع رابطه مکنید و ای بندگان خدا! برادر یکدیگر باشید».

۶۷۳۴- از وی (معاذ بن جبل رض) در مورد مردی که پرسیدیم که وفات کرده و یک دختر و یک خواهر از خود به جای گذاشته. وی مناصفه مال متوفی را به دختر و مناصفه دیگر را به خواهر متوفی داد.

۶۷۳۵- «فرائض (سهم میراث) را به اهل آن بدهید، آنچه باقی می ماند، به

---

\* عقبه بن عامر: پیاموزید (احکام میراث را) پیش از آنکه گمان زنید، یعنی کسانی که از روی گمان حکم می کنند».

\* زید گفت: فرزند فرزندان به منزلت فرزند است، اگر بدون ایشان (فرزند فرزندان یا نوهها) پسر نمانده باشد، نوههای مُذکر مانند پسران اند و نوههای مؤنث مانند دختران به شمار می روند، این نوهها (از پدر بزرگ خویش) میراث می برند، چنانکه پسران از پدران میراث می برند و این نوهها (کسان دیگر را) از میراث مانع می شوند چنانکه پسران (کسان دیگر را از میراث پدر) مانع می شوند، و پسر پسر (نوه) با پسر میراث نمی برد.



نزدیکترین فرد مذکر که به متوفی نزدیک است بدهید».

۶۷۳۶- میراث دختر نصف (مال میت) است و میراث دختر پسر: ششم حصه است که جمعاً دو سوم حصه مال می شود و آنچه باقی می ماند برای خواهر متوفی است.

۶۷۳۹- ابن عباس رض: ... خدا از آن (نحوه تقسیم میراث) آنچه خواست نسخ کرد و برای مرد، دوچند زن، و یک ششم میراث برای هر یک از پدر و مادر، و برای زن، یک هشتم (اگر از شوهر فرزند به جا مانده باشد) و یک چهارم (اگر فرزند به جا نمانده باشد) و برای شوهر مناصفه (اگر از زن فرزند نمانده باشد) و یک چهارم (اگر فرزندی مانده باشد) تعیین کرده است.

۶۷۴۵- «من نسبت به مسلمانان از نفس هایشان سزاوارترم، پس کسی که می میرد و

---

\* آنچه در حیات کسی صدقه یا وقف شده باشد، حق ورثه از آن ساقط می شود.

\* پدربزرگ به منزلت پدر است. [الأعراف: ۲۶ - ۲۷ و ۳۱ - ۳۵]: «ای فرزندان آدم».

[یوسف: ۳۸]: «و آیین پدرانم، ابراهیم و اسحاق و یعقوب را پیروی نموده‌ام». (آنها همه اجداد یا پدربزرگ اند که خدا آنان را پدران خوانده است).

\* ابن عباس رض: پسر پسر (نوه) من از من میراث می برد و برادرم از من میراث نمی برد و من از پسر پسر (نوه‌ام) میراث نمی برم؟

\* [النساء: ۱۷۶]: «اگر مردی بمیرد و فرزندی نداشته باشد و خواهری داشته باشد نصف میراث از آن اوست، و آن [مرد نیز] از او ارث می برد اگر او را [خواهر] فرزندی نباشد. پس [اگر ورثه فقط] دو خواهر باشند، دو سوم میراث برای آن دو است و اگر [چند] خواهر و برادرند پس نصیب مرد مانند نصیب دو زن است».

از خود مالی به جای می‌گذارد، مال او برای عَصَبَه<sup>(۱۹۷)</sup> اوست. و اگر از خود قرض و زن و فرزند تهی دست و در مانده به جای می‌گذارد، من متولی امور او هستم و از من خواسته شود».

۶۷۶۲- «پسر خواهر قوم، از خودشان است یا: از سر (جنس) خودشان است»<sup>(۱۹۸)</sup>.

۶۷۶۴- «مسلمان از کافر و کافر از مسلمان میراث نمی‌برد».

۶۷۶۶- «کسی که خود را به غیر از پدر خود نسبت دهد و می‌داند که آنکس غیر پدر وی است، بهشت بر وی حرام می‌باشد».

۶۷۶۸- «از پدران خویش روی مگردانید (که خود را به غیر نسبت دهید) پس کسی که از پدر خود روی بگرداند، این کفر است».

۶۷۷۲- «کسی که زنا می‌کند، به هنگام زناکاری وی مؤمن نیست، و کسی که شراب می‌نوشد، به هنگام شرابخواری وی مؤمن نیست و کسی که دزدی می‌کند، به هنگام دزدی وی مؤمن نیست و کسی که غارت می‌کند، و مردم به سوی وی نگه بلند می‌کنند و می‌نگرند، به هنگام غارتگری وی مؤمن نیست».

۶۷۷۳- پیامبر (ص) (فرمود تا) شرابخوار را با شاخه خرما و کفش بزنند، و

---

۱۹۷- عَصَبَه، به پسران و اقارب پدری اطلاق می‌شود و این کلمه در موضوع فرایض یا میراث به کسی به کار می‌رود که سهم وی در آیه میراث تعیین نشده و از آنچه از سهم میراث کسانی که سهم آنان تعیین شده، باقی می‌ماند، از آن می‌گیرند.

۱۹۸- پسر خواهر در کمک کردن و احسان کردن و شفقت به وی مراد است، نه در میراث، و آنانی که گفته‌اند ذوی الارحام مانند عصبات وارث می‌شوند. با تمسک به همین حدیث و این قول ابوحنیفه و غیره است.

\* [الأنفال: ۷۵]: «و خویشاوندان نسبت به یکدیگر [از دیگران] در کتاب خدا سزاوارترند».

\* از زناکار نور ایمان بر کشیده می‌شود.

ابوبکر رض چهل تازیانه زده است.

۶۷۸۰- مردی از میان مردم گفت: بار الها! لعنتش کن که چندین بار به جرم شرابخواری آورده می شود. پیامبر(ص) فرمود: «لعنتش مکن، به خدا سوگند! آنچه من می دانم، وی خدا و رسول او را دوست می دارد».

۶۷۸۱- مردی مست نزد پیامبر(ص) آورده شد و آنحضرت به زدن وی امر کرد، از ما کسی بود که با دست خود او را می زد و کسی بود که با کفش خود او را می زد، کسی بود که با جامه (پیچیده) خود او را می زد، چون آن مرد مست رفت، مردی گفت: او را چه حالت است خدا خوارش کند. پیامبر(ص) فرمود: «بر برادر (مسلمان) خود یاری دهنده شیطان نباشید».

۶۷۸۲- «کسی که زنا می کند به هنگام زنا، ایمان ندارد، و کسی که دزدی می کند به هنگام دزدی ایمان ندارد».

۶۷۸۴- «به من بیعت کنید بر اینکه به خدا چیزی شریک میاورید و دزدی نکنید و زنا نکنید - و همه آیه را خواند - پس کسی از شما که آنرا به جای کرد، پاداش وی با خداست، و کسی که مرتکب چیزی از اینها شد و مجازات گردید، همان مجازات کفاره گناه اوست، و کسی که مرتکب چیزی از اینها شد و خدا او را پوشانید، اگر بخواهد او را می آمرزد و اگر بخواهد عذابش می کند».

۶۷۸۶- پیامبر(ص) میان دو کار مخیر گردانیده نشده است مگر آنکه همان کار آسان تر را اختیار می کرد، اگر آن کار گناه نمی بود، و اگر گناه می بود، از آن حضرت بسیار بدور می بود. و به خدا سوگند آنحضرت در چیزی که برایش رخ داده هرگز به خاطر خود انتقام نگرفته است تا آنکه حرمت های (حدود) خدا شکسته می شد، آنگاه به خاطر خدا انتقام می گرفت.

۶۷۹۹- «خداوند دزد را لعنت کند که تخم مرغ (یا سپر) را می دزدد و دستش قطع می شود، و ریسمان را می دزدد و دستش قطع می شود».

۶۸۰۱- «با شما بیعت می کنم بر اینکه به خدا چیزی شریک میاورید، و دزدی نکنید و زنا نکنید و فرزندانان را نکشید و بهتانی که شما خود آنرا افترا کرده اید میاورید و از حکم من در امر شرع سرکشی نکنید، پس کسی از شما که (مفاد این بیعت را) به جای آورد، پاداش وی با خداست و کسی که (به جز شرک) مرتکب چیزی از این (گناهان) شود، و در دنیا به مجازات آن برسد، همان کفاره و پاکی او (از گناه) است، و کسی که خدا (گناه) او را پوشانید، سروکارش با خداست. اگر بخواهد عذابش می کند و اگر بخواهد او را می بخشد».

۶۸۰۷- «کسی که از آنچه میان دو پای (شرمگاه) و میان دو فک (زبان) اوست به من تضمین کند، من بهشت را به او ضمانت می کنم».

۶۸۰۹- «... کسی که شراب می نوشد به هنگام شراب نوشیدن مؤمن نیست و کسی که قتل می کند در هنگام کشتن مؤمن نیست».

و ابن عباس رض گفت: پس اگر توبه کند، ایمان همچنین بازمی گردد.

۶۸۱۱- یا رسول الله! کدام گناه بزرگتر است؟ فرمود: «اینکه به خدا شریک بیآوری و (حال آنکه) او تو را آفریده است» گفتم: سپس کدام است؟ فرمود: «اینکه فرزندان را به خاطر آنکه در غذایت سهیم می شود، به قتل رسانی». گفتم: سپس کدام است؟ فرمود: «اینکه با زن همسایهات زنا کنی».

۶۸۲۱- مردی با زن خود در روز رمضان جماع کرد، وی از پیامبر (ص) فتوی

---

\* [الإسراء: ۳۲]: «و به زنا نزدیک نشوید، چرا که آن همواره زشت و بدراهی است».

طلیید، آنحضرت فرمود: «بنده‌ای را می‌توانی آزاد کنی؟» گفت: نی. فرمود: «دو ماه روزه گرفته می‌توانی؟» گفت: نی. فرمود: «پس شصت مسکین را طعام بده!».

۶۸۲۳- نزد پیامبر(ص) بودم که مردی آمد و گفت: یا رسول الله! همانا مرتکب گناهی شده‌ام که مستوجب حدّ است، مجازات آنرا بر من تطبیق کن، آنحضرت از وی پرسید (که چه عملی مرتکب شده است). وقت نماز فرا رسید، وی با پیامبر(ص) نماز گذارد، چون پیامبر(ص) نماز را تمام کرد، آن مرد برخاست و گفت: یا رسول الله! من مرتکب گناهی شده‌ام که مستوجب حد است. پس حکم کتاب خدا را بر من اجرا کن. آنحضرت فرمود: «آیا با ما نماز نگذاردی؟» گفت: آری. فرمود: «همانا خداوند گناه تورا بخشید». یا فرمود: «حد تورا بخشید»<sup>(۱۹۹)</sup>.

۶۸۳۰- عمر رض گفت: در کتاب خدا رجم حق است بر کسی از زن و مرد که زنا کرده، در حالی که همسر دیده باشد، بدان شرط که شاهدان شهادت دهند، یا زن حمل گرفته باشد و یا بدین عمل اعتراف کنند. سپس ما می‌خواندیم آنچه در کتاب خدا می‌خواندیم اینکه از پدران خویش روی مگردانید (که ادعا کنید پسر کسی دیگر می‌باشید) زیرا این (نسبت دادن به غیر پدر) کفر شماس است که از پدران خویش روی بگردانید<sup>(۲۰۰)</sup>.

۶۸۳۱- از پیامبر(ص) شنیدم که در باره کسی که زنا کرده و همسر نگرفته بود، صد

---

۱۹۹- باید اقرار کننده به طور صریح اقرار کند نه به کنایت، زیرا به کنایت حد ثابت نمی‌شود.

۲۰۰- این آیت در قرآن بوده و سپس منسوخ التلاوه شده، ولی حکم آن باقی است.

\* [النور: ۲- ۳]: «... مرد زناکار، جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد و زن زناکار را

جز مرد زناکار یا مشرک به زنی نگیرد، و بر مؤمنان این [امر] حرام گردیده است».

تازیانه و یک سال جلای (دوری) وطن حکم کرد.

۶۸۳۴- پیامبر(ص) بر مردان زن‌نما<sup>(۲۰۱)</sup> و زنان مردنما لعنت کرده.

۶۸۴۶- مغیره گفت: اگر من مردی را (در حال زنا) با زن خود بینم، او را با دم تیز شمشیر خود می‌زنم. این خبر که به پیامبر(ص) رسید، فرمود: «آیا از غیرت سعد عجب می‌دانید؟! من از وی غیرتمندتر و خدا از من غیرتمندتر است».

۶۸۵۳- پیامبر(ص) در هر چیزی که برایش پیش می‌آمد، برای نفس خود از کسی انتقام نمی‌گرفت تا آنکه از آنچه خدا حرام کرده است تجاوز صورت می‌گرفت. آنگاه بود که به خاطر خدا انتقام می‌گرفت.

۶۸۵۷- «از هفت چیز تباہ‌کننده پرهیزید» گفتند: یا رسول الله! آنها کدام اند؟ فرمود: «شریک آوردن به خدا، جادو، کشتن نفسی که خدا خون وی را حرام

---

۲۰۱- مُخَنَّث کسی را گویند که در حرکات و سکنات و کلام، خود را به زنان تشبیه کند.

\* «اگر کسی نماز می‌گذارد و کسی دیگری می‌خواهد از جلو او بگذرد، باید او را مانع شود، و اگر وی نپذیرد، با او بجنگند (به شدت او را از جلوی نماز خود برانند).

\* [النور: ۴-۵]: «کسانی که نسبت زنا به زنان شوهردار می‌دهند، سپس چهار گواه نمی‌آورند، هشتاد تازیانه به آنها بزنید، و هیچگاه شهادتی از آنها را نپذیرید و اینانند که خود فاسقند. مگر کسانی که بعد از آن [بهتان] توبه کرده و به صلاح آمده باشند که خدا البته آمرزندهٔ مهربان است».

[النور: ۲۳]: «بی‌گمان، کسانی که به زنان پاکدامن بی‌خبر [از همه جا] و با ایمان نسبت زنا می‌دهند، در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند، و برای آنها عذابی سخت خواهد بود».

[النور: ۶۰]: «و کسانی که به همسران خود نسبت زنا می‌دهند، و جز خودشان گواهانی [دیگر] ندارند، هریک از آنان [باید] چهار بار به خدا سوگند یاد کند که او قطعاً از راستگویان است».

کرده است مگر به حق آن (به طریق قصاص) و سودخواری، و خوردن مال یتیم، و پشت به دشمن کردن در روز جنگ و نسبت زندادن به زنان پاکدامن بی خبر».

۶۸۶۲- «مسلمان پیوسته در گشایش از دین خود است مادامی که خون حرامی را نریخته است».

۶۸۶۳- عبدالله بن عمر رض: از ورطه‌های هلاکت در کارها، که کسی که نفس خود را در آن می‌افکند، از آن راه بیرون رفتن ندارد، همانا ریختن خون حرام به ناحق است.

۶۸۷۱- «بزرگترین کبائر: شریک آوردن به خدا، و قتل نفس، و رنجانیدن پدر و مادر و سخن دروغ یا شهادت دروغ است».

۶۸۷۵- «اگر دو مسلمان با شمشیرهای خویش در برابر هم قرار گیرند، قاتل و مقتول در دوزخ اند». گفتم: یا رسول الله... مقتول چرا؟ فرمود: «همانا وی به کشتن رفیق خود حریص بوده است».

۶۸۷۸- «ریختن خون مسلمانی که شهادت بدهد که نیست هیچ معبود برحقى به جز خدا و اینکه من رسول خدا هستم، روا نیست، مگر در یکی از این سه مورد: کشتن نفس، عوض نفس، و زناکار همسر دیده، و جداشونده از دین خود که جماعت مسلمانان را ترک نماید (مرتد)».

۶۸۸۲- «خوارترین کسان به نزد خدا سه (نوع) اند: از حدگذرنده گناه در سرزمین حرم، جوینده روش روزگار جاهلیت در اسلام، و خواستار خون کسی به ناحق، تا خون او را بریزاند».

۶۸۸۸- «اگر کسی بدون اجازه تو به (درون) خانهات نگریست و تو او را با سنگریزه زدی و چشمش را کور کردی، بر تو گناهی نیست».

۶۸۸۹- انس رض: مردی به (درون) خانه پیامبر(ص) نگریست و آنحضرت به سوی او تیری نشانه گرفت.

۶۸۹۶- چهار نفر کودکی را کشتند و عمر مثل آنچه گفته بود. گفت: «همه آنانی را که در این قتل شرکت کرده‌اند، به قتل می‌رسانم». ابوبکر و... از یک سیلی زدن حکم قصاص کرده‌اند. و عمر از یک ضربهٔ خوب به قصاص حکم کرد. و شَریح، از زدن تازیانه و خراشیدگی جلد به قصاص حکم کرد.

۶۹۰۱- مردی از شکاف دروازهٔ خانهٔ پیامبر(ص) (به درون) نگریست و در دست پیامبر(ص) آهنی پارهٔ (شانه‌مانند) بود که با آن سر خود را شانه می‌کرد. آنگاه که پیامبر(ص) او را دید، به وی گفت: اگر می‌دانستم که همانا به سوی من نگری با این به چشم می‌زدم!»، «همانا اجازه گرفتن پیش از نگریستن لازم گردانیده شده است».

۶۹۰۹- پیامبر(ص) در مورد سقط جنین زنی از بنی لحيان به دیت غلام یا کنیزی حکم کرد.

۶۹۱۱- انس رض: من در حضر و سفر آنحضرت را خدمت کردم، به خدا سوگند که هر کاری که کردم، آنحضرت به من نگفت که چرا این کار را چنین کردی و کاری را که نکردم به من نگفت که چرا این کار را چنین نکردی.

۶۹۱۲- «در کشته شدن توسط حیوانات دیت نیست، در افتادن در چاه دیت نیست، در کشته شدن در معدن دیت نیست و در گنج یافت شده، یک پنجم است»

---

\* در تفسیر ابن عباس رض آمده: ورثه مقتول خونبها را به وجه پسندیده از قاتل می‌طلبند، اگر خونبها کامل باشد، در مدت سه سال باید بدهد، و اگر دو سوم یا نیمهٔ خونبها پذیرفته شده باشد، در دو سال بدهد و اگر یک سوم دیت یا خونبها باشد، باید به همان سال بدهد.



(که باید به بیت المال داده شود).

- ۶۹۱۴- «کسی که ذمی را (نامسلمانی که در امان مسلمانان است) بکشد بوی بهشت را در نمی‌یابد، هر چند بوی بهشت از فاصلهٔ چهل ساله راه، دریافتن است».
- ۶۹۲۰- بزرگترین گناهان کدام اند؟ پیامبر (ص) فرمود: «شرک آوردن به خدا».
- «سپس آزار رسانیدن به پدر و مادر». «سوگند غموس»: «(آنکه با سوگند) مال مرد مسلمانی را به خود بگیری، و در آن سوگند دروغ گفته باشی».
- ۶۹۲۲- پیامبر (ص) (از سوختاندن انسان) منع کرده و فرموده است: «به عذاب خدا، عذاب نکنید»، و «هر کس که دین خود را بدل کرد، او را بکشید»<sup>(۲۰۲)</sup>.
- ۶۹۲۶- «... اگر اهل کتاب بر شما سلام کنند، بگویید: وعلیکم» (بر شما باد).
- ۶۹۳۲- «آنها (خوارج) از اسلام چنان می‌بر آیند که تیر از شکار می‌بر آید».
- ۶۹۳۵- «قیامت برپا نمی‌شود تا آنکه دو گروه باهم بجنگند که ادعایشان یکی است»<sup>(۲۰۳)</sup>.

- 
- \* اگر حیوانی که صاحبش با آن نیست به کسی زیان رساند، دیت ندارد. (ابن سیرین).
- \* شعبی: اگر کسی حیوانی را به تندی می‌راند، هر زیانی که به حیوان برسد، باید جبران کند و اگر حیوان را به آهستگی براند (اگر به حیوان زیانی برسد) جبران آن بر وی نیست.
- \* [لقمان: ۱۳]: «همانا شرک ظلمی بزرگ است».
- \* ابوحنیفه و هر دو صاحب آن بدین نظر اند که مسلمان به قتل کافر کشته می‌شود.
- \* [الزمر: ۶۵]: «اگر شرک ورزی، حتماً کردارت تباه و مسلماً از زیان کاران خواهی شد».
- ۲۰۲- ابوحنیفه این حکم را برای مردان خاص ساخته است و از کشتن زنان مرتده منع کرده است، سائیر مذاهب، زنان را نیز شامل این حکم کرده‌اند.
- \* ابوموسی، معاذ: یکی از آنان گفت: اما من (به نماز شب) می‌خیزم و (پس از نماز) می‌خوابم و در خوابیدن خود امید ثواب می‌کنم، چنانکه در برخاستن خود به نماز (امید پاداش دارم).
- ۲۰۳- هریک از این دو گروه خود را برحق و جانب مقابل را باطل می‌خوانند.

۶۹۳۸- «... لا إله إلا الله، و با (گفتن آن) رضایت خدا را می جوید»، «در روز قیامت بنده ای نیست که این (کلمه) را بیاورد، مگر آنکه خداوند آتش دوزخ را بر وی حرام گرداند».

(\*) (امام بخاری می گوید): پس خداوند مستضعفین را معذور داشته است: همان کسانی که نمی توانند خویشتن را از آنچه خداوند به ترک آن امر کرده است بازدارند و مُکَرَّه (مجبور شده) بجز مستضعف نیست، خودش را از آنچه بدان امر شده (که نکند) بازداشته نمی تواند. حسن بصری: حکم تقیه<sup>(۲۰۴)</sup> تا روز قیامت باقی است.

ابن عباس رض: اگر ستمگران کسی را به زور وادارند که زنش را طلاق دهد، آن طلاق چیزی نیست (اعتبار ندارد)، و پیامبر (ص) فرموده است: «اعمال به نیت بستگی دارد».

۶۹۴۱- «کسی را که این سه صفت باشد، شیرینی ایمان را دریابد: خدا و رسول او نزد وی دوست داشتنی از غیر آنان باشد، و اینکه کسی را که دوست می دارد، او را بجز به خاطر خدا دوست نمی دارد و از اینکه از بازگشت به کفر بیزاری می جوید، چنانکه از افتادن به آتش بیزاری می جوید».

۶۹۴۵- خنساء دختر خدام انصاری گفت: همانا وی بیوه بوده و پدرش او را به ازدواج کسی درآورده که بدین ازدواج خوش نبوده است، وی نزد پیامبر (ص) رفته و آنحضرت نکاح وی را فسخ کرده است.

۶۹۴۶- آیا در نکاح کردن زنان از ایشان اجازه گرفته شود؟ پیامبر (ص) فرمود: «آری، گفتم: دختر بکر (دوشیزه) چون از وی اجازه بخواهند می شرمند و

---

۲۰۴- تقیه، مخالف میل و عقیده خود اظهار کردن است تا خودش را از خطر دشمن نجات دهد.

خاموش می ماند؟ فرمود: «خاموشی وی اجازه وی است».

۶۹۴۸- [النساء: ۱۹]: «ای کسانی که ایمان آورده اید برای شما حلال نیست که زنان خود را به اکراه (خلاف رضایت آنان) به ارث ببرید».

۶۹۵۱- «مسلمان، برادر مسلمان است پس نباید بر وی ظلم کند، یا او را به ظالم بسپارد و کسی که حاجتروای برادر خود باشد، خدا حاجتروای او می باشد».

۶۹۵۴- «نماز هیچیک از شما را خدا قبول نمی کند اگر وضویش بشکند، تا وضو بگیرد»<sup>(۲۰۵)</sup>.

۶۹۵۵- «و میان متفرق (بخش های جداگانه مال) جمع نشود و میان مجتمع (مجموعه مال) تفریق نشود، از بیم دادن زکات».

(\* و بعضی مردم<sup>(۲۰۶)</sup> گفته اند: در یکصد و بیست شتر، دو حقه<sup>(۲۰۷)</sup> زکات است پس اگر زکات دهنده یک شتر را قصداً بکشد یا ببخشد یا حيله ای به کار برد تا از دادن زکات فرار نماید، بر وی چیزی نیست.

۶۹۵۸- بعضی مردم گفته اند: اگر کسی زکات شتران خود را یک روز یا یک سال

---

\* ابراهیم نخعی: اگر سوگنددهنده ظالم باشد، نیت سوگندخورنده اعتبار دارد و اگر مظلوم باشد، نیت سوگنددهنده اعتبار دارد.

۲۰۵- ابوحنیفه/ اگر نمازگذار در جلسه اخیر وضویش بشکند، نمازش تمام می شود (درست است) زیرا برای برآمدن از نماز باید نمازگذار عملی کند که ضد نماز باشد، آنگاه تحلیل حاصل می شود.

۲۰۶- مراد از بعضی مردم حنفیه است، شافعیه هر چند قایل اند که بر این شخص که حيله به کار برده چیزی نیست ولی او را ملامت می دانند و نزد حنفیه نیز مورد ملامت است.

۲۰۷- حقه، شتر ماده ای است که سال سوم خود را پوره کرده باشد.

قبل از آنکه میعاد و جوب زکات فرا رسد بدهد، این امر جواز دارد<sup>(۲۰۸)</sup>.

۶۹۶۰- پیامبر (ص) از شغار منع کرده است. به نافع گفتم: شغار چیست؟ گفت:

اینکه دختر کسی را نکاح کنی و دختر خود را بدان کس به نکاح بدهی، بدون

اینکه مهر آنان داده شود. و بعضی مردم گفته‌اند: اگر حيله کند که زنی را به

نکاح شغار بگیرد، جایز است ولی شرط آن باطل است<sup>(۲۰۹)</sup>. و در مورد (نکاح)

متععه گفته است: نکاح آن فاسد و شرط آن باطل است. و بعضی از ایشان

گفته‌اند: نکاح متععه و شغار جایز است و شرط آن باطل است.

۶۹۶۱- ابن عباس رض در متععه کردن زنان باکی نمی‌بیند. وی گفت: همانا

پیامبر (ص) در روز جنگ خیبر از آن و از خوردن گوشت خر اهلی منع کرده

است. و بعضی مردم گفته‌اند: اگر حيله‌ای به کار برد و متععه کند، نکاح آن

فاسد است<sup>(۲۱۰)</sup>. و بعضی از ایشان گفته‌اند: نکاح آن جایز و شرط آن باطل

است<sup>(۲۱۱)</sup>.

۶۹۶۲- «آب زیادتی کسی (برای نوشاندن حیوانات) منع کرده نمی‌شود تا بدان

وسیله از زیادتی گاه آن سرزمین منع کرده شود».

---

۲۰۸- در توجیه قول امام ابوحنیفه گفته شده که هر چند زکات تا تکمیل سال واجب نمی‌شود،

اگر کسی قبل از آن ادا کند مانند ادای قرض مؤجل پیش از میعاد است.

۲۰۹- مقصود مؤلف این است که این مذهب مخالف حدیث مذکور است. می‌توان گفت که

نهی راجع به این شرط، نهی تنزیهی می‌باشد. (تیسیر القاری).

۲۱۰- اگر گفته شود که هرگاه نکاح فاسد باشد، حيله کردن چه معنی دارد. باید گفت که فساد

موجب فسخ (نکاح) نیست، زیرا با حذف شرط از ناکح، احتمال اصلاح می‌رود.

۲۱۱- مقصود مؤلف (امام بخاری) اثبات تناقض در این دو گفته است.

۶۹۶۳- همانا پیامبر(ص) از بیع نجش<sup>(۲۱۲)</sup> (قیمت افزایشی بدون قصد خرید)، منع کرده است.

۶۹۶۴- مردی برای پیامبر(ص) اظهار کرد که وی در معاملات خرید و فروش فریب داده می شود. آنحضرت فرمود: «وقتی که معامله می کنی، بگویی که فریب نباشد». (این بیع به منزله شرط خیار است).

۶۹۶۷- «همانا من مانند شما انسان هستم، و شما دعوی خود را به من می آورید، و شاید بعضی از شما در استدلال خویش نظر به بعضی دیگر شیواتر باشید. و من بر آنچه می شنوم حکم می کنم. پس اگر من از حق برادر (مسلمانش) چیزی به نفع او حکم می کنم باید آنرا نگیرد، زیرا من برای او قطعه ای از آتش را جدا می کنم».

۶۹۷۰- بعضی مردم گفته است: اگر مردی حيله کند و دو شاهد دروغ بیاورد (که نزد قاضی شهادت دهند) که وی با زنی بیوه با موافقت وی ازدواج کرده و قاضی نکاح او را تثبیت کند و آن مرد می داند که هرگز (قبلاً) با آن زن ازدواج نکرده است، همین نکاح او درست است و در یکجا بودن آن مرد با آن زن باکی نیست<sup>(۲۱۳)</sup>.

---

۲۱۲- تاجش یا نجش = نیرنگی است که برای فریب مشتری، خودش را خریدار وانمود می کند و مال را بیش از بهای واقعی آن قیمت می نماید؛ در حالی که اراده خرید ندارد.

\* «مال های شما بر یکدیگر شما حرام است»، «برای هر خیانتکار پرچی است در روز قیامت».

۲۱۳- در توجیه نظر بعضی مردم که مراد ابوحنیفه است گفته شده: گفته اند که همین دعوی او و قبول نکردن زن و حکم قاضی به جای ایجاب و قبول است؟  
\* بخشیده خود را پس نگیرد».

۶۹۷۶- «همانا پیامبر(ص) شُفَعَه<sup>(۲۱۴)</sup> را در هر مالی که تقسیم نگریدید باشد، لازم گردانیده، پس آنگاه که حدود تعیین شد و راه‌ها تشخیص گردید، شفعه‌ای باقی نمی‌ماند.

۶۹۷۷- «همسایه نظر به همسایگی خود سزاوارتر است».

۶۹۸۰- «در معاملهٔ مسلمان، فروش (حیوان) مریض، یا مال بد یا مال دزدی روا نیست».

۶۹۸۱- «همسایه نظر به حق همسایگی خود (نظر به کسی دیگر) سزاوارتر است».

۶۹۸۲- خدیجه‌رض به وی (پیامبر(ص)) گفت: نه چنین است (چیزی به تو رخ نمی‌دهد) بشارت بر تو، به خدا سوگند که خدا هرگز تورا خوار نمی‌کند، همانا تو صله رحم به جا می‌کنی و سخنی راست می‌گویی و فروماندگان را یاری می‌رسانی و مهمان را گرمی می‌داری و مصیبت‌زدگان را دستگیری می‌کنی.

۶۹۸۳- «رؤیای نیک که از مردی نیک تحقق می‌یابد، جزئی از چهل و ششمین اجزاء نبوت است».

۶۹۸۴- «رؤیای صالحه از جانب خداست و رؤیای ناپسندیده، از سوی شیطان».

۶۹۸۵- «اگر کسی از شما خوابی می‌بیند که آنرا دوست می‌دارد، همانا آن خواب از جانب خداست، باید خدا را بستاید و خواب خود را بگوید. و اگر غیر از این بیند که او را ناخوش آید، همانا آن از جانب شیطان است. از شر آن به خدا پناه جوید و آنرا به کسی نگوید، آن خواب به وی زیان نمی‌رساند».

۶۹۸۷- «رؤیای مؤمن جزئی از چهل و ششمین اجزاء نبوت است».

---

۲۱۴- شفعه، حق تقدیمی که همسایه و شریک ملک در خرید ملک همسایه یا سهم شریک دارد.

۶۹۹۰- «چیزی از نبوت باقی نمانده است به جز مبشرات» گفتند: مبشرات چیست؟ فرمود: «رؤیای صالحه».

۶۹۹۱- «آن (شب قدر) را در هفته آخر (رمضان) جویا شوید».

۶۹۹۳- «کسی که مرا در خواب ببیند، مرا در بیداری (در قیامت) خواهد دید، و شیطان خودش را به صورت من در آورده نمی تواند».

۶۹۹۶- «کسی که مرا (در خواب ببیند)، همانا به راستی مرا دیده است (حق و راستی را دیده است)».

۷۰۰۶- «در حالی که در خواب بودم قدحی شیر به من آورده شد، از آن نوشیدم تا آنکه دیدم که سیرابی آن از ناخن های من بیرون می آید، پس بقیه آنرا دادم - یعنی - به عمر». گفتند: آنرا چه تعبیر کردی؟ فرمود: «علم».

۷۰۱۳- «با جوامع الکلم (کلمات کوتاه و پرمعنی) مبعوث شدم، و به ترس (در دل دشمنان) نصرت داده شدم و در حالی که در خواب بودم کلیدهای گنج های زمین آورده شد و در دست من نهاده شد».

ابوعبدالله (امام بخاری) گفته است: و به من چنین رسیده که جوامع الکلم، آنست که خداوند امور زیادی را جمع می کند؛ همان امور که در یک مورد یا دو مورد یا مانند آن در کتاب های (آسمانی) پیش از آنحضرت نوشته شده است.

۷۰۱۷- محمد بن سیرین: رؤیا سه گونه است: تصورات و تخیلات شخص در زمان بیداری، ترسانیدن شیطان خواب بیننده را، و بشارت از جانب خدا، پس کسی که چیزی (در خواب) می بیند که او را ناخوش می دارد، خواب خود را به کسی

---

\* خواب روز مانند خواب شب است. (ابن سیرین).

قصه نکنند، باید برخیزد و نماز بگذارد.

۷۰۱۸- ام العلاء: من برای عثمان رض چشمه جاری در خواب دیدم و نزد پیامبر (ص) آمدم و این موضوع را به وی اظهار کردم. فرمود: «این عمل اوست که (ثواب آن) برایش جاری است».

۷۰۳۱- «عبدالله مردی نیک است، اگر در شب نماز بسیار می گذارد».

۷۰۴۲- «کسی که ادعای خوابی کند که ندیده است، مکلف ساخته می شود که میان دو دانه جو گره بزند، و هرگز نمی تواند، و کسی که به سخن گروهی گوش فرا دهد و آنها این کار را خوش ندارند یا از نزد وی می گریزند، در روز قیامت در گوش های وی، شیشه ذوب شده ریخته می شود و کسی که صورتی را رسم می کند، عذاب کرده می شود و مکلف ساخته می شود که در آن روح بدمد در حالی که او روح دمنده نیست».

۷۰۴۳- «از بدترین دروغها اینست که بگوید دو چشمانش (در خواب) دیده، آنچه را که ندیده است».

۷۰۴۴- «خواب خوش از سوی خداست، اگر یکی از شما خوابی ببیند که آنرا دوست دارد، آنرا به کسی نگوید، مگر به کسی که او را دوست می دارد، و اگر خوابی ببیند که او را ناخوشایند است، باید از شر آن به خدا پناه بجوید و از شر شیطان، و سه بار آب دهن بیفکند و از آن به هیچیک اظهار نکند، همانا آن خواب به وی زیان نمی رساند».

۷۰۴۵- «اگر کسی از شما خوابی ببیند که آنرا دوست می دارد، آن خواب از سوی خداست، باید خدا را بستاید و خواب خود را بگوید، و اگر به جز از این می بیند که او را ناخوش می آید، همانا آن خواب از جانب شیطان است که باید از شر آن پناه جوید، و آنرا به هیچکس نگوید، در آن صورت به او زیانی



نمی‌زند».

۷۰۴۷- «دیشب دو کس (در حالت خواب) نزد من آمدند، و مرا از خواب بیدار کردند و به من گفتند: راهی شو. من با آنان به راه افتادم و همانا به مردی به پهلو افتاده رسیدیم و کسی دیگر با سنگی به کنار وی ایستاده بود و او سنگ را بر سر وی می‌افکند و سر او را می‌شکست، ... بدیشان گفتم: من امشب چیزهای عجیب و شگفت آور دیدم، پس آنچه دیدم چیست؟ آن دو نفر گفتند: اما تورا آگاه می‌کنیم، آن مرد اول که نزدش آمدی و دیدی که سرش با سنگ شکسته می‌شود، آن مردی بود که قرآن فرا می‌گیرد و ترک می‌کند، (و بدان عمل نمی‌کند) و می‌خواهد و از نماز فرض غفلت می‌کند، اما مردی که تو نزدش آمدی، و دهنش تا بناگوش پاره می‌شد و بینی‌اش تا به عقب پاره می‌شد و چشمانش تا عقب پاره می‌شد، مردی بود که صبح از خانه خود بیرون می‌شد و دروغی می‌گفت که آن دروغ در همه جا پراکنده می‌شد. اما آن زنان و مردان برهنه که در ساختمانی تئورمانند بودند، آنها زنان و مردان زناکار اند. اما آن مردی که نزدش آمدی و در جوی (خون) شنا می‌کرد و سنگ در دهانش افکنده می‌شد، وی همانا سودخوار (رباخوار، نزول‌خوار) بوده است.

... اما گروهی که نیمه بدنشان زیبا و نیمه دیگر زشت بود، آنها گروهی اند که عمل صالح و عمل بد را باهم آمیخته‌اند، و خدا آنان را بخشید».

۷۰۵۰ و ۷۰۵۱- «دور باد! دور باد (از رحمت خدا) کسی که پس از من (در دین) تغییر آورده است!».

۷۰۵۲- «همانا شما پس از من خودگزینی دیگران و اموری را خواهید دید که شما را ناخوش آید» گفتند: پس (در آن حالت) به ما چه امر می‌کنی یا رسول الله؟

فرمود: حقوق آنان را بدیشان بدهید، و حق خود را از خدا بخواهید».

۷۰۵۴- «کسی که از امیر خود چیزی ببیند که او را ناخوش آید، باید بر آن شکیبایی کند، زیرا کسی که یک وجب از جماعت (مسلمانان) جدایی گزیند و بمیرد، چنان است که در مرگ جاهلیت مرده است».

پیامبر (ص) ما را فرا خواند و ما به وی بیعت کردیم.

۷۰۵۶- و در آنچه از ما بیعت گرفته شد: بیعت کردیم که بشنویم و اطاعت کنیم، در حالت نشاط ما و ناخوشی ما و دشواری ما و آسانی ما «تهیدستی و توانگری ما» و برتری جویی بر ما و اینکه با امیر به جنگ دست نیازیم و مطیع باشیم، مگر آنکه از وی کفری آشکار ببینیم که در آن از سوی خدا برهانی داشته باشیم.

۷۰۶۱- «زمان (نظر به مشغولیت مردم به خواهشات نفسانی) زود می گذرد و عمل (نیک) کم می شود، و بخیلی (در دل مردم) افکنده می شود و هرج زیاد می گردد». گفتند: یا رسول الله! هَرَج چیست؟ فرمود: «کشتن، کشتن».

۷۰۶۶- «پیش از فرارسیدن قیامت، روزهای هَرَج است که علم در آن از میان می رود و نادانی (در علوم دینی) ظاهر می شود».

۷۰۷۱- «کسی که علیه ما سلاح بردارد از ما نیست».

۷۰۷۵- «هرگاه یکی از شما از مسجد ما یا از بازار ما بگذرد و با خود تیرهایی داشته باشد، باید سر تیرها را محکم بگیرد - یا فرمود - دست خود را بر آن بگیرد، تا از آن به یکی از مسلمانان چیزی (آزاری) نرسد».

۷۰۷۶- «دشنام دادن مسلمان فسق است و کشتن وی کفر است».

---

\* «هلاکت امت من به دست جوانان نادان خواهد بود».

۷۰۸۱- «فتنه‌هایی رخ خواهد داد که در آن نشسته، از ایستاده بهتر است و ایستاده در آن بهتر است از دونده، و کسی که خود را در آن فتنه درآورد، خودش را هلاک می‌کند، و کسی که از آن فتنه پناهگاهی بیابد یا بتواند از آن دوری گزیند، باید از آن دوری گزیند».

۷۰۸۳- «اگر دو مسلمان با شمشیرهای خویش روبرو شوند، هر دویشان از اهل دوزخند»، گفته شد: این (حکم) برای قاتل است، پس بر مقتول چرا چنین (حکمی) باشد؟ فرمود: «همانا وی نیز قصد کشتن رفیق خود را کرده است».

۷۰۸۴- مردم از پیامبر (ص) در باره (نیکی) می‌پرسیدند و من از وی در مورد شر می‌پرسیدم، از بیم آنکه مرا دریابد. گفتم: یا رسول الله! همانا ما در روزگار جاهلیت به سر می‌بردیم که آن شر است. پس خداوند این خیر (اسلام) را به ما آورد، آیا پس از این خیر، چیزی از شر است؟ فرمود: «آری» گفتم: و آیا بعد از آن شر، خیری است؟ فرمود: «آری و در آن کدورتی است».

گفتم: کدورت آن چیست؟ فرمود: «گروهی هستند که مردم را به غیر از روش من هدایت می‌کنند، بعضی اعمال‌شان را می‌پسندی و بعضی را نمی‌پسندی». گفتم: آیا بعد از این خیر چیزی از شر است؟ فرمود: «آری، نداکنندگانی در دروازه‌های دوزخ اند که هر کس که به ندایشان پاسخ داد، او را به دوزخ می‌اندازند». گفتم: یا رسول الله! آنرا برای ما بیان کن. فرمود: «آنها از مردم خود ما می‌باشند و به زبان خود ما صحبت می‌کنند». گفتم: اگر آن زمان مرا دریابد، به من چه امر می‌کنی؟ فرمود: «به جماعت مسلمانان و امام آنها بپیوند» گفتم: اگر مسلمانان را جماعت و امامی نباشد؟ فرمود: «از تمام آن دسته‌بندی‌ها کناره گیر، هر چند که ریشه درخت بخوری تا آنکه تو را مرگ دریابد و تو به همین حالت باشی».

۷۰۸۶- «همانا امانت (کیفیتی است که) در ریشه دل‌های مردم فرود آمده است (امر فطری است) سپس (فضیلت) آنرا از قرآن فرا گرفتند و پس از آن از سنت دانستند».

۷۰۹۵- (\*) [البقره: ۱۹۳]: «با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد». ابن عمر گفت: آیا می‌دانی که فتنه چیست؟ همانا پیامبر (ص) با مشرکین می‌جنگید و درآمدن در دین ایشان فتنه بود (آنحضرت برای دفع فتنه می‌جنگید) و جنگیدن آنحضرت مانند جنگیدن شما بر سر (رسیدن) به حکومت نبود.

۷۰۹۶- «فتنه مرد در زن او و مال او و فرزند او و همسایه اوست که آنرا نماز و صدقه و امر به معروف و نهی از منکر می‌پوشاند».

۷۰۹۸- «مردی آورده می‌شود و وی سوده و پایمال می‌شود مانند خر که دانه آسیا را می‌ساید و پایمال می‌کند. اهل دوزخ بر وی گرد می‌آیند و می‌گویند: ای فلان! تو همان کسی نیستی که امر به معروف می‌کرد؟ ولی خود بدان عمل نمی‌کردم و از منکر منع می‌کردم و خود آنرا می‌کردم».

۷۰۹۹- «هرگز قومی که زنی را ولی امر خود بسازند، رستگار نخواهند شد».

۷۱۰۸- «آنگاه که به قومی عذابی نازل گردد، این عذاب همگی (خوب و بد) را که در آن قوم است فرا می‌گیرد. پس (در آخرت) نظر به اعمال خویش برانگیخته می‌شوند (مورد بازپرس قرار می‌گیرند).

۷۱۱۳- از حذیفه بن یمان روایت است که گفت: منافقین امروزی از منافقین روزگار پیامبر (ص) بدترند. زیرا در آن روزها نفاق خویش را پنهان می‌کردند، ولی امروز آشکار می‌کنند.

۷۱۱۴- حذیفه گفت: همانا در زمان پیامبر (ص) نفاق بود و اما امروز کفر بعد از ایمان است.

۷۱۱۵- «قیامت برپا نمی‌شود تا مرد از قبر مردی بگذرد و بگوید: کاش من به جای او بودم».

۷۱۴۱- «حسدی (غبطه) نیست به جز در دو کس: مردی که خدا به او مالی داده است و او را مسلط می‌گرداند که آنرا در راه حق مصرف کند، و دیگری که خدا به او حکمتی داده و او براساس آن حکم می‌کند و آنرا تعلیم می‌دهد».

۷۱۴۴- «شنیدن و اطاعت کردن (از امام) بر مرد مسلمان لازم است، چه او را خوش آید و چه ناخوش آید، تا آنکه به (ارتکاب) گناهی امر نمی‌شود، پس هرگاه به (ارتکاب) گناهی امر شود، شنیدن و اطاعت کردن لازم نمی‌آید».

۷۱۴۵- «... همانا اطاعت (از امیر) در امری پسندیده (موافق شریعت) است».

۷۱۴۶- «ای عبدالرحمن بن سمره! امارت را خواستار نشو، زیرا اگر نظر به تقاضای تو، به تو داده شود، در آن درمی‌مانی، و اگر در کاری سوگند خوردی (که باید آنرا انجام دهی) و کاری دیگر را بهتر از آن دیدی، کفاره سوگند بده و همان را که بهتر است انجام ده».

۷۱۴۸- «همانا شما در رسیدن به امارت حریص خواهید بود و این موجب پشیمانی شما در روز قیامت خواهد شد. چه نیکوست شیردهنده کودک و چه بد است از شیربازدارنده کودک».

۷۱۴۹- «ما کسی را که خواستار ولایت شود و کسی را که در رسیدن بدان اشتیاق داشته باشد، والی نمی‌گماریم».

۷۱۵۰- «بنده‌ای که خدا کسانی را رعیت وی می‌گرداند، و او در باره ایشان

---

\* «نخستین نشانه قیامت آتش است که مردم را از مشرق به سوی مغرب جمع می‌کند».

\* [المائده: ۴۷]: «و کسانی که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند، آنان خود نافرمانند».

خیرخواهی نمی‌کند (تا کار ایشان را به صلاح آورد)، بویی از بهشت را در نمی‌یابد».

۷۱۵۲- «کسی که (نیکویی را به مردم) بشنواند، خداوند همان (نیت او) را در روز قیامت آشکار می‌کند و کسی که مردم را در مشقت اندازد، خداوند در روز قیامت او را به مشقت می‌اندازد». ... وی (جُنْدَب) گفت: اولین بخشی که از بدن انسان فاسد می‌شود شکم اوست، پس کسی که توانایی آنرا دارد که به جز چیز پاک و حلال نخورد، باید این کار را بکند و کسی که توانایی آن دارد که از ریختن یک مشت خون کسی که میان او و میان بهشت حایل نگردد، باید این کار را بکند».

۷۱۵۳- ... مردی گفت: یا رسول الله! برای آن (قیامت) روزه و نماز و صدقه زیاد آماده نکرده‌ام، ولی خدا و رسول او را دوست می‌دارم. آنحضرت (ص) فرمود: «تو با کسی هستی [و با کسی حشر می‌شوی] که او را دوست می‌داری».

۷۱۵۴- «صبر [واقعی] در برابر نخستین صدمه‌ای است که شخص آنرا درمی‌یابد».

۷۱۵۸- «(قاضی) میان دو نفر حکم نکند، اگر وی خشمگین باشد».

---

\* امام مالک و امام احمد می‌گویند که حاکم شرع نباید در باره قضایای حق الله و حق العبد، نظر به علم خود حکم کند.

\* در حدود لازم است که بسیار محتاط باشد، چنانکه به کوچکترین شبهه‌ای حد ساقط می‌شود.

\* حسن گفت: خدا بر حاکمان واجب کرده است که از هوای نفس پیروی نکنند، و از مردم نترسند و آیات مرا به بهای اندک نفروشند.

(حسن بصری) پس خوانند: [ص: ۲۶]: «ای داود! ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین]

گردانیدیم، پس میان مردم به حق داوری کن، و زنهار از هوس پیروی مکن که تو را از راه

۷۱۶۳- عمر رض: آنحضرت (ص) باری به من مالی داد، من گفتم: به کسی بده که از من محتاج تر است. پیامبر (ص) فرمود: «این مال را بگیر، تا صاحب مال شوی و (سپس) صدقه کن و هر آنچه از اینگونه مال بدون چشمداشت و بدون آنکه سؤال کنی به تو می آید آنرا بگیر، ورنه، خودت برای آن تلاش نکن».

۷۱۷۸- مردم به ابن عمر رض گفتند: ما نزد امراء خود وارد شده و بدیشان سخنان (ستایش آمیز) می گوئیم، خلاف آنچه از نزد ایشان بیرون می آییم می گوئیم، ابن عمر رض گفت: ما اینرا نفاق می شماریم.

۷۱۷۹- «همانا بدترین مردم کسانی اند که دوروی اند، نزد گروهی به یک روی می آیند و نزد گروهی به رویی دیگر».

۷۱۸۸- «دشمن ترین [و منفورترین] مردمان به نزد خدا، کسی است که ستیزه جوست».

۷۱۹۰- «اگر شما را (در نماز جماعت) حالتی<sup>(۲۱۵)</sup> رخ می دهد باید مردان تسبیح

---

خدا به در کند، در حقیقت کسانی که از راه خدا به در می روند به [سزای] آنکه روز حساب را فراموش کرده اند، عذابی سخت خواهند داشت».

\* عمر بن عبدالعزیز: پنج صفت است (که قاضی باید آنرا دارا باشد) اگر از این صفات یکی را فاقد باشد، در وی عیب و نقص است: زیرک و باهوش باشد، بردبار و صبور باشد، پارسا و پرهیزگار باشد، قاطع و سختگیر باشد، عالم دین که جوینده علم باشد.

\* کسی که در مسجد حکم مجازات کرد، آنگاه که حد به اجرا درمی آید، امر کرد که مجرم از مسجد بیرون برده شود و حد اجرا گردد، و عمر گفت: او را از مسجد بیرون ببرید، و سپس او را زد.

\* کسی که از حق برادر (مسلمانش) به نفع وی حکم شده باشد، باید آنرا نگیرد، زیرا قضاوت حاکم، حرام را حلال و حلال را حرام نمی سازد.

۲۱۵- مثلاً امام را متوجه اشتباهش می خواهید بنمائید.

(سبحان الله) بگویند و زنان کف بزنند».

۷۲۱۲- پیامبر (ص) فرمود: «سه گونه مردم اند که در روز قیامت خدا با آنان سخن نمی گوید و ایشان را پاک نمی کند و ایشان را عذابی دردناک است: مردی که آب زیادتی در راه دارد و مسافر را از (استفاده از آن) مانع می شود، و مردی که با امام بیعت می کند و به جز به خاطر مال دنیا با او بیعت نمی کند که اگر آنچه خواست به وی داد، به بیعت خود وفا می کند، ورنه بدان وفا نمی کند و مردی که پس از نماز عصر متاعی را به مردی می فروشد، و به خدا سوگند یاد می کند که به بهای این مال چنین و چنان مبلغی داده است و آن مرد، سخنش را راست می پندارد و آن مال را می خرد، در حالی که وی به بهای آن، مبلغ مذکور را نداده است.

۷۲۱۳- «با من بیعت کنید که به خدا چیزی را شریک نیاورید و دزدی نکنید و زنا نکنید، و فرزندان خود را نکشید و بهتان نکنید که بر کسی از پیش خود افترا کنید، و در امر معروف نافرمانی نکنید، پس کسی که اینها را به جا کرد، پاداش وی با خداست، و کسی که چیزی از اینها را مرتکب شد و خدا آن (گناه) را پوشانید، سروکارش با خداست، اگر بخواهد عذابش می کند و اگر بخواهد عفویش می نماید».

۷۲۱۴- عایشه: پیامبر (ص) با زنان، با سخن بیعت می کرد (نه با دست) با خواندن این آیه: «... که چیزی را به خدا شریک مسازید»، دست پیامبر (ص) با دست زنی تماس نکرده، مگر زنی که در ملکیت (نکاح) وی بوده است.

۷۲۲۸- «اگر به اندازه کوه احد طلا می داشتم، دوست داشتم که بر من سه روز نگذرد که از آن دیناری نزد من باقی بماند - بدون آنکه چیزی را از آن برای ادای قرض خود نگهدارم - اگر کسی را بیابم که آنرا بپذیرد».



۷۲۳۲- «رشکی نیست، مگر بر دو کس: مردی که خدا به او قرآن را داده است و آنرا در ساعاتی از شب و روز تلاوت می کند، کسی می گوید: کاش به من هم داده می شد مانند آنچه به این مرد داده شده، تا همان می کردم که وی می کند، و مردی که خدا به وی مالی داده است و آنرا در راه راست آن خرج می کند، کسی می گوید: کاش به من هم داده می شد مانند آنچه به وی داده شده تا همان می کردم که وی می کند.

۷۲۳۳- انس رض: اگر از پیامبر (ص) نمی شنیدم که می گفت: «مرگ را آرزو مکنید!» همانا آرزو می کردم.

۷۲۳۵- «هیچیک از شما مرگ را آرزو نکنند، یا یکی از شما نیکوکار است، شاید نیکویی وی زیاد می شود و یا بدکار است، شاید بدکاری را بس کند (و توبه نماید).

۷۲۳۷- «ملاقی شدن با دشمن را آرزو مکنید و از خدا عافیت و سلامتی بخواهید».

۷۲۳۹- پیامبر (ص) نماز خفتن را، شبی تأخیر کرد... و می گفت: «اگر بر امت خود دشوار نمی کردم... شما را به نماز (خفتن) در همین ساعت امر می کردم».

۷۲۴۰- «اگر بر امت خود دشوار نمی کردم، شما را به مسواک امر می کردم» (آنرا فرض می کردم).

۷۲۴۴- «اگر هجرت (مرتبه بلند) نبود، من مردی از انصار می بودم...».

---

\* [النساء: ۳۲]: «و زنهار، آنچه را خداوند به [سبب] آن بعضی از شما را به بعضی دیگر برتری داده، آرزو مکنید، برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده اند، بهره ای است، و برای زنان نیز از آنچه [به اختیار] کسب کرده اند بهره ای است، و از فضل خدا درخواست کنید که خدا به هر چیزی داناست».

\* [الحجرات: ۶]: «اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واری کنید».

۷۲۵۷- «... اطاعت در امری که گناه باشد نیست، و همانا اطاعت در امر معروف (مشروع) است».

۷۲۶۵- «... در روز عاشورا - کسی که در این روز، خورده است (دیگر نخورد) و کسی که نخورده است باید آنرا روزه بگیرد».

۷۲۷۶- «همانا امانت، از آسمان بر ریشه دل‌های مردم (مؤمن) فرود آمده، و قرآن [نیز] فرود آمده پس قرآن را خواندند و اینرا از سنت آموختند».

۷۲۷۷- عبدالله ابن مسعود رضی: همانا نیکوترین سخن، کتاب خداست، و نیکوترین هدایت، هدایت محمد (ص) است و بدترین کارها بدعت‌های است که در دین پدید آورند.

۷۲۸۰- «امت من همگی به بهشت وارد می‌شوند مگر آنکه ابا و رزد». گفتند: یا رسول الله! چه کسی ابا (خودداری) می‌ورزد؟ فرمود: «کسی که از من اطاعت کند، وارد بهشت می‌شود و کسی که از من نافرمانی کند، همانا ابا ورزیده است».

۷۲۸۶- [الأعراف: ۱۹۹]: «گذشت پیشه کن، و به [کار] پسندیده فرمان ده و از نادانان رخ برتاب».

۷۲۸۹- «گنجه‌کارترین کس در میان مسلمانان، کسی است که از چیزی سؤال می‌کند که حرام نیست، ولی به خاطر سؤال خود آنرا حرام می‌کند».

---

\* ابن عَوْن: سه چیز است که برای خود و برادران خود آنها را دوست می‌دارم: همین سنت (آنحضرت) که باید آنرا بیاموزند و از آن بپرسند، و قرآن که باید آنرا بفهمند و از آن بپرسند، و مردم را (به حالشان) بگذارند مگر از نیکی.

\* [المائدة: ۱۰۱]: «از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک می‌کند، مپرسید».

۷۲۹۰- «... بهترین نماز مرد همان است که در خانه گذارده شود به جز نماز فرض».

۷۲۹۲- «... بار الها! مانعی نیست بدانچه تو داده‌ای و دهنده‌ای نیست بدانچه تو منع

کرده‌ای، و توانایی و توانگری کس نزد تو (به جز عملش به طاعت تو) نفعی

نمی‌رساند». همانا آنحضرت (ص) از بگو مگو و زیادت سؤال و ضایع شدن مال

منع می‌کرد و همچنان از آزار مادران و زنده به گور کردن دختران و دریغ از

نیکخواهی به دیگران، و بدون حاجت سؤال کردن، منع کرده است.

۷۲۹۳- عمررض: ما از تکلف (از مشقت یا بیش از اندازه عمل کردن) منع شده‌ایم.

۷۲۹۸- پیامبر (ص) انگشتر طلا گرفت و مردم نیز انگشترهای طلا گرفتند و

پیامبر (ص) گفت: «همانا من انگشتر طلا گرفتم» سپس آنرا به دور افکند و

گفت: «من هرگز اینرا برای ابد نمی‌پوشم» مردم نیز انگشتران خود را به دور

افکندند.

۷۳۱۲- «کسی را که خدا بخواهد به وی نیکویی ارزانی کند، او را در علم دین فقیه

می‌گرداند، و همانا من (فقط) تقسیم‌کننده (علم) ام و خداست که (فهم تفکر

در معانی) آنرا می‌دهد و حالت این امت (توسط پیروان راستین آن) تا به

پاشدن قیامت یا تا زمان فرارسیدن امر خدا، همیشه در مسیر درست روان

خواهد بود».

---

\* [الإسراء: ۳۶]: و مگویی «آنچه را که بدان علم نداری».

\* «گروهی از امت من پیوسته در مبارزه حق غالب اند» و آنان اهل علم اند. (مجتهدین).

\* [المائده: ۴۵]: «و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده‌اند، آنان خود

ستمگرانند». و پیامبر (ص)، صاحبان حکمت (دینی) را که بدان حکم می‌کند و آنرا تعلیم

می‌دهد و از پیش خود (به نظر شخصی) حکم نمی‌کند، ستوده است و در باره مشورت کردن

خلفا با علما و سؤال کردن از ایشان.

۷۳۱۹- «قیامت به پا نمی‌شود تا امت من روش قرن‌های پیشین را در پیش بگیرد، و جب به وجب و دست به دست (گزه به گز)».

گفته شد: یا رسول الله! (مراد از قرن‌های پیشین) مانند مردم فارس و روم است؟ فرمود: «و کیستند آن مردم به جز آنها».

۷۳۶۲- «اهل کتاب را نه تصدیق کنید و نه تکذیب کنید و بگویید: «ما به خدا ایمان آوردیم و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر شما نازل شده است».

۷۳۶۵- «قرآن را بخوانید تا دل‌های شما بر آن موافقت داشته باشد، پس اگر در قرآن اختلاف کردید از (سر قرآن) برخیزید».

۷۳۶۸- «نماز بگذارید (دو رکعت نفل) پیش از نماز شام» برای بار سوم فرمود: «برای کسی که بخواهد». آنحضرت ناخوش داشت که آن دو رکعت را مردم سنت بگیرند.

۷۳۷۴- «سوگند به ذاتی که نفس من در ید قدرت اوست، همانا این سوره (اخلاص) برابر با سوم حصه از قرآن است».

۷۳۷۵- پیامبر(ص) مردی را... فرماندار تعیین کرد، وی که به یاران خود امامت نماز می‌داد با (سوره) اخلاص قرائت را خاتمه می‌داد. چون از آن (سفر) بازگشتند. از موضوع به پیامبر(ص) یاد کردند. فرمود: «از وی پرسید که این

---

\* [النحل: ۲۵]: «تا روز قیامت بار گناهان خود را تمام بردارند و [نیز] بخشی از بار گناهان کسانی

را که ندانسته آنان را گمراه می‌کنند، آگاه باشید، چه بد باری را می‌کشند».

\* «کسی که کاری می‌کند که در آن امر ما نیست، آن کار مردود است».

\* «از اهل کتاب در باره چیزی مپرسید!».

\* در نماز عید اذان و اقامه نیست.

\* [آل عمران: ۱۵۹]: «و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن».

کار را برای چه می کند» از وی پرسیدند، گفت: زیرا این سوره صفت خدای رحمان است و من دوست می دارم که (در نماز خود) آنرا بخوانم. پیامبر(ص) فرمود: «به او خبر دهید که خدا او را دوست می دارد».

۷۳۷۶- «خدا بر کسی که بر مردم رحم نمی کند، رحم نمی کند».

۷۳۷۷- «این (اشک ریختن) رحمتی است که خدا آنرا در دل های بندگان خود نهاده است و همانا خدا بر بندگان رحمتی می کند که آنها رحم می کنند».

۷۳۷۸- «هیچیکو بر آزاری که آنرا شنیده است، از خدا شکیباتر نیست که به وی فرزند نسبت می دهند، و خدا آنان را عافیت و روزی می دهد».

۷۳۸۰- [الأنعام: ۱۰۳]: «چشم ها او را در نمی یابند و اوست که دیدگان را درمی یابد و او لطیف آگاه است» و خدا می گوید: «غیب را به جز خدا کسی نمی داند».

۷۳۸۱- عبدالله بن مسعود رض: ما به عقب پیامبر(ص) نماز می گذاردیم و می گفتیم: سلام بر خدا! پیامبر(ص) فرمود: «همانا خدا خود سلام است، و لیکن بگویید: التحیات...» (۲۱۶).

ایوب گفت: «به عزت تو سوگند که مرا از برکت تو بی نیازی نیست» (حدیث: ۲۷۹).

۷۳۸۳- «به عزت تو پناه می برم، ذاتی که جز تو خدایی نیست، ذاتی که نمی میرد و جن و انس می میرند».

---

\* [الذاریات: ۵۸]: «همانا خدا، روزی بخش نیرومند استوار است».

\* یحیی گفت: خدا بر ظاهر و بر باطن هر چیز علم دارد.

۲۱۶- «سزاوار تمام تعظیم ها و عبادات و خوبی ها خداوند است، سلام بر تو ای پیامبر و رحمت خداوند و برکات وی بر تو باد، سلام بر ما و بنده های نیکوکار خدا، گواهی می دهیم که نیست معبودی برحق به جز خدا و گواهی می دهیم اینکه محمد بنده خدا و فرستاده اوست».

۷۳۸۵- «پیامبر(ص) (در نماز) شب دعا می کرد: بار الها! سپاس و ستایش تو راست، تو پروردگار آسمانها و زمین هستی، سپاس و ستایش تو راست، تو برپادارنده آسمانها و زمین و هرچه در آنهاست می باشی، سپاس و ستایش تو راست، تو نور آسمانها و زمین هستی، گفتار تو حق، و وعده تو حق و دیدار تو حق و بهشت حق و دوزخ حق و قیامت حق است. بار الها! خودم را به تو تسلیم کردم و به تو ایمان آوردم و به تو توکل کردم و به تو رجوع کردم و به خاطر تو (با کفار) خصومت کردم و تو را داور گرفتم، پس از تقصیرات گذشته و آینده ام و آنچه از من پنهان یا پیدا سر زده در گذر، تویی خدای من و به جز تو مرا خدایی نیست». (ترجمه)

۷۳۸۶- ما در سفری پیامبر(ص) را همراهی می کردیم، و چون به بلندی می برآمدیم تکبیر (الله اکبر) می گفتیم. آنحضرت فرمود: «بر خود آسان بگیرید، شما شخصی کر (ناشنوا) و غایبی را فرا نمی خوانید»، «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (نیست نیرو و قدرت به جز از آن خدا): «آن گنجی از گنج های بهشت است یا فرمود: «تو را بدان راه ننمایم؟»، «...بگویی: لا حول...».

۷۳۸۷ و ۷۳۸۸- ابوبکر رض به پیامبر(ص) گفت: یا رسول الله! دعایی به من بیاموز که آنرا در نماز خود بخوانم. آنحضرت فرمود: بگویی: (ترجمه) «بار الها! بر نفس خود بسیار ستم کرده ام و گناهان را به جز تو کسی نمی بخشد، پس پیامر مرا آموزش از بارگاه خود، همانا تویی آمرزنده مهربان».

۷۳۹۰- پیامبر(ص) برای اصحاب خود (نماز و دعاء) استخاره<sup>(۲۱۷)</sup> را در همه امور

---

۲۱۷- استخاره نمازی است که نمازگذار در کاری که قصد اجرای آن دارد، به خدا رجوع می کند تا او را به راه راست راهنمایی کند.

تعلیم می‌داد، چنانکه سوره‌ای از قرآن را به ایشان تعلیم می‌داد و می‌فرمود: «اگر هریک از شما به کاری قصد کند باید دو رکعت نماز به غیر از نماز فرض بگذارد و پس (از نماز) بگوید:»<sup>(۲۱۸)</sup>.

۷۳۹۲- «همانا خدا را نودونه اسم است، یک کم صد، کسی که آنرا بشمارد (احصاها) وارد بهشت می‌شود»<sup>(۲۱۹)</sup>. «أَحْصَيْنَاهُ»: «آنرا برشمردیم» یعنی: آنرا حفظ کرده‌ایم.

۷۳۹۴- پیامبر (ص) چون در بستر خود جای می‌گرفت (قبل از خواب) می‌گفت: «اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ أَمُوتُ وَأَحْيَا». ترجمه: «بار الها! به اسم تو می‌میرم و زنده می‌شوم». و چون صبح می‌کرد، می‌گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ». ترجمه: «سپاس و ستایش خدایی را که ما را زنده کرد، پس از آنکه ما را میرانده بود و زنده شدن پس از مرگ ما به سوی اوست».

۷۳۹۶- «اگر یکی از شما چون می‌خواهد که (به قصد جماع) بر زن خود درآید،

---

۲۱۸- ترجمه دعای استخاره: «بار الها! از تو به سبب علم تو نیکویی می‌طلبم و از تو به سبب قدرت تو توانایی می‌طلبم و از فضل تو مسألت می‌کنم، همانا تو قدرت داری و من ناتوانم و تو دانایی و من نادانم و تویی آگاه از غیب. بار الها! تو خود می‌دانی که اگر این کار (از قصد خویش به گونه مشخص نام برد) برای من در حال من و آینده من خیر است یا در دین من و زندگی و معیشت و فرجام کارم، آنرا به من ارزانی کن و آنرا برای من آسان گردان و سپس برایم در آن برکت نه. بار الها! و اگر می‌دانی که این کار در دین من و زندگی من و عاقبت کارم به شر من است، یا گفت: در حال من و آینده من، آنرا از من دور کن و توانایی کار نیک بده هر کجا باشد، سپس مرا بدان راضی بگردان».

۲۱۹- هر چند در باره شمار اسماء الله تعالی، بیش از نودونه هم در احادیث آمده ولی شمار یا حفظ کردن این اسماء که موجب دخول بهشت گفته شده به اعمال نیک بنده در رابطه به کار برد اسماء مذکور بستگی دارد، نه اینکه به مجرد حفظ آن، موجب دخول هر بدعملی گردد.

بگوید: «إِذَا أَرَادَ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ قَالَ: بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ، وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا». ترجمه: «به نام خدا! بار الها! ما را از شیطان دور بدار، و شیطان را از آنچه به ما روزی دادی (از فرزندان) دور دار! پس اگر میان آن دو (زن و شوهر) فرزندی در آن حالت مقدر شده باشد، شیطان هرگز به وی زبانی نمی‌زند».

۷۳۹۸- یا رسول الله! همانا در اینجا اقوامی اند که به روزگار شرک نزدیک اند (نوبه مسلمان شده‌اند) برای ما گوشت می‌آورند که ما نمی‌دانیم آیا اسم الله را (به هنگام ذبح) بر آن (حیوان) گرفته‌اند، یا نه؟ آنحضرت فرمود: «شما اسم خدا را بگیرید و بخورید».

۷۳۹۹- پیامبر (ص) دو قوچ قربانی را ذبح کرد در حالی که تسمیه و تکبیر می‌گفت. (بسم الله، و الله اکبر).

۷۴۰۳- «هیچکی غیرتمندتر از خدا نیست بدین سبب که او فواحش (گناهان شرم‌آور) را حرام ساخت و هیچکسی ستودن را بیش از خدا دوست ندارد».

۷۴۰۴- «آنگاه که خدا هستی را آفرید، در کتاب خود نوشت، و او بر ذات خود می‌نویسد و آن در نزد او بر عرش نهاده است اینکه رحمت من بر خشم من غالب آمده است».

۷۴۰۵- پیامبر (ص) فرمود: «خدای تعالی می‌گوید: «من نزد بنده‌ام چنانم که به من گمان می‌کند، و چون از من یاد کند، من با وی هستم، و اگر در نفس خود مرا یاد کند، در نفس خود او را یاری می‌کنم، و اگر مرا در جمعی یاد کند، او را در جمعی یاد می‌کنم که از آن بهتر باشد، و اگر به اندازه یک وجب به من نزدیک شود، به اندازه یک گز به او نزدیک می‌شوم و اگر به اندازه یک گز به من نزدیک شود، به اندازه دو گز به وی نزدیک می‌شوم، و اگر پیاده



(آهسته) نزد من بیاید، من دوباره نزد وی می‌روم».

۷۴۰۹- ... «نیست نفسی که پیدایش آن مقدر شده باشد، مگر آنکه خدا آنرا می‌آفریند».

۷۴۱۰- «از دوزخ بیرون آورده می‌شود کسی که لا إله إلا الله گفته و در دل وی به اندازه جوی از نیکویی بوده باشد، سپس از دوزخ بیرون آورده می‌شود کسی که لا إله إلا الله گفته و در دل وی به اندازه ذره‌ای از نیکویی بوده باشد».

۷۴۱۶- سعد بن عباده گفت: اگر مردی را با زن خود (در حال زنا) بینم، او را با تیزی شمشیر خود می‌زنم. این خبر که به پیامبر (ص) رسید، فرمود: «آیا از غیرت سعد تعجب می‌کنید، به خدا سوگند! من از وی غیرتمندترم و خدا از من غیرتمندتر است. و به خاطر همین غیرت خداست که فواحش (زناکاری) را چه آشکار و چه پنهان حرام کرده است، و هیچیکی نیست که عذرخواهی (و توبه) را بیشتر از خدا دوست داشته باشد و به همین خاطر است که مژده‌دهندگان و ترسانندگان را فرستاده است، و هیچیکی نیست که ستودن را بیش از خدا دوست داشته باشد و به همین خاطر است که بهشت را وعده کرده است».

۷۴۱۸- «خدا بود و هیچ چیز قبل از وی نبود و عرش وی بر آب بود، سپس آسمان‌ها و زمین را آفرید و همه چیز را در ذکر (لوح محفوظ) نوشت».

۷۴۲۳- «کسی که به خدا و رسول او ایمان بیاورد و نماز به پا دارد و رمضان را روزه بگیرد، حقی بر خداست که او را به بهشت درآورد، چه در راه خدا هجرت کند و چه در سرزمینی که زاده شده، اقامت کند» - «همانا در بهشت

\* [القصص: ۸۸]: «جز ذات او همه چیز نابودشونده است».

صد درجه است که خدا آن درجات را برای مجاهدین در راه خدا آماده کرده است که مسافت میان هر دو درجه به اندازه مسافت میان زمین و آسمان است، پس اگر از خدا (بهشت) می‌طلبید، فردوس (برین) را بخواهید و آن در میان بهشت است و بلندترین بهشت است و بلندتر از آن عرش رحمان است و نهرهای بهشت از آنجا سرازیر می‌شود».

۷۴۳۱- پیامبر (ص) به هنگام رنج و اندوه این کلمات را می‌خواند: (ترجمه): «نیست معبودی برحق به جز الله صاحب عظمت و جِلم، نیست معبودی برحق به جز الله، پروردگار عرش عظیم. نیست معبودی برحق به جز الله، پروردگار آسمان‌ها و پروردگار عرش ارجمند».

۷۴۳۴- ما نزد پیامبر (ص) نشسته بودیم، آنحضرت ناگاه به سوی ماه شب چهاردهم دید، فرمود: «همانا شما پروردگار خود را می‌بینید، چنانکه همین ماه را می‌بینید که در دیدن آن زحمتی نمی‌بینید. اگر بتوانید که مغلوب نمازی قبل از طلوع آفتاب (نماز صبح) و نمازی قبل از غروب آفتاب (نماز عصر) نشوید، این کار را بکنید».

۷۴۳۵- «همانا شما پروردگار خود را با چشمان خود می‌بینید».

۷۴۳۹- ... (\*) [النساء: ۴]: «در حقیقت خدا، هموزن ذره‌ای ستم نمی‌کند و اگر [آن ذره کار] نیک باشد دوچندانش می‌کند».

۷۴۴۳- «هیچیکی از شما نیست مگر اینکه پروردگار او با او سخن می‌گوید، و میان او و پروردگار او ترجمانی نیست و نه هم پرده‌ای است که خدا را (از نظر)

---

\* [فاطر: ۱۰]: «سخنان پاکیزه به سوی او بالا می‌رود».

\* [القیامه: ۲۲ - ۲۳]: «در آن روز چهره‌هایی شادابند، به سوی پروردگار خود می‌نگرند».

بیوشاند».

۷۴۴۶- «سه کسی اند که خدا در روز قیامت با ایشان سخن نمی گوید و به سوی آنان نمی نگرند: مردی که بر متاعی (که می فروشد) سوگند می خورد که (در خرید آن بهایی) بیش از آنچه (خریدار تقاضا می کند) داده است، در حالی که او دروغ می گوید، و مردی که پس از عصر (که خرید و فروش رو به اختتام است) سوگند دروغ می خورد تا با آن سوگند مال مرد مسلمان را برباید. و مردی که آب زیادتی دارد و (مردم را از استفاده از آن) منع می کند، خدا در روز قیامت می گوید: امروز من فضل خود را از تو بازمی دارم چنانکه تو زیادتی (آب) را که آنرا دست تو حاصل نکرده (از مردم) بازداشتی».

۷۴۴۸- «همانا از آن خداست آنچه را می گیرد و از آن اوست آنچه را می دهد و هر چیز برای مدتی معین است، پس صبر کن و به امید ثواب باش»، ... «همانا خدا بر بندگان رحم کننده خود رحم می کند».

۷۴۵۸- مردی نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: مردی برای اظهار غیرت می جنگد و مردی برای ابراز شجاعت می جنگد و مردی برای خودنمایی می جنگد، پس کدامیک از آنان در راه خدا می جنگد؟ آنحضرت فرمود: «کسی که برای بلندی کلمه خدا (اسلام) می جنگد، همانکس در راه خدا می جنگد».

۷۴۶۰- «در میان امت من گروهی هستند که پیوسته به (اجرای) امر خدا استوار هستند کسی که ایشان را تکذیب کند و کسی که با ایشان مخالفت کند، به

---

\* [الأعراف: ۵۶]: «همانا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است».

\* [آل عمران: ۱۹۰]: «مسئلاً در آفرینش آسمانها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز،

برای خردمندان نشانه‌هایی (قانع کننده) است».

ایشان زیان زده نمی‌تواند تا آنکه امر خدا (قیامت) می‌آید، و آنها بر همان منوال می‌باشند».

۷۴۶۴- (\*) [البقره: ۱۸۵]: «خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد».

۷۴۶۵- «آنگاه که شما در دعای خود از خدا چیزی می‌خواهید، به استواری و قاطعیت بخواهید و هیچیک از شما نگوید: (خدایا) اگر می‌خواهی به من بده، زیرا کسی خدا را مجبور ساخته نمی‌تواند».

۷۴۶۶- «مثال مؤمن، مثال شاخه‌ تازه سبز زراعت است که از هر جهت که باد بوزد، آنرا به همان جهت می‌خماند، و چون باد آرام شود، راست می‌گردد، همچنان است شباهت مؤمن به آنکه در مصیبت خمیده (منحرف) می‌شود (ولی چون شاخه‌ تازه به زودی به حالت اصلی خود برمی‌گردد) ولی مثال کافر، مثال درخت صنوبر است که سخت و استوار است، تا خدا، هر گاه که بخواهد، آنرا از پای درآورد».

۷۴۶۸- «بیعت شما را بر این می‌گیرم که به خدا چیزی شریک میاورید و دزدی نکنید و زنا نکنید و فرزندان خود را نکشید و دروغی را که از پیش خود افترا کرده‌اید، نیاورید و در امر معروف از من نافرمانی نکنید، پس هر که از بیعت وفا کرد، پاداش وی با خداست، و کسی که مرتکب چیزی از این گناهان شد و در دنیا مجازات شد، همان مجازات، کفاره (گناه) او و پاکی اوست. و کسی را که خدا گناه او را پوشید، اگر بخواهد او را عذاب می‌کند و اگر بخواهد او را می‌آمرزد».

۷۴۷۴- «هر پیامبری را دعایی است (که مستجاب می‌شود) و من می‌خواهم ان شاء الله، دعای خود را برای شفاعت امت خود در روز قیامت نگاه دارم».

۷۴۷۶- اگر سائلی نزد پیامبر (ص) می آمد (یا نیازمندی). آنحضرت (به اصحاب خود) می گفت: «به وی کمک کنید که ثواب حاصل کنید، و هر آنچه خدا بخواهد بر زبان رسول خود جاری می سازد».

۷۴۸۸- «ای فلان! آنگاه که بر بستر خواب خود جای گرفتی، بگو: (ترجمه) «بار خدایا! به تو مطیع و منقاد شده‌ام و به تو روی آورده‌ام، و سروکارم را به تو سپرده‌ام و به فضل و کرم تو اتکاء کرده‌ام به امید ثواب و ترس از عقاب تو. هیچ پناهی نیست به جز پناه تو و هیچ رستگاری نیست به جز به سوی تو. ایمان آوردم به کتاب تو که آنرا فرود آوردی و به نبی تو که او را فرستادی».

پس اگر تو در همان شب خود بمیری، به فطرت (اسلام) می میری و اگر شب را صبح کنی به ثواب بزرگ می رسی.

۷۴۹۱- «خدای تعالی می گوید: پسر آدم آزارم می دهد، دهر (زمانه) را دشنام می دهد و من دهرم؛ همه امور در دست (قدرت) من است و روز و شب را می گردانم».

۷۴۹۲- «خدای عزوجل می گوید: روزه برای من است و من در برابر آن پاداش می دهم. (زیرا بنده‌ام) از شهوت و خوردونوش خود به خاطر من درمی گذرد و روزه سپری (از آتش دوزخ) است. و برای روزه‌دار دو فرحت و خوشی است: فرحت و خوشی وی به هنگام افطار (روزه) است. و فرحت و خوشی دیگر، آنگاه است که پروردگار خود را ملاقات می کند. و بوی دهن روزه‌دار به نزد خدا، از بوی مشک خوشبوتر است».

۷۴۹۴- «پروردگار ما تبارک و تعالی هر شب به آسمان دنیا فرود می آید، و آن زمانی است که سوم حصه آخر شب باقی مانده است و می گوید: کیست که به من دعا کند، تا دعایش را قبول کنم؟ کیست که از من بخواهد تا به وی

ارزانی کنم؟ کیست که از من آمرزش بخواهد تا او را بیامرزم؟»

۷۴۹۶- «خدا گفته است، انفاق کن که بر تو انفاق شود.»

۷۴۹۸- «خداوند گفته است: آنچه را بر بندگان نیکوکار خود آماده کرده‌ام، نه

چشمی آنرا دیده و نه گوشی آنرا شنیده و نه در دل بشری گذر کرده است.»

۷۵۰۱- «خدا می‌گوید: هرگاه بنده من بخواهد که کار بدی کند. (به مجرد اراده

آن) بر وی نوشته نمی‌شود تا آنکه آن کار را بکند و چون آن کار را بکند

(گناه آن) مانند آن نوشته می‌شود، و اگر آن کار بد را به خاطر من ترک کند،

برای وی نیکویی نوشته می‌شود، و هرگاه بخواهد کار نیکی بکند، ده چند تا

هفتصد چند آن برایش (نیکی) نوشته می‌شود.

۷۵۰۲- «خدا، هستی را آفرید و چون از آفرینش فارغ شد، رَحِم (زهدان، قرابت

خویشاوندی) ایستاد. خدا به او گفت: باز ایست (چه می‌خواهی؟) رَحِم گفت:

این جایگاه کسی است که از قطع (صله رَحِم) به تو پناه می‌جوید. خدا گفت:

آیا راضی نمی‌شوی که بیبندم با کسی که با تو می‌پیوندد و بگسلانم از کسی

که از تو می‌گسلاند؟ رحم گفت: آری، پروردگارا. خدا گفت: این از برای

تو است.»

۷۵۰۴- «خداوند فرموده است: اگر بنده‌ام دیدار مرا (در قیامت) دوست بدارد،

دیدار او را دوست می‌دارم، و اگر دیدار مرا ناخوش بدارد، دیدار او را ناخوش

می‌دارم.»

۷۵۰۵- «خدا فرمود: من در پندار بنده‌ام چنانم که می‌پندارد (با وی بدانگونه عمل

---

\* [محمد]: ۲۲: «پس [ای منافقان] آیا امید بستید که چون [از خدا] برگشتید [یا سرپرست مردم

شدید] در زمین فساد کنید و خویشاوندی‌های خود را از هم بگسلید.»

می‌کنم که او نسبت به من گمان می‌کند).

۷۵۱۰- ... «خداوند می‌گوید: و به عزت من و جلال من و کبریایی من و عظمت

من، از دوزخ بیرون می‌آورم کسی را که لا إله إلا الله گفته است».

۷۵۱۷- ... «(خدای) جبار گفت: ای محمد! آنحضرت گفت: «لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ»

گفت: همانا سخن من تغییرپذیر نیست، چنانکه در ام‌الکتاب (لوح محفوظ) بر

تو فرض گردانیده‌ام. پس بر هر کار نیک، پاداش آن ده برابر آن است، پس در

(ام‌الکتاب) پنجاه نماز است و بر تو پنج نماز است».

۷۵۲۷- «از ما نیست کسی که قرآن را به غناء (آواز خوش) نخواند».

۷۵۳۶- پیامبر (ص) از پروردگار خود روایت می‌کند: «اگر بنده به اندازه یک وجب

به من نزدیک شود به وی به اندازه یک دست (گز) نزدیک می‌شوم و اگر (به

اندازه) یک دست به من نزدیک شود، من به اندازه دو دست به وی نزدیک

---

\* [البقره: ۱۵۲]: «پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم».

\* «همانا خدا هر آنچه از امر خود بخواهد پدید می‌آورد و یک از آنچه پدید آورده، این است که در حال نماز سخن نگوید».

\* «خدای تعالی گفته است: من با بنده خود هستم. تا آنگاه که مرا یاد کند و به یاد من لب‌های خود را حرکت بدهد».

\* پیامبر (ص) به بلال گفت: «از کاری که در اسلام کردی و به (ثواب) آن امیدوار هستی مرا آگاه کن». بلال گفت: کاری نکرده‌ام مگر آنکه (هر زمان که) وضو گرفتم (دو رکعت) نماز گذاردم.

\* «نماز کسی که فاتحه‌الکتاب را نخواند، نماز نیست».

\* [المعراج: ۱۹ - ۲۱]: «به راستی که انسان سخت آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است. چون صدمه‌ای به او رسد، عجز و لابه کند و چون خیری به او رسد، بخل ورزد».

می شوم و اگر پیاده به سوی من بیاید من دویده به سوی او می روم». ۷۵۴۸- «آواز مؤذن را نه جن و نه انسان و نه چیز دیگر نمی شنود، مگر آنکه در روز قیامت برای وی شهادت می دهد».

۷۵۴۹- عایشه رض گفت: پیامبر (ص) قرآن می خواند در حالی که سر وی در کنار من بود و من حایض بودم.

۷۵۵۰- «... همانا این قرآن بر هفت حرف نازل شده است، پس آنچه بر شما آسان است بخوانید».

۷۵۶۲- «مردمانی از جانب مشرق بیرون می آیند و قرآن را می خوانند که از گلوهای شان نمی گذرد، از دین چنان می گریزند که تیر از شکار می گریزد، سپس به دین بازمی گردند تا آنکه تیر به کمان خود باز گردد (که امکان ندارد)»... فرمود: «چهره هایشان، موی تراشیده است یا فرمود: «موی برکنده است».

۷۵۶۳- «دو کلمه است که در نزد خدای رحمن دوست داشتنی است که بر زبان

---

\* «ماهر بودن در (تلاوت و حفظ) قرآن، همراهی با بزرگان و نیکان (در آخرت) است»، «قرآن را با آوازهای خویش زینت دهید».

\* [المزمل: ۲۰]: «هرچه از قرآن میسر می شود، بخوانید».

\* «هرکس را همان کار آسان است که برایش مقدر شده است».

\* [القمر: ۱۷]: «و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده ایم، پس آیا پندگیرنده ای هست؟».

\* پیامبر (ص) ایمان را عمل نامید.

\* [الأنبیاء: ۴۷]: «و ترازوهای قسط (داد) را در روز قیامت می نهیم» (اعمال بنی آدم و گفتارشان وزن می شود).



ادای آن سبک است ولی در ترازوی اعمال سنگین می باشد: **سُبْحَانَ اللَّهِ  
وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ.**

اگست ۲۰۱۲



## گلچین ترجمه فارسی دری صحیح البخاری

جلد اول :

- ۲۹..... نیت، ایمان و حیا، مسلمان و مهاجر، خصلتهای اسلام، ایمان به وجه کمال، ایمان کامل، شیرینی ایمان
- ۳۰..... بیعت با آنحضرت ص، بهترین مال مسلمان در آینده، بهترین عمل، سه خصلت ایمان، خصلت اسلام
- نا سبا سی شوهر، روش با خدمتگزار، خصلتهای مناقف، همراهی جنازه، دشنام و قتل مسلمان، شب قدر، احسان، نفعه خانواده،
- ۳۱..... علامه قیامت، دعا
- حرامها و مقام معلم و عالم، آسانگیری، علم و بزرگی، دارایی و دانش، دعا، تخفیف نماز جماعت، حذر از دروغ، سلام و
- ۳۲..... سخن مفید، نیکبخت به شفاعت
- کلمه شهادت و نجات از آتش، کمرویی و تکبر در کسب علم، فضیلت و طریقه و وضوء، دعا، قضای حاجت و جهت قبله، نو
- ۳۳..... شیدن آب در ظرف، مستراح رفتن، استنجا، نماز و گناهان گذشته
- غسل میت، پوشیدن کفش، شانه کردن موی و طهارت از طرف راست، رحم بر حیوانات، خنده در نماز، ثواب انتظار به نماز،
- ۳۴..... شکستن وضو
- بیخوابی در نماز، عذاب در آلودگی لباس با پیشآب و سخن چینی، آسانگیری، تبسم و خنده در نماز، مسح بر موزه، ایستاده
- پیشآب کردن، پیشآب کردن در آب، پاکی جامه در نماز و دسترسی به آب بعد از نماز با تیمم، نوشیدنی های حرام، مسواک
- ۳۵..... در وقت تهجد، غسل، کفایت آب برای غسل
- ۳۶..... مذی، غسل، جنابت
- حایض در حج، حیض، حیض، حایض و حج، ذبح با جنابت، ذبح حلال، استحاضه
- ۳۷..... حایض و حج، پنج چیز که به آنحضرت ص داده شده است
- ۳۸..... مریض و تیمم، طریقه تیمم، دوام تیمم، حالتیکه تیمم رواست، دستور پیامبر ص، نماز در یک جامه
- نماز در یک جامه، پاکی لباس در نماز، معاملات خرید و فروش که منع شده، نماز بالای پارچه نقشدار یا عقب آن - منع جامه
- ۴۰..... ابریشمی
- نماز در عقب نیزه با حله سرخ، نماز در پهلوی زن حایض، نماز در عقب شخص خواب شده - نماز در گرما
- ۴۱..... نماز با کفش، مسح موزه، کامل نکردن رکوع و سجده، حالت بازو ها در نماز جهت در قضای حاجت، مناسک حج، جهت
- در نماز فرض، فراموشی و سجده سهو در نماز
- ۴۲..... جهت آب دهن انداختن در مسجد، بخشش و قناعت، برکت نماز در خانه، برکت کلمه توحید
- ۴۳..... آغاز کردن از طرف راست، نیکوئی آخرت، نماز در آغل گوسفندان، ادای نماز در منزل، نماز در کلیسا، خواب جوان مجرد
- در مسجد - بازگشت از سفر
- ۴۴..... نماز و ثواب انتظار - آبادی مسجد، شرط گذاشتن، ثواب نظافت کردن مسجد، دراز کشیدن به پشت، ثواب نماز جماعت
- ۴۵..... پیشروی نمازگذار نیزه گذاشتن، نماز و مسایل مربوط به آن
- ۴۶..... پاک کردن راه، نماز، خدامندج هفت کس را زیر سا به خود در روز قیامت جا میدهد، نماز و طعام
- ۵۱..... اطاعت از امیر، نماز
- ۵۲..... نماز جماعت، شهدا کی ها اند ؟، مسایل مربوط نماز
- ۵۴..... مسایل مربوط نماز، دعا، نماز و غسل، نماز (جمعه)، نماز عید و قربانی، ایام منا و تشریق
- ۵۹..... نماز عید، دعای استسقاء - دعا در باران
- ۶۰..... علائم قیامت
- ۶۲.....

باران و شکر، کلید غیب، خسوف و کسوف، عذاب قبر، خسوف.....	۶۳
جلد دوم :	
مسائل مربوط به سفر، نماز در سفر.....	۶۷
دعا و نماز شب.....	۶۸
سه وصیت آنحضرت ص به ابوهزیره رض، نجات از آتش، نماز در مدینه و مکه، سفر زن، مسائل مربوط به نماز.....	۶۹
نماز و سلام، سجده سهو، امر به هفت چیز و منع از هفت چیز.....	۷۰
ترس از حساب و گناه، غسل و کفن میت، دارایی میت.....	۷۱
مسائل میت.....	۷۲
مسائل جنازه.....	۷۳
عذاب قبر و یاد از مرده، تقدیر و عمل.....	۷۴
اعمال برای ورود به بهشت، صدقه.....	۷۵
صدقه، هفت کس زیر سایه خدا(در روز قیامت)، خوردن مال مردم به حرام، مسائل صدقه.....	۷۷
صدقه و ذکات.....	۷۸
خوشی دنیا و خوردن مال به ناحق، مستحق ص.....	۷۹
کسب حلال بهتر از خواستن صدقه، قبول صدقه بدون درخواست.....	۸۰
سوال از مردم، خریدن مال صدقه، دعای مظلوم، محاسبه با مامور جمع کردن ذکات.....	۸۱
صدقه فطر، حج به جای پدر، بهترین اعمال، حج.....	۸۲
مسائل مربوط به حج.....	۸۳
اوقات کراهیت نماز، مسائل حج و نماز، آب زمزم.....	۸۶
حضور زنان در مسائل خیر و دعا، نماز و حج.....	۸۷
مسائل حج و قربانی.....	۸۸
مسائل حج (تراشیدن سر).....	۸۹
خطبه روز نهر، رمی در حج.....	۹۰
طواف حیاض، مسائل حج (سنگریزه، عطر).....	۹۱
مسائل مربوط به عمره، حج و عمره.....	۹۲
بازگشت از سفر، مسائل مربوط به سفر، حج، گوشت گوره خر، چلیپاسه، مسجد الحرام.....	۹۳
مسجدالحرام، حجامت محرم، ازدواج محرم، لباس محرمه، مسائل مربوط به محرم (مرد در احرام).....	۹۴
میقاتها- فراموشی درحال احرام، ادای نذر دیگران، حج به دیگری ۹۵ فضیلت حج با زن خویش، عمره در رمضان- آسانی در ادای نذر- عهد با مسلمان، فضایل مدینه و اهل آن.....	۹۶
فضایل مدینه، دعای حضرت عمر رض، روز عاشورا، مسائل مربوط به روزه (مجامعت، دشنام)، فتنهء مرد و نجات او، نیت، شب قدر، شرایط روزه.....	۹۷
شرایط روزه، اجر روزه، ازدواج و روزه، زمان روزه.....	۹۸
ناراحتی از زن، حساب ماه، خواستن غذا و روزه، روزه عاشورا، روزه و همخوابگی.....	۹۹
مسائل مربوط به روزه.....	۱۰۰

## گلچین ترجمه فارسی دری صحیح البخاری

- ۱۰۴..... شب قدر، اعتکاف ..... اعتکاف ف
- ۱۰۵..... اعتکاف ف
- ۱۰۶..... مجلس عروسی، حلال و حرام و مشکوک ..... مجلس عروسی، حلال و حرام و مشکوک
- ۱۰۷..... خرماى افتاده، گوشت حلال، حلال و نقره ..... خرماى افتاده، گوشت حلال، حلال و نقره
- تجارت و عبادت، صدقه دادن زن از طعام خانه، فواید صلّه رحم، خرج خانه آنحضرت ص، نرمش در معاملات، گذشت با
- ۱۰۸..... قرضدار ..... قرضدار
- ۱۰۹..... راستی در خرید و فروش، سود و صدقه - سوگند در معامله، کدو ..... راستی در خرید و فروش، سود و صدقه - سوگند در معامله، کدو
- ۱۱۰..... همنشین خوب و بد، فسخ خرید و فروش، خرید، اخلاق پیامبر ص، پیمانۀ کردن غله ..... همنشین خوب و بد، فسخ خرید و فروش، خرید، اخلاق پیامبر ص، پیمانۀ کردن غله
- خرید و فروش، بیع جنس به جنس، مسایل مربوط به خرید و فروش، نگهداشت حیوان فروخته شده، مسایل خرید، مسایل
- ۱۱۱..... فروش..... خرید و فروش، بیع جنس به جنس، مسایل مربوط به خرید و فروش، نگهداشت حیوان فروخته شده، مسایل خرید، مسایل
- ۱۱۲..... مسایل مربوط به بیع ..... مسایل مربوط به بیع
- ۱۱۳..... تبادلۀ جنس، خرید و فروش ..... تبادلۀ جنس، خرید و فروش
- ۱۱۵..... استفاده از مال یتیم، شفعه در مال، پرداخت مزد با مفاد ..... استفاده از مال یتیم، شفعه در مال، پرداخت مزد با مفاد
- ۱۱۶..... اعمال نیک قبل از اسلام، پوست گوسفند مرده، آمدن عیسی ع ..... اعمال نیک قبل از اسلام، پوست گوسفند مرده، آمدن عیسی ع
- ۱۱۷..... دشمنی خداج با سه کس در قیامت، جلوگیری از نسل، آنچه حرام است ..... دشمنی خداج با سه کس در قیامت، جلوگیری از نسل، آنچه حرام است
- جلد سوم :
- ۱۲۱..... بیع، خرید و گرو، شفعه، همسایه نزدیک، خوشخویی خزانه دار، تعیین کارمند، چوپانی پیامبران ..... بیع، خرید و گرو، شفعه، همسایه نزدیک، خوشخویی خزانه دار، تعیین کارمند، چوپانی پیامبران
- ۱۲۲..... شروط مزدوری، دفاع از خود، دشمن خدای، تشویق به صدقه ..... شروط مزدوری، دفاع از خود، دشمن خدای، تشویق به صدقه
- ۱۲۳..... مزد معلم، سوره شفا، حجات و مزد آن، آنچه حرام است، نگرتنن مزد از نسلگیری حیوان، حواله، نماز جنازه قرضدار ..... مزد معلم، سوره شفا، حجات و مزد آن، آنچه حرام است، نگرتنن مزد از نسلگیری حیوان، حواله، نماز جنازه قرضدار
- ۱۲۴..... ادای دین مرده، ادای قرض مسلمان، محافظت دارایی کافر و مسلمان، وکالت از حاضر و غایب، ادای حق و حق سخن ..... ادای دین مرده، ادای قرض مسلمان، محافظت دارایی کافر و مسلمان، وکالت از حاضر و غایب، ادای حق و حق سخن
- درخواست ازدواج از جانب زن، تسبیح قبل از خواب، خرید و فروش جنس به جنس، صدقه، امانتداری خزانه دار، زراعت و
- ۱۲۵..... صداقت، نگهداشت سگ، شراکت در زراعت زمین ..... صداقت، نگهداشت سگ، شراکت در زراعت زمین
- ۱۲۶..... تحویل زمین بدون مفاد، زارع زمین، آبادی زمین بدون مالک، مسایل زمین و زراعت ..... تحویل زمین بدون مفاد، زارع زمین، آبادی زمین بدون مالک، مسایل زمین و زراعت
- ۱۲۷..... اجاره زمین، رساندن علم به دیگران، جانب راست، سوگند دروغ برای کسب مال ..... اجاره زمین، رساندن علم به دیگران، جانب راست، سوگند دروغ برای کسب مال
- ۱۲۸..... سه کسی مورد عذاب خدای، حکمیت پیامبر ص، احسان به حیوانات، سه مورد قهر ..... سه کسی مورد عذاب خدای، حکمیت پیامبر ص، احسان به حیوانات، سه مورد قهر
- حساب خوبی و بدی، مال یافته شده، کسب حلال، خرید درخت با میوه نیت در ادا یا تلف مال مردم، صدقه، صاحب حق و
- ۱۲۹..... ادای قرض ..... ادای قرض
- ۱۳۰..... آسانگیری در داد و ستد، قرض، ادای قرض در توانگری، گرفتن مال خود از دیگران ..... آسانگیری در داد و ستد، قرض، ادای قرض در توانگری، گرفتن مال خود از دیگران
- ۱۳۱..... فریب در معاملات، آنچه حرام است، رفتار با خدمتگزار، خوردن خرماى افتاده، دوشیدن حیوان دیگری ..... فریب در معاملات، آنچه حرام است، رفتار با خدمتگزار، خوردن خرماى افتاده، دوشیدن حیوان دیگری
- ۱۳۲..... مهلت به ستمکاران، ستر گناهان مسلمان توسط خداوند ج، حق مسلمان بر مسلمان، کمک به ظالم و مظلوم، امر به هفت چیز ... مهلت به ستمکاران، ستر گناهان مسلمان توسط خداوند ج، حق مسلمان بر مسلمان، کمک به ظالم و مظلوم، امر به هفت چیز ...
- ۱۳۳..... انتقام مظلوم، دعای مظلوم، بخشش از مظلوم، گرفتن زمین به ظلم، ستیزه جویی، خصلت های منافق ..... انتقام مظلوم، دعای مظلوم، بخشش از مظلوم، گرفتن زمین به ظلم، ستیزه جویی، خصلت های منافق
- خرج خانه مرد خسیس توسط زنش، حق همسایه، حق راه و پاک کردن آن، آنچه منع است، ضیاع ایمان، قیامت، دفاع از مال
- خود ..... خرج خانه مرد خسیس توسط زنش، حق همسایه، حق راه و پاک کردن آن، آنچه منع است، ضیاع ایمان، قیامت، دفاع از مال
- ۱۳۴..... دادن امانت همسایه، فرمانبردارى مادر در جریان نماز، خوردن خرما(دوتایی)، شفعه، بیع نقد و نسیه، وسیله ذبح حیوانات ..... دادن امانت همسایه، فرمانبردارى مادر در جریان نماز، خوردن خرما(دوتایی)، شفعه، بیع نقد و نسیه، وسیله ذبح حیوانات

- ۱۳۶..... خراج خانه ء آنحضرت ص، حیوان یافت شده، حیوان گروی، کمک نیازمند، نیت
- ۱۳۷..... و سوسه و گناه، فرمایش خداوند ج، روش با زیر دستان، منع زدن به روی در جنگ، تحفه ء همسایه
- ۱۳۸..... معشیت خانواده ء پیامبرص - شانه و پاچه ء گوسفند، سوسمار، عطر، قبول و ادای هدیه، عدالت بین فرزندان .....  
 هدیه بین زن و شوهر، تشویق به صدقه، شمار نکردن صدقه، هدیه به اقارب (ماما)، حق همسایه ء نزدیک، نگرفتن هدیه توسط  
 ماءمور ذکات.....
- ۱۳۹.....
- ۱۴۰..... مجامعت با زن خویش در رمضان، تشویق به ادای قرض، پوشیدن حله ء ابریشمی، نیکی با مشرکان
- ۱۴۱..... نخریدن صدقه، شهادت بعد از شنیدن .....
- ۱۴۲..... رجوع بعد از سه طلاق، شیرخوارگی و ازدواج .....
- ۱۴۳..... قضاوت به اعمال (ظاهری) شخص، یاد کردن مردم به بدی یا خوبی از جنازه (میت) .....
- ۱۴۴..... شیر خوارگی و نسب، شیر خوارگی و زاییدن، تهمت به زنان پاکدامن، زنا کار مجرد، عدالت بین فرزندان، خیانت، نذر، چاقی .
- ۱۴۵..... شهادت و سوگند، گنا هان کبیره، قبول توبه، سوگند ناجایز، کسی را تزکیه نکنید .....
- ۱۴۶..... بلوغ و اجازه خواستن، سن بلوغ، واجبت غسل جمعه، سوگند دروغ، سوگند مدعی علیه .....
- ۱۴۷..... تهمت شخص به زنش (برای زنا) و لعان، شاهد یا سوگند، قرعه در سوگند، وصف دروغین متاع، سوگند به نام خدا، اسلام ....  
 سوگند به نام خدا، پذیرفتن حکم ناحق قاضی اگر چه به نفع شخص هم باشد، امر پیامبر ص، سه نشانهء منافق، شهادت مردم  
 ادیان دیگر - معامله با اهل کتاب.....
- ۱۴۸..... سفر و نوبت همسران، اجر آذان، صف اول، نماز به وقت، خفتن و صبح، متوجه کردن امام در جماعت به اشتباهش، صلح میان  
 مردم (قاصدی) .....
- ۱۴۹..... رضایت زن با شوهرش بودن بجای طلاق، بدعت در شریعت، منزلت خاله، بندگان مقرب خدا ج، تقاضای قرض، دروغ جایز
- ۱۵۰.....
- ۱۵۱..... عدالت صدقه است، شراکت مال و تقسیم آن، خیر اندیشی، ادای مهر، مسایل خرید و فروش، طلبگاری و تعدد ازدواج .....
- ۱۵۲..... خرید و فروش غیر مجاز، شرط باطل، تعیین ميعاد قرض، شرط به رضا .....
- ۱۵۳..... اسمای خداوند ج، وصیت به وقت، میراث از آنحضرت ص، وصیت و صدقه .....
- ۱۵۴..... وصیت، قصاص از غیر مسلمان، بهترین وقت صدقه، تبریه، گمان بد، ادای امانت .....
- ۱۵۵..... میراث .....
- نداشتن حرص و طمع، امتیاز دست بالا، نگهداری مال پدر، حق خویشاوند نزدیک، بهره از حیوان قربانی خود، صدقه برای  
 اقارب بنام خدا ج .....
- ۱۵۷.....
- صدقه از جانب مادر فوت شده، خرج کردن (صدقه) از چیزی که دوست دارید، دو نوع ولی در میراث، ادای نذر مادر بعد از  
 وفاتش، عدالت با یتیم، عقد یتیمه با ولی اش - هفت خصلت هلاک کننده .....
- ۱۵۸..... خیر خواهی در مال یتیم، روش با خدمتگار، وقف زمین مشترک، وقف ملکیت به دیگران، مفاد پول ذکات، صدقه از پیامبر  
 ص نه میراث، هدیه به خاطر خدا ج .....
- ۱۵۹..... معامله خدا با بندگان، جهاد، حج مرور، اهمیت جهاد، اهمیت بهشت .....
- ۱۶۰..... اهمیت شهادت، زن بهشتی، ثواب مرگ در هجرت - گفتار و کردار، مجاهد اصلی .....
- ۱۶۱.....

## گلچین ترجمه فارسی دری صحیح البخاری

- قدمهای مجاهد، صفات آنحضرت ص، توبه، قاتل، انواع شهادت، اهمیت روزه، خرچ در راه خداج ..... ۱۶۲
- خیر خیر می آورد، مال حلال و صدقه، کمک به مجاهد، حق خدا بر بندگان و برعکس، شومی در سه چیز، حسابگیری اعمال  
- قانون خداوند ج ..... ۱۶۳
- از پیامبر ص چی باقی ماند؟، جهاد زنان، دلبسته دینار (مادیات)، انواع صدقه، دعا، ظاهر اعمال و عاقبت شخص ..... ۱۶۴
- تیر اندازی (از نزدیک)، نگهداری خداوند، بیخبل و صدقه دهنده، جواز پوشیدن پیراهن ابریشمی، گناه رعایا با لای امیر - قیصر  
به ابوسفیان ..... ۱۶۵
- سفر در پنجشنبه، نماز مسافر، روزه مسافر، اطاعت از امام، سریه، جوامع الکلم ... ۱۶۶ توشهء پرهیزگاری، سفر با قرآن، ادای  
تکبیر در حج، تکبیر در بلندی و تسبیح در نشیبی، ثواب مریض و مسافر، تنها سفر کردن در شب ..... ۱۶۷
- نماز مسافر، سفر کوتاه، نخریدن صدقه خود، رجوع به بخشش، جهاد در خدمت والدین، جهاد والدین، گردنبند شتر ..... ۱۶۸
- سفر زن، جاسوس، سبب هدایت، اجر سه کس دو بار است، نکشتن زنان و اطفال در جنگ، رویارویی با دشمن، فریب در  
جنگ ..... ۱۶۹
- نزاع نکردن با یکدیگر، آسانگیری با مردم، صفات پیامبر ص، آسانگیری با اسیران، شرایط جنگ، نماز قبل از اعدام، اعمال  
نیکو کدام است؟، حقوق کفار در دیار اسلام ..... ۱۷۰
- جایزه به نمایندگان، لباس ابریشمی، دعای مظلوم، مسلمان و جنت، بلندی دین با مرد فاجر، پرسش از خیانت، خیانت اما  
نت، ذبح با دندان ناخن، جهاد، نماز بعد از سفر، رسیدن شیطان مثل خون، شیرخوارگی و ولادت ..... ۱۷۱
- تسبیحات مهم، نام (قاسم)، عالم دین، تصرف مال مردم، غنایم، دوست ترین سخن، تغییر سوگند، بخل، عدالت، تحفه به  
بیسبر و کجدل ..... ۱۷۲
- تحفه برای الفت به اسلام، نرمی و هدیه دادن، گوشت خر، تعیین مقدار جزیه، خطر فراخی مال دنیا و هلاکت با آن، بدعت ..... ۱۷۳
- عهد، قبول صلح از دشمن، پناه به خدا از فریب، عهد خاین را باز گردانیدن، امان دادن مسلمان، عهد مسلمان، پیمان شکنی،  
آفرینش، رحم خدا ..... ۱۷۴
- غضب زمین، اجر نماز، صدقه در راه خدا، سخاوت و رمضان، سگ و صورت در خانه، ثواب انتظار نماز، دیدار پیامبر ص با  
خداج و جبرئیل ..... ۱۷۵
- اهل بهشت و اهل دوزخ، نعمات بهشت، بهشتیان در بهشت، فضیلت بهشت بر دنیا ..... ۱۷۶
- درجات بهشتیان - دربهشت و روزه داران، تب و آب سرد، عالم بی عمل خواب و شیطان ..... ۱۷۷
- خواب و نماز صبح، نزدیکی با همسر بخاطر نسل - وقت نماز فجر، نگذشتن از جلو نماز گذار، آیت کرسی قبل از خواب،  
ماه رمضان، اعمال شب ..... ۱۷۸
- شخص خشمگین چی بگوید - فراموشی در نماز، خمیازه (فاجه)، نگرستن در نماز، خواب خوب و یا خراب، بهترین تسبیح ..... ۱۷۹
- چوپان و آذان، مار، گوشه نشینی، خواص گوسفنداران، آواز خروس و خر ..... ۱۸۰
- چلپاسه، پنج تبهکار، نگهداری حیوان - قصاص و عدالت، رحم به حیوان و بخشش گناهان، نگهداری سگ ..... ۱۸۱

جلد چهارم

- خواب جماع زن، نیکویی با زنان، بهترین درود، گرمای ترین مردم، مساکن ستمکاران، شیر و شراب ..... ۱۸۵
- روزه عاشورا، سه روز روزه در ماه، روزه و نماز محبوب نزد خداج، شراکت، جای نماز، سپاس خدا و والدین ..... ۱۸۶
- نصایح لقمان، شرک و ایمان، ایمان و بهشت ..... ۱۸۷

- دجال، آسانی در معاملات (قرض) با مردم، پیروی از اهل کتاب، نماز با دست در پهلو، نشر حدیث صحیح ..... ۱۸۸
- بی صبری و قتل نفس، ترحم به حیوانات، پیوند موی، فضیلت حضرت عمر رض، امانتداری ..... ۱۸۹
- طاعون، صبر در مرض، عدالت بین فقیر و دارا، گذشت با قرضدار ..... ۱۹۰
- ترس از خداج، حیوان در قید، حیا، سپردن زعامت ..... ۱۹۱
- دورویی، بزرگترین دروغ ها، صبر در مصیبت، کنیت نکردن به (ابولقاسم)، چهره و موی آنحضرت ص، قد آنحضرت ص، زنگ کردن مو، لباس سرخ ..... ۱۹۲
- اخلاق خوش، انتخاب آسانی و انتقام به خاطر خداج، حیای آنحضرت ص. ..عیب بر غذا، طریق سجده، سخن گفتن آنحضرت ص، خواب پیامبر ص، پوشش فتنه مرد، علامهء قیامت ..... ۱۹۳
- دیدار پیامبر ص، حج زن، حسادت به مال، ظهور فتنه ها ..... ۱۹۴
- از دیاد فسق و هلاکت، علامات قیامت، اهمیت نماز عصر ..... ۱۹۵
- ناخوشی از برتری دیگران، گوشه گیری از مردم بد، والی، مردم نیک، تجارت، مردم ناامین، درازی جامه از تکبر، برتری ابوبکر و عمر رض از زبان علی ک، دوستی، تسبیحات موءثر ..... ۱۹۶
- دعا از شخص زنده، اخلاق نیک، ولیمه، انصار، ایثار، هدیه از قرضدار ..... ۱۹۷
- سوگند، خصلت های جاهلیت، سلام در نماز، بیعت با پیامبر ص ..... ۱۹۸
- نیت هجرت، ابوبکر رض، عدالت عمر رض ..... ۱۹۹
- صدقه و هجرت، تزکیه نکردن هیچکس، میراث و صدقه، بیع نقد و نسیه، روزه عاشورا ..... ۲۰۰
- گریه بلند بر مرده، نفقهء عیال، خوشی و امید در فقر، رقابت منفی، نکاح مرد اولاد دار با زن شوهر دیده ..... ۲۰۱
- دفن شهید، عزل، فدیة، احرام، نماز مریض، نماز خوف، دروغ بر آنحضرت ص ..... ۲۰۲
- کفاره در احرام، مثله، عفو در قدرت، ظاهر عمل، گنج بهشت، صیغه و گوشت خر و اسب ..... ۲۰۳
- مال حرام و آتش، منزلت خاله، روزه مسافر، فتح مکه، منع شراب، آموزش قرآن و امامت، حرام در مکه ..... ۲۰۴
- نسبت به غیر پدر - اطاعت در معروف، آسانگیری، شی مستی آور، اتفاق، دعای مظلوم، مردم دوستداشتنی به پیامبر ص، لغو سوگند، مردم یمین، شترداران، گوسفنداران، گرفتن استحقاق خود از بیت المال بدون اجازه والی، به رضای خداج ..... ۲۰۵
- زامانداری زن، بوسیدن میت، آخرین سخن پیامبر ص، شب قدر ..... ۲۰۶

#### جلد پنجم :

- سوره فاتحه، آمین با امام، بزرگترین گناه، اولین نشانهء قیامت، اهل کتاب ..... ۲۰۹
- روزه در روز عا شورا، نزاع کننده، امور مربوط به بیوه، قصاص ..... ۲۱۰
- عدلت حامله، نماز خاشعانه، مسکین کیست ؟ (اصحاب صفه) ..... ۲۱۱
- دعوی بدون ثبوت، طرز دعای پیامبر ص، دعای حضرت ابراهیم ع ..... ۲۱۲
- ستایش بیمورد، اجرت سرپرستی ..... ۲۱۳
- میراث، مراعات با زن (بیوه)، قتل عمد، سلام نشانهء اسلام، هجرت ..... ۲۱۴
- مساس زن، کلاله، عدالت بین زنان، مسایل نماز و تیمم، قتل روا در اسلام، ولی خدا ج ... ۲۱۵ سوگند بیهوده، حلال خدا را حرام نکنید، شراب چیست، قمار، قرعه، علم خدا ج ..... ۲۱۶
- کار زشت، غیرت خدا و مدح خدا ج، سمارق طبیعی، گذشت از اخلاق بد دیگران، سرچشمه اخلاق ..... ۲۱۷



## گلچین ترجمه فارسی دری صحیح البخاری

- ۲۱۸..... هدیه، مسلمان، صدقه کم و آشکار، وسوسه شیطانی، حج اکبر
- ۲۱۹..... عمل خوب و بد، صدقه نشانه توبه، بازگشت از سفر، جماع و قضای حاجت در فضای باز
- ۲۲۰..... نفقه کردن، نجوا، مهلت و گرفت ظالم، بوسیدن زن بیگانه
- ۲۲۱..... امتیاز پرهیزگاری، براعت حضرت بی بی عایشه رض، سوره فاتحه
- ۲۲۲..... فضیلت نماز جماعت و نماز صبح، دعای بعد از آذان با ترجمه، طرز دعا
- ۲۲۳..... مسولیت سرمایه داران، چیزی که نمیدانید نگویند
- ۲۲۴..... احسان، عشق به پیامبر ص
- ۲۲۵..... چیزی را که نمیدانید نگو
- ۲۲۶..... دشنام ندادن دهر، تبسم پیامبر ص، قطع صله، رحم، شکر گذاری پیامبر ص
- ۲۲۷..... خواص پیامبر ص، تاثیر قرآن، منع انداختن سنگریزه، پيشاب در جای غسل، نماز صبح و عصر
- ۲۲۸..... تسبیح بعد نماز، دیدار و سخن با خداج، آینده، طلاق زن قبل از نزدیکی، کفاره سخن بد، کبر از سجده، شق القمر
- ۲۳۰..... آسانی قرآن، ترازو، منہیات برای زنان، عزت مهمان
- ۲۳۱..... مصاحبه ای زن با مرد، بیعت زنان با ایمان، عدت زن حامله، حرام گفتن به زن خود، انتخاب آخرت بر دنیا
- ۲۳۲..... بهشتیان و دوزخیان، حفظ قرآن، تقدیر و عمل نیک و بد
- ۲۳۳..... صفات پیامبر ص، نمره عمل، سخاوت مندی پیامبر ص در رمضان
- ۲۳۴..... اعتکاف پیامبر ص، سوره فاتحه، اخیر سوره بقره، آیت الکرسی، سوره کهف، الفتح : ۱، فضیلت سوره اخلاص
- ۲۳۵..... دعا برای مریض، دعای قبل از خواب، نماز شب و صدقه، مهر
- ۲۳۶..... تکرار قرآن، اخیر سوره ای بقره، طرز خواندن قرآن، شنیدن قرآن، روش در تلاوت قرآن

جلد ششم :

- ۲۴۱..... پیروی از سنت، ازدواج (با یتیمه)، نیت، امر به ازدواج، نکاح
- ۲۴۲..... از حد گذشتن، مجرد، بازگشت از سفر، بهترین زنان، حج مریض، خصی کردن (حیوان)
- صفات زن به خاطر نکاح و بهترین نکاح، امتیاز فقیر بر توانگر ف شومی در سه چیز است، فتنه زن بر مردان، مدت شیر
- ۲۴۳..... خوارگی
- ۲۴۴..... برادران رضاعی، شغار، ازدواج مُحرم (در احرام)، کفو، زمان حرمت توسط شیر دادن، ازدواج با چهار زن
- ۲۴۵..... درخواست ازدواج از جانب زن، درخواست ازدواج برای دختر یا خواهر خویش، وعده با زن در عدت
- ۲۴۶..... دیدن زن قبل از ازدواج، اجازه زن و دوشیزه در نکاح، رضایت زن و ولی در نکاح
- بیع بر بیع و خواستگاری بالای خواستگاری - گمان بد، گفتار سحر، ادای مهر، نخواستن طلاق زن اول از جانب زن دوم،
- ۲۴۷..... بازگشت مهمان به وقتش
- ۲۴۸..... دعا برای داماد، زفاف قبل از غزاه، دعای پیشی (همبستری) با زن، ولیمه
- مهمان، مریض، اسیر، اوامر پیامبر ص و آنچه پیامبر ص از آن منع کرده است، بدترین طعام، پاچه گوسفند، رفتن به محفل
- ۲۴۹..... عروسی، تصویرگری
- ۲۵۰..... مدارا با زن، اذیت همسایه، نیکویی با زنان، نگهداری و مسولیت، دیدن ورزش زنان راه اطاعت شوهر، ترک بستر شوهر

- روزه نفلی زن، اجازه کسی به خانه از جانب (توسط) زن، بهشتیان و دوزخیان، نا سیاسی شوهر، پیوند موی زن، عزل (بر آوردن آلت از فرج باخطر نریختن منی)، سفر و قرعه زن، نوبت زن اول بعد ازدواج..... ۲۵۱
- نزدیکی با زنان و غسل، نزدیکی با زنان بعد از نماز عصر، تظاهر به انبیاغ (امباق)، خنده و گریه انسان دانا، غیرت خداج ..... ۲۵۲
- منع انبیاغ بالای دختر خویش - از نشانه های قیامت، درآمدن بر زنان (خویشاوندان شوهر) ..... ۲۵۳
- خلوت زن و مرد، بیرون رفتن زنان، اجازه مسجد رفتن به زنان، مباشرت زن با زن، عدالت بین زنان، حمو، ذومحرم، نیآمدن به خانه (شبانگاه)، طلاق حیاض..... ۲۵۴
- دیدن مرد (زنش را در زنا)، طلاق، حجاب - سه طلاق و رجعت - واقع شدن یا نشدن طلاق - غسل و حلوا..... ۲۵۵
- سترگناه، سخنان (ناروا) در دل، مسایل طلاق (طلاق توسط دیوانه و مست) ..... ۲۵۶
- خلع (طلاق از طرف زن) ..... ۲۵۷
- دوری جستن از زنان ..... ۲۵۸
- فته از مشرق، زمان افطار، سرپرست یتیم، ایلاء ..... ۲۵۹
- ارثیت از اجداد، لعان و مهر، دادن فرزند به مادر بعد از لعان، ازدواج بعد از حمل ..... ۲۶۰
- طلاق در حالت حیض، سوگواری زن، عده ای زن و آرایش وی - آنچه پیامبر ص منع کرده است، مسایل طلاق، نقش بر اندام و سود ..... ۲۶۱
- نفقه و صدقه - مهربان بر بیوه ها، صدقه با توانگری و به خویشاوندان، آذوقه یکساله، حکم پیامبر ص ..... ۲۶۲
- تسبیحات قبل از خواب، پیامبر ص در کار منزلش، قرض میت، خرج خانه پیامبر ص، آداب غذا خوردن ..... ۲۶۳
- آغاز از جانب راست، نان پیامبر ص، دانسته غذا خوردن، خوردن گوشت سوسمار، کفایت غذای دو نفر به سه نفر، پر خوری .. ۲۶۴
- تکیه کرده غذا نخوردن، کلمهء توحید و نجات از آتش، عیب نگرفتن بالای طعام، نان پیامبر ص، فضیلت حضرت بی بی عایشه رض، سفر ..... ۲۶۵
- شیرینی و غسل، کدو، شکار در احرام، اجازه خواستن برای مهمان اضافه، خرما با خیار، درخت خرما، خوردن خرما، خوردن سیر و پیاز (گندنه) و مسجد - رفتن، شستن دهن بعد از غذا خوردن، لبسیدن دست بعد از غذا خوردن ..... ۲۶۶
- دادن غذا به خدمتگار، شاهانه گوسفند، غذای شب و نماز عشا، عقیقه، سنگریزه انداختن (با دو انگشت)، نگهداری سنگ، غذای بحر (ماهی و امثال آن) ..... ۲۶۷
- خوردن مایه، با آنچه که ذبح منع است، ذبح بعد از نماز عید است، توقف دادن شتر فراری با تیر، گوشت حلال ..... ۲۶۹
- تیرزدن جانور در بند، گوشت درندگان نیشدار، پوست گوسفند مرده، موش در روغن، زدن بر روی حیوان، روزه گرفتن عید، خوردن گوشت قربانی ..... ۲۷۰
- علامات قیامت، (زنا، شراب، زدی و ایمان)، انواع شراب، مسایل مجهول، اعمال خلاف شرع (آلات موسیقی) ..... ۲۷۱
- پوشاندن ظرف غذا (شیر)، اتفاق از چیزی که دوست دارید، اولویت شخص جانب راست، منع نوشیدن پیشاب، نوشیدن آب (بحالت ایستاده) ..... ۲۷۲
- نوشیدن آب (با دهن از جوی، از دهانه مشک)، اذیت همسایه، آداب نوشیدن، پیشاب و استنجا، شفا در شراب نیست، آبنوشیدن در سه دم، ظرف نقره، امر پیامبر ص به هفت چیز و نهی از هفت چیز ..... ۲۷۳
- نعمت مصیبت به مسلمان، مثال موءمن و فاجر، مصیبت نیکویی است، درد بیماری ..... ۲۷۴
- عفو گناه از درده، اجر صبر، صبر در ناپیایی، زن و عیادت مریض، صبر در مصیبت ..... ۲۷۵
- آرزو نکردن مرگ، میا نه روی، شفا در سه چیز است، غسل، حجامت، سیاه دا نه ..... ۲۷۶

## گلچین ترجمه فارسی دری صحیح البخاری

- شیرروغن، تلپینه، حمامات و روزه، چشم نظر، گزدم، متوکلین، قارچ، شیرخشت، عود هندی، مرض ساری، ماه صفر، بوم، رقیه (پانسمان)..... ۲۷۷
- تب و آب، طاعون، اسهال و مرگ، آیت شفا (فاتحه)، رویای صالحه و خواب ناخوشآیند، خواندن چهار قل شریف قبل از خواب..... ۲۷۸
- بدون حساب در بهشت، فال، شرک و سحر، خوردن خرما، فال خوش، مگس در ظرف..... ۲۷۹
- جامهء دراز از تکبر، ایجاد سد پیشروی نمازگذار، لباس در احرام، لباس محبوب..... ۲۸۰
- بیع ای که منع است، پوشاکی که منع است، کلمهء توحید و بهشت، ابریشم، طلا و نقره..... ۲۸۱
- چادرپتو (سیاه، رنگ جامه با زعفران (در احرام))، نماز با کفش، پوشیدن کفش، عمل کم و دایم (مطابق توان)..... ۲۸۲
- امر به هفت چیز، انگشتر طلا و نقره، دوستی حضرت حسن رض، شباهت مرد به زن و برعکس، چیدن سیبیل، پنج چیز از فطرت است، گذاشتن ریش، رنگ کردن مو..... ۲۸۳
- درازی موی پیامبر ص، دیدن بدون اجازه، حیاض و شوهر، روزه، عطر، آنکه مورد لعنت خداست، چشم نظر، از آنچه پیامبر ص منع کرده است..... ۲۸۴
- صورتنگری، پرده صورتدار، صورت و سگ در خانه، دراز کشیدن بر پشت، اعمال بهتر نزد خدا ج، حق مادر..... ۲۸۵
- خدمت والدین (بهتر از جهاد)، دشنام ندادن والدین، ا و امر اسلام، بزرگترین گناه، احسان با والدین مشرک و مشرکین..... ۲۸۶
- ا و امر پیامبر ص، تحفه را گرفتن و به کسی دادن - اعمال نیکو، پیوند با خویشاوندان، فراخی روزی و درازی عمر، صلهء رحم و رحمت خداوند ج..... ۲۸۷
- واصل، نماز با طفل، شفقت با اطفال، رحمت خداوند ج..... ۲۸۸
- مهربانی با بیوه، غرس درخت صدقه است، نیکی با همسایه، اذیت همسایه، خاموشی، تحفه همسایه، مهمانی..... ۲۸۹
- انواع صدقه - گذشت از جاهل، بهترین مسلمان، نرمش، ناسزاگویی..... ۲۹۰
- صفات پیامبر ص، جواب رد ندادن (سایل را)، بیهوده گویی، علامات قیامت، اخلاق پیامبر ص با خدمتگار، شوهر در امور خانه، دوستی خداج بنده را..... ۲۹۱
- دوری از کفر، ریشخند کردن، شیرینی ایمان، خنده نکردن بر باد کسی، نزدن زن، دشنام و کشتن مسلمان، نسبت ندادن مسلمان به فسق، سخن پیامبر هنگام عتاب، سوگند..... ۲۹۲
- نذر، کافر گفتن مسلمان، روش با زیردستان، آلودگی با پیشاب، سخن چینی..... ۲۹۳
- طریقه روزه، دورویی، غیبت، مدح سرایی، گمان بد، حسد..... ۲۹۴
- کیه، افشاکنندگان خویش - بخشش خداوندی، تواضع، بدخوی، بخیل، متکبر... ۲۹۵ آغاز سلام، محفل عقد برادری (دوستی)، غسل احتلام بر زن - خنده پیامبر ص، راستی، دروغ، نشانهء منافق..... ۲۹۶
- شکبیایی خداوند ج، پیروی پیامبر ص - حیای پیامبر ص، لعنت کردن مسلمان و نسبت او به کفر، سخن بد و صدقه، سوگند..... ۲۹۷
- اما مت نماز، آب بینی در نماز، نماز در خانه، نیرومند اصلی، تسبیح در وقت خشم، نتیجهء حیا..... ۲۹۸
- آسانگیری، انتقام بخاطر خداج، شرایط ترک نماز..... ۲۹۹
- تجربه ای مسلمان - سه روز روزه در ماه، مهمان و میزبان، اذیت نکردن همسایه، گرفتن حق (مهمان)..... ۳۰۰
- صلهء رحم، احترام بزرگان، شعر، تزکیه نکردن کسی، با کسی استید که او را دوست میدارد (دوستی خداج و رسول ص)..... ۳۰۱
- اسم نیکو، اسم نا پسند - نماز شب، پرتاب سنگریزه با انگشت، مفلس، پهلوان، پادشاه، جواب عطسه..... ۳۰۲
- اوامر پیامبر ص - خمیازه، نگاه حرام..... ۳۰۳

- نگاه به زنان، حق راه، صفات نیکوی مسلمان ..... ۳۰۴
- زنانی اعضا، آداب سلام، طرز اجازه خواستن، طرز نماز خواندن ..... ۳۰۵
- نرمی در کارها - دست دادن، صدقه پیامبر ص ..... ۳۰۶
- آداب مجلس، نماز در اتاق خواب ..... ۳۰۷
- آداب سخن (سه نفر)، نگهداشتن راز، آتش و خواب، ادب در دعا، اعمال قبل از خواب - پنج فطرت (سنت)، شفاعت امت ..... ۳۰۸
- دعای شب و روز، شرط قیامت، استغفار، ترس مومن از گناه ..... ۳۰۹
- نماز شب، اعمال قبل از خواب، دعای بعد از خواب، آداب خواب، دعای شب ..... ۳۱۰
- تسبیحات بهتر از داشتن کتین، دعا وقت خواب، آداب و دعای قبل از خواب ..... ۳۱۱
- دعای شب، دعای قبل از رفع حاجت، دعای استغفار، دعا، تسبیح بعد نماز، دعای بعد از نماز ..... ۳۱۲
- اندازه (طول مدت) وعظ، قاطعیت در دعا، صبر در دعا، طرز دعای پیامبر ص، طلب باران ..... ۳۱۳
- دعا در مشقت، پناه جستن، آرزوی مرگ، طرز درود، دعای پیامبر ص، عذاب قبر ..... ۳۱۴
- بخل، پیری، استخاره ..... ۳۱۵
- گنجینه از بهشت، دعا، دعا در جمعه، آمین یا امام ..... ۳۱۶
- تسبیح روزانه، امتیاز ذاکر ..... ۳۱۷
- تعداد اسمای خداوند ج (عدد طاق) ..... ۳۱۸
- وقفه در وعظ ..... ۳۱۹

#### جلد هفتم :

- سلامت و فراغت، (بهشت، جهاد و دنیا)، اجل و آرزو، شصت سالگی ..... ۳۲۳
- دل پیر، کلمه توحید نجات از آتش، صبر در مرگ عزیزان، فقر و مشغولیت ثروت، مال دنیا ..... ۳۲۴
- اعمال ناپسند و بی تفاوتی در دین، جای مصرف (دارایی) دنیا، انتظار نماز و تواضع، کمبود افراد نیک ..... ۳۲۵
- دلپسته، دینار، حرص انسان و قبول توبه، تفاخر به مال، دعا، دست بالا ..... ۳۲۶
- مال وارث، صدقه و قرض، فضیلت مرد فقیر ..... ۳۲۷
- اهل بهشت و دوزخ، غذای پیامبر ص، خرما ..... ۳۲۸
- عمل دوستداشتنی پیامبر ص، نماز شب، میانه روی، عمل دوامدار، استغنا از خلق ..... ۳۲۹
- شکرگزاری پیامبر ص، سه گروه که بدون حساب به بهشت میروند، تسبیح بعد نماز پیامبر، از آنچه پیامبر ص منع کرده است، حفظ زبان و شرمگاه، مهمان نوازی و خاموشی، سخن نیک ..... ۳۳۰
- یاد خداج و اشک، خواص مسلمان و مهاجر، احاطه دوزخ و بهشت، نظر به پایین تر از خود ..... ۳۳۱
- بزرگ دانستن گناه، خاتمه اعمال، مردم بهتر کدام اند ؟ ..... ۳۳۲
- بهترین مال مسلمان، علامات قیامت، مردم خوب، ریا، حق خدا بر بنده و برعکس ..... ۳۳۳
- دوستی با دوست خداج، دوست خدا، دیدار خداج، مال و عمل مرده (میت) ..... ۳۳۴
- حساب خونهوا، بخشش از گناهان، حساب اعمال، عاقبت کافر ..... ۳۳۵
- نجوا، صدقه و دوزخ، زن بهشتی، زن طلاق زن اول مرد را شرط نگذارد، عمل و تقدیر ..... ۳۳۶
- نذر، کلمه از بهشت، زنا، دعا ..... ۳۳۷

## گلچین ترجمه فارسی دری صحیح البخاری

- ۳۳۸..... رد و كفارهء سوگند، تقاضای امارت، برگشت از سوگند، محبت با پیامبر ص
- ۳۳۹..... هدیه و رشوت، زیانکاران، فضیلت سوره اخلاص، طریقه ای سوگند
- انگشت طلا، سوگند به غیر از دین اسلام، خود کشتی، لعنت کردن مسلمان، مسلمان را به کفر نسبت دادن، کمک در اجرای
- ۳۴۰..... سوگند، صبر و رحم
- ۳۴۱..... مرگ فرزندان، اهل ( بهشت و دوزخ )، فروختن سوگند، وسوسه، منع از سوگند، گفتن به خطا، مناسک حج، طرز نماز
- ۳۴۲..... فراموشی در روزه، سجده سهو، گناهان کبیره، سوگند دروغ و مال حرام
- ۳۴۳..... صدقه و گذشت توانمندان، تسیحات، اهل بهشت، مسایل مربوط به نذر
- ۳۴۴..... تقاضا نکردن امارت (امیر بودن)، گمان، مسایل میراث
- خواهرزاده، گرفتن میراث (مسلمان از کافر و برعکس)، نسبت دادن به غیر پدر، (ایمان زناکار، شرابی، دزد و غارتگر)،
- ۳۴۶..... میراث
- ۳۴۷..... چی وقتها مسلمان ایمان ندارد ؟، بیعت با پیامبر ص، آسانگیری و انتقام به خاطر خدا ج
- ۳۴۸..... حفظ شرمگاه و زبان، گناهان بزرگ، جماع با زن در رمضان
- ۳۴۹..... پوشیدن گناه (حکم زنا)، روی گرداندن از پدر کفر است، جزای زانی (مجرد)
- ۳۵۰..... مرد زن نما و زن مرد نما، انتقام به خاطر خدا ج، هفت چیز تباه کننده
- ریختن خون حرام به ناحق، گدشتن از جلو نماز گذار، تهمت زنا به زنان، قتل ناحق، گناهان کبیره، جنگ دو مسلمان، کشتن
- ۳۵۱..... مسلمان، خوارترین کسان نزد خدا ج، بدون اجازه داخل خانه کسی دیدن
- ۳۵۲..... قصاص، سقط جنین و دیت، خونبها، روش با خدمتگار، در حالتیکه دیت (خونبها) نیست، گنج یافت شده
- کشتن ذمی (کافر در دیار اسلام)، بزرگترین گناهان، سوختاندن انسان، جواب سلام اهل کتاب، خوارج، حیوان امانت،
- ۳۵۳..... مسلمان در قتل کافر کشته میشود، علامه قیامت
- ۳۵۴..... نجات از دوزخ، تقیه، سه صفت برای شیرینی ایمان، اختیار زن در نکاح
- ۳۵۵..... سوگند دادن ظالم مظلوم را و بر عکس، ظلم و حاجت مسلمان، وضو و نماز، حبله در ذکات
- ۳۵۶..... شغار، متعه کردن زنان، منع آب، بیع نجش
- ۳۵۷..... فریب در معاملات، مال یا فیصله (ناحق) را نپذیرفتن (از قاضی به نفع شخص)، نکاح با بیوه (فیصله)، نگرفتن بخشش خود.....
- ۳۵۸..... شفعه در مال، همسایه، معاملات حرام، صفات پیامبر ص (قبل از اسلام)، خواب خوب و بد
- ۳۵۹..... پیامبر ص را در خواب دیدن، علم حضرت عمر رض، صفات پیامبر ص، انواع خواب
- ۳۶۰..... نماز شب، خواب دروغ، بدترین دروغ ها، برخورد با خواب بد
- ۳۶۱..... ترک قرآن و نماز فرض، گفتن و پخش دروغ، زناکار، سودخور، آمیختن اعمال خوب و بد، بدعتگذار در دین، خود گزینی
- ۳۶۲..... صبر با امیر، بیعت، علامات قیامت، احتیاط با تیره، دشنام دادن مسلمان
- ۳۶۳..... فتنه های آینده، جنگ دو مسلمان (قاتل و مقتول در دوزخ)، خیر و شر
- ۳۶۴..... امانتداری، فتنه مرد و دفع آن، ناصح بی عمل و جزایش، ولایت زن، منافق امروزی
- ۳۶۵..... نشانه های قیامت، حسد روا، اطاعت از امام، مسایل امارت، آسانی به مردم نه مشقت
- ۳۶۶..... نان حلال، دوستی خدا و رسول ص، صبر واقعی، حکم قاضی خشمگین
- ۳۶۷..... قبول صدقه بدون درخواست، دورویی، ستیزه جو، متوجه ساختن امام در جماعت، صفات قاضی
- ۳۶۸..... سه گروه که مورد عذاب اند، مسایل مربوط به قضاوت و حکم، بیعت با پیامبر ص، طریقه بیعت پیامبر با زنان، صدقه و قرض

- حسادت روا، آرزو کردن مرگ، رقابت منفی - آرزو نکردن مرگ، نماز خفتن، مسواک، هجرت ..... ۳۶۹
- اطاعت از امیر، روزه عاشورا، امانت و امانت داری، قرآن، حدیث، بدعت، ابا و ورزیدن از رفتن به جنت، حذر از نادان، سوال زیاد ..... ۳۷۰
- نماز در خانه، ضیاع مال، نیکخواهی، انگشتر طلا، علم دین ..... ۳۷۱
- علامه قیامت، علم و مسایل مربوط به آن، اهل کتاب، خواندن قرآن، دو رکعت قبل از شام، سوره اخلاص ..... ۳۷۲
- رحم به مردم، اشک ریختن، شکیبایی خداج، صفات خداوند ج، پرسیدن از اهل کتاب، نماز عید، توکل، دعا ..... ۳۷۳
- تکبیر به آهستگی، دعا، استخاره ..... ۳۷۴
- اسمای خداوند ج، دعای شب و صبح، دعای نزدیکی با زن (همسر) ..... ۳۷۵
- گوشت ذبح توسط مسلمان، ذبح قربانی توسط پیامبر ص، دعای استخاره، صفات خداوند ج، غلبه رحمت خدا ج بر خشمش، برخورد خداوند با بنده اش (حدیث قدسی) ..... ۳۷۶
- تقدیر خلقت، نجات از دوزخ، غیرت خداوند ج، آفرینش، حق بنده نیک بر خداوند ج، درجات بهشت ..... ۳۷۷
- دعا در وقت رنج، دیدار خداوند ج، نماز صبح و عصر، سخن خداوند ج با بنده اش ..... ۳۷۸
- سه کس که خداوند ج در روز قیامت با ایشان سخن نمیگوید، صبر در گرفت خداوند ج، مجاهد واقعی، استواری در امر خداوند ج ..... ۳۷۹
- قاطعیت در دعا، مثال مومن و کافر، بیعت با پیامبر ص، رحم خداوند ج به نیکوکار، نشانه های وجود خداوند ج، دعای پیامبر ص به امتش ..... ۳۸۰
- کمک به سائل، دعای قبل از خواب، دشنام ندادن زمانه - فضایل روزه، دعای نیمه شب ..... ۳۸۱
- انفاق، صفات بهشت، کار بد و نیک - صله رحم و قطع آن، اشتیاق دیدار خداوند ج، گمان خوب به خداوند ج ..... ۳۸۲
- فضیلت گفتن کلمه توحید، پاداش نیکی (نماز) ده برابر، خواندن قرآن به صدای خوش، یاد خداوند ج، فضیلت دو رکعت نماز بعد از هر وضو - رو آوردن بنده به خداوند ج و پذیرش از جانب خداوند ج (حدیث قدسی) ..... ۳۸۳
- فضیلت آذان دادن، قرآن خواندن با زن حایض - آسانی در خواندن قرآن، ظهور گروه ریا کار از مشرق (برگشته از دین)، تسبیح مفید ..... ۳۸۴